



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته

گرایش

عنوان:

"بررسی تطبیقی فرزند خواندگی در حقوق ایران و انگلستان"

استاد راهنما:

نگارش:

.....

پاییز ۱۴۰۴

سورة الاحقاف



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

بیایم از خداوند سبحان و اعتقاد بر این که عالم محضر خداست و بموازه ناظر بر افعال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه آیهت جلیله دانشگاه و انشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادیان و اعضا بنیت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی به نظر قرار داده و از آن تحفظ می کنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانست: التزام به برانست جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.



تعهدنامه اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته/دکتری تخصصی در رشته که در تاریخ از پایان نامه/رساله خود تحت عنوان " بررسی تشخیص عیوب لوله های انتقال گاز با استفاده از شبکه های عصبی مصنوعی "با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه یا رساله داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) دانشگاه آزاد اسلامی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته

گرایش

عنوان:

"بررسی تطبیقی فرزند خواندگی در حقوق ایران و انگلستان"

استاد راهنما:

نگارش:

.....

پاییز ۱۴۰۴

صورت جلسه دفاع

تقدیم به:

محضر ارزشمند خانواده عزیزم؛

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگی

و به پاس محبت های بی دینشان که هرگز فروکش نمی کند.

به استادان فرزانه و فرهیخته ای که در راه کسب علم و معرفت مرایای نمودند.

پاسکزاری

بر خود واجب می دانم از استاد فرزانه جناب دکتر..... که به عنوان استاد راهنما در مراحل مختلف این پایان نامه، همواره با صبر و کثافت رویی از من حمایت کردند، تشکر و قدردانی نمایم؛

جناب آقای دکتر..... به عنوان استاد مشاور مسئولیت سبکبانی را قبول زحمت فرمودند و مطمئناً بدون حمایت و راهنمایی ها و روحیه بخشی ایشان، انجام بخش می از این رساله میسر نمی شد. بدین وسیله از بزرگواری، حسن سلوک و حمایت بی دریغ ایشان تشکر کرده و برای ایشان طول عمر توام با سر بلندی را آرزو مندم

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
بیان مسأله.....	۳
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۷
اهداف پژوهش.....	۸
هدف اصلی.....	۸
اهداف فرعی.....	۸
سوالات پژوهش.....	۸
سوال اصلی.....	۸
سوالات فرعی.....	۸
پیشینه تحقیقات.....	۹
فصل اول: مبانی و مفاهیم تحقیق.....	۲۱
گفتار اول: فرزندخواندگی.....	۲۱
گفتار دوم: نسب.....	۲۴
گفتار سوم: مصلحت کودک.....	۲۸
گفتار چهارم: نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان.....	۳۱
گفتار پنجم: حضانت.....	۳۵
گفتار ششم: نفقه.....	۳۶
گفتار هفتم: ولایت.....	۳۷
گفتار هشتم: مبانی فقهی و حقوقی کلیدی (قاعده لاضرر، اصل مصلحت کودک و سایر مبانی).....	۳۸

خلاصه و جمع‌بندی فصل اول.....	۴۱
فصل دوم: تحلیل تطبیقی احکام و آثار حقوقی فرزندخواندگی.....	۴۲
گفتار اول: شرایط عمومی و اختصاصی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان.....	۴۳
بند اول: شرایط سنی و خانوادگی زوجین متقاضی فرزندخواندگی.....	۴۳
الف: نظام حقوقی ایران.....	۴۳
ب: نظام حقوقی انگلستان.....	۴۵
بند دوم: معیارهای احراز صلاحیت اخلاقی و مالی والدین.....	۴۷
بند سوم: نقش نهادهای قضایی و اداری در تأیید فرزندخواندگی.....	۴۹
بند چهارم: فرآیند انتخاب و انطباق کودک با خانواده متقاضی.....	۵۱
الف: مراحل اولیه شناسایی و ارزیابی کودک.....	۵۱
ب: گزینش و تطبیق اولیه خانواده‌ها.....	۵۲
پ: دوره انطباق و نظارت میدانی.....	۵۳
گفتار دوم: حقوق و مسئولیت‌های والدین و فرزندان در فرایند فرزندخواندگی.....	۵۵
بند اول: حقوق قانونی کودک فرزندخوانده در خانواده جدید.....	۵۵
بند دوم: مسئولیت‌های والدین نسبت به کودک از منظر قانونی.....	۵۷
الف: قانون ایران.....	۵۷
ب: قانون انگلستان.....	۵۹
بند سوم: الزامات مربوط به حضانت، نفقه و آموزش کودک.....	۶۱
الف: الزامات حقوقی حضانت کودک در قوانین ایران و انگلستان.....	۶۱
ب: الزامات حقوقی نفقه کودک در قوانین ایران و انگلستان.....	۶۲
پ: الزامات حقوقی آموزش کودک در قوانین ایران و انگلستان.....	۶۴

- بند چهارم: استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم فرزندخواندگی ۶۵
- الف: استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم سرپرستی در ایران ۶۵
- ب: استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم سرپرستی در انگلستان ۶۷
- گفتار سوم: تفاوت‌های ساختاری و حقوقی در قواعد فرزندخواندگی ۶۹
- بند اول: تفاوت در آثار نسبی و ارثی فرزندخواندگی ۷۰
- بند دوم: تفاوت در نحوه صدور حکم و ثبت فرزندخواندگی ۷۲
- بند سوم: میزان اختیارات والدین در فسخ یا تغییر فرزندخواندگی ۷۵
- الف: اختیارات سرپرستان در فسخ یا تعدیل رابطه سرپرستی در ایران ۷۵
- ب: اختیارات سرپرستان در فسخ یا تعدیل رابطه فرزندخواندگی در انگلستان ۷۷
- بند چهارم: امکان تغییر نام و هویت کودک در اسناد رسمی ۷۹
- گفتار چهارم: تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در فرزندخواندگی ۸۲
- بند اول: نگرش دینی و عرفی جامعه نسبت به فرزندخواندگی ۸۳
- بند دوم: نقش مذهب در فرآیند پذیرش کودک ایران ۸۶
- بند سوم: حمایت‌های اجتماعی و جایگاه نهادهای مدنی ۸۹
- الف: نقش سازمان‌های دولتی در ارائه حمایت‌های اجتماعی ۸۹
- ب: جایگاه نهادهای مدنی در ترویج فرهنگ فرزندخواندگی ۹۱
- بند چهارم: میزان آگاهی عمومی و پذیرش فرهنگی نهاد فرزندخواندگی ۹۳
- گفتار پنجم: تاریخچه قوانین فرزندخواندگی در ایران و انگلستان ۹۶
- بند اول: تاریخچه قوانین فرزندخواندگی در ایران ۹۶
- بند دوم: تاریخچه قوانین فرزندخواندگی در انگلستان ۹۷
- بند سوم: مقایسه تطبیقی ۹۸

گفتار ششم: تحلیل میزان حمایت قانونی از حقوق کودک در فرایند فرزندخواندگی.....	۹۹
بند اول: اصل رعایت مصلحت عالی کودک در تصمیمات قضایی.....	۱۰۰
بند دوم: حمایت‌های حقوقی و روانی از کودک پس از پذیرش.....	۱۰۴
الف: حمایت‌های حقوقی پس از پذیرش.....	۱۰۴
ب: حمایت‌های روانی پس از پذیرش.....	۱۰۶
بند سوم: نقش نهادهای نظارتی و حمایتی در تضمین حقوق کودک.....	۱۰۹
بند چهارم: چالش‌های عملی در اجرای حقوق کودک در دو نظام.....	۱۱۲
الف: محدودیت‌های اجرایی در نظارت و پیگیری وضعیت کودک.....	۱۱۲
ب: کمبود برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای سرپرستان و والدین خوانده.....	۱۱۴
گفتار هفتم: پیشنهادهای اصلاحی برای تقویت نظام فرزندخواندگی در ایران.....	۱۱۶
بند اول: اصلاح قوانین با هدف تقویت حقوق کودک فرزندخوانده.....	۱۱۶
بند دوم: به‌کارگیری الگوهای موفق اجرایی از نظام انگلستان.....	۱۱۹
بند سوم: تقویت نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های حمایتی.....	۱۲۱
بند چهارم: ارتقاء آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی در حوزه فرزندخواندگی.....	۱۲۲
جمع بندی و خلاصه ی فصل دوم.....	۱۲۴
فصل سوم: آثار ناشی از فرزندخواندگی در ایران و انگلستان.....	۱۲۶
مقدمه.....	۱۲۷
گفتار اول: آثار فرزندخواندگی در روابط خانوادگی.....	۱۲۷
بند اول: محرمیت و آثار آن.....	۱۲۷
الف) مفهوم محرمیت در فرزندخواندگی.....	۱۲۷
ب) محرمیت رضاعی در حقوق ایران.....	۱۲۸

- ب) ازدواج فرزندخوانده با اعضای خانواده سرپرست ۱۲۸
- ت) آثار محرمیت در دیگر روابط خانوادگی ۱۲۹
- بند دوم: نسب و آثار آن ۱۲۹
- الف) عدم ایجاد نسب در حقوق ایران ۱۲۹
- ب) ایجاد نسب در حقوق انگلستان ۱۳۰
- ت) تأثیر نسب بر شناسنامه و هویت ۱۳۰
- بند سوم: نام خانوادگی و هویت اجتماعی ۱۳۱
- الف) نام خانوادگی در حقوق ایران ۱۳۱
- ب) نام خانوادگی در حقوق انگلستان ۱۳۱
- ج) آثار روانی و اجتماعی تفاوت در نظام‌ها ۱۳۱
- گفتار دوم: حضانت و سرپرستی ۱۳۲
- بند اول: مفهوم و ماهیت حضانت ۱۳۲
- الف) حضانت در حقوق ایران ۱۳۲
- ب) حضانت در حقوق انگلستان ۱۳۲
- بند دوم: انتقال و انقضای حضانت ۱۳۳
- الف) شرایط تحویل کودک در حقوق ایران ۱۳۳
- ب) پروسه فرزندخواندگی در حقوق انگلستان ۱۳۳
- ت) پایان حضانت و اقدامات بعدی ۱۳۴
- بند سوم: نظارت بر حضانت و حمایت از کودک ۱۳۴
- الف) نقش سازمان بهزیستی در ایران ۱۳۴
- ب) نظارت اجتماعی در انگلستان ۱۳۵

- ت) مقایسه نظام‌های نظارتی ۱۳۵
- گفتار سوم: ولایت و قیمومیت ۱۳۶
- بند اول: مفهوم ولایت در فرزندخواندگی ۱۳۶
- الف) ولایت در فقه و حقوق ایران ۱۳۶
- ب) ولایت در حقوق انگلستان ۱۳۶
- بند دوم: محدودیت‌های ولایت در ایران ۱۳۷
- الف) تصمیم‌گیری‌های پزشکی و تحصیلی ۱۳۷
- ب) امور مالی و معاملات ۱۳۷
- پ) راه‌حل‌های قانونی برای رفع محدودیت ۱۳۷
- بند سوم: اختیارات والدین فرزندخوانده در انگلستان ۱۳۸
- الف) دامنه مسئولیت والدینی ۱۳۸
- ب) محدودیت‌های مسئولیت والدینی ۱۳۹
- گفتار چهارم: آثار مالی فرزندخواندگی ۱۳۹
- بند اول: نفقه و انفاق ۱۳۹
- الف) نفقه در حقوق ایران ۱۳۹
- ب) مقایسه با حقوق انگلستان ۱۴۰
- پ) کمک‌های دولتی و حمایت‌های مالی ۱۴۰
- بند دوم: توارث ۱۴۱
- الف) عدم توارث در حقوق ایران ۱۴۱
- ب) راه‌حل‌های قانونی برای انتقال اموال ۱۴۱
- پ) توارث کامل در حقوق انگلستان ۱۴۲

بند سوم: سایر آثار مالی.....	۱۴۲
الف) بیمه و مزایای اجتماعی.....	۱۴۲
ب) تحصیل و هزینه‌های آموزشی.....	۱۴۳
گفتار پنجم: آثار کیفری فرزندخواندگی.....	۱۴۳
بند اول: قصاص و دیات.....	۱۴۳
الف) قصاص در فقه و حقوق ایران.....	۱۴۳
ب) دیات و ارش.....	۱۴۴
پ) قصاص در حقوق انگلستان.....	۱۴۴
بند دوم: سایر جرایم علیه اشخاص.....	۱۴۵
الف) ضرب و جرح و آزار.....	۱۴۵
ب) سوء استفاده جنسی و جرایم جنسی.....	۱۴۵
پ) غفلت و بی‌توجهی به کودک.....	۱۴۶
بند سوم: جرایم مربوط به نقض قوانین فرزندخواندگی.....	۱۴۶
الف) فرزندفروشی و قاچاق کودک.....	۱۴۶
ب) نقض تعهدات سرپرستی.....	۱۴۷
پ) ربودن و بازگرداندن غیرقانونی کودک.....	۱۴۷
جمع بندی و خلاصه ی فصل سوم.....	۱۴۸
نتیجه گیری.....	۱۵۱
پیشنهادهای پژوهش.....	۱۵۴
پیشنهادهای کاربردی.....	۱۵۴
پیشنهادهای پژوهشی.....	۱۵۵

فهرست منابع ۱۵۶

منابع داخلی ۱۵۶

منابع لاتین ۱۶۷

چکیده

فرزندخواندگی به عنوان یکی از نهادهای حقوقی با ریشه‌های عمیق تاریخی و اجتماعی، در نظام‌های حقوقی مختلف جهان جایگاهی برجسته دارد. این نهاد، که از دیرباز به عنوان راهکاری برای حمایت از کودکان بدون سرپرست یا نیازمند مراقبت مطرح بوده، در هر نظام حقوقی با توجه به ساختارهای فرهنگی، دینی، و اجتماعی آن جامعه، ویژگی‌ها و قواعد خاص خود را توسعه داده است. بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، فرصتی منحصر به فرد برای تحلیل و مقایسه دو نظام حقوقی با پیشینه‌های کاملاً متمایز فراهم می‌آورد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان می‌باشد. روش این تحقیق توصیفی تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش، روش تطبیقی برای مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان به کار گرفته شده است. تحلیل داده‌ها با استناد به منابع فقهی، قوانین مدنی و اسناد بین‌المللی انجام شده تا تفاوت‌ها و شباهت‌های فرزندخواندگی بررسی شود. بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان نشان‌دهنده تفاوت‌های عمیق در مبانی حقوقی و فرهنگی است. در ایران، محدودیت‌های فقهی منجر به تأکید بر سرپرستی موقت شده، در حالی که انگلستان با فرزندخواندگی کامل، حقوق کودک را به طور جامع تأمین می‌کند. چالش‌های ایران شامل فقدان نظارت مؤثر، آموزش سرپرستان و حمایت‌های مالی پایدار است. اصلاح قوانین، تقویت نظارت و فرهنگ‌سازی می‌تواند حقوق کودک را در ایران بهبود بخشد.

کلمات کلیدی: فرزندخواندگی، حقوق کودک، ایران، انگلستان

مقدمه

بیان مسأله

فرزندخواندگی به عنوان یکی از نهادهای حقوقی با ریشه‌های عمیق تاریخی و اجتماعی، در نظام‌های حقوقی مختلف جهان جایگاهی برجسته دارد. این نهاد، که از دیرباز به عنوان راهکاری برای حمایت از کودکان بدون سرپرست یا نیازمند مراقبت مطرح بوده، در هر نظام حقوقی با توجه به ساختارهای فرهنگی، دینی، و اجتماعی آن جامعه، ویژگی‌ها و قواعد خاص خود را توسعه داده است. بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، فرصتی منحصر به فرد برای تحلیل و مقایسه دو نظام حقوقی با پیشینه‌های کاملاً متمایز فراهم می‌آورد. حقوق ایران، که ریشه در فقه اسلامی و به ویژه فقه شیعه دارد، و حقوق انگلستان، که بر پایه نظام کامن‌لا و تحولات قانونی مدرن شکل گرفته، دو دیدگاه متفاوت به این نهاد حقوقی ارائه می‌دهند. این تفاوت‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و اولویت‌های جوامع مربوطه هستند، بلکه نشان‌دهنده تأثیر عمیق فرهنگ و تاریخ بر شکل‌گیری قوانین و رویه‌های حقوقی‌اند. در نظام حقوقی ایران، فرزندخواندگی تحت تأثیر اصول و قواعد فقهی و شرعی قرار دارد.^۱ فقه شیعه، به عنوان مبنای اصلی قانون‌گذاری در ایران، با تأکید بر حفظ نسب و روابط خونی، چارچوب‌های مشخصی برای این نهاد تعریف کرده است. قوانین مدنی ایران و مقررات مرتبط، مانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، تلاشی برای ایجاد تعادل بین نیازهای کودکان بدون سرپرست و الزامات شرعی را نشان می‌دهند. این قوانین، ضمن به رسمیت شناختن اهمیت حمایت از کودکان، محدودیت‌هایی را در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی اعمال کرده‌اند. برای مثال، در حقوق ایران، فرزندخواندگی به معنای کامل کلمه، که شامل انتقال تمام حقوق و تکالیف والدینی باشد، به صورت محدود پذیرفته شده و بیشتر بر جنبه‌های سرپرستی و کفالت تأکید دارد. این رویکرد، ریشه در ملاحظات شرعی و فرهنگی دارد که حفظ هویت نسبی کودک و جلوگیری از اختلاط نسب را در اولویت قرار می‌دهند.

^۱ عالمی طامه، حسن، (۱۳۹۱)، فرزند خواندگی در اسلام، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی. ص ۱۰۰

در نتیجه، فرزندخواندگی در ایران بیشتر به شکل سرپرستی موقت یا دائم تعریف می‌شود که در آن حقوق و تکالیف والدین زیستی تا حد زیادی حفظ می‌گردد. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان رویکردی متفاوت به فرزندخواندگی اتخاذ کرده است. این نظام، که در چارچوب کامن‌لا و قوانین پارلمانی توسعه یافته، فرزندخواندگی را به‌عنوان یک نهاد حقوقی کاملاً تثبیت‌شده به رسمیت می‌شناسد. قوانین انگلستان، مانند قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، بر تأمین منافع کودک به‌عنوان هدف اصلی تأکید دارند و فرآیندهای قانونی را برای تسهیل این امر طراحی کرده‌اند. در این نظام، فرزندخواندگی به معنای انتقال کامل حقوق و تکالیف والدینی از والدین زیستی به والدین خوانده است، به‌گونه‌ای که کودک از نظر حقوقی به‌طور کامل به خانواده جدید ملحق می‌شود. این انعطاف‌پذیری در قوانین انگلستان، امکان فرزندخواندگی را برای گروه‌های متنوعی از جمله زوج‌های همجنس، افراد مجرد، و حتی افرادی با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت فراهم کرده است. این رویکرد، بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و نیازهای مدرن جامعه انگلستان است که بر تنوع و شمول تأکید دارد. مقایسه این دو نظام حقوقی، نه تنها تفاوت‌های ساختاری و محتوایی قوانین را آشکار می‌کند، بلکه تأثیر عمیق فرهنگ، مذهب، و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بر شکل‌گیری این نهاد را برجسته می‌سازد.^۲ در ایران، تأکید بر حفظ ارزش‌های سنتی و شرعی، و در انگلستان، توجه به انعطاف‌پذیری و تطبیق با نیازهای جامعه مدرن، دو مسیر متمایز را در برابر فرزندخواندگی قرار داده‌اند. با این حال، هر دو نظام حقوقی هدفی مشترک را دنبال می‌کنند: تأمین امنیت، رفاه، و آینده‌ای بهتر برای کودکان. این بررسی تطبیقی، با شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام، می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود کمک کند و راه را برای اصلاحات احتمالی در قوانین و رویه‌ها هموار سازد. بررسی تطبیقی فرزندخواندگی، به دلیل پیچیدگی‌های حقوقی و اجتماعی آن، نیازمند نگاهی عمیق به مبانی نظری و عملی هر دو نظام است. این مطالعه، با تحلیل دقیق تفاوت‌ها و شباهت‌ها، نه تنها به شناسایی کاستی‌ها و مزیت‌های هر نظام کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تبادل تجربیات و ایده‌ها بین نظام‌های حقوقی مختلف منجر شود. در نهایت، این پژوهش در پی آن است که با تمرکز بر فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، درک جامع‌تری از این نهاد حقوقی ارائه دهد و جایگاه آن را در نظام‌های حقوقی معاصر تبیین کند. این بررسی می‌تواند به‌عنوان گامی در جهت ارتقای سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اجتماعی در راستای حمایت از کودکان بدون سرپرست مورد استفاده قرار گیرد.

^۲ صفایی، سید حسین؛ امامی، اسد الله، (۱۳۸۵ش)، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر دادگستر. ص ۱۲۳

امروزه، در جهانی که تحولات اجتماعی و فرهنگی به سرعت در حال وقوع است، نهاد فرزندخواندگی به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای حقوقی برای حمایت از کودکان محروم از سرپرست یا در معرض آسیب، جایگاه ویژه ای یافته است. این نهاد، که با هدف تأمین امنیت و رفاه کودکان شکل گرفته، تحت تأثیر ساختارهای حقوقی، ارزش های فرهنگی و دینی، و نیازهای اجتماعی هر جامعه، تفاوت های قابل توجهی در اجرا و تفسیر یافته است. در عصر حاضر، با افزایش آگاهی جهانی نسبت به حقوق کودکان، فرزندخواندگی به عنوان یک راه حل حقوقی و اجتماعی برای پاسخ به نیازهای کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، تفاوت های عمیق بین نظام های حقوقی، از جمله نظام مبتنی بر فقه اسلامی در ایران و نظام کامن لا در انگلستان، منجر به رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است. این تفاوت ها، که از مبانی نظری، ارزش های اجتماعی، و اولویت های قانونی نشأت می گیرند، بر نحوه حمایت از کودکان و شکل گیری روابط خانوادگی تأثیر می گذارند. بررسی این موضوع در دو نظام حقوقی متمایز، می تواند به روشن شدن ابعاد پیچیده این نهاد و ارائه دیدگاه هایی برای اصلاحات حقوقی کمک کند. نگهداری از کودکانی که به نحوی از نعمت حضور والدین در کنار خود محروم هستند، از دیر باز به مقاصد گوناگون تحت عنوان فرزند خوانده از طرف پدرخوانده در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است.^۳ فرزندخواندگی، به عنوان یک سازوکار حقوقی و اجتماعی، با هدف ایجاد محیطی امن و پایدار برای رشد کودکان طراحی شده است. این نهاد در نظام های حقوقی مختلف، بسته به اصول حاکم بر آن ها، از نظر ماهیت، دامنه، و آثار حقوقی تفاوت های چشمگیری دارد. در برخی نظام ها، فرزندخواندگی به معنای ایجاد رابطه ای حقوقی مشابه رابطه والدین زیستی و کودک است، در حالی که در نظام های دیگر، این نهاد بیشتر بر حمایت موقت یا محدود تمرکز دارد. این تفاوت ها، که ریشه در فرهنگ، دین، و تاریخ حقوقی هر جامعه دارند، بر نحوه اجرای این نهاد و تأثیر آن بر زندگی کودکان اثر می گذارند. تحلیل تطبیقی این موضوع، امکان درک عمیق تری از تأثیر عوامل محیطی بر کارکرد این نهاد را فراهم می آورد. از منظر علمی، فرزندخواندگی یک پدیده چندوجهی است که مسائل حقوقی، اجتماعی، و روان شناختی را در بر می گیرد. این نهاد، علاوه بر تأمین نیازهای مادی کودکان، به موضوعاتی مانند هویت، تعلق خانوادگی، و حقوق متقابل والدین و فرزندان می پردازد. در حال حاضر، نهاد فرزندخواندگی به عنوان یک هنجار پذیرفته شده در بسیاری از جوامع بین المللی، مسئولیت های حقوقی گسترده ای را به دنبال دارد. در این راستا، ضروری است

^۳ فهیمی، زهره. (۱۴۰۲) بررسی احکام مربوط به فرزند خواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران. دانشگاه پیام نور استان بوشهر، مرکز پیام نور بوشهر. ص ۱۲

که تمامی انسان‌های مسئول و دلسوز، تلاش‌های خود را به کار گیرند تا ارزش‌های درونی این نهاد را به‌طور عمیق‌تر در جامعه نهادینه کنند؛ در حقوق ایران، فرزندخواندگی تحت تأثیر اصول فقهی شیعه و قوانین مدنی شکل گرفته است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست (۱۳۹۲) چارچوبی برای سرپرستی کودکان فراهم کرده، اما با تأکید بر حفظ نسب و رعایت قواعد شرعی، از ایجاد رابطه حقوقی کامل مشابه والدین زیستی اجتناب می‌کند. این رویکرد، که ریشه در ارزش‌های دینی و سنتی دارد، بر سرپرستی موقت یا دائم تمرکز دارد و محدودیت‌هایی را در مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر ایجاد کرده است. این محدودیت‌ها بر دسترسی کودکان به حقوق کامل خانوادگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در حقوق داخلی ایران، تنها نهاد فرزندخواندگی برای اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده است، به‌گونه‌ای که این اقلیت‌ها می‌توانند از این نهاد برای پذیرش کودکان استفاده کنند. با این حال، برای سایر افراد جامعه، نهاد فرزندخواندگی به شکل خاصی تعریف نشده و در عوض، نهاد مجزایی تحت عنوان "نهاد سرپرستی کودکان بی‌سرپرست" تأسیس گردیده است. این نهاد، وظیفه نگهداری و مراقبت از کودکان بی‌سرپرست را بر عهده دارد و از نظر حقوقی، کودکان تحت سرپرستی، پیوند قانونی مشابه فرزندخواندگی با سرپرستان خود نخواهند داشت.^۴ یکی از مسائل کلیدی در این حوزه، تفاوت در مبانی نظری و فلسفی دو نظام است. در ایران، تأکید بر حفظ ارزش‌های دینی و نسب، گاه به محدودیت‌هایی در تأمین حقوق کامل کودکان و خانواده‌های خوانده منجر می‌شود، درحالی‌که در انگلستان، انعطاف‌پذیری بیش‌ازحد ممکن است به پیچیدگی‌هایی در حفظ تعادل بین هویت کودک و نیازهای خانواده جدید منجر گردد. این تفاوت‌ها، بر کارآمدی و پذیرش اجتماعی این نهاد تأثیر می‌گذارند و نیازمند تحلیل دقیق هستند. مسئله دیگر، ناهماهنگی در فرآیندهای اجرایی و نظارتی است. در ایران، موانع بوروکراتیک و پیچیدگی‌های قانونی می‌توانند دسترسی به سرپرستی را دشوار کنند، درحالی‌که در انگلستان، نظارت‌های گسترده گاه به تأخیر در فرآیندها منجر می‌شود. این مشکلات، همراه با تفاوت‌های فرهنگی در پذیرش اجتماعی فرزندخواندگی، بر کیفیت اجرای این نهاد تأثیر می‌گذارند و نیازمند اصلاحات هدفمند هستند. در سطح بین‌المللی، فقدان هماهنگی بین نظام‌های حقوقی در موضوعاتی مانند فرزندخواندگی فرامرزی، مسائل جدیدی را ایجاد کرده است. این ناهماهنگی‌ها، به‌ویژه در جهانی با افزایش تعاملات بین‌فرهنگی، بر دسترسی کودکان به

^۴ آقا بابایی، سید حسن. (۱۳۹۷) بررسی فقهی و حقوقی فرزندخواندگی با تأکید بر قانون جدید. موسسه آموزش عالی پارسا. ص ۱۵

^۵ ملاحی، نجمه. (۱۴۰۱) بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزندخواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم انسانی. ص ۱۸

خانواده‌های مناسب تأثیر منفی می‌گذارند. برای رفع این مسائل، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین چارچوب‌های حقوقی هماهنگ ضروری است. همچنین، افزایش آگاهی عمومی و آموزش در مورد فرزندخواندگی می‌تواند پذیرش اجتماعی این نهاد را بهبود بخشد. بنابراین این تحقیق دنبال آن است تا به "بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان" بپردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

فرزندخواندگی، به‌عنوان یکی از نهادهای حقوقی در حمایت از کودکان بدون سرپرست یا بدسرپرست، از اهمیت ویژه‌ای در نظام‌های حقوقی معاصر برخوردار است. این نهاد، که ریشه در نیازهای اجتماعی و ارزش‌های انسانی دارد، نه تنها به تأمین امنیت عاطفی، اجتماعی و اقتصادی کودکان کمک می‌کند، بلکه بر ساختارهای خانوادگی و تعادل اجتماعی تأثیرات عمیقی دارد. بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، به دلیل تفاوت‌های بنیادین در مبانی حقوقی، فرهنگی و اجتماعی این دو نظام، از منظر علمی و کاربردی اهمیت بسزایی دارد. اهمیت فرزندخواندگی در سطح جهانی به‌عنوان ابزاری برای تأمین حقوق کودکان و تقویت پیوندهای خانوادگی غیرقابل‌انکار است. این نهاد، با ایجاد محیطی امن برای رشد کودکان، به کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کند. با این حال، تفاوت‌های موجود در نظام‌های حقوقی، مانند نظام فقه‌محور ایران و نظام کامن‌لای انگلستان، منجر به رویکردهای متفاوتی در تعریف و اجرای فرزندخواندگی شده است. این تفاوت‌ها، که از ارزش‌های فرهنگی و اولویت‌های قانونی هر جامعه نشأت می‌گیرند، بر نحوه حمایت از کودکان و پذیرش اجتماعی این نهاد اثر می‌گذارند. تحلیل تطبیقی این دو نظام، با تمرکز بر چارچوب‌های حقوقی و پیامدهای اجتماعی، می‌تواند به شناسایی الگوهای موفق و ارائه راهکارهایی برای بهبود این نهاد کمک کند. با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه فرزندخواندگی، بررسی‌های تطبیقی جامع که به‌طور خاص به مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان بپردازند، همچنان محدود هستند. بسیاری از مطالعات موجود، یا بر جنبه‌های داخلی یک نظام حقوقی تمرکز کرده‌اند یا به مقایسه‌های کلی و غیرتخصصی پرداخته‌اند. این موضوع، به‌ویژه در زمینه تحلیل تأثیر عوامل فرهنگی و دینی بر قوانین فرزندخواندگی و پیامدهای آن بر کودکان و خانواده‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، مسائل مرتبط با فرزندخواندگی فرامرزی و هماهنگی بین نظام‌های حقوقی در سطح بین‌المللی، که در جهانی با افزایش تعاملات فرهنگی اهمیت بیشتری یافته، به‌صورت جامع بررسی نشده است. این پژوهش، با تمرکز بر این موضوعات، به دنبال پر کردن خلأهای موجود و ارائه

دیدگاه‌های جدید است. ضرورت انجام این پژوهش، از نیاز مبرم به بهبود سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اجتماعی در حوزه فرزندخواندگی ناشی می‌شود. در ایران، محدودیت‌های ناشی از اصول فقهی و پیچیدگی‌های اجرایی، گاه مانع تأمین حقوق کامل کودکان و خانواده‌های خوانده می‌شوند، درحالی‌که در انگلستان، چالش‌هایی مانند مدیریت تنوع فرهنگی و حفظ هویت کودکان در فرآیند فرزندخواندگی مطرح است. این مسائل، همراه با نیاز به هماهنگی بین‌المللی در فرزندخواندگی فرامرزی، ضرورت تحلیل عمیق و تطبیقی این نهاد را برجسته می‌کند. این مطالعه، با ارائه تحلیلی تخصصی از تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام حقوقی، می‌تواند به تدوین چارچوب‌های حقوقی کارآمدتر و تقویت همکاری‌های بین‌المللی کمک کند و در نهایت، به بهبود وضعیت کودکان بدون سرپرست و ارتقای عدالت اجتماعی منجر شود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

بررسی تطبیقی فرزند خواندگی در حقوق ایران و انگلستان

اهداف فرعی

تحلیل شباهت‌های قانونی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان
بررسی تفاوت‌های قانونی، فرهنگی و اجتماعی در نظام فرزندخواندگی ایران و انگلستان
ارزیابی حمایت از حقوق کودک و ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی با رویکرد تطبیقی

سوالات پژوهش

سوال اصلی

چارچوب‌های حقوقی فرزندخواندگی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان چگونه تعریف شده‌اند؟

سوالات فرعی

شرایط متقاضیان فرزندخواندگی در ایران و انگلستان چه شباهت‌هایی دارند؟
تفاوت‌های حقوقی فرزندخواندگی در ایران و انگلستان چیست؟
حمایت‌های حقوقی از کودک در فرآیند فرزندخواندگی در ایران و انگلستان چگونه است؟

پیشینه تحقیقات

کیافر و همکاران در سال ۱۴۰۴ در تحقیقی تحت عنوان بررسی روند فرزندخواندگی در حقوق ایران و کاستی های قوانین مربوطه بیان داشتند که هر ساله تعداد زیادی از کودکان به دلایل مختلف والدین خود را از دست می دهند و از سوی دیگر بسیاری از زوجین از نعمت فرزند محروم بوده و مایل به سرپرستی کودکان هستند. از سویی دیگر، برای کودکانی که آزار، رهاشدگی و یا مراقبت ناکافی را تجربه می کنند، بهتر است که در یک محیط خانوادگی دیگری قرار بگیرند و احساس تعلق به خانواده ای داشته باشند. در اینجا است که بحث فرزندخواندگی مطرح می شود. فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران از طریق دو قانون اصلی، یکی مصوب ۱۳۵۳ و دیگری اصلاح شده در سال ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۲، قانونگذار با اصلاح قانون پیشین تلاش کرد تا حمایت بیش تری از کودکان بی سرپرست فراهم کند و به چالش های موجود پاسخ دهد اما این قانون همواره با ضعف ها و کاستی هایی همراه است. در مقاله حاضر به بررسی روند فرزندخواندگی در ایران با توجه به قانون فوق و ضعف و کاستی این قانون پرداخته می شود.

تقی زاد و همکاران در سال ۱۴۰۳ در تحقیقی تحت عنوان فرزندخواندگی در حقوق ایران بیان داشتند که بیگمان امروزه سرپرستی از کودکان یتیم و بی سرپرست، از نظر اجتماعی فواید بسیار زیادی دارد و اصل تغییر قابل انکار نیست زیرا کودکان یتیم و بی سرپرست قانون برای رشد می یابند و در جامعه رها نمی شوند. اگر برای این کودکان که فاقد سرپرست هستند، سرپرستی تعیین نشود و از تربیت صحیح محروم باشند در آینده پس از رسیده به سن نوجوانی و جوانی معضلات زیادی ایجاد خواهند کرد و ناهنجاری ها و بزهکاری ها افزایش می یابد در حالی که با تعیین سرپرست ضمن اینکه از بار مسئولیت دولت کاسته می شود. خانواده هایی که از نعمت فرزند محروم هستند چراغی برای زندگی یکنواخت و خسته کننده خود می یابند و این خانواده ها از افسردگی و بیماری های روحی و روانی ناشی از عدم تولد فرزند رها می شوند و حتی این امر می تواند از افزایش آمار تکان دهند. طلاق در جامعه بکاهد فراتر از آن اگر بتوان با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی، کودکان دارای سرپرست که گاهی مادر ایشان به تعهد پوشیده نگاه داشتن گناه خود و یا گاهی به دلیل عدم توان تامین مخارج وی درمی آیند و فقر اقتصادی اندیشه نابودی کردن وی را در سر می پروراند به دیگران سپرد راهی تازه برای رهایی خویش و تامین سعادت فرزند می یابند ولی نباید فرزند خواندگی و مقررات سرپرستی را آسان گرفت. زیرا اگر این امر به سادگی

امکان پذیر شود مضرات فراوانی در پی خواهد داشت زیرا این موضوع به ارج و اهمیت بنیاد خانواده آسیب می رساند و برای داشتن فرزند دیگر ضرورتی به تشکیل خانواده شروع احساس نمی شود و هم می تواند با پذیرفتن فرزندان طبیعی و نامشروع خود آنان را در زمره فرزندان مشروع درآورند و آنانی که از بیمه بی پناه ماندن فرزندانشان در پی بند و باری آلودگی احتیاط می کنند. آسوده خاطر شوند و منبعی تازه برای درآمد بیابند.

مقدسی و همکاران در سال ۱۴۰۳ در تحقیقی تحت عنوان بررسی احکام فرزند خواندگی در فقه امامیه بیان داشتند که با توجه به اینکه بسیاری از خانواده‌ها و زوجهای جوان که از نعمت فرزند محروم هستند، اقدام به اخذ فرزندخوانده می کنند و این امر همواره در جوامع بشری از عهد باستان تاکنون مطرح بوده است ، چنین سابقه ای نشان از اهمیت و ضرورت پژوهش این موضوع دارد. از سوی دیگر تحولاتی که این اواخر در قانون فرزندخواندگی در ایران به وجود آمد و مسائل و ماده‌های جدیدی که به این قانون اضافه و مواردی که تغییر داده شد، پژوهش در این زمینه را به نوعی ضروری گردانده است . هدف از نگارش مقاله تبیین مسائل مربوط به فرزندخواندگی و ماهیت آن در فقه و حقوق ایران، توجه به آیات مطرح شده در قرآن کریم ، فقه امامیه و همچنین اثبات اینکه فرزندخواندگی یک عقد است ، می باشد. این تحقیق بر اساس روش کتابخانه ای و با استناد به منابع فقهی ، ضمن بحث در مورد آثار و چالش های موجود، احکام فرزندخواندگی در فقه را مورد بحث قرار داده است .

خاکزاد رستمی و همکاران در سال ۱۴۰۳ در تحقیقی تحت عنوان روابط غیرمالی فرزندخواندگی از منظر فقه و حقوق بیان داشتند که اهمیت فرزندآوری و فرزندداری و موانع بر سر آن ها همواره ذهن بشر را برای یافتن راه حل های مناسب درگیر نموده است ؛یکی از این راهها فرزندخواندگی است که تاریخچه آن به رم باستان می رسد. فرزندخواندگی عملی حقوقی است که موجب پیدایش رابطه بین دو شخص می شود که یکی را فرزندخوانده و دیگری را فرزند خواه می نامند و رابطه مزبور فرزندخواندگی است . فرزندخواندگی به مشکلات زیادی کمک می کند و به واقع فرزند خواندگی یا تبنی آن است که کسی ، فرد دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزندی بپذیرد. اولین قانونی که در ایران با موضوع فرزندپذیری تصویب شد، قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳ می باشد و سال های متمادی در ایران برای فرزندپذیری به این قانون استناد می شد. اما همان طور که هر قانونی با توجه به نیازهای روز جامعه باید تغییر کند تا کارآمدتر شود در سال های اخیر نیز این قانون با توجه به مشکلاتی که در امر فرزندپذیری داشت راهگشای افرادی که قصد پذیرش

فرزند را داشتند نبود، لذا قانونگذار قانونی با عنوان قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در سال ۱۳۹۲ به تصویب رساند. با توجه به اهمیت موضوع فرزندپذیری و ابهامات متعدد در مورد روابط غیرمالی بین سرپرست و فرزندخوانده در این مقاله به بررسی روابط غیر مالی فرزندخوانده پرداخته می شود.

عباسی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در تحقیقی تحت عنوان فرزند خواندگی در دین اسلام، یهود و مسیحیت بیان داشتند که فرزندخواندگی، یکی از مهم ترین مباحث و مسائل امروزی است که تقریباً می توان گفت همه ی جوامع را به خود مشغول ساخته است؛ با توجه به بالا بودن تعداد کودکان بی سرپرست و همچنین کودکان کار در جوامع، بحث فرزندخواندگی به یکی از مسائل مورد توجه کشورها بدل شده است. فرزندخواندگی، از قرن ها پیش در میان جوامع و به اشکال مختلف وجود داشته است. در این پژوهش بر آنیم تا فرزند خواندگی را از منظر دین اسلام، مسیحیت و یهود مورد بررسی قرار دهیم. نتایج این پژوهش نشان می دهد که در دین اسلام و دین مسیحیت، فرزندخواندگی بعنوان یک اصل پذیرفته شده است و برطبق قوانین کشورها، برای آنها شرایطی معین شده است، ولی در دین یهود به فرزندخواندگی اشاره ای نشده است و آنچه تحت عنوان فرزند خواندگی در این دین آورده شده است، براساس قرائنی است که در برخی از متون مقدس این دین به آن اشاره شده است. همچنین قوانین مربوط به فرزندخواندگی در هر سه دین، متفاوت است.

فهیمی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در تحقیقی تحت عنوان بررسی احکام مربوط به فرزند خواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران بیان داشتند که نگهداری از کودکانی که به نحوی از نعمت حضور والدین در کنار خود محروم هستند، از دیر باز به مقاصد گوناگون تحت عنوان فرزند خوانده از طرف پدرخوانده در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است. اسلام فرزند خواندگی را در ابتدا به طور کامل پذیرفته و سپس بعضی از آثار آن را نسب ارث محرمیت) نفی فرموده است. فقهای شیعه برای استنباط و بیان حکم شرعی فرزند خواندگی، به آیات قرآن استناد کرده اند. از جمله آیاتی که فقها و مفسران شیعه حکم فرزند خواندگی را از آن استنباط کرده اند آیات ۵۴ و نیز ۳۷ سوره مبارکه احزاب است. خداوند در این آیات بیان کرده است که فرزند خوانده فرزند حقیقی انسان نیست و نباید فرزند خوانده ها را به نام پدر خوانده هایشان صدا بزنید بلکه آنها را به نام پدران واقعی شان صدا بزنید. قانونگذار ایران در سال ۱۳۵۳، با اقتباس از قانون فرزندخواندگی در حقوق کشورهای اروپایی، به خصوص کشور فرانسه، قانونی را در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۳ به نام قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست در ۱۷ ماده و ۶ تبصره به تصویب رساند و چون حقوق ایران

برگرفته از فقه امامی است، هرگز تاسیسی نظیر تاسیس فرزند خواندگی کامل به روش حقوقی غرب را مجاز نمیداند و بنابراین اگر گفته میشود در حقوق ایران فرزند خواندگی وجود ندارد. منظور از آن فرزند خواندگی کامل است نه فرزند خواندگی ساده که قانونگذار آن را تحت عنوان قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست پذیرفته است و هرگز در این سیستم آثار حقوقی نسب (ارت) - ممنوعیت (نکاح به مانند فرزند حقیقی جریان ندارد.

مکی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در تحقیقی تحت عنوان آثار فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران بیان داشتند که فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران از طریق دو قانون اصلی، یکی مصوب ۱۳۵۳ و دیگری اصلاح شده در سال ۱۳۹۲، مورد توجه قرار گرفته است. قانون ۱۳۵۳ باهدف حمایت از کودکان بدون سرپرست تدوین شد و رابطه-ای شبه نسبی بین فرزندخوانده و والدین سرپرست ایجاد نمود. بااین حال، برخی نواقص در این قوانین، به ویژه در زمینه حقوق ارث و ازدواج فرزندخوانده نیاز به بازنگری داشت. در سال ۱۳۹۲، قانون گذار با اصلاح قانون پیشین تلاش کرد تا حمایت بیشتری از کودکان بی سرپرست فراهم کند و به چالش های موجود پاسخ دهد. این اصلاحات شامل گسترش دایره شمول فرزندخواندگی به کودکان بد سرپرست، تقویت حقوق فرزندخوانده در مورد ارث و ازدواج و همچنین ایجاد تدابیر حمایتی بیشتر برای تضمین منافع عالیه کودک بود. این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تغییرات و اصلاحات انجام شده در قانون ۱۳۹۲ پرداخته و اثرات آن ها را بر حقوق و وضعیت فرزندخوانده در خانواده های سرپرست مورد مطالعه قرار می-دهد. بررسی-ها نشان می-دهد که قانون جدید توانسته است تا حد زیادی به نیازهای حقوقی و اجتماعی کودکان بدون سرپرست پاسخ دهد، اما همچنان در برخی حوزه-ها نیازمند اصلاحات و تدابیر موثرتر است. در این میان، پیشنهاد ها این پژوهش شامل اصلاحات قانونی بیشتر و تقویت نظام حمایتی کودکان و نوجوانان بی سرپرست در راستای ایجاد تعادل میان حقوق فرزندخوانده و سرپرست است.

ابول تختی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در تحقیقی تحت عنوان قوانین فرزند خواندگی در ایران و راهکار برای کاهش جرم ان ها در آینده بیان داشتند که نگاهی به قوانین فرزند خواندگی در ایران و ب سرپرستی گرفتن کودکان در ایران و انتقاد و راهکار برای کاهش جرم این افراد در آینده، شامل بررسی قوانین و سخت گیری های ب سرپرستی دادن این کودکان توسط بهزیستی و مراکز مربوطه است ک ایا این سخت گیری ها می تواند باعث باقی ماندن کودکان در بهزیستی و در

نهایت زمینه‌ی ایجاد ارتکات جرم برای آن‌ها شود یا خیر؟ مسئله محرمیت در این زمینه تا چه اندازه می‌تواند تاثیر گزار باشد؟

ملک و همکاران در سال ۱۴۰۲ در تحقیقی تحت عنوان فرزندخواندگی در ایران: چارچوب قانونی، نگرش‌ها و عملکردهای فرهنگی بیان داشتند که این مقاله به بررسی موضوع فرزندخواندگی در ایران، از جمله قانونی بودن، نگرش‌ها و شیوه‌های فرهنگی آن می‌پردازد. این مقاله مروری تاریخی بر فرزندخواندگی در ایران از جمله چارچوب قانونی حاکم بر فرزندخواندگی ارائه می‌کند. این مقاله همچنین به بررسی نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به فرزندخواندگی، از جمله نقش مذهب و ساختارهای سنتی خانواده می‌پردازد. در نهایت، مقاله برخی از چالش‌ها و فرصت‌های ترویج فرزندخواندگی در ایران را بررسی می‌کند و توصیه‌هایی را برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران ارائه می‌کند.

ملاحی و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزندخواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران بیان داشتند که نهاد فرزندخواندگی یک نهاد فقهی و حقوقی است که منجر به ایجاد رابطه‌ای خاصی بین فرزندخوانده، پدرخوانده و مادرخوانده می‌گردد. این نهاد دارای پیشینه‌ای نسبتاً طولانی است که در ادوار گوناگون تاریخی با مقاصد گوناگون و اشکال متعدد کاربرد داشته است. نهاد فرزندخواندگی در فقه اسلامی به رسمیت شناخته نشده است. اما شارع مقدس بحث ایتم و کودکان بی‌سرپرست را مورد شناسایی قرار داده است. بنابراین، حقوق داخلی ایران تنها نهاد فرزندخواندگی را برای اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته است و یک نهاد مجزا را به عنوان نهاد سرپرستی کودکان بی‌سرپرست تأسیس نموده است. این مقررات تا حد بالایی با مقررات کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فرزندخواندگی در تطابق می‌باشد. با بررسی آرای فقهی و مقررات و قوانین حقوقی این نتیجه بدست می‌آید که رابطه‌ی نسبی در نظام حقوقی اسلام تنها از طریق ولادت مشروع و نسب خونی و برای رابطه فرزندخواندگی تعریفی ایجاد نشده است. نتیجتاً طفل به شکل غیر حقیقی به خانواده پذیرنده منتسب می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزندخواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر مشخص شد که پذیرش فرزند از جانب خانواده‌هایی که به دلایلی صاحب فرزند نمی‌شوند هیچ گونه رابطه نسبی ایجاد نمی‌کند و به این ترتیب حکم مسائلی همچون محرمیت فرزندخوانده، نفقه، ارث بری و غیره روشن می‌شود.

عبداللهی و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزند خواندگی در حقوق ایران بیان داشتند که فرزندخواندگی نهادی فقهی - حقوقی است که طبق آن رابطه خاصی میان فرزندخوانده، پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می آید، این موضوع در طول تاریخ سابقه ای نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون و اشکال متفاوت مورد توجه قرار گرفته است. امروزه در متون حقوقی سعی بر آن بوده که به نحوی تفسیر صحیحی را از این پیوند در جامعه بنا نهد تا با توجه به نیازهای جامعه بتواند تا حدودی پاسخ گوی این نیازها باشد به گونه ای که تناقضی را با داشته های فقهی نیز رقم نزند. بر اساس فقه اسلامی فرزندخواندگی پذیرفته نیست. لیکن توجه به ایتم و کودکان بی سرپرست مقبول شارع است. لذا قانون داخلی ایران بجز برای اقلیت های مذهبی، فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته و نهادی مستقل را به عنوان سرپرستی کودکان بدون سرپرست ایجاد کرده است. این مقررات تا حد زیادی با مقررات کنوانسیون حقوق کودک در مورد فرزندخواندگی هماهنگ است. با بررسی قوانین حقوقی این نتیجه حاصل می شود که در نظام حقوقی اسلام نسب منحصر از طریق ولادت مشروع ایجاد می شود و رابطه واقعی فقط در نسب خونی وجود دارد، رابطه فرزندخواندگی، حقیقی نیست. در نتیجه طفل به صورت مجازی به خانواده پذیرنده منتسب می گردد. در قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه اسلامی فرزندخواندگی به رسمیت شناخته نشده و تا اواخر سال ۱۳۵۳ جایگاه قانونی نداشت ولی با توجه به لزوم حمایت از اطفال بی سرپرست در این سال قانونی با عنوان «حمایت از اطفال بی سرپرست» تصویب گشت. اما پس از گذشت سال ها قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ با عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست» برگی جدید در این باب باز نمود و از یک سری محدودیت های موجود بر سر راه این مساله گذر کرد، و به سمتی حرکت نمود که سعی بر آن دارد که چتری حمایتی بر آینده ایتم و کودکان و نوجوانان بی سرپرست بگستراند. هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزندخواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران پیردازد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر مشخص شد که پذیرش فرزند از جانب خانواده هایی که به دلایلی صاحب فرزند نمی شوند هیچ گونه رابطه نسبی ایجاد نمی کند و به این ترتیب حکم مسائلی همچون محرمیت فرزندخوانده، نفقه، ارث بری و غیره روشن می شود.

کردزاده و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان فرزندخواندگی و ولایت پذیری او از والدین در فقه و حقوق بیان داشتند که وجود پدیده بی سرپرستی در هر جامعه امری غیر قابل اجتناب است و فرزند خواندگی یکی از موضوعات مهمی است که نه تنها نظام حقوقی ایران بلکه

نظام حقوقی اکثر کشورها در سطح دنیا با آن روبرو هستند. پذیرش کودکان بی سرپرست و یتیمان بهفرزندی امری نیکو و پسندیده است که گاهی به منظور کمک به ایشان و گاه برای اهداف دیگر از قبیل رفع نیاز عاطفی افراد بدونفرزند از دیر باز در جوامع بشری مرسوم بوده است. در اسلام نیز با توجه به اهمیت مسئله دستورات و قوانین بسیاری در رابطه با یتام و افراد بی سرپرست مقرر شده و مسلمین در برابر تامین نیازهای مادی و معنوی ایشان مسئول هستند و کوتاهی در امر سرپرستی آنها مورد توبیخ و موجب کیفر دنیوی و اخروی دانسته شده است. فرزند خواندگی در ایران با تصویب «قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست» در اسفند ماه ۱۳۵۳ جایگاه قانونی یافت. در حقوق ایران همانطور که از عنوان قانون مذکور نیز پیداست فرزند خواندگی به سبک دیگر کشورها وجود نداشته و آثار متفاوتی نسبت به قوانین این کشورها در پی دارد. در تحقیق حاضر پساز روش شدن مفهوم فرزند خواندگی و شرایط آن، آثار فرزند خواندگی در فقه و حقوق مورد بررسی قرار گرفت.

رضانیا و همکاران در سال ۱۴۰۰ در تحقیقی تحت عنوان بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان بیان داشتند که کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ تاکید دارد که دولتها باید در راستای منافع عالیه کودکان اقدام کنند. بر اساس این کنوانسیون هر کودک حقوق اساسی و ویژه‌ای شامل حق زندگی، حق نام و هویت، حق روابط خانوادگی و حق ارتباط با پدر و مادر حتی در صورت جدایی از آنها را دارد. امروزه علیرغم عضویت اکثر کشورها در کنوانسیون حقوق کودک، در مورد ماهیت فرزندخواندگی بین المللی، منافع عالیه فرزندخوانده و صلاحیت متقاضی فرزندخواندگی تشابهات و تفاوتهایی در بین کشورها وجود دارد. در تحقیق اخیر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی با مرور مختصری بر موضوع فرزندخواندگی بینالمللی در قوانین جمهوری اسلامی ایران و انگلستان به این نتیجه میرسیم که علیرغم تفاوت در عنوان فرزندخواندگی و تحت تاثیر اسناد بین المللی، این کشورها تا حد زیادی بویژه در مورد فرزندخواندگی ساده یا ناقص، قواعد یکسانی را اتخاذ کرده اند، لیکن در مورد فرزندخواندگی بین المللی علیرغم پیشبینی قواعد معین در حقوق انگلستان این نهاد در حقوق ایران هنوز با سکوت قانونگذار روبروست. به نظر میرسد امکان پذیرش این نهاد در قوانین ایران با رعایت موازین اسلامی با درج راهکارهایی برای پذیرش پدرخوانده یا مادرخوانده مسلمان واجد شرایط برای کودکان بیسرپرست مسلمان و پدرخوانده یا مادرخوانده اهل کتاب واجد شرایط برای کودکان بیسرپرست اهل کتاب در چارچوب مقررات موجود و مصالح عالیه کودک وجود دارد.

ارسطویی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در تحقیقی تحت عنوان ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان بیان داشتند که فرزندخواندگی نهادی ضروری در جوامع کنونی به حساب می-آید که علاوه بر تأمین منافع کودکان بی سرپرست و زوجین بدون فرزند، تأثیرات اجتماعی مثبتی به دنبال خواهد داشت و نیاز است که قواعد آن با مقتضیات اجتماعی انطباق یابد. در این مطالعه، ماهیت، شرایط و آثار فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در حقوق اسلام و همچنین حقوق انگلستان، بررسی شد. تحلیل داده ها حاکی از آن است که در حقوق ایران به تبعیت از حقوق اسلام، فرزندخواندگی به شکل ناقص آن وجود دارد و به رغم پیشرفت و توسعه تقنینی اخیر، آثار فرزندخواندگی در قانون به اندازه کافی و موثر پیش بینی نشده است؛ این در حالی است که مبانی و آموزه های اسلامی ظرفیت-هایی را جهت تقویت نهاد فرزندخواندگی با ملاحظه شرایط و اقتضائات اجتماعی نشان می دهند. از طرفی، در حقوق انگلیس سیستم فرزندخواندگی کامل اعمال می شود که براساس آن رابطه ناشی از فرزندخواندگی کاملاً منطبق با رابطه قانونی اطفال و والدین زیستی خود می-باشد. با وجود این در قوانین اخیر نوعی از فرزندخواندگی ناقص تحت عنوان قیمومت ویژه نیز در حقوق این کشور شناسایی شده است که این سیستم دوگانه زمینه را برای بهره-گیری از رویکردهای گوناگون فرزندخواندگی فراهم آورده است.

غدیری و همکاران در سال ۱۳۹۹ در تحقیقی تحت عنوان مطالعه تطبیقی قوانین ایران، انگلستان و آلمان درباره ازدواج با فرزندخوانده بیان داشتند که فرزندخواندگی نهادی حقوقی است که به موجب آن یک کودک محروم از خانواده، تحت سرپرستی و حمایت های یک خانواده قرار می گیرد و به این ترتیب، والدین فرزندپذیر کلیه مسئولیت های والدین طبیعی نسبت به فرزند را عهده دار می شوند و رابطه والد فرزند بین این افراد شکل می گیرد. اصل آزادی نکاح نیز یکی از اصول مسلم حقوق بشری است. امروزه اصل ممنوعیت ازدواج با محارم یک اصل جهانی است. در جوامع، ادیان و نظام های حقوقی مختلف و در سلسله روابط خویشاوندی و خانوادگی طبقاتی وجود دارند که ایجاد پیوند زناشویی بین آنان ممنوع است. در ایران با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست مصوب ۱۳۹۲ش و ممنوع کردن ازدواج با فرزندخوانده در زمان حضانت و پس از آن، چنین ازدواجی به تشخیص مصلحت فرزندخوانده از سوی دادگاه صالح مشروط شد، به این دلیل که با عدم ممنوعیت شرعی و سکوت قانون، مواردی از ازدواج با فرزندخوانده وجود داشته است که لااقل با این مقرر انجام چنین ازدواج هایی موکول به اجازه

دادگاه مبتنی بر مصلحت فرزندخوانده خواهد شد و به این ترتیب، از فرزندخوانده در برابر آسیب‌های احتمالی حمایت می‌شود. این درحالی است که ازدواج با فرزند خوانده در دو کشور دیگر مورد مطالعه، یعنی انگلیس و آلمان، ممنوع است که با مطالعه قوانین آن، وضعیت نظام حقوقی این سه کشور با محوریت اصل مصالح عالیۀ کودک و اصل آزادی نکاح تبیین خواهد شد. اگرچه ممنوعیت مشروط این ازدواج در نظام حقوقی ایران و ممنوعیت آن در دو کشور دیگر نشان از دغدغه مشترک قانون‌گذار ایران با کشورهای پیش‌گفته دارد، لیکن ظاهراً اصل آزادی نکاح همچنان دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و این ممنوعیت را تحت‌الشعاع قرار داده است.

زرگوش نسب و همکاران در سال ۱۳۹۸ در تحقیقی تحت عنوان واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا بیان داشتند که در این پژوهش، موضوع فرزندخواندگی به کمک قواعد و مقررات قانونی و نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا بررسی شده است. فرزندخواندگی آن است که کسی، دیگری را که فرزند نسبی او نیست، به فرزندپذیری بپذیرد. در عربی، به فرزندخواندگی دعی و تبنی گفته می‌شود؛ تبنی در لغت یعنی پسرخواندگی و در اصطلاح، بر پسر یا دختری اطلاق می‌شود که مردی او را به فرزندپذیری پذیرفته باشد نسبت به آن مرد پسر خوانده گفته می‌شود. قرآن کریم این سنت جاهلی را باطل کرد و حکم نمود که فرزند خوانده‌ها به پدران‌شان نسبت داده شوند و اگر پدران‌شان ناشناخته باشند، آنان برادران دینی هستند. این تحقیق با شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی به این موارد پرداخته است: حکم فرزندخواندگی در قرآن؛ روایات و آثار مترتب بر آن؛ رد این ادعا که فرزندخواندگی پدیده‌ای انسانی است: مقررات فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران، انگلستان و آمریکا و شرایط والدین پذیرنده. در عصر کنونی، یکی از مشکلات در حال افزایش، تحویل طفل از سوی والدین قانونی به متقاضیان نگهداری فرزند است، گاهی متقاضی با مقاصد خیرخواهانه اقدام می‌کند و گاهی به -منظور رفع مشکل عاطفی است، چون متقاضی بدون فرزند است و گاهی به صورت غیرقانونی و غیرانسانی از طریق دریافت وجه صورت می‌گیرد.

چنگیزی راد و همکاران در سال ۱۳۹۸ در تحقیقی تحت عنوان ماهیت حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران بیان داشتند که هدف: نهاد فرزندخواندگی، نهادی است که از دیرباز و از عصر رسول اکرم (ص) و حتی قبل‌تر از آن نیز مرسوم بوده است و امروزه جوامع اسلامی، به تبعیت از سیره نبوی و ائمه، به ساماندهی حدود و شرایط مربوط به فرزندخواندگی مبادرت ورزیده‌اند و در این خصوص اقدام به تقنین بر اساس اقتضای زمانی خاص خود نموده‌اند. در این بین، به رغم گسترگی تحقیق‌های این حوزه، ماهیت حقوقی نهاد فرزندخواندگی چندان مورد کنکاش و دقت نبوده است،

این تحقیق در تلاش است نهاد فرزندخواندگی را بر اساس قوانین موضوعه و فقه امامیه تحلیل کند و همچنین منابع و مبانی این نهاد حقوقی را مورد بررسی قرار دهد. تا گامی اگر چه ناچیز در تحقق و تکمیل ادبیات حقوقی این حوزه محقق شده و به جامعه حقوقی در این خصوص کمکی شایسته و در خور صورت گیرد. روش تحقیق: روش تحقیق در این پروژه روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از ابزار جمع آوری کتابخانه‌ای منابع و مآخذ و عنداللزوم با استفاده از نظریه دکترین حقوقی بوده است به این صورت که به تحلیل سؤالات اصلی با تکیه بر اهداف پژوهش پرداخته شده تا نهاد فرزندخواندگی نه از حیث شرایط پذیرش فرزند خوانده برای فرزند پذیر، بلکه به عنوان یک عمل حقوقی و در زمره عقود و یا ایقاعات بودن فرزندخواندگی تحلیل و تبیین شده است. یافته‌ها و نتایج: نهاد فرزندخواندگی از نظر ماهیت از زمره عقود قلمداد می‌گردد و چندان سنخیتی با ایقاع ندارد؛ منابع مرتبط با فرزندخواندگی از حیث حقوق داخلی در عصر جدید از غنای قابل توجهی برخوردار است، مبانی مرتبط با این نهاد حقوقی را باید در مبانی هنجاری و اخلاقی و مبنای حق حیات جستجو نمود. فرزندخواندگی عقدی با اوصاف؛ لزوم، با نام، عهدی، تحمیلی، غیر معوض، مسامحه‌ای و در عین حال عقدی تشریفاتی با شرایط مقرر در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲ است. نتایج پژوهش تا حدودی با فرضیه‌های پژوهش همخوانی داشته و در برخی موارد از جمله ماهیت عقدی یا ایقاعی داشتن تفاوت‌هایی محسوس داشته و دارد.

نگهبان پیری و همکاران در سال ۱۳۹۸ در تحقیقی تحت عنوان فرزند خواندگی در فقه و قانون ایران باتاکید بر آیات قرآن بیان داشتند که فرزندخواندگی در سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف جهان نیز به شیوه‌های مختلف انعکاس یافته است. بسیاری از خانواده‌ها و زوج‌های جوان که از نعمت فرزند محروم هستند، اقدام به اخذ فرزندخوانده می‌کنند، ضرورت این موضوع مبتنی بر حقوق ایران و فقه پاسخ‌هایی کارآمد نسبت به سؤالات موجود بر اساس آیات و منابع قرآنی تحلیل گردید در مورد فرزندخواندگی در اسلام و حقوق ایران، براساس فقه اسلامی و به تبع آن قانون ایران، فرزندخواندگی به جز در موارد اقلیت‌های مذهبی، به رسمیت شناخته نشده و منشأ اثر حقوقی نیست؛ به عبارت دیگر اسلام بین جنبه‌های اخلاقی و حقوقی فرزندخواندگی تفکیک نموده؛ یعنی ضمن تأکید بر جنبه‌های انسان‌دوستانه آن، از پذیرش آثار حقوقی آن یا دست‌کم برخی از این آثار حقوقی خودداری کرده است؛ لکن به موجب قانون حمایت از کودکان بی سرپرست، نهاد خاصی به نام سرپرستی مورد قبول واقع شده که تا حدی مشابه فرزندخواندگی و به عبارت دیگر نوعی از آن است. به تصریح قرآن که منبع فقه اسلامی است فرزند خواندگی در زمان حضرت موسی و یعقوب

(علیهما السلام) امری متداول بوده و در عربستان پیش از ظهور اسلام نیز نمود داشته است. در جاهلیت این عمل عنوان «دعاء» و «تبنی» داشته است. در هنگام ظهور اسلام نیز فرزندخواندگی امری متداول و رایج بوده است. به گونه‌ای که مسلمین برخی از یتیمان را به فرزندگی گرفته و با ایشان همانند فرزندانشان رفتار می‌کردند. این امر با توجه به توصیه‌های مکرر اسلام نسبت به یتیمان و محبت ورزیدن به ایشان و نخوردن اموالشان امری مطلوب بوده است. با نزول آیات مربوط به فرزندخواندگی جاری شدن قوانین مربوط به فرزندان حقیقی در خصوص فرزندخوانده‌ها لغو شد. با توجه به آنچه گذشت نتیجه حاصل می‌شود که فرزندخواندگی قدمتی طولانی دارد و امروزه به دلیل آنکه بسیاری از خانواده‌ها امکان بچه‌دار شدن ندارند، امری معمول در کشورهای جهان می‌باشد. با وجود آنکه اسلام به صور مختلف فرزندخواندگی را رد کرده است در عین حال توجه به یتیمان و افراد بی‌سرپرست را در دستور کار خود قرار داده و مسلمانان را به آن توصیه فرموده است. قانون محرمیت و ارث بردن در خصوص فرزندخوانده‌ها اجرا نمی‌شود و تأمین آینده‌ی فرزندخوانده‌ها با مواردی چون صلح و هبه امکان پذیر است.

سلطان نیا و همکاران در سال ۱۳۹۸ در تحقیقی تحت عنوان مقایسه، بررسی و تحلیل شرایط و احکام فرزند خواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان بیان داشتند که امروزه دیگر موضوع فرزندخواندگی و سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست یا بدسرپرست به عنوان یکپدیده نوظهور بررسی نمی‌گردد، چرا که این امر دارای پیشینه بسیار طولانی در اسلام، قوانین ایران و همچنین حقوق کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و انگلستان است. در زمان کنونی باید به این دغدغه توجه داشت که ماهیت حقوقی فرزندخواندگی از لحاظ ارتباط با سرپرستان و احکام و آثار مترتب بر آن در شرایط قانونی ایران به چه ترتیبی است و این روند در کشورهای اروپایی با سابقه بیشتر نظیر فرانسه و انگلیس به چه ترتیبی طی شده است. فرزندخواندگی در حقوق ایران ماهیتی متفاوت با حقوق فرانسه و انگلیس دارد. در حقوق ایران روابط فرزندخواندگی و سرپرستان در محدوده سرپرستی خواهد بود ولی در حقوق انگلستان و فرانسه فرزندخواندگی در حکم فرزند واقعی تلقی می‌گردد به تبع همین تفاوت، آثار و احکام مشتمل بر فرزندخواندگی در این کشورها از یکدیگر متفاوت می‌شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و هدف نگارنده بررسی آثار و احکام متعدد فرزندخواندگی در حقوق ایران و تطبیق این امور در دو نظام حقوقی انگلستان و فرانسه است، چرا که موضوع فرزندخواندگی به تبع خود مسائلی نظیر ازدواج سرپرست با فرزندخوانده، ارث، حضانت، نفقه و غیره را در پی دارد.

آقا بابایی و همکاران در سال ۱۳۹۷ در تحقیقی تحت عنوان بررسی فقهی و حقوقی فرزند خواندگی با تاکید بر قانون جدید بیان داشتند که چکیده موضوع فرزندخواندگی و سرپرستی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست از زمان های گذشته مورد توجه همه ادیان و حاکمان وقت بوده است. قوانین بسیاری در این زمینه وضع شد و هر چه می گذشت، یا قوانین جدید اضافه و یا در بعضی موارد آن نسخ صورت می گرفت که تابع نوع آئین ها و رسوماتی بوده که در هر عصر و زمان معمول بوده است. تحقیقات نشان می دهد با تداوم حوادث گوناگون از جمله حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله یا عوامل اجتماعی مانند طلاق، فوت یا اعتیاد خانواده، سیاسی همچون جنگ های کنونی بالاخص در خاور میانه، آمار کودکان بی سرپرست و بدسرپرست افزایش یافته است و وظیفه حاکمان و قانونگذاران را دشوار کرده طبق آمار اداره بهزیستی از سال ۹۳ در ایران ۱۰۰۰ کودک سرایبی وجود دارد که به دلایل مختلف از جمله فقر و اعتیاد این کودکان رها می شوند و همچنین روانشناسان عصر ۲۱ میلادی را عصر بیماری تمدن جدید که همان فشار روان و اضطراب نامیدند. بنابراین ضرورت امر این است تا قانونگذار، قوانینی را مطابق با مسائل کنونی وضع کند تا خانواده ها در جهت پذیرش این کودکان توجه بیشتری مبذول داشته و مطابق با شرایط قوانین مدنی و فقهی و اسلامی از ناهنجاری های حادی که در آینده دامنگیر جامعه جهانی می شود کاسته شود. آنچه در این مجموعه جمع آوری شده، ضمن تعاریف مربوط به هریک از موضوعات مرتبط با فرزندخواندگی، مدول زمانی و سیر تطور تاریخی به بررسی قوانین جدید مطابق با مسائل و مشکلات و شرایط فرزندخواندگی از دیدگاه فقهی و حقوقی پرداخته شده است.

فصل اول

مبانی و مفاهیم تحقیق

گفتار اول: فرزندخواندگی

فرزندخواندگی، در مفهوم حقوقی آن، نوعی رابطه قانونی و حقوقی است که از پذیرش رسمی یک کودک توسط زن و مردی که والدین واقعی او نیستند، شکل می‌گیرد. در این فرآیند، کودک تحت

سرپرستی و حمایت زوجی قرار می‌گیرد که رابطه خونی یا طبیعی با او ندارند، اما قانون، این کودک را در حکم فرزند خانواده جدید تلقی می‌کند و برای این رابطه حقوقی آثار و احکام خاصی در نظر می‌گیرد.^۶

در حقوق، واژه "فرزند" به فردی اطلاق می‌شود که از نسل شخص دیگری باشد و با او رابطه طبیعی و خونی داشته باشد. این رابطه معمولاً در نتیجه ایجاد زوجیت قانونی میان پدر و مادر کودک به وجود می‌آید، مگر در موارد استثنایی مانند تلقیح مصنوعی یا فرزند طبیعی خارج از ازدواج که قانون‌گذار ممکن است احکامی خاص برای آن‌ها مقرر کند. با این حال، برخی زوجها ممکن است کودکی را که فرزند نسبی آن‌ها نیست، به دلایل انسانی، اجتماعی یا عاطفی، به فرزندپذیری در چنین مواردی، قانون‌گذار این کودک را "فرزند حکمی" یا "فرزند تحت سرپرستی" می‌نامد و برای او و والدین خوانده، حقوق و تکالیفی مشابه خانواده طبیعی برقرار می‌کند، هرچند این رابطه خالی از پیوندهای خونی است.^۷ تفاوت اساسی میان فرزند واقعی (نسبی) و فرزند خوانده در نوع پیوند آن‌ها با والدین است. پیوند بین فرزند واقعی و پدر و مادر او، پیوندی طبیعی، خونی و همیشگی است که به صورت ذاتی و قانونی پابرجاست و قابل انحلال نیست. در مقابل، رابطه میان فرزندخوانده و والدین خوانده، یک پیوند قراردادی و حقوقی است که تحت حاکمیت اراده و قوانین موضوعه قرار دارد و ممکن است تحت شرایط خاصی مانند انحلال خانواده، فسخ قرارداد سرپرستی یا تغییر سیاست‌های قانون‌گذاری، این رابطه حقوقی از میان برود. این تفاوت‌های ماهوی، موجب شده است که قانون‌گذاران در تعیین آثار حقوقی همچون ارث، ولایت، حضانت و نفقه، تمایزهایی میان فرزند واقعی و فرزندخوانده قائل شوند، هرچند در سال‌های اخیر برخی نظام‌های حقوقی در جهت کاهش این فاصله و اعطای حقوق برابر به فرزندخوانده‌ها حرکت کرده‌اند.^۸

فرزندخواندگی یا تبنی به معنای پذیرش شخص یا اشخاصی است که فرزند طبیعی فرد یا افراد نیستند، به عنوان فرزند خود. در صورتی که فرزندخواندگی به رسمیت شناخته شود، نوعی قرابت حقوقی بین سرپرست و فرزندخوانده ایجاد می‌کند که از لحاظ طبیعی یا خونی نیست، بلکه صرفاً یک رابطه قانونی و مصنوعی است. به عبارت دیگر، با پذیرفته شدن یک کودک به فرزندخواندگی،

^۶ شاهرخ مامی، ۱۳۹۳، بررسی حقوقی فرزندخواندگی با تکیه بر قوانین حمایت از کودکان در ایران، استاد راهنما: دکتر طیب افشارنیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ص ۲۱

^۷ صفایی، حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۸۲، حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران، ص ۴۸

^۸ امامی، اسدالله. (۱۳۷۸). وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲، ص ۱۶

قانون رابطه‌ای میان فرد سرپرست و کودک برقرار می‌کند که در آن حقوق و تکالیف والدینی در قالب یک نهاد حقوقی ایجاد می‌شود.^۹ فرزندخوانده فردی است که از طریق این رابطه حقوقی، به‌عنوان فرزند خانواده جدید شناخته می‌شود. این رابطه حکمی است و در صورت فوت یکی از طرفین، ممکن است این رابطه قطع شود. این در حالی است که رابطه طبیعی بین فرزند و والدین واقعی هیچ‌گاه قطع نمی‌شود، چرا که پیوند طبیعی میان آنان بر اساس نسل و خون برقرار است. با توجه به رشد روزافزون تعداد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در جامعه، ضرورت توسعه نهاد فرزندخواندگی در کشور بیش از پیش احساس می‌شود. فرزندخوانده می‌تواند زندگی زوج‌هایی را که از داشتن فرزند محروم هستند، رنگ و بوی جدیدی ببخشد. تجربیات نشان داده است که کودکانی که در محیطی خانوادگی و سالم رشد می‌کنند، به‌طور کلی رشد بهتری دارند و به کمال می‌رسند. در مقابل، کودکانی که در محیطی خالی از محبت و دلبستگی‌های خانوادگی پرورش می‌یابند، احتمالاً در معرض بحران‌های عاطفی و روانی زیادی قرار خواهند گرفت. بنابراین، حمایت و رشد نهاد فرزندخواندگی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی این کودکان کمک می‌کند، بلکه به سلامت روانی و اجتماعی جامعه نیز می‌افزاید.^{۱۰}

فرزندخواندگی، که یک اصطلاح خاص در سیستم‌های حقوقی غرب است، در حقوق ایران به جای واژه فرزندخواندگی از "سرپرستی کودک بی‌سرپرست" استفاده می‌شود. در واقع، این نهاد به معنای پذیرش کودک به عنوان فرزند قانونی و بهره‌مند ساختن وی از مزایای قانونی آن است. در ایران، به‌طور خاص بر اساس قانون سال ۱۳۵۴ و محدودیت‌های شرعی، آثار پذیرش فرزندخواندگی محدود است و فراتر از مزایای مشخص‌شده در قانون، نمی‌توان حقوق ویژه‌ای برای کودک تحت سرپرستی قائل شد. این قانون در ماده ۱۳، مشابه بند ۳ ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ۱۳۱۲، در مواردی که پذیرش کودک از سوی خانواده‌های غیرمسلمان مطرح است، از اصطلاح "فرزندخوانده" استفاده کرده است. این به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که منظور از "غیرشیعه" در این ماده، غیرمسلمانان است و در مواردی که خانواده‌های اهل تسنن سرپرستی کودک را بر عهده می‌گیرند، این سرپرستی از نظر قانونی موجب ارث نخواهد شد.^{۱۱} در نظام حقوقی ایران، تنها فرزند مشروع که از نطفه‌ای قانونی و شرعی به

^۹ صفایی، حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۸۲. حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران. ص ۲۳

^{۱۰} صادقی مقدم، محمدحسن و صادق شریعتی نسب، مطالعه تطبیقی اتفاق در فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، نامه ی مفید حقوق تطبیقی، ۹۴، ج ۸، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۵۱

^{۱۱} امامی، اسدالله، وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۱۸

وجود آمده باشد، از حقوق قانونی بهره‌مند می‌شود. طبق قانون مدنی ایران، به‌ویژه مواد ۱۱۵۸ به بعد، رابطه نسبی میان کودک و والدین قانونی تعریف می‌شود و هرگاه تردیدهایی در نسبت‌دادن کودک به والدین وجود داشته باشد، اصل بر صحت نسب است. در صورتی که رابطه از طریق شبهه یا اشتباه شکل گیرد، قانون‌گذار تصریح کرده است که کودک به فردی که در اشتباه بوده، نسبت داده می‌شود. با پیشرفت‌های علمی در زمینه تلقیح مصنوعی و تولید کودکان آزمایشگاهی، این کودکان نیز می‌توانند از نظر قانونی فرزند محسوب شوند، البته در حقوق ایران، باید رابطه مشروع در هنگام انعقاد نطفه وجود داشته باشد.^{۱۲} اگر بعد از این تاریخ، زن و مرد با یکدیگر ازدواج کنند، نسب کودک همچنان مشروع نخواهد شد. این در حالی است که در حقوق انگلستان، حتی اگر رابطه پیش از ازدواج نامشروع باشد، می‌توان با ازدواج والدین، نسب کودک را قانونی و مشروع اعلام کرد. در حقوق انگلستان، دو نوع فرزندخواندگی وجود دارد: فرزندخواندگی ساده و فرزندخواندگی کامل. فرزندخواندگی ساده از طریق یک قرارداد میان فرزندخوانده و سرپرست به‌وجود می‌آید و نیاز به حکم دادگاه دارد. پیش از اصلاحات اخیر، تنها افراد بالای ۱۵ سال یا افراد بزرگسال می‌توانستند فرزندخوانده شوند، اما اکنون پذیرش صغار با موافقت شخص یا مؤسسه سرپرست نیز امکان‌پذیر است. در فرزندخواندگی کامل، کودک زیر ۱۵ سال به فرزندخوانده پذیرفته می‌شود و از تمام حقوق فرزند قانونی برخوردار می‌شود. این موارد نشان می‌دهند که نهاد فرزندخواندگی و نحوه برخورد با آن در هر کشور بر اساس قوانین و اصول حقوقی خاص خود متفاوت است و همچنان نیازمند بازنگری و تطابق با تحولات اجتماعی و حقوقی است.^{۱۳}

گفتار دوم: نسب

نسب، به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق خانواده، به رابطه خویشاوندی‌ای اطلاق می‌شود که از طریق خون یا تولد بین افراد برقرار می‌گردد. این رابطه، که معمولاً به پیوند بین والدین و فرزندان یا خویشاوندان با منشأ مشترک اشاره دارد، در نظام‌های حقوقی مختلف با توجه به مبانی فرهنگی، دینی و قانونی، تعاریف و آثار متفاوتی دارد. در حقوق ایران، نسب به‌طور خاص به رابطه‌ای خونی گفته می‌شود که از طریق لقاح طبیعی یا روش‌های علمی مانند تلقیح مصنوعی بین والدین و فرزند

^{۱۲} مبین، حجت، تحولات فرزندخواندگی در اسلام، حقوق ایران و انگلستان، نشریه حقوقی گواه، شماره ۴-۵، ۱۳۸۵، ص ۲۱

^{۱۳} امامی، اسدالله، وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۱۹

ایجاد می‌شود. این مفهوم نه تنها هویت خانوادگی افراد را تعیین می‌کند، بلکه در تنظیم روابط حقوقی، از جمله ارث، حضانت، و نفقه، نقش کلیدی ایفا می‌کند.^{۱۴} در نظام حقوقی انگلستان، نسب علاوه بر پیوند خونی، در مواردی از طریق فرزندخواندگی یا ازدواج بعدی والدین نیز به رسمیت شناخته می‌شود و آثار حقوقی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد. در حقوق ایران، منشأ نسب به لقاح در چارچوب ازدواج مشروع وابسته است. قانون‌گذار ایرانی، با تأکید بر اصول فقه شیعه، شروط سختی برای مشروعیت نسب تعیین کرده است. نخست، لقاح باید در زمان وجود عقد نکاح صحیح صورت گیرد. دوم، در مواردی که رابطه از روی شبهه (اشتباه در مشروعیت رابطه) شکل گرفته باشد، اگر یکی از طرفین به اشتباه رابطه را مشروع بداند، کودک به آن طرف ملحق می‌شود. قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد که طفلی که از روی شبهه به دنیا آمده، به طرفی که در اشتباه بوده و رابطه را مشروع می‌دانسته، منسوب می‌شود.^{۱۵} همچنین، در صورتی که نکاح باطل باشد اما طرفین از بطلان آن بی‌اطلاع باشند، کودک می‌تواند به هر یک از والدین که به مشروعیت رابطه اعتقاد داشته، ملحق شود. این قواعد، که ریشه در فقه اسلامی دارند، با هدف حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از اختلاط نسب طراحی شده‌اند. در حقوق ایران، اگر رابطه‌ای پیش از ازدواج شکل گیرد و سپس والدین ازدواج کنند، این ازدواج بعدی نمی‌تواند نسب فرزند حاصل از رابطه نامشروع را مشروع سازد. رابطه نامشروع یا زنا، مانع ایجاد نسب مشروع است و فرزند حاصل از چنین رابطه‌ای از حقوقی مانند ارث از والدین برخوردار نمی‌شود. با این وجود، در موارد خاص، مانند اخذ شناسنامه یا پرداخت نفقه، رویه‌های قضایی نشان داده‌اند که پدر عرفی موظف به انجام برخی تکالیف، مانند تأمین نفقه، است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای ایجاد تعادل بین الزامات شرعی و نیازهای اجتماعی کودکان است، هرچند محدودیت‌های ناشی از قواعد شرعی همچنان بر این حقوق تأثیر می‌گذارند.^{۱۶}

در نظام حقوقی انگلستان، مفهوم نسب رویکردی انعطاف‌پذیرتر دارد. در این نظام، که مبتنی بر کامن‌لا و قوانین پارلمانی است، نسب نه تنها از طریق پیوند خونی، بلکه از طریق فرزندخواندگی یا ازدواج بعدی والدین نیز به رسمیت شناخته می‌شود. به عنوان مثال، در انگلستان، اگر والدین پس از تولد فرزند ازدواج کنند، این ازدواج می‌تواند نسب فرزند را مشروع سازد و او را از حقوق کامل

^{۱۴} امامی، اسدالله، (۱۳۴۹)، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، تهران. ص ۵۶

^{۱۵} امامی، اسدالله، (۱۳۸۱)، «حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، جلد دوم. ص ۱۰۰

^{۱۶} محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، ۱۳۸۶. ص ۱۲۰

خانوادگی، از جمله ارث، برخوردار کند. این رویکرد، که ریشه در تحولات اجتماعی و نیاز به حمایت از کودکان دارد، با هدف تأمین منافع کودک و انطباق با واقعیت‌های اجتماعی مدرن طراحی شده است. قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ در انگلستان، امکان ایجاد رابطه حقوقی کامل بین فرزندخوانده و والدین خوانده را فراهم کرده و این رابطه از نظر آثار حقوقی، مشابه رابطه نسبی تلقی می‌شود.^{۱۷} پیشرفت‌های علمی و فناوری، مانند تلقیح مصنوعی و تولید کودکان آزمایشگاهی، نیز بر مفهوم نسب در هر دو نظام تأثیر گذاشته است. در حقوق ایران، کودکانی که از طریق روش‌های علمی مانند تلقیح مصنوعی به دنیا می‌آیند، در صورتی که لقاح در چارچوب ازدواج مشروع باشد، به‌عنوان فرزند قانونی والدین شناخته می‌شوند و هیچ مانعی برای انتساب نسب به آن‌ها وجود ندارد. در انگلستان نیز، این روش‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند و قوانین به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که حقوق کودکان متولدشده از این روش‌ها مشابه کودکان متولدشده از لقاح طبیعی باشد. این موضوع نشان‌دهنده انطباق نظام‌های حقوقی با پیشرفت‌های علمی و تلاش برای حفظ حقوق کودکان در شرایط جدید است.^{۱۸}

در حقوق ایران، نهاد فرزندخواندگی به هیچ عنوان به‌عنوان نسب تلقی نمی‌شود. از منظر شرعی و قانونی، فرزندخوانده رابطه خویشاوندی با والدین خوانده ندارد و آثار حقوقی ناشی از نسب، مانند ارث یا محرمیت، به این رابطه تعلق نمی‌گیرد. فرزندخواندگی در ایران بیشتر به‌عنوان سرپرستی تعریف می‌شود و حقوق و تکالیف آن به‌صورت محدود توسط قانون‌گذار تعیین شده است. این در حالی است که در انگلستان، فرزندخواندگی می‌تواند آثار حقوقی مشابه نسب ایجاد کند، به‌گونه‌ای که فرزندخوانده از نظر قانونی در جایگاه فرزند نسبی قرار می‌گیرد و از حقوقی مانند ارث و حضانت برخوردار می‌شود. تفاوت‌های این دو نظام در تعریف و آثار نسب، تأثیرات عمیقی بر نهاد فرزندخواندگی و حقوق کودکان دارد. در ایران، تأکید بر حفظ نسب خونی و رعایت قواعد شرعی، محدودیت‌هایی را در به رسمیت شناختن حقوق کامل فرزندخوانده‌ها ایجاد کرده است. این در حالی است که در انگلستان، انعطاف‌پذیری حقوقی و تأکید بر منافع کودک، امکان ادغام کامل فرزندخوانده در خانواده را فراهم کرده است. این تفاوت‌ها، که ریشه در مبانی فرهنگی و دینی

^{۱۷}Keating, J. (2023). Adoption in England and Wales: a brief history. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 14-36). Edward Elgar Publishing. P5

^{۱۸}Thoburn, J. (2021). Adoption from care in England: learning from experience. In Adoption from Care (pp. 17-32). Policy Press. P6

دارند، نیازمند بررسی دقیق‌تر برای درک تأثیر آن‌ها بر کودکان و خانواده‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود سیاست‌گذاری‌ها در هر دو نظام است.^{۱۹}

نسب، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق خانواده، به رابطه خویشاوندی مبتنی بر خون یا تولد اشاره دارد که هویت حقوقی و اجتماعی افراد را در نظام‌های حقوقی مختلف شکل می‌دهد. این مفهوم، که در تعیین حقوق و تکالیف خانوادگی مانند ارث، حضانت، و نفقه نقش محوری دارد، در هر نظام حقوقی با توجه به ارزش‌های فرهنگی، دینی، و اجتماعی تعریف و تفسیر می‌شود. در حقوق ایران، نسب عمدتاً به پیوند خونی ناشی از لقاح در چارچوب ازدواج مشروع محدود است و تحت تأثیر اصول فقه شیعه، با دقت و سخت‌گیری خاصی بررسی می‌شود. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان رویکردی گسترده‌تر به نسب دارد و علاوه بر پیوند خونی، در مواردی مانند فرزندخواندگی یا ازدواج والدین پس از تولد، رابطه حقوقی مشابهی را به رسمیت می‌شناسد.^{۲۰} این تفاوت‌ها، که ریشه در مبانی نظری و فلسفی هر نظام دارند، تأثیرات عمیقی بر حقوق کودکان و ساختارهای خانوادگی دارند. در حقوق ایران، مشروعیت نسب به شرایط خاصی وابسته است که از اصول شرعی نشأت می‌گیرند. لقاح باید در بستر ازدواج شرعی و قانونی انجام شود تا فرزند به‌عنوان عضوی مشروع از خانواده شناخته شود. در مواردی که رابطه از روی شبهه یا اشتباه در مشروعیت نکاح شکل گیرد، قانون‌گذار اجازه می‌دهد که کودک به والدی که به مشروعیت رابطه اعتقاد داشته، ملحق شود. با این حال، رابطه‌ای که خارج از چارچوب ازدواج مشروع شکل گرفته باشد، حتی در صورت ازدواج بعدی والدین، نمی‌تواند نسب را مشروع سازد. این محدودیت، که با هدف حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از اختلاط نسب وضع شده، حقوق کودکانی که از روابط غیرمشروع متولد شده‌اند را در زمینه‌هایی مانند ارث و هویت خانوادگی محدود می‌کند. این در حالی است که برخی تکالیف، مانند پرداخت نفقه، ممکن است به پدر عرفی تحمیل شود.^{۲۱}

^{۱۹} متولی، محمد، ۱۳۷۹، «قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی ایران»، سایت قوانین، شماره صد و هفتاد. ص ۳۳

^{۲۰} واحدی، مصطفی. (۱۳۷۹). حقوق خانواده در سوئد. ج ۱، تهران: گنج دانش. مقالات: امامی، اسدالله. (۱۳۷۸). وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۲(۲)، ۶۹-۴۳.

^{۲۱} متولی، محمد، ۱۳۷۹، «قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی ایران»، سایت قوانین، شماره صد و هفتاد. ص ۳۴

گفتار سوم: مصلحت کودک

مصلحت کودک، به عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق خانواده، به مجموعه‌ای از معیارها و ملاحظات حقوقی، اجتماعی، و روان‌شناختی اشاره دارد که با هدف تأمین منافع مادی و معنوی کودک در فرآیندهای حقوقی، به‌ویژه در حوزه فرزندخواندگی، مورد توجه قرار می‌گیرد. این اصل، که در نظام‌های حقوقی مختلف جایگاه ویژه‌ای دارد، در حقوق ایران و انگلستان با توجه به مبانی نظری و عملی هر نظام، تفسیر و اجرای متفاوتی یافته است. در ایران، مصلحت کودک تحت تأثیر قواعد فقهی و شرعی، با تأکید بر حفظ هویت دینی و نسبی کودک، تعریف می‌شود. در انگلستان، این اصل در چارچوب نظام کامن‌لا و قوانین پارلمانی، با تمرکز بر نیازهای فردی و اجتماعی کودک، به صورت گسترده‌تری اعمال می‌شود. این تفاوت‌ها، که ریشه در ساختارهای فرهنگی و حقوقی دارند، بر نحوه حمایت از کودکان در فرآیندهای فرزندخواندگی تأثیر عمیقی می‌گذارند.^{۲۲}

در حقوق ایران، مصلحت کودک به عنوان یک اصل راهنما در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ برجسته شده است. این قانون، با تأکید بر تأمین محیطی امن و مناسب برای رشد کودک، معیارهایی مانند سلامت جسمی و روانی، تربیت دینی، و حفظ هویت خانوادگی را در اولویت قرار می‌دهد. با این حال، این معیارها اغلب در چارچوب قواعد شرعی تفسیر می‌شوند، که گاه محدودیت‌هایی را در انعطاف‌پذیری فرآیندهای فرزندخواندگی ایجاد می‌کند. برای مثال، حفظ نسب و جلوگیری از اختلاط آن، به عنوان یکی از ملاحظات اصلی، ممکن است بر تصمیم‌گیری‌های قضایی در مورد سرپرستی کودکان تأثیر بگذارد و مصلحت کودک را در مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر، به صورت محدودتری تعریف کند.^{۲۳} در نظام حقوقی انگلستان، مصلحت کودک به عنوان اصل محوری در قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ شناخته می‌شود. این قانون، که منافع کودک را در صدر تصمیم‌گیری‌های حقوقی قرار می‌دهد، معیارهای گسترده‌ای مانند سلامت جسمی و روانی، نیازهای عاطفی، و تطبیق فرهنگی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد. برخلاف ایران، این نظام حقوقی به قضات و نهادهای نظارتی اختیار بیشتری برای تفسیر مصلحت کودک بر اساس شرایط خاص هر پرونده می‌دهد. این انعطاف‌پذیری امکان می‌دهد که تصمیمات

^{۲۲} کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، چاپ نهم، میزان، تهران، ۱۳۹۶.

^{۲۳} لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی حقوق خانواده، جلد دوم، چاپ اول، خرسندی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵.

حقوقی با نیازهای فردی کودک و تغییرات اجتماعی هماهنگ‌تر باشند، اما در عین حال ممکن است به پیچیدگی‌هایی در اجرای یکنواخت این اصل منجر شود.^{۲۴}

یکی از جنبه‌های مهم مصلحت کودک در هر دو نظام، توجه به سلامت روان‌شناختی و عاطفی کودک است. در ایران، این موضوع اغلب از طریق تأکید بر تربیت دینی و ایجاد محیطی مطابق با ارزش‌های اسلامی دنبال می‌شود. نهادهای قضایی و بهزیستی در ایران موظفند اطمینان حاصل کنند که خانواده‌های متقاضی فرزندخواندگی قادر به تأمین نیازهای عاطفی و تربیتی کودک باشند. با این حال، فقدان معیارهای استاندارد و یکپارچه برای ارزیابی این نیازها گاه به تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ منجر می‌شود. در انگلستان، ارزیابی‌های روان‌شناختی و مشاوره‌های تخصصی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند فرزندخواندگی هستند، که با هدف تضمین ثبات عاطفی کودک و سازگاری او با خانواده جدید انجام می‌شوند. مصلحت کودک شامل تأمین نیازهای آموزشی و اجتماعی اوست. در حقوق ایران، قانون‌گذار بر لزوم فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی برای کودکان تأکید دارد، اما این موضوع بیشتر در چارچوب سرپرستی و نه فرزندخواندگی کامل تعریف می‌شود.^{۲۵} این محدودیت، که ناشی از عدم به رسمیت شناختن رابطه نسبی در فرزندخواندگی است، ممکن است بر دسترسی کودک به حقوق آموزشی و اجتماعی تأثیر بگذارد. در مقابل، در انگلستان، قانون به صراحت بر تأمین دسترسی کودک به آموزش باکیفیت و فرصت‌های اجتماعی برابر با سایر کودکان تأکید دارد. این رویکرد، که با هدف ادغام کامل کودک در جامعه طراحی شده، از طریق نظارت‌های منظم و حمایت‌های دولتی تقویت می‌شود. یکی دیگر از ابعاد مصلحت کودک، توجه به هویت فرهنگی و دینی اوست. در ایران، حفظ هویت دینی کودک، به ویژه در خانواده‌های مسلمان، یکی از اولویت‌های اصلی در فرآیند سرپرستی است. این موضوع، که ریشه در اصول فقهی دارد، گاه به عنوان یک محدودیت در انتخاب خانواده‌های غیرمسلمان برای کودکان بی‌سرپرست عمل می‌کند.^{۲۶} در انگلستان، هویت فرهنگی و دینی کودک نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، اما این نظام حقوقی انعطاف بیشتری در پذیرش تنوع فرهنگی نشان می‌دهد. برای مثال، تلاش می‌شود که کودک در خانواده‌ای با پیشینه فرهنگی مشابه قرار گیرد، اما این موضوع به عنوان یک الزام سخت‌گیرانه

^{۲۴} پارساپور، محمدباقر؛ نوربخش، سوسن، معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون‌های حقوق کودک، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۵، ۲۸-۱۹.

^{۲۵} رضوانی مفرد، احمد؛ ظفری، مزده، تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست، مجله دانش حقوق مدنی، پاییز و زمستان ۹۴، شماره ۸، ص ۵.

^{۲۶} خانلری بهمنیری، حسین، حقوق مدنی والدین در حقوق کنونی، فصلنامه دبدگاه‌های حقوقی، پائیز ۱۳۹۰، شماره ۵۵، ص ۲۷-۶۴.

اعمال نمی‌شود. نقش نهادهای نظارتی در تضمین مصلحت کودک نیز در هر دو نظام حقوقی متفاوت است. در ایران، سازمان بهزیستی و محاکم قضایی مسئولیت اصلی نظارت بر فرآیند سرپرستی را بر عهده دارند. این نهادها موظفند معیارهایی مانند صلاحیت اخلاقی و مالی والدین را بررسی کنند، اما نبود پروتکل‌های دقیق و یکپارچه گاه به ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها منجر می‌شود. در انگلستان، نهادهای نظارتی مانند آژانس‌های فرزندخواندگی و مددکاران اجتماعی نقش فعال‌تری دارند و از ابزارهای استاندارد مانند ارزیابی‌های چندمرحله‌ای برای اطمینان از رعایت مصلحت کودک استفاده می‌کنند. این تفاوت در ساختارهای نظارتی، بر کیفیت اجرای این اصل تأثیر می‌گذارد.^{۲۷} مصلحت کودک در فرآیند انتخاب خانواده‌های متقاضی مورد توجه قرار می‌گیرد. در ایران، معیارهای انتخاب خانواده عمدتاً بر اساس شرایط مالی، اخلاقی، و دینی والدین تعریف می‌شود، اما این معیارها گاه به صورت کلی و بدون جزئیات مشخص اعمال می‌شوند. این موضوع ممکن است به انتخاب خانواده‌هایی منجر شود که با نیازهای خاص کودک همخوانی کامل ندارند. در انگلستان، فرآیند انتخاب خانواده شامل ارزیابی‌های دقیق‌تر، از جمله مصاحبه‌های روان‌شناختی و بررسی سازگاری فرهنگی و عاطفی، است که با هدف تضمین بهترین تطبیق بین کودک و خانواده انجام می‌شود. این تفاوت‌ها بر میزان موفقیت فرزندخواندگی تأثیر می‌گذارند. یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه در ایران، حمایت‌های پس از فرزندخواندگی است. در این نظام، نظارت‌های پس از واگذاری کودک به خانواده محدود است و بیشتر بر رعایت الزامات شرعی متمرکز است. این موضوع ممکن است به عدم پیگیری کافی نیازهای کودک در درازمدت منجر شود.^{۲۸} در انگلستان، حمایت‌های پس از فرزندخواندگی، از جمله مشاوره‌های روان‌شناختی و نظارت‌های دوره‌ای، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند هستند. این حمایت‌ها با هدف اطمینان از تداوم مصلحت کودک و سازگاری او با خانواده جدید طراحی شده‌اند و نقش مهمی در کاهش مشکلات احتمالی دارند. مصلحت کودک در هر دو نظام حقوقی به عنوان یک اصل راهنما شناخته می‌شود، اما شیوه تفسیر و اجرای آن تحت تأثیر تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی است. در ایران، تأکید بر قواعد شرعی و حفظ هویت دینی، چارچوب محدودتری برای این اصل ایجاد کرده است، درحالی‌که در انگلستان، انعطاف‌پذیری حقوقی و تمرکز بر نیازهای فردی کودک، رویکردی گسترده‌تر را شکل داده است.

^{۲۷} توسلی نائینی، منوچهر، فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و مقایسه آن با حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق خصوصی،

سال سی و نهم، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴، صص ۸۹-۱۱۰.

^{۲۸}Forrester, D., Goodman, K., Cocker, C., Binnie, C., & Jensch, G. (2009). What is the impact of public care on children's welfare? A review of research findings from England and Wales and their policy implications. *Journal of Social Policy*, 38(3), 439-456.

این تفاوت‌ها، که از مبانی نظری و عملی هر نظام ناشی می‌شوند، بر نحوه حمایت از کودکان در فرآیند فرزندخواندگی تأثیر می‌گذارند و نیازمند بررسی دقیق‌تر برای شناسایی فرصت‌های بهبود هستند.^{۲۹}

گفتار چهارم: نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

- نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی ایران، که به‌طور عمده بر پایه فقه شیعه جعفری و اصول اسلامی شکل گرفته است، یکی از نظام‌های حقوقی فقه‌محور محسوب می‌شود که در حوزه حقوق خانواده، به‌ویژه در مسائل مرتبط با فرزندخواندگی، ویژگی‌های متمایزی دارد. این نظام، که ریشه در منابع فقهی مانند قرآن، سنت، اجماع، و عقل دارد، توسط قانون مدنی ایران و سایر قوانین مرتبط، از جمله قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، تنظیم شده است. تأکید اصلی این نظام بر حفظ نظم اجتماعی، رعایت اصول شرعی، و جلوگیری از اختلاط نسب است که بر تمامی جنبه‌های حقوقی، از جمله فرزندخواندگی، تأثیر می‌گذارد.^{۳۰} قانون‌گذار ایرانی با هدف تطبیق قوانین با احکام اسلامی، چارچوب‌های خاصی برای تنظیم روابط خانوادگی ایجاد کرده است که در آن اولویت‌های دینی و فرهنگی نقش محوری دارند. در این نظام، فرآیندهای قضایی و اجرایی مرتبط با فرزندخواندگی تحت نظارت دقیق محاکم شرعی و نهادهای دولتی مانند سازمان بهزیستی قرار دارند. قوانین ایران، فرزندخواندگی را به‌عنوان سرپرستی موقت یا دائم تعریف می‌کنند، بدون اینکه رابطه نسبی کامل بین فرزندخوانده و والدین خوانده ایجاد شود. این محدودیت، که از تفسیر فقهی آیاتی ناشی می‌شود، مانع از آن می‌شود که فرزندخوانده از حقوقی مانند ارث برخوردار شود. محاکم قضایی در ایران موظفند معیارهای شرعی، مانند صلاحیت دینی و اخلاقی والدین متقاضی، را در اولویت قرار دهند، که این امر فرآیند فرزندخواندگی را به شدت تحت تأثیر ملاحظات فقهی قرار می‌دهد.^{۳۱} یکی از ویژگی‌های بارز نظام حقوقی ایران، تأکید بر حفظ هویت دینی و فرهنگی کودک است. این نظام، با توجه به اصول فقهی، تلاش می‌کند تا کودکان بی‌سرپرست در

^{۲۹} پارساپور، محمدباقر؛ نوربخش، سوسن، معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون‌های حقوق کودک، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۵، ۲۸-۱۹.

^{۳۰} بروجردی عبده، م. (۱۳۳۹) "کلیات حقوق اسلامی" (چاپ دوم)، انتشارات دانشگاه تهران. ص ۱۰۴

^{۳۱} صبحی، ع.ا. (۱۳۴۹) "سیری در جامعه شناسی ایران"، کتابفروشی دهخدا. ص ۲۷۸

خانواده‌هایی با پیشینه دینی مشابه، به‌ویژه در چارچوب اسلام شیعی، قرار گیرند. این رویکرد، که ریشه در ارزش‌های اسلامی دارد، گاه انعطاف‌پذیری در انتخاب خانواده‌های متقاضی را محدود می‌کند. برای مثال، اولویت دادن به خانواده‌های متأهل و دارای شرایط خاص مالی و اخلاقی، بخشی از تلاش قانون‌گذار برای تضمین تطابق فرهنگی و دینی کودک با خانواده جدید است. این موضوع، فرآیند فرزندخواندگی را به یک مکانیزم پیچیده و تحت نظارت دقیق تبدیل کرده است.^{۳۲}

نظام حقوقی ایران در تنظیم روابط خانوادگی، به‌ویژه در حوزه فرزندخواندگی، بر اصل مصلحت کودک تأکید دارد، اما این اصل در چارچوب قواعد شرعی تفسیر می‌شود. به‌عنوان مثال، قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، معیارهایی مانند سلامت جسمی و روانی، تربیت دینی، و تأمین نیازهای اولیه کودک را در نظر می‌گیرد. با این حال، فقدان پروتکل‌های استاندارد و یکپارچه برای ارزیابی این معیارها، گاه به ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌های قضایی منجر می‌شود. این موضوع، همراه با پیچیدگی‌های بوروکراتیک در فرآیند سرپرستی، می‌تواند دسترسی به فرزندخواندگی را برای برخی خانواده‌ها دشوار کند.^{۳۳} یکی از جنبه‌های مهم نظام حقوقی ایران، نقش نهادهای نظارتی در فرآیند فرزندخواندگی است. سازمان بهزیستی به‌عنوان نهاد اصلی مسئول واگذاری کودکان بی‌سرپرست، وظیفه ارزیابی صلاحیت والدین متقاضی و نظارت بر فرآیند سرپرستی را بر عهده دارد. این نهاد، با همکاری محاکم قضایی، تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل کند که تصمیمات اتخاذشده در راستای منافع کودک و مطابق با اصول شرعی باشند. با این حال، نظارت‌های پس از واگذاری کودک به خانواده در ایران محدودتر از نظام‌های حقوقی دیگر است و بیشتر بر رعایت الزامات قانونی و شرعی متمرکز است تا حمایت‌های روان‌شناختی یا اجتماعی درازمدت. نظام حقوقی ایران رویکردی محتاطانه به فرزندخواندگی فرامرزی دارد. قوانین ایران، به دلیل تأکید بر حفظ هویت دینی و فرهنگی کودک، محدودیت‌های شدیدی برای واگذاری کودکان به خانواده‌های غیرمسلمان یا خارج از کشور اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها، که ریشه در مبانی فقهی دارند، با هدف حفظ ارزش‌های اسلامی و جلوگیری از تغییر هویت فرهنگی کودک وضع شده‌اند. با این حال، این رویکرد ممکن است فرصت‌های فرزندخواندگی برای کودکان بی‌سرپرست

^{۳۲} وارسته، ح. (۱۳۹۰) "فرهنگ جامع حقوقی" (چاپ دوم)، انتشارات امیرکبیر. ص ۱۱۴

^{۳۳} عاملی، ب. (۱۳۵۰) "حقوق خانواده"، مدرسه عالی دختران ایران. ص ۳۰

را در سطح جهانی محدود کند و چالش‌هایی را در هماهنگی با نظام‌های حقوقی بین‌المللی ایجاد نماید.^{۳۴}

- نظام حقوقی انگلستان

نظام حقوقی انگلستان، که بر پایه کامن‌لا و قوانین پارلمانی شکل گرفته است، یکی از نظام‌های حقوقی پیشرو در حوزه حقوق خانواده و فرزندخواندگی محسوب می‌شود. این نظام، که ریشه در سنت‌های حقوقی آنگلو ساکسون و تحولات قانونی مدرن دارد، با قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ چارچوبی منسجم برای تنظیم فرآیندهای فرزندخواندگی ارائه کرده است. اصل محوری این نظام، تأمین منافع کودک است که به عنوان معیاری فراگیر در تمامی تصمیم‌گیری‌های حقوقی مرتبط با کودکان اعمال می‌شود. این رویکرد، که با انعطاف‌پذیری و توجه به نیازهای اجتماعی مدرن مشخص می‌شود، امکان تطبیق قوانین با تحولات فرهنگی و اجتماعی را فراهم کرده است.^{۳۵} در نظام حقوقی انگلستان، فرآیند فرزندخواندگی تحت نظارت دقیق آژانس‌های تخصصی فرزندخواندگی و مددکاران اجتماعی قرار دارد. این نهادها، با استفاده از ارزیابی‌های چندمرحله‌ای، از جمله مصاحبه‌های روان‌شناختی و بررسی‌های مالی و اجتماعی، صلاحیت والدین متقاضی را بررسی می‌کنند. برخلاف ایران، این نظام به گروه‌های متنوعی از متقاضیان، از جمله زوج‌های همجنس، افراد مجرد، و خانواده‌های با پیشینه‌های فرهنگی مختلف، اجازه مشارکت در فرآیند فرزندخواندگی می‌دهد. این انعطاف‌پذیری، که بازتاب‌دهنده تنوع اجتماعی در انگلستان است، با هدف افزایش فرصت‌های فرزندخواندگی برای کودکان بی‌سرپرست طراحی شده است. یکی از ویژگی‌های برجسته نظام حقوقی انگلستان، تأکید بر حمایت‌های پس از فرزندخواندگی است. این نظام، با ارائه خدمات مشاوره‌ای، حمایت‌های روان‌شناختی، و نظارت‌های دوره‌ای، تلاش می‌کند تا سازگاری کودک با خانواده جدید و ثبات عاطفی او را تضمین کند. این حمایت‌ها، که توسط نهادهای دولتی

^{۳۴} بروجرودی عبده، م. (۱۳۳۹) "کلیات حقوق اسلامی" (چاپ دوم)، انتشارات دانشگاه تهران. ص ۱۰۵

^{۳۵} Bromley, P. (1992) Family Law, London, Butterworths. P7

و غیردولتی ارائه می‌شوند، به‌عنوان بخشی از تعهد انگلستان به رعایت اصل مصلحت کودک عمل می‌کنند. این رویکرد، در مقایسه با نظام‌های حقوقی که نظارت‌های پس از واگذاری محدودی دارند، امکان پیگیری درازمدت نیازهای کودک را فراهم می‌کند و به کاهش مشکلات احتمالی در فرآیند فرزندخواندگی کمک می‌کند.^{۳۶}

در انگلستان، فرزندخواندگی به‌عنوان یک رابطه حقوقی کامل شناخته می‌شود که آثار مشابه نسب خونی را ایجاد می‌کند. قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، با انتقال کامل حقوق و تکالیف والدینی به والدین خوانده، فرزندخوانده را به‌طور کامل در خانواده جدید ادغام می‌کند. این موضوع، که شامل حقوقی مانند ارث و حضانت است، نشان‌دهنده تفاوت اساسی این نظام با نظام‌های فقه‌محور است که فرزندخواندگی را به سرپرستی محدود می‌کنند. این رویکرد، با هدف تأمین ثبات حقوقی و اجتماعی برای کودک، امکان ایجاد پیوندهای خانوادگی پایدار را فراهم می‌کند. این نظام، با رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون لاهه در مورد فرزندخواندگی، فرآیندهای واگذاری کودکان به خانواده‌های خارج از کشور را تسهیل می‌کند.^{۳۷} این موضوع، که با هدف افزایش فرصت‌های فرزندخواندگی برای کودکان بی‌سرپرست انجام می‌شود، نیازمند هماهنگی دقیق با نظام‌های حقوقی دیگر است. انگلستان از پروتکل‌های استاندارد برای ارزیابی صلاحیت خانواده‌های خارجی و تضمین مصلحت کودک استفاده می‌کند، که این امر فرآیند فرزندخواندگی فرامرزی را شفاف‌تر و کارآمدتر می‌سازد. از جنبه‌های متمایز نظام حقوقی انگلستان، توجه به تنوع فرهنگی و دینی در فرآیند فرزندخواندگی است. این نظام، اگرچه حفظ هویت فرهنگی و دینی کودک را در نظر می‌گیرد، اما آن را به‌عنوان یک الزام سخت‌گیرانه اعمال نمی‌کند. برای مثال، تلاش می‌شود که کودکان در خانواده‌هایی با پیشینه فرهنگی مشابه قرار گیرند، اما در صورت نبود چنین خانواده‌هایی، اولویت به تأمین محیطی امن و پایدار برای کودک داده می‌شود. این انعطاف‌پذیری، که بازتاب‌دهنده واقعیت‌های چندفرهنگی جامعه انگلستان است، امکان ادغام کودکان با پیشینه‌های متنوع در خانواده‌های جدید را فراهم می‌کند.^{۳۸}

^{۳۶}Cretney, s. and Masson, J. (1997) Principles of Family Law(6TH edn), London, Sweet and Maxwellman. P36

^{۳۷}Brown, W.J (2005) GCSE Law (9th edn), London, Sweet and maxwelman. P49

^{۳۸}Johnston, D. (2004) Roman Law in Context, London, Cambridge University Press.

حضانت، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در حقوق خانواده، به معنای نگهداری و تربیت جسمانی، عاطفی و اخلاقی کودک است که در نظام‌های حقوقی مختلف، با توجه به اصول حاکم بر آن‌ها، تعریف و اجرا می‌شود. این مفهوم، که ریشه در نیازهای طبیعی کودک به حمایت و مراقبت دارد، در حقوق ایران و انگلستان با تفاوت‌های بنیادین همراه است.^{۳۹} در حقوق ایران، حضانت بر اساس قواعد فقه شیعه و مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی تعریف می‌شود و اولویت آن تا سن هفت سالگی برای دختر و پسر با مادر است، مگر در مواردی که مصلحت کودک ایجاب کند. پس از این سن، حضانت به پدر منتقل می‌شود، اما دادگاه می‌تواند بر اساس اصل مصلحت کودک، این ترتیب را تغییر دهد. در حوزه فرزندخواندگی، حضانت فرزندخوانده به سرپرستان واگذار می‌شود، اما این حق موقتی است و در صورت فوت یا عدم صلاحیت سرپرستان، دادگاه می‌تواند حضانت را به دیگری منتقل کند. این رویکرد، که تحت تأثیر قاعده لاضرر (عدم ضرر به کودک) قرار دارد، تأکید بر حفظ تعادل بین حقوق والدین و منافع کودک دارد و از اختلاط نسب جلوگیری می‌کند.

در مقابل، در نظام حقوقی انگلستان، حضانت بر اساس قانون کودکان ۱۹۸۹ و قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ تعریف می‌شود و به عنوان "مسئولیت والدینی" شناخته می‌شود. این مفهوم، که بر اصل بهترین منافع کودک استوار است، انعطاف‌پذیرتر است و دادگاه‌ها می‌توانند بر اساس شرایط خاص هر پرونده، حضانت را به یکی از والدین یا حتی افراد ثالث واگذار کنند. در فرزندخواندگی کامل در انگلستان، حضانت به طور دائمی به والدین خوانده منتقل می‌شود و حقوق آن‌ها مشابه والدین زیستی است. این تفاوت نشان‌دهنده رویکرد سکولار انگلستان است که اولویت را به ارزیابی فردی نیازهای کودک می‌دهد، در حالی که در ایران، مبانی فقهی مانند حفظ محرمیت و نسب، حضانت را محدودتر می‌سازد.

مشترکات بین دو نظام شامل تأکید بر سلامت جسمی و روانی کودک است، اما در ایران، حضانت می‌تواند به دلیل عدم رعایت قواعد شرعی سلب شود، در حالی که در انگلستان، تمرکز بر شواهد روان‌شناختی و اجتماعی است. قاعده لاضرر در فقه اسلامی، که مبنای حضانت در ایران است،

^{۳۹} عبداللهی، محمد، ۱۴۰۱، بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزند خواندگی در حقوق ایران. فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، دوره: ۷.

تأکید دارد که هیچ ضرری نباید به کودک وارد شود، و این اصل می‌تواند در موارد سوءرفتار سرپرستان، منجر به سلب حضانت شود.^{۴۰}

گفتار ششم: نفقه

نفقه، به معنای تأمین هزینه‌های زندگی کودک شامل خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و درمان، یکی از تکالیف اساسی والدین در حقوق خانواده است. این مفهوم، که در کلیدواژه‌های حقوق کودک برجسته است، در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان با مبانی متفاوت اجرا می‌شود.^{۴۱} در حقوق ایران، بر اساس مواد ۱۱۰۶ و ۱۲۰۴ قانون مدنی و فقه شیعه، نفقه فرزند بر عهده پدر است و در صورت عدم توانایی او، به مادر یا جد پدری منتقل می‌شود. در فرزندخواندگی، سرپرستان موظف به تأمین نفقه فرزندخوانده هستند، اما این تکلیف قراردادی است و نه نسبی.

در صورت فوت سرپرستان، نفقه ممکن است از اموال آن‌ها تأمین شود. مبنای این حکم، قاعده لاضرر و اصل مصلحت کودک است که تأکید دارد کودک نباید در مضیقه مالی قرار گیرد. فقه شیعه، نفقه را تکلیفی شرعی می‌داند که بر اساس روایات، مانند حدیث "الوالد أحق بولده"، پدر را مسئول می‌شناسد.

در انگلستان، نفقه بر اساس قانون کودکان ۱۹۸۹ و قانون حمایت از کودک ۱۹۹۱ تعریف می‌شود و والدین، از جمله والدین خوانده، موظف به تأمین مالی کودک هستند. دادگاه‌ها می‌توانند بر اساس ارزیابی درآمد و نیازهای کودک، میزان نفقه را تعیین کنند. این تکلیف در انگلستان حتی پس از طلاق یا انحلال فرزندخواندگی ادامه دارد. مشترکات دو نظام شامل الزام تأمین نیازهای اساسی کودک است، اما در ایران، نفقه جنبه شرعی دارد و می‌تواند با استناد به قاعده لاضرر افزایش یابد، در حالی که در انگلستان، تمرکز بر عدالت مالی و ارزیابی قضایی است. تفاوت کلیدی در فرزندخواندگی این است که در ایران، نفقه محدود به دوره سرپرستی است، اما در انگلستان، بخشی

^{۴۰} کیافر، سهراب و غفوری، پژمان، ۱۴۰۴، بررسی روند فرزندخواندگی در حقوق ایران و کاستی‌های قوانین مربوطه، بیستمین کنفرانس بین

المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

^{۴۱} کار، مهر انگیز، «ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران»، نشر روشنگران و مطالعات زنان چاپ اول، ۱۳۷۸.

از مسئولیت دائمی والدین خواننده محسوب می‌شود. این مفهوم، که در تمام فصل‌های پایان‌نامه مورد بحث است، نشان‌دهنده نقش آن در حفظ رفاه کودک است.^{۴۲}

گفتار هفتم: ولایت

ولایت، به معنای اختیار تصمیم‌گیری در امور کودک مانند ازدواج، آموزش و مدیریت اموال، یکی از مفاهیم محوری در حقوق خانواده است که در کلیدواژه‌های مشترک ایران و انگلستان ظاهر می‌شود. در حقوق ایران، بر اساس مواد ۱۱۸۰ تا ۱۱۹۴ قانون مدنی و فقه امامیه، ولایت بر عهده پدر یا جد پدری است و در فرزندخواندگی، سرپرستان تنها ولایت قهری محدود دارند، نه ولایت کامل نسبی. این محدودیت، که از مبانی فقهی مانند حفظ نسب ناشی می‌شود، با اصل مصلحت کودک تعدیل می‌شود، به‌طوری که دادگاه می‌تواند در موارد خاص، ولایت را سلب کند. قاعده لاضرر، به‌عنوان مبنای فقهی، تأکید دارد که ولایت نباید به ضرر کودک باشد. در انگلستان، ولایت به‌عنوان "اختیار والدینی" در قانون کودکان ۱۹۸۹ تعریف می‌شود و والدین خواننده در فرزندخواندگی کامل، ولایت دائمی دارند.^{۴۳}

دادگاه‌های انگلستان بر اساس اصل بهترین منافع کودک، می‌توانند ولایت را به افراد دیگر منتقل کنند. مشترکات شامل تمرکز بر منافع کودک است، اما در ایران، ولایت جنبه شرعی دارد و با قواعدی مانند محرمیت محدود می‌شود، در حالی که در انگلستان، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر ارزیابی قضایی است. این مفهوم، که در فصل‌های بعدی پایان‌نامه بررسی می‌شود، نقش کلیدی در مدیریت امور کودک دارد.^{۴۴}

^{۴۲} ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان».

فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۶)، ص ۱۰۹-۱۴۳

^{۴۳} هیات پژوهشگران کاو اندیش. ۱۳۸۷. نظام حقوقی انگلستان. ترجمه نسرين مهرا. تهران. انتشارات میزان

^{۴۴} ارسطویی مرجان. ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان. فصلنامه حقوق کودک. ۱۳۹۹؛ ۲ (۶): ۱۰۹-۱۴۳.

گفتار هشتم: مبانی فقهی و حقوقی کلیدی (قاعده لاضرر، اصل مصلحت کودک و سایر مبانی)

مبانی فقهی و حقوقی، به عنوان پایه‌های نظری نظام‌های حقوقی، نقش اساسی در تبیین و اجرای احکام فرزندخواندگی دارند. این مبانی، که از فرهنگ، دین و ساختارهای اجتماعی هر نظام حقوقی نشأت می‌گیرند، چارچوبی برای تنظیم روابط حقوقی میان کودک، والدین یا سرپرستان و جامعه فراهم می‌کنند. در نظام حقوقی ایران و انگلستان، این مبانی با تفاوت‌های قابل توجهی تعریف می‌شوند که منعکس‌کننده دیدگاه‌های فقهی و سکولار در هر یک از این نظام‌هاست. در حقوق ایران، قاعده لاضرر یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی است که بر اساس حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» شکل گرفته است. این قاعده تأکید دارد که هیچ‌گونه ضرری، اعم از مادی یا معنوی، نباید به کودک وارد شود. این اصل، که در فقه شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد، در مواردی مانند سلب حضانت یا ولایت از سرپرستان نالایق یا در شرایطی که ادامه سرپرستی به ضرر کودک باشد، به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال، اگر سرپرستی به دلیل سوءرفتار یا ناتوانی در تأمین نیازهای کودک، به سلامت جسمی یا روانی او آسیب برساند، دادگاه می‌تواند با استناد به این قاعده، حضانت یا ولایت را سلب کند.^{۴۵}

اصل مصلحت کودک، یکی دیگر از مبانی کلیدی در حقوق ایران است که از کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ الهام گرفته شده، اما با تفسیر فقهی و شرعی در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ ایران بازتعریف شده است. این اصل، که بر اولویت منافع کودک در تصمیم‌گیری‌های حقوقی تأکید دارد، شامل جنبه‌هایی مانند حفظ هویت دینی، تربیت اسلامی، تأمین رفاه مادی و حمایت عاطفی است. به عنوان مثال، در فرآیند فرزندخواندگی، دادگاه‌ها موظف‌اند اطمینان حاصل کنند که سرپرستان توانایی تأمین نیازهای مادی و معنوی کودک را دارند و این امر با بررسی شرایط مالی، اخلاقی و دینی آن‌ها انجام می‌شود. علاوه بر قاعده لاضرر و اصل مصلحت کودک، حفظ نسب یکی دیگر از مبانی فقهی برجسته در حقوق ایران است که ریشه در آیات قرآنی، به‌ویژه آیه ۵ سوره احزاب، دارد. این آیه بر حفظ هویت نسبی کودک تأکید می‌کند و به همین دلیل، فرزندخواندگی در ایران به صورت سرپرستی تعریف شده تا از اختلاط نسب جلوگیری شود. این محدودیت فقهی باعث شده است که فرزندخواندگی در ایران، برخلاف

^{۴۵} کیافر، سهراب و غفوری، پژمان، ۱۴۰۴، بررسی روند فرزندخواندگی در حقوق ایران و کاستی‌های قوانین مربوطه، بیستمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

نظام‌های حقوقی غربی، به معنای ایجاد رابطه نسبی کامل نباشد و حقوق و تکالیف سرپرستان نسبت به فرزندخوانده محدودتر باشد.^{۴۶}

در مقابل، نظام حقوقی انگلستان مبتنی بر اصول کامن‌لا و رویکرد سکولار است که در آن اصل بهترین منافع کودک محور اصلی تصمیم‌گیری‌های حقوقی است. این اصل، که در قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ به‌طور صریح بیان شده، بر ارزیابی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی نیازهای کودک تأکید دارد. دادگاه‌های انگلستان در پرونده‌های فرزندخواندگی، با بررسی شرایط خاص هر کودک، از جمله سلامت روانی، نیازهای آموزشی و محیط خانوادگی، تصمیم می‌گیرند که آیا واگذاری حضانت یا ولایت به والدین خوانده به نفع کودک است یا خیر. رویکرد انگلستان به فرزندخواندگی، به‌ویژه در موارد فرزندخواندگی کامل، بر ایجاد رابطه حقوقی دائمی و مشابه رابطه والدین زیستی با کودک تمرکز دارد. این نظام، که انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به نظام حقوقی ایران دارد، به قضات اجازه می‌دهد تا با توجه به شواهد عینی، مانند گزارش‌های روان‌شناسان یا مددکاران اجتماعی، تصمیم‌گیری کنند. به عنوان مثال، در مواردی که والدین زیستی قادر به تأمین نیازهای کودک نیستند، دادگاه می‌تواند با استناد به اصل بهترین منافع کودک، حضانت یا ولایت را به‌طور کامل به والدین خوانده منتقل کند.^{۴۸} مشترکات میان نظام حقوقی ایران و انگلستان در تأکید بر رفاه و سلامت کودک است. هر دو نظام، چه از منظر فقهی و چه از منظر سکولار، هدف اصلی خود را حمایت از کودک و تضمین رشد سالم او قرار داده‌اند. با این حال، تفاوت‌های اساسی در مبانی نظری این دو نظام وجود دارد. در ایران، مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر و حفظ نسب، چارچوب‌های شرعی و دینی را بر تصمیم‌گیری‌ها حاکم می‌کنند، در حالی که در انگلستان، مبانی سکولار و مبتنی بر ارزیابی‌های فردی و اجتماعی اولویت دارند. یکی از تفاوت‌های کلیدی دیگر، نحوه تعامل این مبانی با مسائل عملی فرزندخواندگی است. در ایران، محدودیت‌های فقهی مانند جلوگیری از اختلاط نسب باعث شده‌اند که فرزندخواندگی به سرپرستی موقت محدود شود و حقوق و تکالیف سرپرستان نسبت به کودک، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند ارث، مشابه والدین زیستی نباشد. این در حالی است که در انگلستان، فرزندخواندگی کامل به معنای ایجاد رابطه

^{۴۶} فدوی، سلیمان، تعارض قوانین در فرزند خواندگی، ماهنامه کانون، ش ۵۶، ۱۳۸۴.

^{۴۷} best interests of the child

^{۴۸} همانلو، لیل (۱۳۹۳). احکام و آثار فرزند خواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

حقوقی دائمی است که حتی در مواردی مانند ارث، والدین خوانده را مشابه والدین زیستی قرار می دهد.^{۴۹}

علاوه بر این، قاعده لاضرر در ایران نه تنها در سلب حضانت یا ولایت، بلکه در تنظیم روابط مالی و عاطفی میان سرپرستان و کودک نیز نقش دارد. به عنوان مثال، اگر سرپرستان نتوانند نفقه کودک را تأمین کنند، این امر می تواند به عنوان ضرر به کودک تلقی شده و منجر به مداخله قضایی شود. در انگلستان، این موضوع از طریق ارزیابی های مالی و اجتماعی انجام می شود که بر اساس معیارهای عینی مانند درآمد والدین خوانده و نیازهای کودک تعیین می شود. تأثیر فرهنگ و دین بر این مبانی نیز قابل توجه است. در ایران، دین و فقه شیعه به عنوان پایه های اصلی نظام حقوقی، تصمیم گیری ها را تحت تأثیر قرار می دهند و محدودیت هایی مانند ممنوعیت ازدواج سرپرست با فرزندخوانده (به دلیل حفظ محرمیت) را ایجاد کرده اند. در مقابل، انگلستان با رویکردی سکولار، این گونه محدودیت ها را اعمال نمی کند و تمرکز اصلی بر تأمین نیازهای کودک و ایجاد محیطی امن و پایدار برای اوست. در نهایت، این مبانی فقهی و حقوقی، چارچوبی برای مقایسه تطبیقی میان نظام های حقوقی ایران و انگلستان فراهم می کنند. در ایران، تأکید بر حفظ هویت دینی و نسبی کودک، همراه با قواعد فقهی مانند لاضرر، فرزندخواندگی را به سرپرستی محدود کرده است، در حالی که در انگلستان، انعطاف پذیری حقوقی و تمرکز بر بهترین منافع کودک، امکان ایجاد روابط حقوقی کامل تر را فراهم کرده است. این تفاوت ها، که در فصل های بعدی پایان نامه به تفصیل بررسی می شوند، نشان دهنده تأثیر عمیق فرهنگ، دین و ساختارهای حقوقی بر نظام فرزندخواندگی هستند.

^{۴۹} ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). « ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان ».

فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۶)، ص ۱۰۹- ۱۴۳

خلاصه و جمع‌بندی فصل اول

فصل اول به بررسی مفاهیم بنیادین مرتبط با فرزندخواندگی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان پرداخته و مبانی نظری، حقوقی و فقهی این نهاد را تحلیل کرده است. این فصل در هشت گفتار، مفاهیمی چون فرزندخواندگی، نسب، مصلحت کودک، نظام‌های حقوقی، حضانت، نفقه، ولایت و مبانی فقهی-حقوقی را مورد بحث قرار داده است. فرزندخواندگی رابطه‌ای حقوقی است که کودکی را تحت سرپرستی والدینی غیرزبستی قرار می‌دهد. در ایران، این نهاد به‌عنوان سرپرستی موقت تعریف شده و به دلیل محدودیت‌های فقهی، نسب ایجاد نمی‌کند، در حالی که در انگلستان، فرزندخواندگی کامل، رابطه‌ای حقوقی مشابه نسب خونی ایجاد می‌کند و حقوق کاملی مانند ارث و حضانت به فرزندخوانده اعطا می‌شود. در ایران، نسب به پیوند خونی ناشی از ازدواج مشروع محدود است و فرزندخواندگی نسب ایجاد نمی‌کند. در انگلستان، نسب علاوه بر پیوند خونی، از طریق فرزندخواندگی یا ازدواج بعدی والدین نیز به رسمیت شناخته می‌شود، که انعطاف‌پذیری بیشتری را نشان می‌دهد. این اصل در ایران با تأکید بر هویت دینی و قواعد شرعی تفسیر می‌شود، اما در انگلستان با تمرکز بر نیازهای فردی و اجتماعی کودک، انعطاف‌پذیرتر است. هر دو نظام بر سلامت جسمی و روانی کودک تأکید دارند، اما انگلستان از ارزیابی‌های روان‌شناختی و حمایت‌های گسترده‌تر بهره می‌برد. نظام حقوقی ایران مبتنی بر فقه شیعه، بر حفظ نسب و هویت دینی تأکید دارد و فرزندخواندگی را به سرپرستی محدود می‌کند. در مقابل، نظام کامن‌لای انگلستان با تمرکز بر منافع کودک، روابط حقوقی کامل‌تری ایجاد می‌کند و از تنوع فرهنگی حمایت می‌کند. در ایران، حضانت و نفقه در فرزندخواندگی موقتی و قراردادی است و ولایت کامل به سرپرستان اعطا نمی‌شود. در انگلستان، این مفاهیم به‌عنوان مسئولیت والدینی دائمی تعریف شده و حقوق گسترده‌ای به والدین خوانده می‌دهد. قاعده لاضرر و حفظ نسب در ایران، فرزندخواندگی را محدود کرده، در حالی که اصل بهترین منافع کودک در انگلستان، انعطاف‌پذیری بیشتری فراهم می‌کند. این تفاوت‌ها، ناشی از مبانی فقهی و سکولار، بر تمامی جنبه‌های فرزندخواندگی تأثیر می‌گذارند. تفاوت‌های فقهی و فرهنگی میان ایران و انگلستان، فرزندخواندگی را در ایران به سرپرستی موقت و در انگلستان به رابطه حقوقی کامل تبدیل کرده است. این بررسی تطبیقی، ضرورت بازنگری قوانین برای حمایت بهتر از کودکان را نشان می‌دهد.

فصل دوم

تحليل تطبیقی احکام و آثار حقوقی فرزندخواندگی

گفتار اول: شرایط عمومی و اختصاصی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

در نظام حقوقی ایران، شرایط عمومی و اختصاصی فرزندخواندگی تحت تأثیر اصول فقه شیعه و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تنظیم شده و شامل شروط سنی (حداقل ۳۰ سال برای یکی از زوجین یا متقاضی مجرد)، وضعیت تأهل (اولویت با زوجین بدون فرزند یا دارای فرزند با شرایط خاص)، صلاحیت اخلاقی و دینی (التزام به احکام اسلامی و حسن شهرت)، و ثبات مالی (توانایی تأمین نیازهای کودک) است، درحالی که در انگلستان، قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ شرایط عمومی انعطاف پذیرتری مانند حداقل سن ۲۱ سال، امکان درخواست برای زوجین (همجنس یا غیرهمجنس) و افراد مجرد، و ارزیابی‌های چندمرحله‌ای صلاحیت (شامل سلامت روانی، پیشینه کیفری، و سازگاری فرهنگی) را مقرر کرده و بر تطبیق کودک با خانواده از طریق نظارت آژانس‌های تخصصی تأکید دارد، که این تفاوت‌ها بازتاب‌دهنده مبانی فقهی و شرعی در ایران و رویکرد لیبرال و کودک‌محور در انگلستان است.^{۵۰}

بند اول: شرایط سنی و خانوادگی زوجین متقاضی فرزندخواندگی

الف: نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، شرایط سنی و خانوادگی زوجین متقاضی فرزندخواندگی تحت تأثیر قواعد فقهی شیعه و مقررات قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تنظیم شده است. بر اساس این قانون، زوجین متقاضی باید حداقل یکی از آن‌ها دارای سن ۳۰ سال یا بیشتر باشد، مگر در موارد استثنایی که با تأیید مراجع قضایی ممکن است این شرط تعدیل شود. این شرط سنی با هدف اطمینان از بلوغ عاطفی و مالی زوجین برای پذیرش مسئولیت‌های سرپرستی وضع شده است. قانون‌گذار ایرانی، با تأکید بر ثبات خانوادگی، تلاش می‌کند تا محیطی پایدار برای رشد کودک فراهم شود، که این امر به‌ویژه در چارچوب ارزش‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.^{۵۱} وضعیت تأهل یکی از شروط مهم در نظام حقوقی ایران است. قانون اولویت را به زوجین متأهل بدون فرزند یا دارای فرزند با شرایط خاص (مانند نازایی

^{۵۰} صادقی مقدم، م.ح. شریعتی نسب، ص. (۱۳۹۱) "مطالعه تطبیقی انفاق در فرزند خواندگی در حقوق ایران و فرانسه"، نشریه نامه مفید، سال ۹، شماره ۹۴، صص ۱۳۹-۱۶۰.

^{۵۱} امامی، ا. (۱۳۷۸) "وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران"، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۲۲-۳۳.

طولانی مدت) می‌دهد. این اولویت، که ریشه در ملاحظات فرهنگی و دینی دارد، با هدف تقویت ساختار خانواده سنتی و تأمین محیطی مشابه خانواده زیستی برای کودک اعمال می‌شود. زوجین متقاضی باید حداقل پنج سال از ازدواجشان گذشته باشد، مگر اینکه شرایط خاصی مانند نازایی پزشکی اثبات شده وجود داشته باشد. این شرط، که در ماده ۶ قانون مذکور تصریح شده، به منظور تضمین پایداری رابطه زناشویی زوجین طراحی شده است. یکی از جنبه‌های مهم در شرایط خانوادگی، الزام به همخوانی دینی زوجین با کودک است.^{۵۲} در ایران، زوجین متقاضی باید پیرو دین اسلام (به‌ویژه مذهب شیعه) باشند، مگر در مواردی که کودک از اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده باشد، که در این صورت، تطبیق دینی با اقلیت مربوطه مورد توجه قرار می‌گیرد. این شرط، که از اصول فقهی حفظ هویت دینی کودک ناشی می‌شود، به عنوان یک فیلتر کلیدی در فرآیند گزینش زوجین عمل می‌کند. این الزام، گاه انتخاب خانواده‌های مناسب را برای کودکان با پیشینه‌های خاص محدود می‌کند. قانون ایران همچنین شروطی برای سلامت جسمی و روانی زوجین متقاضی تعیین کرده است. زوجین باید از سلامت جسمی و روانی کافی برخوردار باشند تا بتوانند مسئولیت‌های سرپرستی را به‌خوبی ایفا کنند. این شرط، که توسط سازمان بهزیستی و مراجع قضایی بررسی می‌شود، شامل ارزیابی‌های پزشکی و روان‌شناختی است. فقدان بیماری‌های مزمن یا ناتوانی‌های جسمی و روانی که مانع از مراقبت مناسب از کودک شوند، از ملزومات این فرآیند است.^{۵۳} این ارزیابی‌ها، اگرچه دقیق هستند، گاه به دلیل نبود پروتکل‌های استاندارد، به صورت سلیقه‌ای اعمال می‌شوند. در نظام حقوقی ایران، شرایط خانوادگی زوجین شامل بررسی پیشینه اخلاقی و اجتماعی آن‌ها نیز می‌شود. زوجین باید از حسن شهرت برخوردار باشند و هیچ‌گونه سوءپیشینه کیفری نداشته باشند. این شرط، که با هدف تضمین محیطی امن برای کودک وضع شده، توسط نهادهای نظارتی مانند سازمان بهزیستی و محاکم قضایی بررسی می‌شود. علاوه بر این، زوجین باید توانایی ایجاد محیطی خانوادگی مطابق با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ایران را داشته باشند، که این موضوع گاه به عنوان یک معیار کیفی در فرآیند گزینش مطرح می‌شود. یکی دیگر از شروط خانوادگی در ایران، عدم وجود فرزند یا تعداد محدود فرزندان در خانواده متقاضی است. قانون‌گذار ایرانی، با اولویت دادن به زوجین بدون فرزند، تلاش می‌کند تا منابع عاطفی و مالی خانواده به‌طور کامل به کودک تحت سرپرستی اختصاص یابد. با این حال، در مواردی که زوجین دارای فرزند

^{۵۲} مبین، ح. (۱۳۸۴) "تحولات فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، ایران و فرانسه"، نشریه گواه، سال -، شماره ۴ و ۵، صص ۳۰-۳۵.

^{۵۳} خنجری علی‌آبادی، امین؛ سیفی علمی، یعقوب، بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، مجله حقوق، قانون یار، بهار ۱۳۹۶، شماره ۱، ۳۴-۱۵.

باشند، ممکن است با اثبات توانایی مالی و عاطفی، واجد شرایط شناخته شوند. این شرط، که با هدف تأمین مصلحت کودک اعمال می‌شود، نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای ایجاد تعادل بین نیازهای کودک و ظرفیت خانواده است.^{۵۴}

ب: نظام حقوقی انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، شرایط سنی و خانوادگی زوجین متقاضی فرزندخواندگی تحت قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ تنظیم شده و رویکردی انعطاف‌پذیر و کودک‌محور را دنبال می‌کند. حداقل سن برای متقاضیان ۲۱ سال تعیین شده است، بدون اینکه سقف سنی مشخصی وجود داشته باشد، مشروط بر اینکه متقاضیان از سلامت جسمی و روانی کافی برخوردار باشند. این شرط سنی، که با هدف اطمینان از توانایی متقاضیان برای ایفای نقش والدینی وضع شده، امکان مشارکت طیف وسیعی از افراد در فرآیند فرزندخواندگی را فراهم می‌کند.^{۵۵} این انعطاف‌پذیری، بازتاب‌دهنده تعهد انگلستان به افزایش فرصت‌های فرزندخواندگی برای کودکان بی‌سرپرست است. وضعیت تأهل در نظام حقوقی انگلستان الزامی انعطاف‌پذیر دارد. برخلاف ایران، زوجین متأهل (چه همجنس و چه غیرهمجنس)، افراد مجرد، و حتی زوجینی که در رابطه پایدار غیررسمی هستند، می‌توانند برای فرزندخواندگی اقدام کنند. این تنوع در شرایط خانوادگی، که با هدف انطباق با واقعیت‌های اجتماعی مدرن طراحی شده، امکان مشارکت گروه‌های مختلف را فراهم می‌کند. بالاین حال، زوجین متأهل یا در رابطه پایدار باید ثبات رابطه خود را اثبات کنند، که این موضوع از طریق ارزیابی‌های مددکاران اجتماعی بررسی می‌شود.^{۵۶}

یکی از ویژگی‌های مهم نظام حقوقی انگلستان، تأکید بر ارزیابی جامع صلاحیت خانوادگی است. متقاضیان باید توانایی ایجاد محیطی امن، پایدار، و حمایت‌گر برای کودک را نشان دهند. این ارزیابی، که توسط آژانس‌های فرزندخواندگی انجام می‌شود، شامل بررسی‌های دقیق در مورد سبک زندگی، روابط خانوادگی، و توانایی‌های عاطفی متقاضیان است. برخلاف ایران، که تأکید بر

^{۵۴} علمی، امید، حقوق و تکالیف متقابل فرزندخوانده و ناپدری و نامادری در حقوق ایران و فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ۱۳۹۶.

^{۵۵} Probert, R. (2011) Family Law in England and Wales, London, Wolters Kluwer.

^{۵۶} پارسا، محمدرضا. (۱۳۹۱). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ص ۳۹

همخوانی دینی دارد، در انگلستان، تطبیق فرهنگی و اجتماعی با کودک مورد توجه قرار می‌گیرد، اما به‌عنوان یک الزام سخت‌گیرانه اعمال نمی‌شود. این رویکرد، امکان ادغام کودکان با پیشینه‌های متنوع را در خانواده‌های مختلف تسهیل می‌کند.^{۵۷} سلامت جسمی و روانی زوجین یا متقاضیان در انگلستان نیز از شروط اساسی است. متقاضیان باید از سلامت کافی برخوردار باشند تا بتوانند نیازهای کودک را در درازمدت تأمین کنند. این شرط، که از طریق ارزیابی‌های پزشکی و روان‌شناختی بررسی می‌شود، به‌صورت استاندارد و با استفاده از پروتکل‌های مشخص انجام می‌گیرد. برخلاف ایران، که ارزیابی‌ها گاه فاقد یکپارچگی هستند، در انگلستان، این فرآیند توسط متخصصان و با استفاده از ابزارهای استاندارد انجام می‌شود، که دقت و شفافیت بیشتری را به همراه دارد.^{۵۸}

نظام حقوقی انگلستان، پیشینه کیفری و اخلاقی متقاضیان را به‌دقت بررسی می‌کند. متقاضیان نباید دارای سوء پیشینه کیفری باشند که نشان‌دهنده خطر برای کودک باشد، مانند جرایم مرتبط با خشونت یا سوء استفاده. این بررسی، که توسط نهادهای نظارتی و با همکاری پلیس انجام می‌شود، بخشی از فرآیند گزینش جامع است. علاوه بر این، متقاضیان باید توانایی ایجاد محیطی خانوادگی مطابق با نیازهای اجتماعی و عاطفی کودک را نشان دهند، که این موضوع از طریق مصاحبه‌ها و بازدیدهای خانگی ارزیابی می‌شود. در انگلستان، وجود یا عدم وجود فرزندان در خانواده متقاضی به‌عنوان یک شرط محدودکننده مطرح نیست.^{۵۹} زوجین یا افراد مجرد با هر تعداد فرزند می‌توانند برای فرزندخواندگی اقدام کنند، مشروط بر اینکه توانایی مالی و عاطفی آن‌ها برای مراقبت از کودک جدید تأیید شود. این انعطاف‌پذیری، که با هدف افزایش فرصت‌های فرزندخواندگی طراحی شده، با ارزیابی‌های دقیق مددکاران اجتماعی همراه است تا اطمینان حاصل شود که ورود کودک جدید به خانواده، تعادل عاطفی و مالی خانواده را مختل نمی‌کند. همچنین، در این نظام، زوجین باید از سلامت روانی برخوردار باشند و توانایی سازگاری با نیازهای خاص کودک، مانند ناتوانی‌ها یا

^{۵۷} پیدآورد، لیلا رضییان ده مومیان. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر. ص ۳۰

^{۵۸} فوجتانی، زهرا. (۱۴۰۰). مسأله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلستان و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۴، شماره ۱۰، صفحات ۷-۳۸.

^{۵۹} پیدآورد، لیلا رضییان ده مومیان. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر. ص ۳۱

مشکلات عاطفی، را نشان دهند. این امر از طریق مصاحبه‌های تخصصی و ارزیابی‌های دوره‌ای بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که خانواده قادر به ارائه مراقبت‌های لازم است. علاوه بر این، قانون‌گذار در انگلستان بر اهمیت ثبات عاطفی در روابط خانوادگی تأکید دارد و زوجینی که در معرض طلاق یا مشکلات جدی زناشویی هستند، ممکن است از فرآیند گزینش حذف شوند، مگر اینکه ثبات رابطه آن‌ها با مدارک محکم اثبات شود.^{۶۰}

بند دوم: معیارهای احراز صلاحیت اخلاقی و مالی والدین

در نظام حقوقی ایران، صلاحیت اخلاقی والدین بر پایه اصول فقه شیعه و ماده‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ استوار است. این معیار شامل الزام به حسن شهرت، پایبندی به احکام شرعی، و فقدان سوءپیشینه کیفری است که از طریق استعلام‌های محلی، مصاحبه‌های قضایی، و گزارش‌های سازمان بهزیستی ارزیابی می‌شود. مؤلفه‌های اخلاقی، نظیر پرهیز از رفتارهای مغایر با موازین اسلامی و توانایی ارائه الگویی تربیتی مبتنی بر ارزش‌های دینی، به عنوان شاخص‌های مهم مورد توجه قرار می‌گیرند. این رویکرد، که ریشه در فقه‌محور دارد، با هدف حفظ هویت دینی و فرهنگی کودک، معیارهایی را وضع کرده که گاه به عنوان محدودیت‌هایی در گزینش خانواده‌های متنوع عمل می‌کنند.^{۶۱} از حیث صلاحیت مالی، نظام حقوقی ایران بر توانایی زوجین در تأمین نیازهای مادی کودک، از جمله هزینه‌های مسکن، تغذیه، آموزش، و مراقبت‌های درمانی، تأکید دارد. این توانایی از طریق ارائه اسناد مالی، قراردادهای شغلی، و ارزیابی‌های اقتصادی توسط نهادهای نظارتی بررسی می‌شود. قانون‌گذار، با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی، شرط ثبات اقتصادی را الزامی کرده و از پذیرش خانواده‌هایی که به کمک‌های دولتی وابسته‌اند، اجتناب می‌کند، مگر در موارد استثنایی که مستندات محکمی ارائه شود. این معیار، که به دلیل فقدان چارچوب‌های استاندارد یکپارچه ممکن است به تفاسیر متغیر منجر شود، به عنوان ابزاری برای تضمین استقلال مالی خانواده در نظر گرفته می‌شود.^{۶۲} در نظام حقوقی انگلستان، صلاحیت

^{۶۰} پارسا، محمدرضا. (۱۳۹۱). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ص ۴۰

^{۶۱} پارسا، محمدرضا. (۱۳۹۱). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ص ۴۴

^{۶۲} فدوی، سلیمان، تعارض قوانین در فرزند خواندگی، ماهنامه کانون، ش ۵۶، ۱۳۸۴، ص ۷

اخلاقی والدین بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی پیشرفته توسط آژانس‌های تخصصی ارزیابی می‌شود. این معیار شامل فقدان سوءپیشینه کیفری مرتبط با خشونت یا سوءاستفاده، سلامت روانی پایدار، و رفتارهای اجتماعی سازگار است. فرآیند ارزیابی، که شامل مصاحبه‌های ساختاریافته، بررسی‌های روان‌شناختی، و استعلام‌های امنیتی است، به دنبال شناسایی ظرفیت والدین برای ایجاد محیطی ایمن و تربیتی مناسب است. این رویکرد، که فراتر از ملاحظات دینی به جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی توجه دارد، انعطاف‌پذیری بیشتری در گزینش خانواده‌های متنوع ارائه می‌دهد.^{۶۳} از منظر مالی، نظام حقوقی انگلستان معیارهایی مبتنی بر عدالت توزیعی و انعطاف‌پذیری سیاستی اتخاذ کرده است. والدین باید توانایی تأمین نیازهای اولیه کودک، از جمله مسکن استاندارد، آموزش باکیفیت، و مراقبت‌های بهداشتی، را داشته باشند، که این امر از طریق ارزیابی‌های جامع مالی و بررسی وضعیت اقتصادی خانواده سنجیده می‌شود. برخلاف ایران، این نظام به دریافت یارانه‌های دولتی یا کمک‌های اجتماعی به‌عنوان بخشی از حمایت‌های قانونی نگاه مثبت دارد، که امکان مشارکت خانواده‌های با درآمد متوسط را تسهیل می‌کند. این رویکرد، با استفاده از پروتکل‌های استاندارد، دقت و شفافیت بیشتری در فرآیند گزینش فراهم می‌کند. در ایران، صلاحیت اخلاقی والدین با تأکید بر مؤلفه‌های تربیتی دینی و فرهنگی نیز همراه است. زوجین باید توانایی انتقال ارزش‌های اسلامی و هنجارهای اجتماعی به کودک را اثبات کنند، که این امر از طریق مصاحبه‌های تخصصی و گزارش‌های جامعه محلی ارزیابی می‌شود.^{۶۴} این معیار، که به‌عنوان بخشی از سیاست حفظ هویت دینی طراحی شده، گاه به‌عنوان یک محدودیت در پذیرش خانواده‌های غیرمسلمان یا با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت عمل می‌کند. این رویکرد، که با هدف تداوم هویت مذهبی کودک صورت می‌گیرد، نیازمند ابزارهای تحلیلی دقیق‌تری برای ارزیابی تناسب فرهنگی است. در انگلستان، صلاحیت مالی و اخلاقی با تمرکز بر سازگاری بلندمدت با نیازهای خاص کودک، از جمله ناتوانی‌ها یا چالش‌های عاطفی، گسترش یافته است. این سازگاری از طریق برنامه‌های آموزشی پیش از فرزندخواندگی، ارزیابی‌های روان‌شناختی دوره‌ای، و نظارت‌های مداوم توسط مددکاران اجتماعی تضمین می‌شود. نظام حقوقی این کشور بر اهمیت تداوم حمایت‌های مالی و عاطفی در طول زمان تأکید دارد، که این امر از طریق تخصیص منابع دولتی و مشاوره‌های تخصصی پشتیبانی می‌شود. این چارچوب، که بر پایه تحلیل‌های چندوجهی

^{۶۳} تراز، سکینه، بررسی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، سوند، پیام آموزش، شماره ۳۸، ص ۱۰

^{۶۴} ملایی، فهیمه، بررسی فقهی حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، ۱۳۹۰، پایان نامه، دانشگاه پیام نور ساری، ص ۹۱-۱۰۳

استوار است، امکان گزینش والدینی را فراهم می‌کند که بتوانند نیازهای پیچیده کودک را در محیطی پویا برآورده سازند.^{۶۵}

بند سوم: نقش نهادهای قضایی و اداری در تأیید فرزندخواندگی

نقش نهادهای قضایی و اداری در تأیید فرزندخواندگی، به‌عنوان یک فرآیند ساختاریافته در نظام‌های حقوقی، از طریق چارچوب‌های قانونی و سازمان‌های تخصصی به‌منظور تضمین تطابق با معیارهای مصلحت کودک و الزامات قانونی اعمال می‌شود. در این راستا، نظام حقوقی ایران و انگلستان، با اتکا به سازوکارهای متمایز، وظایف متفاوتی را به نهادهای مربوطه محول کرده‌اند که ریشه در پارادایم‌های فقهی و کامن‌لا دارد. این نهادها، با استفاده از ابزارهای ارزیابی و نظارت، عهده‌دار بررسی صلاحیت والدین، تأیید فرآیندها، و حفاظت از حقوق کودک هستند، که تحلیل تخصصی این نقش‌ها نیازمند توجه به ساختارها، اختیارات، و رویه‌های اجرایی است.^{۶۶} در نظام حقوقی ایران، نقش نهادهای قضایی در تأیید فرزندخواندگی به‌طور خاص بر عهده محاکم خانواده و دادگاه‌های صالح قرار دارد، که بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ عمل می‌کنند. این نهادها، با تأکید بر اصول فقهی، مسئولیت صدور احکام سرپرستی را بر عهده دارند و پس از بررسی گزارش‌های سازمان بهزیستی، صلاحیت اخلاقی، مالی، و دینی زوجین را ارزیابی می‌کنند. فرآیند قضایی شامل جلسات استماع، استعلام‌های محلی، و تأیید تطابق دینی است، که این امر به‌عنوان یک فیلتر شرعی در تصمیم‌گیری‌ها اعمال می‌شود و نیازمند هماهنگی دقیق با نهادهای اجرایی است. سازمان بهزیستی، به‌عنوان نهاد اداری اصلی در ایران، نقش محوری در جمع‌آوری مدارک، ارزیابی اولیه زوجین، و نظارت بر فرآیند واگذاری کودک ایفا می‌کند. این نهاد، با انجام مصاحبه‌های تخصصی و بررسی وضعیت خانوادگی، گزارش‌هایی را به دادگاه ارائه می‌دهد که مبنای تصمیم‌گیری قضایی قرار می‌گیرد. با این حال، فقدان پروتکل‌های استاندارد و یکپارچه در ارزیابی‌ها ممکن است به تفاوت‌هایی در کیفیت نظارت منجر شود، که این

^{۶۵} غمامی، سید محمد مهدی، فرزند خواندگی در خانواده رومی - ژرمنی با بررسی تطبیقی در حقوق آلمان و فرانسه، ماهنامه کانون، ۱۳۸۹.

ص ۱۲

^{۶۶} جوادپری، سید علی. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی پایان سرپرستی و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه، انگلستان و ایران. حقوق تطبیقی، جلد

۱۹، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۲۰-۱۳۰.

موضوع بر کارایی فرآیند تأیید تأثیر می‌گذارد. همکاری این نهاد با محاکم، به‌عنوان یک مکانیزم دوسویه، تضمین‌کننده اجرای اصول شرعی و قانونی است.^{۶۷}

در نظام حقوقی انگلستان، نقش نهادهای قضایی بر عهده دادگاه‌های خانواده قرار دارد، که بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، پس از بررسی گزارش‌های آژانس‌های فرزندخواندگی، حکم نهایی را صادر می‌کنند. این دادگاه‌ها، با اتکا به اصل مصلحت عالی کودک، اختیارات گسترده‌ای برای ارزیابی تطابق زوجین با نیازهای خاص کودک دارند. فرآیند قضایی شامل جلسات استماع، بررسی مدارک هویتی، و تأیید سلامت روانی و عاطفی والدین است، که از طریق پروتکل‌های استاندارد و با حضور وکلای مدافع انجام می‌شود. این نهاد، به‌عنوان مرجع نهایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین انطباق با معیارهای قانونی دارد. آژانس‌های فرزندخواندگی، به‌عنوان نهادهای اداری در انگلستان، مسئولیت اصلی ارزیابی و نظارت بر فرآیند فرزندخواندگی را بر عهده دارند. این آژانس‌ها، با بهره‌گیری از مددکاران اجتماعی، ارزیابی‌های چندمرحله‌ای شامل مصاحبه‌های ساختاریافته، بازدیدهای خانگی، و استعلام‌های امنیتی را انجام می‌دهند.^{۶۸} نقش نهادهای اداری در انگلستان همچنین شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی پیش از تأیید است. آژانس‌ها، با همکاری مددکاران اجتماعی، زوجین را از طریق جلسات آموزشی در مورد مسئولیت‌های والدینی و نیازهای خاص کودک آگاه می‌سازند. این فرآیند، که شامل بررسی توانایی سازگاری با ناتوانی‌ها یا مشکلات عاطفی کودک است، به‌عنوان بخشی از ارزیابی جامع در نظر گرفته می‌شود. همچنین، آژانس‌ها موظف‌اند تا پس از صدور حکم، نظارت‌های دوره‌ای را انجام دهند تا از تداوم مصلحت کودک اطمینان حاصل شود، که این امر از طریق گزارش‌های منظم و بازدیدهای میدانی تضمین می‌گردد.^{۶۹} در انگلستان، هماهنگی بین نهادهای قضایی و اداری از طریق چارچوب‌های قانونی و پروتکل‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون لاهه، تقویت شده است. دادگاه‌ها، با اتکا به گزارش‌های آژانس‌ها، تصمیم‌گیری‌هایی مبتنی بر داده‌های تحلیلی و مستندات ارائه‌شده اتخاذ می‌کنند. این هماهنگی، که شامل بررسی مدارک هویتی، سلامت روانی، و ثبات مالی است، به‌عنوان یک مکانیزم چندلایه عمل می‌کند. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که این فرآیند با هدف

^{۶۷} ملایی، فهیمه، بررسی فقهی حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، ۱۳۹۰، پایان نامه، دانشگاه پیام نور ساری، ص ۹۱-۱۰۳

^{۶۸} Thoburn, J. (2021). Adoption from care in England: learning from experience. In *Adoption from Care* (pp. 17-32). Policy Press.

^{۶۹} Welbourne, P. (2002). Adoption and the rights of children in the UK. *Int'l J. Child. Rts.*, 10, 269.

اطمینان از انطباق کامل با استانداردهای بین‌المللی و ملی طراحی شده و از طریق ابزارهایی مانند استعلام‌های آنلاین و جلسات حضوری اجرا می‌شود.^{۷۰}

بند چهارم: فرآیند انتخاب و انطباق کودک با خانواده متقاضی

الف: مراحل اولیه شناسایی و ارزیابی کودک

فرآیند انتخاب و انطباق کودک با خانواده متقاضی در نظام‌های حقوقی با یک مرحله تحلیلی جامع آغاز می‌شود که بر شناسایی و ارزیابی نیازهای خاص کودک متمرکز است. در این فاز، داده‌های جمعیتی، سلامت جسمی و روانی، پیشینه خانوادگی، و نیازهای تربیتی کودک با استفاده از ابزارهای تخصصی جمع‌آوری می‌شوند. این ارزیابی، که ریشه در تحلیل‌های روان‌شناختی و اجتماعی دارد، به‌عنوان پایه‌ای برای تطبیق دقیق با ظرفیت‌های خانواده عمل می‌کند. در این مرحله، متخصصان با بررسی آسیب‌های احتمالی گذشته کودک، مانند جدایی از والدین زیستی یا ناتوانی‌های خاص، چارچوبی برای گزینش خانواده‌های مناسب ایجاد می‌کنند.^{۷۱} در نظام حقوقی ایران، این فرآیند توسط سازمان بهزیستی با همکاری مددکاران اجتماعی انجام می‌شود و شامل مستندسازی وضعیت کودک، از جمله سن، جنسیت، و پیشینه دینی، است. این نهاد، با تأکید بر اصول فقهی، اولویت را به تطابق فرهنگی و دینی کودک با خانواده‌های متقاضی می‌دهد. ارزیابی اولیه شامل مصاحبه‌های حضوری و گزارش‌های محلی است که به دنبال شناسایی نیازهای خاص کودک، مانند نیاز به محیطی با ثبات عاطفی، هستند. این رویکرد، که مبتنی بر تحلیل‌های کیفی است، گاه به دلیل محدودیت‌های داده‌های استاندارد، به نتایج متفاوتی منجر می‌شود.^{۷۲}

در نظام حقوقی انگلستان، آژانس‌های فرزندخواندگی با استفاده از پروتکل‌های استاندارد و داده‌های تحلیلی، ارزیابی را با دقت بیشتری پیش می‌برند. این مرحله شامل بررسی پرونده‌های پزشکی، روان‌شناختی، و اجتماعی کودک است که با بهره‌گیری از ابزارهای آماری و گزارش‌های چندمنبعی انجام می‌شود. متخصصان با تمرکز بر نیازهای خاص، مانند ناتوانی‌های جسمی یا مشکلات عاطفی،

^{۷۰} پیدآورد، لایلا رضییان ده مومیان. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر. ص ۳۵

^{۷۱} شریعتی نسب، ص. (۱۳۹۰) "فرزند خواندگی"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش. ص ۱۲

^{۷۲} آبرون تن، منیژه (۱۳۹۳). فرزندخواندگی با عنایت به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی. ص ۲۶

چارچوبی پویا برای تطبیق ایجاد می‌کنند. این فرآیند، که با هدف بهینه‌سازی مصلحت کودک طراحی شده، از تحلیل‌های چندبعدی برای اطمینان از انطباق با ظرفیت‌های بالقوه خانواده استفاده می‌کند. ارزیابی اولیه در انگلستان همچنین شامل همکاری بین‌المللی است، به‌ویژه در موارد فرزندخواندگی فرامرزی. آژانس‌ها با استفاده از داده‌های بین‌نهادی و پروتکل‌های کنوانسیون لاهه، پیشینه فرهنگی و اجتماعی کودک را تحلیل می‌کنند. این مرحله، که با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و مستندات دیجیتال پشتیبانی می‌شود، به‌عنوان یک مکانیزم پیش‌گزینی عمل می‌کند که دقت و شفافیت را در فرآیند گزینش افزایش می‌دهد. این رویکرد، که مبتنی بر تحلیل‌های داده‌محور است، امکان تطبیق دقیق‌تر کودک با محیط خانوادگی جدید را فراهم می‌سازد.^{۷۳}

ب: گزینش و تطبیق اولیه خانواده‌ها

مرحله گزینش و تطبیق اولیه خانواده‌ها، به‌عنوان یک فرآیند تحلیلی چندمرحله‌ای، بر ارزیابی صلاحیت و ظرفیت خانواده‌های متقاضی برای پذیرش کودک متمرکز است. در این فاز، معیارهایی مانند ثبات مالی، سلامت روانی، و سازگاری فرهنگی با نیازهای کودک مورد بررسی قرار می‌گیرند. این فرآیند، که با هدف کاهش ریسک ناسازگاری عمل می‌کند، نیازمند هماهنگی بین نهادهای نظارتی و استفاده از ابزارهای ارزیابی تخصصی است. تحلیل این مرحله، به‌ویژه در چارچوب‌های حقوقی متفاوت، نشان‌دهنده تفاوت‌های سیاستی در اولویت‌بندی مصلحت کودک است. در ایران، گزینش خانواده‌ها توسط سازمان بهزیستی با تأکید بر همخوانی دینی و فرهنگی انجام می‌شود. زوجین متأهل با اولویت عدم وجود فرزند یا شرایط خاص نازایی، از طریق مصاحبه‌های حضوری و استعلام‌های محلی ارزیابی می‌شوند. این مرحله شامل تحلیل کیفی پیشینه اخلاقی و تعهد دینی خانواده است که با هدف تطابق با ارزش‌های اسلامی کودک طراحی شده است. متخصصان، با بررسی ظرفیت عاطفی و مالی، خانواده‌هایی را انتخاب می‌کنند که بتوانند محیطی تربیتی مطابق با هنجارهای اجتماعی ارائه دهند، که این امر به پیچیدگی‌های تحلیلی فرآیند می‌افزاید.^{۷۴}

در انگلستان، آژانس‌های فرزندخواندگی با استفاده از مدل‌های ارزیابی چندبعدی، خانواده‌ها را بر اساس داده‌های روان‌شناختی و اجتماعی گزینش می‌کنند. این فرآیند شامل مصاحبه‌های ساختاریافته، بازدیدهای خانگی، و تحلیل پیشینه خانوادگی است که با هدف شناسایی ظرفیت‌های

^{۷۳}Keating, J. (2023). Adoption in England and Wales: a brief history. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 14-36). Edward Elgar Publishing.

^{۷۴} ملایی، فهیمه (۱۳۹۰). بررسی فقهی حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور ساری. ص ۳۷

عاطفی و اجتماعی خانواده انجام می‌شود. خانواده‌های با تنوع ساختاری، از جمله زوجین همجنس یا مجرد، در صورتی که توانایی سازگاری با نیازهای خاص کودک را نشان دهند، واجد شرایط شناخته می‌شوند. این رویکرد، که مبتنی بر تحلیل داده‌های آماری است، انعطاف‌پذیری بیشتری در گزینش فراهم می‌کند.^{۷۵} انطباق اولیه در انگلستان با جلسات آموزشی و مشاوره‌ای برای والدین همراه است. این جلسات، که توسط مددکاران اجتماعی طراحی شده‌اند، به دنبال تقویت مهارت‌های تربیتی و آمادگی برای مواجهه با چالش‌های خاص کودک، مانند ناتوانی‌ها یا مشکلات عاطفی، هستند. این مرحله، که با استفاده از ابزارهای روان‌شناختی پشتیبانی می‌شود، به عنوان یک مکانیزم پیش‌انطباقی عمل می‌کند که دقت و کارایی فرآیند را افزایش می‌دهد. تحلیل این رویکرد نشان‌دهنده تعهد نظام به ایجاد پیوندهای پایدار بین کودک و خانواده است.^{۷۶}

پ: دوره انطباق و نظارت میدانی

این مرحله، که با استفاده از ابزارهای نظارتی و تحلیل‌های رفتاری انجام می‌شود، به دنبال شناسایی چالش‌های اولیه و ارائه راهکارهای تعدیل‌کننده است. در این فاز، نهادهای مسئول با بهره‌گیری از داده‌های میدانی، تطابق بلندمدت را ارزیابی می‌کنند و بر اساس نیازهای کودک، مداخلات لازم را اعمال می‌کنند. این فرآیند، که نیازمند تحلیل پویا است، تفاوت‌های سیاسی در نظارت و حمایت را برجسته می‌کند.^{۷۷} در ایران، دوره انطباق تحت نظارت سازمان بهزیستی و با جلسات آشنایی تدریجی بین کودک و خانواده انجام می‌شود. این دوره، که معمولاً چند هفته به طول می‌انجامد، شامل بازدیدهای میدانی توسط مددکاران است که واکنش‌های عاطفی کودک و سازگاری اولیه او را تحلیل می‌کنند. این نظارت، که بیشتر بر رعایت الزامات شرعی و قانونی متمرکز است، گاه به دلیل کمبود منابع انسانی و ابزارهای استاندارد، به ارزیابی‌های محدود منجر می‌شود. این رویکرد، که بر تحلیل کیفی رفتارها استوار است، نیازمند تقویت زیرساخت‌های نظارتی است.^{۷۸}

^{۷۵} میری، مهناز (۱۳۹۶). تحلیل کاستیها و نوآوریهای قانون جدید فرزند خواندگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه محدث نوری. ص ۱۷

^{۷۶} میری، مهناز (۱۳۹۶). تحلیل کاستیها و نوآوریهای قانون جدید فرزند خواندگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه محدث نوری. ص ۱۸

^{۷۷} واحدی، مصطفی. (۱۳۷۹). حقوق خانواده در سوئد. ج ۱، تهران: گنج دانش. مقالات: امامی، اسدالله. (۱۳۷۸). وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۲(۲)، ۶۹-۴۳.

^{۷۸} آبرون تن، منیژه (۱۳۹۳). فرزندخواندگی با عنایت به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی. ص ۲۸

در انگلستان، دوره انطباق یک فاز ساختاریافته چندماهه است که توسط آژانس‌های فرزندخواندگی مدیریت می‌شود. این دوره شامل جلسات منظم مشاوره‌ای، بازدیدهای میدانی، و ارزیابی‌های روان‌شناختی است که با هدف تحلیل تداوم سازگاری عاطفی و اجتماعی کودک انجام می‌شود. مددکاران اجتماعی با استفاده از ابزارهای استاندارد، مانند مقیاس‌های رفتاری، پیشرفت کودک را در محیط جدید بررسی می‌کنند. این نظارت، که بر اساس داده‌های تحلیلی است، امکان مداخله به‌موقع در صورت بروز ناسازگاری را فراهم می‌کند. نظارت میدانی در انگلستان شامل برنامه‌های آموزشی تکمیلی برای والدین است. این برنامه‌ها، که با تمرکز بر نیازهای خاص کودک طراحی شده‌اند، به دنبال تقویت مهارت‌های تربیتی و کاهش ریسک ناسازگاری هستند. این فرآیند، که با استفاده از گزارش‌های دوره‌ای و تحلیل‌های چندمنبعی پشتیبانی می‌شود، به عنوان یک مکانیزم پویا عمل می‌کند که دقت و کارایی انطباق را افزایش می‌دهد. این رویکرد نشان‌دهنده تعهد نظام به تحلیل بلندمدت نیازهای کودک است.^{۷۹}

تأیید نهایی و مستندسازی، که با استفاده از ابزارهای حقوقی و داده‌های نظارتی انجام می‌شود، نیازمند هماهنگی بین نهادهای قضایی و اداری است. مستندات جامع، از جمله گزارش‌های ارزیابی و مدارک هویتی، به عنوان پایه‌ای برای صدور حکم رسمی عمل می‌کنند. تحلیل این فرآیند، تفاوت‌های سیاستی در چارچوب‌های قانونی و نظارت پس از تأیید را برجسته می‌کند. در ایران، تأیید نهایی توسط محاکم قضایی پس از دریافت گزارش‌های سازمان بهزیستی انجام می‌شود. این مرحله شامل صدور حکم سرپرستی است که با ثبت قانونی در اسناد هویتی کودک همراه است. مستندسازی شامل جزئیاتی مانند نام خانوادگی سرپرست، تعهدات مالی، و شرایط تربیتی است که در چارچوب قانون حمایت از کودکان تنظیم می‌شود. این فرآیند، که بر اساس تحلیل کیفی گزارش‌ها است، نیازمند هماهنگی دقیق بین نهادها برای اطمینان از تطابق با اصول شرعی است.^{۸۰}

در انگلستان، تأیید نهایی توسط دادگاه‌های خانواده پس از بررسی گزارش‌های آژانس‌های فرزندخواندگی انجام می‌شود. این مرحله شامل صدور حکم فرزندخواندگی است که رابطه حقوقی کامل بین کودک و والدین خوانده را ثبت می‌کند. مستندسازی با استفاده از سیستم‌های دیجیتال، شامل مدارک هویتی، گزارش‌های روان‌شناختی، و اسناد مالی، انجام می‌شود. این فرآیند، که بر

^{۷۹}Brodzinsky, D., Gunnar, M., & Palacios, J. (2022). Adoption and trauma: Risks, recovery, and the lived experience of adoption. *Child abuse & neglect*, 130, 105309. P5

^{۸۰} متولی، محمد، ۱۳۷۹، «قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی ایران»، سایت قوانین، شماره صد و هفتاد. ص ۴۰

اساس تحلیل داده‌های چندمنبعی است، با هدف تضمین شفافیت و تداوم حمایت از کودک طراحی شده است. مستندسازی در انگلستان شامل نظارت‌های پس از تأیید است که توسط آژانس‌ها انجام می‌شود. این نظارت، که با استفاده از گزارش‌های دوره‌ای و بازدیدهای میدانی پشتیبانی می‌شود، به‌عنوان یک مکانیزم قانونی برای تحلیل تداوم مصلحت کودک عمل می‌کند. این رویکرد، که با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی تقویت شده، دقت و کارایی فرآیند را افزایش می‌دهد و امکان مداخله در صورت نیاز را فراهم می‌کند.^{۸۱}

گفتار دوم: حقوق و مسئولیت‌های والدین و فرزندان در فرایند فرزندخواندگی

بند اول: حقوق قانونی کودک فرزندخوانده در خانواده جدید

در نظام حقوقی ایران، حقوق قانونی کودک فرزندخوانده در خانواده جدید تحت تأثیر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۹۲ قرار دارد که چارچوبی دقیق برای تنظیم روابط حقوقی و عاطفی بین سرپرست و کودک ارائه می‌دهد. صدور حکم سرپرستی توسط دادگاه، مسئولیت‌های قانونی از جمله نگهداری، تربیت، و تأمین هزینه‌های زندگی کودک را بر عهده زوجین سرپرست قرار می‌دهد. این رابطه حقوقی، با وجود تعهدات سنگین، فاقد جنبه ارثی است، به‌طوری که کودک و سرپرستان در قلمرو ارث از یکدیگر بهره‌مند نمی‌شوند، که این امر به دلیل حفظ ساختارهای سنتی و شرعی در نظام حقوقی ایران قابل تفسیر است.^{۸۲} نظارت مداوم نهادهای قانونی بر این فرآیند، از جمله سازمان بهزیستی، تضمین‌کننده رعایت حقوق کودک در چارچوب مصالح اوست، به‌ویژه در مواردی که سلامت روانی و جسمانی کودک در معرض خطر قرار گیرد. از منظر حقوق کودک در ایران، تأکید بر مصلحت برتر کودک به‌عنوان اصل حاکم، سرپرستان را ملزم به رعایت استانداردهای تربیتی و آموزشی می‌کند که باید با نیازها و شرایط سنی و رشدی کودک هم‌راستا باشد. این قانون، با پیش‌بینی سازوکارهایی نظیر بازرسی دوره‌ای از وضعیت کودک، تلاش دارد تا از سوءاستفاده یا غفلت احتمالی جلوگیری کند. همچنین، کودک فرزندخوانده در این نظام حقوقی از حق برخورداری از هویت اجتماعی و حمایت‌های روانی برخوردار است، هرچند این

^{۸۱}Brodzinsky, D., Gunnar, M., & Palacios, J. (2022). Adoption and trauma: Risks, recovery, and the lived experience of adoption. Child abuse & neglect, 130, 105309.p6

^{۸۲} نبی زاده، سیدزهر (۱۳۹۰). بررسی فرزندخواندگی در فقه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان. ص ۳۴

حقوق تحت نظارت شرعی و قانونی تعریف می‌شوند و ممکن است انعطاف‌پذیری کمتری نسبت به نظام‌های غربی داشته باشند.^{۸۳} این چارچوب، با در نظر گرفتن محدودیت‌های فرهنگی، به سرپرستان اجازه می‌دهد تا در چارچوب قانون، نقش والدینی را ایفا کنند بدون اینکه رابطه خونی یا ارثی ایجاد شود. در ایران، فرآیند قانونی فرزندخواندگی، با در نظر گرفتن محدودیت‌های شرعی، به سرپرستان اجازه می‌دهد تا در چارچوب نظارت قضایی، نقش‌های والدینی را ایفا کنند، اما حقوق کودک به‌طور خاص به جنبه‌های مادی و تربیتی محدود می‌شود. این نظام، با تأکید بر حفظ اصالت‌های فرهنگی و دینی، از کودک در برابر آسیب‌های احتمالی محافظت می‌کند، اما ممکن است در مواردی که نیاز به انعطاف‌پذیری بیشتر در روابط عاطفی وجود دارد، با چالش‌هایی مواجه شود. همچنین، حق کودک برای ابراز نظر یا مشارکت در فرآیند سرپرستی، به دلیل ساختار متمرکز قانونی، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، که این امر می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر توسعه روانی او داشته باشد.^{۸۴}

در نظام حقوقی انگلستان، قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، حقوق قانونی کودک فرزندخوانده در خانواده جدید را با رویکردی جامع و مبتنی بر برابری با فرزندان طبیعی تعریف می‌کند. صدور حکم نهایی توسط دادگاه‌های خانواده، رابطه حقوقی کاملی بین کودک و والدین خوانده برقرار می‌سازد که شامل حقوق متقابل ارث‌بری، حمایت مالی، و مسئولیت‌های تربیتی است. این قانون، با تأکید بر اصل مصلحت کودک، سرپرستان را ملزم به تأمین نیازهای عاطفی، آموزشی، و بهداشتی کودک می‌کند، که این تعهدات از طریق نظارت مداوم نهادهای اجتماعی و قضایی تضمین می‌شود. همچنین، کودک در این نظام از حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سرپرستی، متناسب با سن و بلوغ روانی‌اش، برخوردار است.^{۸۵} حقوق کودک فرزندخوانده در انگلستان، با تکیه بر کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، بر حفظ هویت فرهنگی و خانوادگی پیشین او نیز تمرکز دارد، مگر اینکه این امر به مصلحت او نباشد. این رویکرد، سرپرستان را موظف می‌کند تا با همکاری کارشناسان اجتماعی، برنامه‌ریزی جامعی برای انطباق کودک با

^{۸۳} ارفع نیا، بهشید، جرفی، هادی، وضعیت حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، مقررات بین‌المللی و تعارض قوانین، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، مقاله ۱، دوره ۸، شماره ۲۸، ۱۳۹۴، ص ۵

^{۸۴} نبی زاده، سیدزهر (۱۳۹۰). بررسی فرزندخواندگی در فقه و حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان. ص ۳۵

^{۸۵} همانلو، لایلا (۱۳۹۳). احکام و آثار فرزندخواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). ص ۲۸

خانواده جدید ارائه دهند، که شامل حمایت‌های روان‌شناختی و مشاوره‌ای است. از سوی دیگر، قانون امکان فسخ رابطه فرزندخواندگی را در شرایط استثنایی، مانند ناتوانی سرپرستان یا درخواست خود کودک پس از رسیدن به سن قانونی، پیش‌بینی کرده است، که این امر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری نظام حقوقی در پاسخ به تغییرات شرایط زندگی است.^{۸۶} در انگلستان، نظام حقوقی با ارائه حقوقی فراگیر برای کودک فرزندخوانده، از جمله حق دسترسی به سوابق هویتی و خانوادگی پیشین، به او امکان می‌دهد تا با آگاهی از ریشه‌های خود، هویت منسجمی بسازد. این حق، که تحت نظارت قوانین محرمانگی و حریم خصوصی اعمال می‌شود، سرپرستان را ملزم به همکاری با نهادهای مربوطه می‌کند تا اطلاعات به‌موقع و به‌صورت ایمن در اختیار کودک قرار گیرد. همچنین، تعهد به ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی، به‌ویژه در مراحل اولیه انطباق، بخشی از حقوق قانونی کودک است که هدف آن تسهیل انتقال او به محیط جدید و تضمین رشد همه‌جانبه‌اش در خانواده خوانده است.^{۸۷}

بند دوم: مسئولیت‌های والدین نسبت به کودک از منظر قانونی

الف: قانون ایران

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت‌های والدین نسبت به کودک فرزندخوانده از منظر قانونی تحت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۹۲ تنظیم می‌شود که چارچوبی جامع برای تعریف وظایف سرپرستان فراهم می‌آورد. صدور حکم سرپرستی توسط دادگاه، زوجین را موظف به تأمین نیازهای اولیه کودک از جمله غذا، پوشاک، مسکن، و مراقبت‌های بهداشتی می‌کند که این تعهدات به‌عنوان پایه‌ای‌ترین مسئولیت‌های قانونی سرپرستان تلقی می‌شوند. این قانون، با تأکید بر مصلحت برتر کودک، سرپرستان را ملزم می‌سازد تا شرایطی را فراهم آورند که رشد جسمانی و روانی کودک را تضمین کند، که این امر نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و نظارت مستمر است. همچنین، مسئولیت تأمین هزینه‌های آموزشی و تربیتی کودک بر عهده سرپرستان قرار دارد، که باید با استانداردهای ملی و نیازهای سنی کودک هم‌راستا باشد.^{۸۸} از منظر حقوقی، سرپرستان در ایران

^{۸۶}Lyttle, E., McCafferty, P., & Taylor, B. J. (2024). Experiences of adoption disruption: Parents' perspectives. *Child care in practice*, 30(3), 333-352.

^{۸۷}Brodzinsky, D., Gunnar, M., & Palacios, J. (2022). Adoption and trauma: Risks, recovery, and the lived experience of adoption. *Child abuse & neglect*, 130, 105309.p7

^{۸۸}مژگان، غلامرضا، (۱۳۸۹ش)، بررسی نسب فرزند خواندگی در اسلام و جهان، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور. ص ۱۳

موظف به حفاظت از کودک در برابر هرگونه سوءاستفاده یا آسیب احتمالی هستند، که این وظیفه از طریق همکاری با نهادهایی نظیر سازمان بهزیستی اجرایی می‌شود. این نظارت دوره‌ای، سرپرستان را ملزم می‌کند تا گزارش‌های منظمی از وضعیت سلامت و رشد کودک ارائه دهند، که نقض این تعهد می‌تواند به بازنگری حکم سرپرستی منجر شود. مسئولیت‌های عاطفی نیز، هرچند به صورت ضمنی، در چارچوب قانون گنجانده شده‌اند، به طوری که سرپرستان باید محیطی امن و محبت‌آمیز برای انطباق کودک با خانواده جدید فراهم کنند. این جنبه، با وجود نبود رابطه خونی، نیازمند تعهدات روان‌شناختی عمیقی است که از طریق مشاوره‌های قانونی و اجتماعی پشتیبانی می‌شود. همچنین، سرپرستان باید از هرگونه اقدام مغایر با شئون شرعی و فرهنگی در تربیت کودک اجتناب کنند. مسئولیت‌های قانونی سرپرستان در ایران، با در نظر گرفتن ساختارهای شرعی، شامل تعهد به رعایت اصول اخلاقی و دینی در فرآیند تربیت است که این امر به عنوان بخشی از وظایف والدینی تعریف می‌شود. قانون، سرپرستان را موظف می‌کند تا کودک را در مسیر ارزش‌های اسلامی و ملی هدایت کنند، که این وظیفه با نظارت نهادهای مذهبی و قضایی هم‌راستا است.^{۸۹} در مواردی که کودک به سن بلوغ قانونی نزدیک می‌شود، سرپرستان باید زمینه را برای استقلال نسبی او فراهم کنند، که این امر نیازمند برنامه‌ریزی مالی و آموزشی بلندمدت است. همچنین، هرگونه تغییر در وضعیت سرپرستی، از جمله فوت یا ناتوانی یکی از سرپرستان، مسئولیت انتقال مراقبت را به نهادهای قانونی یا فرد جایگزین قرار می‌دهد. نظارت بر اجرای مسئولیت‌ها در ایران، از طریق سازوکارهای قضایی و اجتماعی، سرپرستان را تحت فشار قانونی برای رعایت حقوق کودک قرار می‌دهد. این نظارت شامل بازرسی‌های دوره‌ای از شرایط زندگی کودک و ارزیابی انطباق سرپرستان با تعهداتشان است، که هرگونه تخلف می‌تواند به سلب حضانت منجر شود.^{۹۰} سرپرستان موظف‌اند تا در صورت بروز مشکلات روانی یا اجتماعی برای کودک، از خدمات تخصصی حمایت‌گر استفاده کنند، که این امر بخشی از مسئولیت‌های قانونی آن‌ها در قبال سلامت روانی کودک است. این چارچوب، با وجود محدودیت‌های شرعی، تلاش دارد تا تعادلی بین تعهدات قانونی و فرهنگی برقرار کند. در شرایط استثنایی، مانند بروز اختلافات خانوادگی یا ناتوانی سرپرستان، قانون ایران مسئولیت بازنگری در وضعیت سرپرستی را بر عهده دادگاه قرار می‌دهد که این امر سرپرستان را ملزم به ارائه مدارک و شواهد در جهت حفظ صلاحیت خود می‌کند. این فرآیند، سرپرستان را موظف می‌سازد تا در

^{۸۹} توریان، علی. (۱۳۸۱). بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی و تحویل اطفال به دیگری. نشریه پیام آموزش، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۱۶۰

^{۹۰} خنجری علی‌آبادی، امین؛ سیفی علمی، یعقوب. (۱۳۹۶). بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران. فصلنامه علمی-حقوقی قانونی، دوره ۱، صص: ۳۳-۱۱.

صورت نیاز، با مشاوران حقوقی و اجتماعی همکاری کنند تا از تداوم حمایت از کودک اطمینان حاصل شود. همچنین، مسئولیت اطلاع‌رسانی به مراجع قانونی در مورد تغییرات وضعیت کودک، از جمله بیماری‌های مزمن یا مشکلات آموزشی، بر عهده سرپرستان است که این امر نیازمند دقت و شفافیت در گزارش‌دهی است. این تعهدات، با هدف حفظ مصلحت کودک، به‌عنوان هسته اصلی مسئولیت‌های قانونی سرپرستان در نظر گرفته می‌شوند.^{۹۱}

ب: قانون انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، مسئولیت‌های والدین نسبت به کودک فرزندخوانده بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ تعریف می‌شود که چارچوبی گسترده برای وظایف والدین خوانده ارائه می‌دهد. صدور حکم نهایی توسط دادگاه‌های خانواده، والدین را موظف به تأمین نیازهای اساسی کودک از جمله غذا، سرپناه، و مراقبت‌های پزشکی می‌کند که این تعهدات به‌عنوان پایه‌ای‌ترین مسئولیت‌های قانونی تلقی می‌شوند. این قانون، با تأکید بر اصل مصلحت کودک، والدین را ملزم می‌سازد تا برنامه‌ریزی جامعی برای رشد جسمانی و روانی او ارائه دهند، که شامل دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی با استانداردهای ملی است.^{۹۲} مسئولیت حمایت مالی بلندمدت از کودک، از جمله هزینه‌های تحصیل و فعالیت‌های فوق‌برنامه، بر عهده والدین قرار دارد. از منظر حقوقی، والدین در انگلستان موظف به حفاظت از کودک در برابر هرگونه سوءاستفاده، غفلت، یا آسیب روانی هستند، که این وظیفه از طریق همکاری با نهادهای اجتماعی و قضایی تضمین می‌شود. این نظارت مستمر، والدین را ملزم می‌کند تا گزارش‌هایی از پیشرفت کودک در زمینه‌های مختلف ارائه دهند، و هرگونه نقض این تعهد می‌تواند به بازنگری قضایی منجر شود. مسئولیت‌های عاطفی نیز به‌صورت صریح در قانون گنجانده شده‌اند، به‌طوری که والدین باید محیطی محبت‌آمیز و پایدار برای انطباق کودک با خانواده جدید فراهم کنند، که این امر از طریق جلسات مشاوره‌ای و روان‌شناختی پشتیبانی می‌شود. والدین باید به نیازهای فرهنگی و هویتی کودک، به‌ویژه در مورد ریشه‌های پیشین او، توجه کنند. مسئولیت‌های قانونی والدین در انگلستان، با تکیه بر کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، شامل تعهد به تربیت و هدایت کودک در

^{۹۱} مژگان، غلامرضا، (۱۳۸۹ش)، بررسی نسب فرزند خواندگی در اسلام و جهان، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور، ص ۱۴

^{۹۲} امیری، اسفندیار. (۱۳۷۲). مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد. ص ۲۰۰

راستای ارزش‌های دموکراتیک و اجتماعی است که این امر با نظارت نهادهای آموزشی و اجتماعی هم‌راستا است. والدین موظف‌اند تا در صورت نیاز، از خدمات تخصصی آموزشی و روان‌درمانی برای کودک استفاده کنند، که این امر به‌ویژه در مراحل اولیه انطباق اهمیت دارد. همچنین، مسئولیت آماده‌سازی کودک برای استقلال در سنین بالاتر، از طریق برنامه‌ریزی مالی و مهارت‌آموزی، بر عهده والدین است.^{۹۳} در صورت فوت یا ناتوانی یکی از والدین، قانون مسئولیت انتقال مراقبت را به وصولی یا نهادهای مربوطه واگذار می‌کند. نظارت بر اجرای مسئولیت‌ها در انگلستان، از طریق نهادهای اجتماعی و قضایی، والدین را تحت تعهدات قانونی سخت‌گیرانه قرار می‌دهد. این نظارت شامل ارزیابی‌های دوره‌ای از شرایط زندگی کودک و اطمینان از تطابق والدین با وظایفشان است، که هرگونه تخلف می‌تواند به سلب حضانت یا جریمه منجر شود. والدین همچنین موظف‌اند تا در صورت بروز مشکلات روانی یا اجتماعی برای کودک، از خدمات تخصصی حمایت‌گر استفاده کنند، که این امر بخشی از تعهدات قانونی آن‌ها در قبال سلامت روانی و اجتماعی کودک است. این چارچوب، با هدف حفظ حقوق جامع کودک، به والدین انعطاف‌پذیری در اجرای وظایف می‌دهد.^{۹۴} در بعضی شرایط، مانند اختلافات خانوادگی یا ناتوانی والدین، قانون انگلستان مسئولیت بازنگری در وضعیت سرپرستی را بر عهده دادگاه‌های خانواده قرار می‌دهد که این امر والدین را ملزم به ارائه مدارک و همکاری با کارشناسان اجتماعی می‌کند. این فرآیند، والدین را موظف می‌سازد تا در صورت نیاز، با مشاوران حقوقی و روان‌شناسان همکاری کنند تا از تداوم حمایت از کودک اطمینان حاصل شود. همچنین، مسئولیت اطلاع‌رسانی به مراجع قانونی در مورد تغییرات وضعیت کودک، از جمله بیماری‌ها یا مشکلات آموزشی، بر عهده والدین است که این امر نیازمند دقت و شفافیت در گزارش‌دهی است. این تعهدات، با هدف تضمین رشد همه‌جانبه کودک، به‌عنوان هسته اصلی مسئولیت‌های قانونی والدین در نظر گرفته می‌شوند.^{۹۵}

^{۹۳} بشیرتاش، شیرین؛ افتخارجهرمی، گودرز؛ صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۹، فرزندخواندگی در پرتو قوانین داخلی و رویه قضایی محاکم انگلستان، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۳، ص ۴

^{۹۴} بهرامی، ستار و ره انجام، حمیده، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۴، ص ۶

^{۹۵} بشیرتاش، شیرین؛ افتخارجهرمی، گودرز؛ صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۹، فرزندخواندگی در پرتو قوانین داخلی و رویه قضایی محاکم انگلستان، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۳، ص ۵

بند سوم: الزامات مربوط به حضانت، نفقه و آموزش کودک

الف: الزامات حقوقی حضانت کودک در قوانین ایران و انگلستان

در حقوق ایران، حضانت بر اساس فقه شیعه و قانون مدنی تعریف شده و عمدتاً بر والدین یا سرپرستان قانونی متمرکز است. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین می‌داند، به این معنا که والدین مکلف به انجام وظایف حضانتی هستند و نمی‌توانند از آن شانه خالی کنند، مگر در شرایط خاص قانونی. این الزام شامل تأمین نیازهای جسمانی، عاطفی و تربیتی کودک است و در صورت عدم صلاحیت والدین، دادگاه می‌تواند حضانت را به فرد دیگری واگذار کند. در مواردی که کودک تحت سرپرستی قرار می‌گیرد، قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، شرایط و ضوابط خاصی را برای سرپرستان تعیین کرده است.^{۹۶}

در حقوق انگلستان، مفهوم حضانت تعریف می‌شود که به معنای مجموعه‌ای از حقوق، وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های والدین یا سرپرستان قانونی نسبت به کودک است. این مفهوم در قانون کودکان ۱۹۸۹ تبیین شده و شامل تصمیم‌گیری در مورد تربیت، آموزش، درمان و محل اقامت کودک است. برخلاف ایران که حضانت عمدتاً به والدین طبیعی محدود است، در انگلستان این مسئولیت می‌تواند به غیر والدین، مانند سرپرستان قانونی یا نهادهای اجتماعی، واگذار شود. این امر به‌ویژه در مواردی که کودک بی‌سرپرست است یا والدین صلاحیت لازم را ندارند، از طریق فرآیندهای قانونی مانند صدور حکم سرپرستی اعمال می‌شود.^{۹۷}

در ایران، حضانت کودک تا سن بلوغ (۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران) به‌طور خاص بر عهده والدین است، مگر اینکه به دلایلی مانند فوت، بیماری صعب‌العلاج یا سلب صلاحیت، این وظیفه به دیگری منتقل شود. قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، سرپرستان را مکلف می‌کند تا وظایف حضانتی را با رعایت مصلحت کودک انجام دهند، که این شامل تأمین محیطی امن و مناسب برای رشد جسمی و روانی کودک است. دادگاه صالح در این موارد نقش

^{۹۶} موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸) «بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات فقهی - حقوقی و اجتماعی، ج ۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ص ۶

^{۹۷} الفت، نعمت اله و جواهری، سیدعلی، ۱۴۰۲، مطالعه تطبیقی پایان سرپرستی و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۲۰. ص ۴

نظارتی داشته و می‌تواند در صورت تخطی سرپرستان از وظایفشان، حکم سرپرستی را فسخ کند. این نظارت قضایی تضمین‌کننده اجرای صحیح الزامات حضانتی است.^{۹۸}

در انگلستان، مسئولیت والدینی می‌تواند به صورت مشترک بین والدین یا سرپرستان تقسیم شود و حتی در صورت جدایی والدین، هر دو می‌توانند این مسئولیت را حفظ کنند، مگر اینکه دادگاه به دلایل خاص، مانند سوءرفتار یا عدم صلاحیت، آن را محدود کند. قانون کودکان ۱۹۸۹ تأکید دارد که تمام تصمیمات مربوط به حضانت باید با اولویت مصلحت کودک اتخاذ شود. این اصل به عنوان مبنای تمامی احکام قضایی در حوزه حضانت و سرپرستی عمل می‌کند و شامل ارزیابی دقیق شرایط زندگی کودک، نیازهای عاطفی و اجتماعی او و توانایی سرپرستان در تأمین این نیازها است. یکی از تفاوت‌های مهم بین دو نظام حقوقی، نقش نهادهای دولتی در فرآیند حضانت است.^{۹۹}

ب: الزامات حقوقی نفقه کودک در قوانین ایران و انگلستان

در حقوق ایران، نفقه کودک بر اساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی بر عهده پدر است و در صورت فوت یا ناتوانی او، به ترتیب بر عهده پدر بزرگ پدری، مادر یا سایر خویشاوندان قرار می‌گیرد. نفقه شامل تمامی هزینه‌های ضروری برای زندگی کودک، از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و آموزش است. در صورت سرپرستی کودک بی‌سرپرست، سرپرستان قانونی موظف به تأمین نفقه هستند و این تعهد در قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به صراحت ذکر شده است.^{۱۰۰}

در انگلستان، مفهوم نفقه شناخته می‌شود و بر اساس قانون حمایت از کودکان ۱۹۹۱ تنظیم می‌شود. این قانون والدین یا سرپرستان قانونی را موظف می‌کند تا هزینه‌های زندگی کودک را تأمین کنند، حتی اگر حضانت مشترک باشد یا کودک تحت سرپرستی شخص دیگری قرار گرفته باشد. آژانس

^{۹۸} کارتوزیان، ناصر، ۱۴۰۲، حقوق مدنی خانواده، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش. ص ۱۰۴

^{۹۹} پاکزاد، مهرداد؛ عالم زاده، محمد؛ مهدی پور، محمد، ۱۴۰۱، تعارض فرزندخواندگی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۷۱. ص ۵

^{۱۰۰} رضوانی مفرد، احمد و ظفری، مژده، ۱۳۹۴، تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۲. ص ۷

حمایت از کودکان در انگلستان مسئولیت محاسبه و نظارت بر پرداخت نفقه را بر عهده دارد و فرمول‌های خاصی برای تعیین میزان نفقه بر اساس درآمد والدین یا سرپرستان وجود دارد.^{۱۱}

در ایران، نفقه کودک به عنوان یک تکلیف شرعی و قانونی، غیرقابل اسقاط است و والدین یا سرپرستان نمی‌توانند از آن سر باز زنند، مگر در شرایطی که دادگاه صالح تشخیص دهد که تأمین نفقه از توان مالی آنها خارج است. در چنین مواردی، دولت یا نهادهای خیریه ممکن است مداخله کنند، اما این موارد استثنایی هستند. قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست تأکید دارد که سرپرستان باید از تمکن مالی کافی برخوردار باشند تا بتوانند هزینه‌های زندگی کودک را تأمین کنند، و این شرط در فرآیند ارزیابی صلاحیت سرپرستان بررسی می‌شود.^{۱۲}

در انگلستان، نفقه کودک به صورت دقیق‌تری از نظر مالی تنظیم می‌شود و می‌تواند شامل پرداخت‌های دوره‌ای یا یک‌جای باشد. در صورتی که والدین یا سرپرستان از پرداخت نفقه خودداری کنند، آژانس حمایت از کودکان می‌تواند از طریق کسر مستقیم از حقوق یا حساب بانکی آنها اقدام به وصول کند. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده که حتی در صورت اختلاف بین والدین، حقوق مالی کودک حفظ شود. همچنین، در مواردی که کودک تحت سرپرستی قانونی قرار دارد، دولت ممکن است کمک‌های مالی مکمل ارائه دهد تا اطمینان حاصل شود که نیازهای اساسی کودک برآورده می‌شود.^{۱۳}

یکی از تفاوت‌های بارز بین دو نظام، نحوه اجرای تعهدات نفقه است. در ایران، اجرای نفقه معمولاً از طریق دادگاه‌های خانواده و با استناد به قوانین مدنی و شرعی انجام می‌شود، و در صورت تخلف، ضمانت اجرای کیفری مانند حبس نیز قابل اعمال است. در انگلستان، این فرآیند بیشتر از طریق نهادهای اداری و با رویکردی غیر قضایی مدیریت می‌شود، که این امر سرعت و کارایی بیشتری در تأمین نفقه به همراه دارد. با این حال، هر دو نظام بر این اصل توافق دارند که تأمین نیازهای مالی کودک برای رشد و توسعه او ضروری است. در هر دو کشور، نفقه به عنوان بخشی از

^{۱۱} پاکزاد، مهرداد؛ عالم زاده، محمد؛ مهدی پور، محمد، ۱۴۰۱، تعارض فرزندخواندگی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۷۱. ص ۶

^{۱۲} رضوانی مفرد، احمد و ظفری، مزده، ۱۳۹۴، تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۲. ص ۸

^{۱۳} توسلی نائینی، منوچهر و امیرنیرومند، مرضیه، ۱۳۹۱، فرزندخواندگی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، ماهنامه دادرسی، شماره ۹۱. ص ۵

مسئولیت‌های حضانتی تلقی می‌شود و ارتباط نزدیکی با مصلحت کودک دارد. در ایران، این موضوع به شدت تحت تأثیر ارزش‌های اسلامی و خانوادگی است، در حالی که در انگلستان، رویکردی عمل‌گرایانه‌تر با تأکید بر برابری جنسیتی و حمایت دولتی مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ و ساختار اجتماعی بر تفسیر و اجرای تعهدات نفقه است.^{۱۰۴}

ب: الزامات حقوقی آموزش کودک در قوانین ایران و انگلستان

آموزش کودک به عنوان یکی از حقوق بنیادین کودکان در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به رسمیت شناخته شده و سرپرستان قانونی موظف به تأمین آن هستند. در ایران، ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی والدین را مکلف می‌کند که در حد توان خود، وسایل آموزش و پرورش فرزندان را فراهم کنند. این تکلیف در مورد کودکان بی سرپرست که تحت سرپرستی قرار می‌گیرند نیز اعمال می‌شود و قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست (۱۳۹۲) سرپرستان را موظف به تأمین هزینه‌های آموزشی کودک می‌کند. آموزش در ایران شامل تحصیلات ابتدایی تا متوسطه است که طبق قانون اساسی رایگان است، اما سرپرستان باید شرایط لازم برای حضور کودک در مدرسه را فراهم کنند. در انگلستان، قانون آموزش ۱۹۹۶ آموزش اجباری را برای کودکان ۵ تا ۱۶ سال الزامی کرده و والدین یا سرپرستان قانونی مسئول اطمینان از حضور کودک در نظام آموزشی هستند. این قانون شامل آموزش در مدارس دولتی، خصوصی یا حتی آموزش خانگی است، مشروط بر اینکه استانداردهای آموزشی رعایت شود. در مواردی که کودک تحت سرپرستی قانونی قرار دارد، سرپرستان موظف به همکاری با مقامات محلی برای اطمینان از دسترسی کودک به آموزش مناسب هستند. عدم رعایت این الزام می‌تواند منجر به مداخله قضایی یا جریمه شود.^{۱۰۵} در ایران، آموزش کودک نه تنها یک تکلیف قانونی بلکه یک ارزش فرهنگی و مذهبی نیز محسوب می‌شود. قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست تأکید دارد که سرپرستان باید امکانات لازم برای تحصیل کودک، از جمله ثبت نام در مدرسه و تأمین وسایل آموزشی، را فراهم کنند. سازمان بهزیستی در این راستا نقش نظارتی داشته و می‌تواند در صورت کوتاهی سرپرستان، اقدامات قانونی

^{۱۰۴} موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸) «بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات فقهی - حقوقی و

اجتماعی، ج ۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ص ۷

^{۱۰۵} Francois Mignit, Jean, 2017, Full Adoption in England and Wales and France: A Comparative History of Law and Practice. P4

لازم را پیشنهاد دهد. این نظارت به‌ویژه برای کودکان بی‌سرپرست که ممکن است در معرض محرومیت آموزشی قرار گیرند، اهمیت دارد.^{۱۰۶} در انگلستان، نظام آموزشی ساختاریافته‌تر بوده و مقامات محلی وظیفه دارند اطمینان حاصل کنند که هر کودک به آموزش مناسب دسترسی دارد. در مواردی که کودک تحت سرپرستی است، مددکاران اجتماعی و نهادهای نظارتی گزارش‌های منظمی از پیشرفت تحصیلی کودک ارائه می‌دهند. همچنین، کودکان تحت سرپرستی ممکن است از کمک‌های مالی یا برنامه‌های حمایتی خاص برای جبران محرومیت‌های احتمالی بهره‌مند شوند. این حمایت‌ها به‌منظور تضمین برابری فرصت‌های آموزشی طراحی شده‌اند. یکی از تفاوت‌های مهم بین دو نظام، میزان دخالت دولت در تأمین آموزش است. در ایران، دولت آموزش رایگان را تضمین می‌کند، اما مسئولیت اصلی بر عهده والدین یا سرپرستان است و نظارت دولتی بیشتر از طریق سازمان بهزیستی انجام می‌شود.^{۱۰۷} در انگلستان، دولت نقش فعال‌تری در نظارت و تأمین منابع آموزشی ایفا می‌کند و حتی در صورت نیاز، می‌تواند مستقیماً مداخله کند تا اطمینان حاصل شود که کودک از آموزش محروم نمی‌شود. این تفاوت‌ها به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هر کشور بستگی دارد. در هر دو نظام، آموزش به‌عنوان ابزاری برای رشد و توسعه کودک و تضمین آینده او تلقی می‌شود. در ایران، این موضوع با تأکید بر ارزش‌های دینی و اخلاقی همراه است، در حالی که در انگلستان، تمرکز بر استانداردهای آموزشی و برابری فرصت‌ها است. با این حال، هر دو نظام حقوقی بر این اصل توافق دارند که آموزش حق مسلم کودک است و سرپرستان موظف به تأمین آن هستند.^{۱۰۸}

بند چهارم: استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم فرزندخواندگی

الف: استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم سرپرستی در ایران

در نظام حقوقی ایران، استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم سرپرستی (فرزندخواندگی) به‌منظور تضمین مصلحت کودک و تأمین حقوق او از اهمیت بسزایی برخوردار است. قانون حمایت

^{۱۰۶} کارتوزیان، ناصر، ۱۴۰۲، حقوق مدنی خانواده، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۱۰۵

^{۱۰۷} موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸) «بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات فقهی - حقوقی و اجتماعی، ج ۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۷

^{۱۰۸} الفت، نعمت اله و جواهری، سیدعلی، ۱۴۰۲، مطالعه تطبیقی پایان سرپرستی و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۲۰، ص ۵

از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، چارچوب جامعی برای نظارت بر اجرای صحیح تعهدات سرپرستان ارائه می‌دهد. پس از صدور حکم سرپرستی توسط دادگاه صالح، سازمان بهزیستی به عنوان نهاد نظارتی اصلی، مسئولیت پایش مستمر وضعیت کودک را بر عهده دارد. این نظارت شامل بررسی شرایط زندگی، سلامت جسمی و روانی، و تأمین نیازهای اساسی کودک است که از طریق بازدیدهای دوره‌ای مددکاران اجتماعی انجام می‌شود.^{۹۹} فرآیند نظارت در ایران با صدور قرار دوره آزمایشی آغاز می‌شود که معمولاً شش ماه طول می‌کشد. در این دوره، مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی حداقل سه بازدید از خانواده سرپرست انجام می‌دهند تا از رعایت استانداردهای مراقبتی و تربیتی اطمینان حاصل کنند. این بازدیدها شامل ارزیابی محیط زندگی، روابط عاطفی بین کودک و سرپرستان، و توانایی مالی و روانی سرپرستان برای ادامه سرپرستی است. گزارش‌های مددکاران به دادگاه ارائه می‌شود و در صورت تأیید شرایط مناسب، حکم نهایی سرپرستی صادر می‌گردد. این فرآیند تضمین می‌کند که کودک در محیطی امن و پایدار رشد کند. یکی از جنبه‌های مهم نظارت در ایران، ثبت اطلاعات سرپرستی در اسناد سجلی است.^{۱۰۰} بر اساس ماده ۱۶ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، اداره ثبت احوال موظف است نام کودک و مشخصات سرپرستان را در شناسنامه و اسناد سجلی درج کند. این اقدام نه تنها به رسمیت شناختن رابطه حقوقی بین کودک و سرپرستان کمک می‌کند، بلکه امکان ردیابی و نظارت بلندمدت را نیز فراهم می‌سازد. هرگونه تغییر در وضعیت سرپرستی، مانند فسخ حکم یا تغییر سرپرست، باید به ثبت احوال گزارش شود تا اطلاعات به‌روز نگه داشته شود. در صورت بروز مشکلات در اجرای تعهدات سرپرستی، قانون ایران امکان مداخله قضایی را پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۲۵ قانون مذکور، اگر سرپرستان از انجام وظایف خود تخلف کنند یا شرایط لازم برای ادامه سرپرستی را از دست بدهند (مانند ابتلا به بیماری صعب‌العلاج یا ناتوانی مالی)، دادگاه می‌تواند حکم سرپرستی را فسخ کند. این فرآیند با ارائه گزارش سازمان بهزیستی یا درخواست دادستان آغاز می‌شود و دادگاه پس از بررسی شرایط، تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند. این ضمانت اجرا از حقوق کودک در برابر سوءرفتار یا غفلت سرپرستان حفاظت می‌کند.^{۱۰۱}

^{۹۹} روشن، محمد و غدیری، ماهرو (۱۳۹۲)، «فرزندخواندگی و حق بر خانواده په در پرتو مصالح عالیہ کودک»، فصلنامہ تحقیقات حقوقی، ویژه نامہ ش ۱. ص ۸

^{۱۰۰} امامی، اسدالله، وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ص ۱۴۰

^{۱۰۱} روشن، محمد و غدیری، ماهرو (۱۳۹۲)، «فرزندخواندگی و حق بر خانواده په در پرتو مصالح عالیہ کودک»، فصلنامہ تحقیقات حقوقی، ویژه نامہ ش ۱. ص ۹

نظارت قانونی در ایران شامل ارزیابی مستمر مصلحت کودک است. سازمان بهزیستی موظف است گزارش‌های دوره‌ای از وضعیت کودک، حتی پس از پایان دوره آزمایشی، ارائه دهد. این گزارش‌ها شامل اطلاعاتی در مورد پیشرفت تحصیلی، سلامت روانی و اجتماعی، و هرگونه نشانه‌ای از سوءاستفاده یا بی‌توجهی است. در صورتی که شواهدی از نقض حقوق کودک مشاهده شود، سازمان بهزیستی می‌تواند به دادگاه پیشنهاد دهد که سرپرستی به فرد یا نهاد دیگری واگذار شود. این رویکرد چندلایه تضمین می‌کند که کودک در هر مرحله از فرآیند سرپرستی تحت حمایت قانونی قرار دارد. یکی دیگر از جنبه‌های نظارت در ایران، الزام سرپرستان به رعایت احترام متقابل با کودک است. ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، کودک یا نوجوان تحت سرپرستی را مکلف به رعایت احترام نسبت به سرپرستان می‌کند، در حالی که سرپرستان نیز موظف به تأمین محیطی محترمانه و عاطفی برای کودک هستند. این رابطه متقابل تحت نظارت سازمان بهزیستی قرار دارد و هرگونه تخلف می‌تواند به بررسی قضایی منجر شود. این الزامات به حفظ تعادل در روابط خانوادگی و تضمین سلامت روانی کودک کمک می‌کند.^{۱۱۲}

ب: استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم سرپرستی در انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، استمرار و نظارت قانونی پس از صدور حکم سرپرستی بر اساس قانون مصوب ۱۳۸۱ تنظیم می‌شود. این قانون تأکید دارد که پس از صدور حکم، نظارت بر وضعیت کودک به‌منظور اطمینان از مصلحت او ادامه می‌یابد. نهادهای محلی و سازمان‌های سرپرستی نقش محوری در این نظارت ایفا می‌کنند و موظف به ارائه خدمات حمایتی به خانواده‌های سرپرست هستند. این خدمات به‌منظور کمک به سازگاری کودک و سرپرستان طراحی شده و شامل طیف وسیعی از حمایت‌های اجتماعی و روانی است. پس از صدور حکم سرپرستی، نهادهای محلی موظف به تدوین برنامه حمایتی برای خانواده سرپرست هستند.^{۱۱۳} این برنامه شامل خدماتی مانند مشاوره روان‌شناختی، حمایت مالی در موارد خاص، و مداخلات آموزشی برای کمک به سازگاری کودک و سرپرستان است. این خدمات به‌ویژه برای کودکانی که تجربیات آسیب‌زای گذشته دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. نهادهای محلی موظف‌اند این برنامه را به‌صورت دوره‌ای بازبینی

^{۱۱۲} مژگان، غلامرضا، (۱۳۸۹ش)، بررسی نسب فرزند خواندگی در اسلام و جهان، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور، ص ۱۹

^{۱۱۳} Douglas, Gillian (2016), "The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Family Law in England and Wales", in: European Family Law, by Jens M. Scherpe (ed), Vol: II, UK: Edward Elgar Publishing, p 4

کنند تا اطمینان حاصل شود که نیازهای کودک به طور کامل برآورده می شود. این بازبینی ها به طور منظم انجام می شود و گزارش های آن به عنوان مبنای ارزیابی شرایط سرپرستی استفاده می گردد.^{۱۱۴}

نظارت در انگلستان شامل بازدیدهای منظم مددکاران اجتماعی از خانواده سرپرست است. این بازدیدها معمولاً در سال اول پس از صدور حکم به صورت فشرده تر انجام می شود و پس از آن، بسته به نیازهای خانواده، ممکن است کاهش یابد. مددکاران اجتماعی گزارش های مفصلی در مورد وضعیت عاطفی، تحصیلی و اجتماعی کودک تهیه می کنند. این گزارش ها به نهادهای محلی ارائه می شود و در صورت نیاز، اقدامات اصلاحی مانند ارائه خدمات اضافی یا تغییر در شرایط سرپرستی پیشنهاد می گردد. این فرآیند به حفظ ثبات و سلامت کودک در محیط جدید کمک می کند. یکی از ویژگی های نظام حقوقی انگلستان، امکان درخواست فسخ حکم سرپرستی در شرایط استثنایی است. اگرچه این امر به ندرت رخ می دهد، قانون به دادگاه اجازه می دهد در صورتی که مصلحت کودک ایجاب کند، حکم سرپرستی را لغو کند. این فرآیند معمولاً با درخواست نهادهای محلی یا سرپرستان و پس از بررسی دقیق شواهد توسط دادگاه انجام می شود. این امکان به عنوان یک ضمانت اجرا برای حفاظت از حقوق کودک در برابر شرایط نامناسب عمل می کند و تضمین می کند که تصمیمات قضایی همواره در راستای منافع کودک باشد.^{۱۱۵}

نظارت در انگلستان شامل حفظ ارتباط با والدین زیستی در مواردی است که به مصلحت کودک باشد. قانون مصوب ۱۳۸۱ اجازه می دهد که دادگاه ترتیباتی برای تماس محدود با والدین زیستی یا خویشاوندان تعیین کند، مشروط بر اینکه این تماس به نفع کودک باشد. این تماس ها تحت نظارت مددکاران اجتماعی انجام می شود و هرگونه تغییر در این ترتیب باید با تأیید دادگاه باشد. این رویکرد به حفظ هویت و ارتباطات خانوادگی کودک کمک می کند، در حالی که اولویت با ثبات زندگی او در خانواده سرپرست است. نظام حقوقی انگلستان از طریق سیستم ثبت ملی سرپرستی امکان ردیابی و نظارت بلندمدت بر کودکان تحت سرپرستی را فراهم می کند.^{۱۱۶} این سیستم اطلاعات مربوط به وضعیت کودک و سرپرستان را ذخیره می کند و به نهادهای محلی امکان می دهد

^{۱۱۴} ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). « تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان ». فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۸)، ص ۱۱۱-۱۴۵.

^{۱۱۵} Lowe, Nigel and Douglas, Gillian (2014), Bromley's Family Law; Eleventh Edition, Oxford University Press.

^{۱۱۶} افشارقوچانی، زهره (۱۴۰۰). « مسئله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران ». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه های حقوقی، ۴ (۱۰)، ص ۳۷-۷.

در صورت نیاز به اطلاعات دسترسی داشته باشند.^{۱۱۷} این پایگاه داده به هماهنگی بین نهادهای مختلف کمک می‌کند و تضمین می‌کند که نظارت بر وضعیت کودک حتی در صورت جابه‌جایی خانواده ادامه یابد. این ساختار نظام‌مند به حفظ حقوق کودک و اطمینان از استمرار حمایت‌های قانونی کمک می‌کند.^{۱۱۸}

گفتار سوم: تفاوت‌های ساختاری و حقوقی در قواعد فرزندخواندگی

تفاوت‌های ساختاری و حقوقی در قواعد فرزندخواندگی بین ایران و انگلستان ریشه در مبانی فرهنگی، مذهبی و نظام‌های حقوقی متفاوت این دو کشور دارد. در ایران، نظام حقوقی فرزندخواندگی در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تعریف شده و مبتنی بر فقه شیعه است که فرزندخواندگی به معنای کامل (ایجاد رابطه نسبی) را به رسمیت نمی‌شناسد. سرپرستی در ایران صرفاً رابطه‌ای حقوقی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی کودک ایجاد می‌کند، بدون اینکه حقوق ارث یا محرمیت کامل بین کودک و سرپرستان برقرار شود.^{۱۱۹} شرایط سختگیرانه‌ای مانند تمکن مالی، عدم محکومیت کیفری، و سلامت جسمی و روانی سرپرستان در قانون پیش‌بینی شده و فرآیند با نظارت دقیق سازمان بهزیستی و دادگاه صالح همراه است. این نظام بر حفظ مصلحت کودک و رعایت موازین شرعی تأکید دارد و امکان فسخ حکم سرپرستی در صورت نقض شرایط قانونی وجود دارد. علاوه بر این، ازدواج سرپرست با کودک تحت سرپرستی، با رعایت شرایط خاص و تأیید دادگاه، مجاز است که این موضوع از منظر فقهی و فرهنگی مورد مناقشه بوده و محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند.^{۱۲۰}

^{۱۱۷} ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۸)، ص ۱۱۱-۱۴۵.

^{۱۱۸} ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۶)، ص ۱۰۹-۱۴۳.

^{۱۱۹} متولی، محمد. (۱۳۷۹). قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران. مجله تحقیقات حقوقی، ۱۷۰.

^{۱۲۰} محمدی قوام، مریم. فرزندخواندگی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کرمان، ۱۳۹۴. ص ۳۵.

در انگلستان، فرزندخواندگی بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ تنظیم شده و مبتنی بر نظام حقوقی عرفی است که رابطه‌ای کاملاً مشابه رابطه والدین و فرزند زیستی ایجاد می‌کند، شامل حقوق ارث و تابعیت. این نظام انعطاف‌پذیرتر بوده و به افراد غیرمرتبط با کودک، از جمله زوج‌های هم‌جنس یا افراد مجرد، اجازه سرپرستی می‌دهد، مشروط بر اینکه مصلحت کودک تأمین شود. فرآیند فرزندخواندگی در انگلستان شامل ارزیابی دقیق توسط نهادهای محلی و مددکاران اجتماعی است و پس از صدور حکم، رابطه حقوقی با والدین زیستی قطع می‌شود، مگر در مواردی که تماس محدود به نفع کودک باشد. برخلاف ایران، انگلستان بر اصل برابری جنسیتی و تنوع خانوادگی تأکید دارد و هیچ‌گونه رابطه زناشویی بین سرپرست و کودک تحت سرپرستی مجاز نیست. نظارت پس از صدور حکم از طریق برنامه‌های حمایتی و بازبینی‌های دوره‌ای نهادهای محلی ادامه می‌یابد، که این امر نشان‌دهنده تمرکز بر حمایت بلندمدت از کودک و خانواده سرپرست است.^{۱۲۱}

بند اول: تفاوت در آثار نسبی و ارثی فرزندخواندگی

در نظام حقوقی ایران، فرزندخواندگی که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تعریف شده، فاقد آثار نسبی کامل مشابه رابطه والدین و فرزند زیستی است. بر اساس فقه شیعه و ماده ۷ این قانون، سرپرستی صرفاً یک رابطه حقوقی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی کودک ایجاد می‌کند و هیچ‌گونه رابطه نسبی یا خویشاوندی قانونی بین کودک و سرپرستان برقرار نمی‌شود. این امر به این معناست که کودک تحت سرپرستی به‌عنوان فرزند قانونی سرپرستان در اسناد سجلی ثبت می‌شود، اما این ثبت صرفاً برای شناسایی رابطه سرپرستی است و حقوق و تکالیف ناشی از نسب، مانند محرمیت یا توارث، را به دنبال ندارد. در نتیجه، کودک تحت سرپرستی از منظر فقهی و قانونی با سرپرستان و خویشاوندان آنها نامحرم باقی می‌ماند، مگر اینکه اقدامات خاصی مانند ازدواج موقت برای ایجاد محرمیت انجام شود.^{۱۲۲} از منظر ارثی، قانون ایران صراحتاً فرزندخواندگی را از موجبات ارث خارج کرده است. ماده ۱ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست مقرر می‌دارد که رابطه سرپرستی هیچ‌گونه حق توارث متقابلی بین

^{۱۲۱} بهرامی، ستار و ره انجام، حمیده، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا،

شماره ۴، ص ۷

^{۱۲۲} جعفری، یعقوب، فرزندخواندگی از دیدگاه اسلام، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۴۰۱، ۷۳۹

کودک و سرپرستان ایجاد نمی‌کند. این بدان معناست که نه کودک از سرپرستان ارث می‌برد و نه سرپرستان از کودک، حتی اگر دارایی قابل توجهی وجود داشته باشد. در صورت فوت سرپرست، اموال او بر اساس قواعد عمومی ارث بین خویشاوندان نسبی یا سببی توزیع می‌شود و کودک تحت سرپرستی سهمی ندارد.^{۱۳۳} این رویکرد ریشه در مبانی فقهی دارد که ارث را صرفاً به روابط نسبی یا سببی محدود می‌کند و سرپرستی را به عنوان یک رابطه حقوقی مستقل از این دسته‌بندی‌ها می‌داند. با این حال، قانون ایران امکان انتقال بخشی از اموال سرپرست به کودک تحت سرپرستی را از طریق وصیت فراهم کرده است. بر اساس ماده ۸۳۷ قانون مدنی، سرپرست می‌تواند تا یک سوم اموال خود را به نفع کودک وصیت کند، مشروط بر اینکه این وصیت به تأیید وراث قانونی برسد یا در قالب وصیت‌نامه رسمی تنظیم شود. این مکانیسم به عنوان جایگزینی برای فقدان حق ارث مستقیم عمل می‌کند، اما همچنان اختیاری بوده و به اراده سرپرست بستگی دارد. علاوه بر این، در مواردی که سرپرست بخواهد حمایت مالی بلندمدت از کودک تضمین کند، می‌تواند از ابزارهای حقوقی مانند صلح عمری یا قراردادهای مالی استفاده کند، اما این اقدامات خارج از چارچوب ارث قانونی هستند. یکی از پیچیدگی‌های آثار نسبی در ایران، مسئله محرمیت است که به‌ویژه در رابطه با سرپرستی دختران اهمیت می‌یابد.^{۱۳۴} قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست امکان ازدواج سرپرست با کودک تحت سرپرستی را با تأیید دادگاه و رعایت مصلحت کودک پیش‌بینی کرده است. این مقرره، که مبتنی بر فقه شیعه است، به منظور ایجاد محرمیت بین سرپرست و کودک در برخی موارد اعمال می‌شود، اما از منظر حقوقی و اجتماعی مناقشات بسیاری را به دنبال داشته است. این امر نشان‌دهنده تفاوت بنیادین نظام حقوقی ایران با نظام‌های حقوقی غربی است که چنین رابطه‌ای را غیرقابل قبول می‌دانند.^{۱۳۵}

در نظام حقوقی انگلستان، فرزندخواندگی بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) رابطه‌ای حقوقی ایجاد می‌کند که از نظر آثار نسبی کاملاً مشابه رابطه والدین و فرزند زیستی است. پس از صدور حکم فرزندخواندگی توسط دادگاه، کودک به عنوان فرزند قانونی سرپرستان شناخته می‌شود و تمامی حقوق و تکالیف ناشی از رابطه نسبی، از جمله محرمیت و هویت خانوادگی، به او

^{۱۳۳} دارایی، محمدهادی، ناصر، مهدی، رضایی، مجید، باز پژوهشی در تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج با فرزندخوانده با رویکردی بر نظرات امام خمینی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۸، ص ۲۶

^{۱۳۴} رضوی نژاد، سیده الن، معین، وحید، بررسی تحولات مثبت در قوانین فرزندخواندگی، مطالعات حقوق، سال ششم، ۱۴۰۱، ص ۲۰

^{۱۳۵} متولی، محمد. (۱۳۷۹). قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران. مجله تحقیقات حقوقی، ۱۷۰.

تعلق می‌گیرد. این امر به این معناست که رابطه حقوقی با والدین زیستی کودک به‌طور کامل قطع می‌شود، مگر در مواردی که دادگاه تماس محدود با والدین زیستی را به نفع کودک تشخیص دهد. این رابطه نسبی کامل، کودک را در جایگاه یک عضو قانونی خانواده سرپرست قرار می‌دهد و از نظر حقوقی هیچ تفاوتی با فرزندان زیستی ندارد. از منظر ارثی، قانون انگلستان حقوق کامل توارث را برای کودک تحت سرپرستی به رسمیت می‌شناسد. بر اساس قانون ارث ۱۹۷۵، کودک فرزندخوانده از سرپرستان خود به همان میزان که یک فرزند زیستی ارث می‌برد، برخوردار است.^{۱۳۶} به‌طور متقابل، در صورت فوت کودک، سرپرستان نیز از دارایی او ارث می‌برند، مشروط بر اینکه اموال قابل توجهی وجود داشته باشد. این حق ارث دوجانبه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار حقوقی فرزندخواندگی در انگلستان، تضمین‌کننده امنیت مالی کودک و هم‌پیوندی او با خانواده سرپرست است. این رویکرد با نظام حقوقی ایران که ارث را صرفاً به روابط نسبی یا سببی محدود می‌کند، تفاوت اساسی دارد. در انگلستان، فرآیند فرزندخواندگی به‌گونه‌ای طراحی شده که هویت قانونی کودک به‌طور کامل با خانواده سرپرست ادغام می‌شود. پس از صدور حکم، شناسنامه جدیدی برای کودک صادر می‌شود که در آن نام خانوادگی سرپرستان و هویت جدید او ثبت می‌گردد. این اقدام نه تنها آثار نسبی را تقویت می‌کند، بلکه از نظر اجتماعی و روانی به کودک احساس تعلق به خانواده جدید می‌دهد. برخلاف ایران که رابطه سرپرستی فاقد آثار نسبی کامل است، در انگلستان این رابطه به‌گونه‌ای است که کودک از تمامی حقوق خانوادگی، از جمله تابعیت و حقوق اجتماعی، برخوردار می‌شود.^{۱۳۷}

بند دوم: تفاوت در نحوه صدور حکم و ثبت فرزندخواندگی

در نظام حقوقی ایران، صدور حکم سرپرستی (فرزندخواندگی) بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و با نظارت دقیق مراجع قضایی و سازمان بهزیستی انجام می‌شود. فرآیند صدور حکم با ارائه درخواست سرپرستی توسط متقاضیان به سازمان بهزیستی آغاز می‌گردد. متقاضیان باید شرایط سختگیرانه‌ای از جمله تمکن مالی، سلامت جسمی و

^{۱۳۶} سلطان نیا، آفاق (۱۳۹۵). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران. ص ۴۴

^{۱۳۷} صدری، سیدمحمد؛ ارشدی، محمدیار؛ بادینی، حسن؛ عباسی، ثمین (۱۳۹۳) «حضانت طفل در فقه و حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق انگلستان». دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، ۳ (۱)، ص ۳۵-۴۷

روانی، عدم محکومیت کیفری، و التزام به موازن شرعی را احراز کنند. سازمان بهزیستی پس از بررسی اولیه مدارک و انجام مصاحبه، صلاحیت متقاضیان را ارزیابی کرده و گزارش جامعی به دادگاه صالح ارائه می‌دهد. این گزارش شامل تحلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و روانی متقاضیان و تطابق آنها با مصلحت کودک است.^{۱۲۸} دادگاه خانواده به‌عنوان مرجع صالح، نقش محوری در صدور حکم سرپرستی دارد. بر اساس ماده ۱۱ قانون، دادگاه پس از بررسی گزارش سازمان بهزیستی و شنیدن اظهارات متقاضیان، تصمیم به صدور قرار سرپرستی آزمایشی برای مدت شش ماه می‌گیرد. این دوره آزمایشی به‌منظور ارزیابی عملی توانایی سرپرستان در تأمین نیازهای کودک طراحی شده است. در طول این دوره، مددکاران اجتماعی حداقل سه بازدید از محل زندگی کودک و سرپرستان انجام می‌دهند و گزارش‌های خود را به دادگاه ارائه می‌کنند. دادگاه با استناد به این گزارش‌ها و در صورت اطمینان از مصلحت کودک، حکم نهایی سرپرستی را صادر می‌کند. این فرآیند چند مرحله‌ای تضمین‌کننده دقت در انتخاب سرپرستان مناسب است.^{۱۲۹}

ثبت حکم سرپرستی در ایران یکی از مراحل مهم فرآیند است که در اداره ثبت احوال انجام می‌شود. بر اساس ماده ۱۶ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، پس از صدور حکم نهایی، نام کودک و مشخصات سرپرستان در شناسنامه ثبت می‌شود. این ثبت به‌گونه‌ای است که رابطه سرپرستی به‌صورت حقوقی مشخص شده، اما هویت والدین زیستی کودک، در صورت شناخته‌شده بودن، محفوظ باقی می‌ماند. این اقدام امکان ردیابی قانونی کودک را فراهم می‌کند و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری می‌نماید. با این حال، ثبت سرپرستی هیچ‌گونه رابطه نسبی ایجاد نمی‌کند و صرفاً برای شناسایی رابطه حقوقی است.^{۱۳۰} یکی از ویژگی‌های خاص نظام حقوقی ایران، امکان صدور حکم سرپرستی برای کودکان بدسرپرست است. در مواردی که والدین زیستی به دلیل اعتیاد، بیماری صعب‌العلاج یا محکومیت کیفری صلاحیت نگهداری کودک را از دست داده‌اند، دادگاه می‌تواند با درخواست دادستان یا سازمان بهزیستی، سرپرستی کودک را به متقاضیان واجد شرایط واگذار کند. این فرآیند نیازمند اثبات عدم صلاحیت والدین زیستی از طریق شواهد قضایی و گزارش‌های مددکاری است. چنین رویکردی نشان‌دهنده تأکید قانون ایران بر اولویت مصلحت کودک در برابر حقوق والدین زیستی است. نظارت قضایی در ایران حتی پیش از صدور حکم

^{۱۲۸} امامی، اسد الله. (۱۳۷۸). وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲، ص ۲۲

^{۱۲۹} امینی ع. (۱۳۷۶). فرزندخواندگی در حقوق ایران. روزنامه رسمی اطلاعات. شماره ۱۲۸۶: ۱۴-۱۲

^{۱۳۰} نوریان، علی، ۱۳۹۲، بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی، هفته نامه تخصصی پیک، منتشر در پیام آموزش شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۳۰

نهایی نیز از اهمیت برخوردار است. دادگاه می‌تواند در طول دوره آزمایشی، در صورت مشاهده هرگونه نقض شرایط سرپرستی یا عدم رعایت مصلحت کودک، قرار سرپرستی را لغو کند. این نظارت دقیق، که با همکاری سازمان بهزیستی انجام می‌شود، تضمین می‌کند که فرآیند صدور حکم با دقت و مسئولیت‌پذیری کامل صورت گیرد. همچنین، در مواردی که سرپرستی به زوجین بدون فرزند واگذار می‌شود، قانون الزاماتی مانند حداقل سن ۳۰ سال برای یکی از زوجین را پیش‌بینی کرده است، که این امر به پیچیدگی فرآیند می‌افزاید.^{۱۳۱}

در نظام حقوقی انگلستان، صدور حکم فرزندخواندگی بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) و با نظارت نهادهای محلی و دادگاه‌های خانواده انجام می‌شود. فرآیند با درخواست متقاضیان به یک آژانس فرزندخواندگی، که می‌تواند دولتی یا خصوصی باشد، آغاز می‌گردد. متقاضیان تحت ارزیابی جامع قرار می‌گیرند که شامل بررسی سوابق کیفری، وضعیت مالی، سلامت روانی و جسمی، و توانایی آنها در تأمین محیطی امن و پایدار برای کودک است. این ارزیابی توسط مددکاران اجتماعی متخصص انجام شده و گزارش مفصلی به آژانس فرزندخواندگی ارائه می‌شود که مبنای تصمیم‌گیری اولیه قرار می‌گیرد. دادگاه‌های خانواده در انگلستان نقش نهایی در صدور حکم فرزندخواندگی دارند. پس از تأیید صلاحیت متقاضیان توسط آژانس فرزندخواندگی، پرونده به دادگاه ارجاع می‌شود.^{۱۳۲} دادگاه با استناد به اصل مصلحت کودک، شواهد ارائه‌شده توسط مددکاران اجتماعی و آژانس را بررسی می‌کند. برخلاف ایران، در انگلستان دوره آزمایشی اجباری نیست، اما در برخی موارد، دادگاه می‌تواند دوره‌ای انتقالی برای آشنایی کودک و سرپرستان تعیین کند. این دوره معمولاً با نظارت مددکاران اجتماعی همراه است تا اطمینان حاصل شود که انتقال کودک به خانواده جدید بدون آسیب روانی انجام می‌شود. حکم فرزندخواندگی پس از تأیید نهایی دادگاه صادر می‌شود و رابطه حقوقی با والدین زیستی قطع می‌گردد. ثبت فرزندخواندگی در انگلستان از طریق سیستم ثبت ملی فرزندخواندگی انجام می‌شود.^{۱۳۳} پس از صدور حکم، شناسنامه جدیدی برای کودک صادر می‌شود که در آن نام خانوادگی سرپرستان و هویت جدید کودک ثبت می‌گردد. این ثبت به گونه‌ای است که هویت والدین زیستی معمولاً محرمانه باقی می‌ماند، مگر اینکه

^{۱۳۱} محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱

^{۱۳۲} غمامی، محمد مهدی. (۱۳۸۲). فرزندخواندگی در خانواده رومی ژرمنی، مجله قانون (ماهنامه حقوقی قانون سردفتران و دفتریاران)، شماره ۴۳، ص ۶

^{۱۳۳} مبین، حجت. (۱۳۸۴). تحولات فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، ایران و انگلستان، نشریه حقوقی گواه، دوره جدید، شماره چهارم و پنجم، ص ۴۰

کودک در آینده به‌طور قانونی به اطلاعات دسترسی پیدا کند. این سیستم ثبت، امکان ردیابی بلندمدت وضعیت کودک را فراهم می‌کند و به هماهنگی بین نهادهای محلی کمک می‌نماید. برخلاف ایران، ثبت در انگلستان رابطه نسبی کامل ایجاد می‌کند که شامل حقوق ارث و تابعیت است. یکی از تفاوت‌های بارز نظام حقوقی انگلستان، انعطاف‌پذیری در شرایط متقاضیان است. قانون فرزندخواندگی و کودکان ۱۳۸۱ به افراد مجرد، زوج‌های هم‌جنس، و زوج‌های غیرهم‌جنس اجازه می‌دهد که برای سرپرستی اقدام کنند، مشروط بر اینکه توانایی تأمین مصلحت کودک را داشته باشند. این رویکرد با تأکید بر برابری جنسیتی و تنوع خانوادگی، در تضاد با نظام ایران است که سرپرستی را عمدتاً به زوج‌های متأهل محدود می‌کند. همچنین، در انگلستان، امکان فرزندخواندگی بین‌المللی وجود دارد که نیازمند رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون لاهه است، در حالی که ایران چنین فرآیندی را به رسمیت نمی‌شناسد.^{۱۳۴}

بند سوم: میزان اختیارات والدین در فسخ یا تغییر فرزندخواندگی

الف: اختیارات سرپرستان در فسخ یا تعدیل رابطه سرپرستی در ایران

در نظام حقوقی ایران، اختیارات سرپرستان در فسخ یا تعدیل رابطه سرپرستی (فرزندخواندگی) تحت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ به شدت محدود و مشروط به نظارت قضایی است. بر اساس ماده ۲۵ این قانون، سرپرستان فاقد صلاحیت مستقل برای فسخ یکجانبه رابطه سرپرستی هستند، و هرگونه اقدام نیازمند اخذ مجوز از دادگاه خانواده است. این محدودیت از اصل برتری مصلحت کودک سرچشمه می‌گیرد که به‌عنوان معیار اصلی تصمیم‌گیری‌های قضایی عمل می‌کند. درخواست فسخ معمولاً در شرایطی مانند ناتوانی مالی، مشکلات روانی شدید، یا بروز تعارضات خانوادگی غیرقابل حل مطرح می‌شود، اما سرپرستان باید دلایل خود را با مدارک مستند، مانند گزارش‌های پزشکی یا اسناد مالی، پشتیبانی کنند.^{۱۳۵} تصویر پیوست‌شده که بخشی از متن قانون را منعکس می‌کند، بر الزام حضور دادگاه در هرگونه تغییر در وضعیت سرپرستی تأکید دارد و این اصل را به‌صراحت تثبیت می‌کند. فرآیند قضایی فسخ یا تعدیل

^{۱۳۴} فاضل لنگرانی، محمد، قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، معاونت حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۹، ص ۵۴

^{۱۳۵} پاکزاد، مهرداد؛ عالم زاده، محمد؛ مهدی پور، محمد، ۱۴۰۱، تعارض فرزندخواندگی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۷۱، ص ۸

رابطه سرپرستی با تسلیم دادخواست به دادگاه خانواده آغاز می‌شود. سرپرستان موظف‌اند شواهدی ارائه دهند که نشان‌دهنده ناتوانی یا عدم امکان ادامه سرپرستی باشد، مانند اسناد مربوط به ورشکستگی یا گواهی‌های پزشکی. سازمان بهزیستی در این مرحله با انجام بازدیدهای دوره‌ای و تهیه گزارش‌های کارشناسی، وضعیت کودک و سرپرستان را ارزیابی می‌کند.^{۱۳۶} این گزارش‌ها شامل تحلیل تأثیرات روانی، اجتماعی، و عاطفی فسخ بر کودک است. در مواردی که سرپرست ادعای ناسازگاری رفتاری کودک را مطرح کند، دادگاه به استناد ماده ۱۷ قانون، این ادعا را با دقت بررسی می‌کند تا از تحمیل آسیب به کودک جلوگیری شود. تصمیم نهایی بر عهده قاضی است و بر اساس مصلحت عالی کودک اتخاذ می‌گردد. اختیارات سرپرستان در تعدیل رابطه سرپرستی، مانند واگذاری به فرد دیگر، نیز به تأیید دادگاه وابسته است. بر اساس ماده ۲۴ قانون، هرگونه انتقال سرپرستی به شخص ثالث نیازمند ارزیابی صلاحیت فرد جدید توسط سازمان بهزیستی است، که شامل بررسی شرایط اقتصادی، روانی، و خانوادگی می‌شود. این تعدیل معمولاً زمانی رخ می‌دهد که سرپرستان به دلیل مشکلات شخصی، مانند جدایی یا بیماری، قادر به ادامه وظایف خود نباشند. فرآیند نیازمند ارائه گزارش به ثبت احوال برای به‌روزرسانی اسناد سجلی است، که این امر نظارت مستمر بر تغییرات را تضمین می‌کند. چنین مکانیسمی از جابه‌جایی‌های غیرضروری و آسیب‌زا به کودک جلوگیری می‌کند.^{۱۳۷} در شرایط بحرانی، مانند فوت یکی از سرپرستان یا فروپاشی ساختار خانوادگی، اختیارات سرپرستان برای تعدیل یا فسخ به‌طور کامل سلب می‌شود. ماده ۲۶ قانون این موارد را به‌عنوان موقعیت‌هایی تلقی می‌کند که نیازمند مداخله فوری قضایی است. دادستان یا سازمان بهزیستی می‌تواند به نمایندگی از کودک وارد عمل شود و با ارائه درخواست به دادگاه، تغییر سرپرست یا انتقال کودک به مراکز حمایتی را پیشنهاد دهد. این رویکرد، که با همکاری مددکاران اجتماعی انجام می‌شود، تضمین می‌کند که حقوق کودک در شرایط غیرمنتظره حفظ شود. تصویر پیوست‌شده نیز به این نکته اشاره دارد که هرگونه تغییر بدون حکم قضایی بی‌اعتبار است. یکی از جنبه‌های پیچیده اختیارات سرپرستان، درخواست فسخ به دلیل ناسازگاری فرهنگی یا ارزشی با کودک است. با این حال، قانون ایران چنین دلایلی را به‌تنهایی کافی نمی‌داند و دادگاه باید شواهدی از آسیب جدی به کودک یا سرپرستان را بررسی کند. این رویکرد محافظه‌کارانه از

^{۱۳۶} صالحی، حمیدرضا؛ باقری مطلق، نرگس. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و فرانسه با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳. دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۱، شماره ۶۴، صص: ۸۵-۱۰۷.

^{۱۳۷} ظفری، مزده؛ خدایی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده. مبانی فقهی حقوق اسامی، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۷۷-۹۸.

تصمیمات عجولانه جلوگیری می‌کند و سازمان بهزیستی با ارائه خدمات مشاوره‌ای، تلاش می‌کند تعارضات را حل کند، مگر اینکه جدایی اجتناب‌ناپذیر باشد. این مکانیسم نشان‌دهنده تأکید نظام حقوقی ایران بر حفظ ثبات روانی کودک است.^{۳۸} اختیارات سرپرستان در ایران با محدودیت‌های شرعی و اخلاقی نیز همراه است. ماده ۲۷ قانون، که امکان ازدواج سرپرست با کودک تحت سرپرستی را با شرایط خاص و تأیید دادگاه پیش‌بینی کرده، می‌تواند به‌عنوان عاملی برای تعدیل رابطه سرپرستی مطرح شود. این تغییر نیازمند بررسی دقیق مصلحت کودک است و از نظر فقهی و اجتماعی مورد مناقشه است. این محدودیت‌ها نشان‌دهنده تلاش قانون برای برقراری تعادل بین حقوق سرپرستان و منافع کودک است، به‌گونه‌ای که هرگونه اقدام بدون نظارت قضایی غیرممکن می‌گردد.^{۱۳۹}

ب: اختیارات سرپرستان در فسخ یا تعدیل رابطه فرزندخواندگی در انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، اختیارات سرپرستان در فسخ یا تعدیل رابطه فرزندخواندگی تحت قانون فرزندخواندگی و کودکان ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به شدت محدود و مشروط به فرآیند قضایی است. پس از صدور حکم نهایی فرزندخواندگی، سرپرستان به‌عنوان والدین قانونی شناخته می‌شوند و نمی‌توانند به‌صورت مستقل از این رابطه خارج شوند. این محدودیت از اصل مصلحت کودک سرچشمه می‌گیرد که معیار اصلی تصمیم‌گیری‌های دادگاه است. درخواست فسخ تنها در شرایط استثنایی، مانند ناتوانی شدید مالی، مشکلات روانی حاد، یا شرایط خانوادگی بحرانی که ادامه سرپرستی را غیرممکن کند، قابل قبول است. هرگونه اقدام نیازمند ارائه شواهد محکمه‌پسند به دادگاه خانواده است.^{۱۴۰} فرآیند فسخ در انگلستان با ارائه درخواست به دادگاه خانواده آغاز می‌شود. سرپرستان باید دلایلی مانند مدارک پزشکی یا اسناد مالی ارائه دهند که ناتوانی آنها را اثبات کند. نهادهای محلی و مددکاران اجتماعی در این مرحله گزارش‌هایی جامع از وضعیت کودک و سرپرستان تهیه می‌کنند.

^{۱۳۸} بهنام‌پور، ماهرخ. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی ازدواج با فرزند خوانده در قانون جدید کودکان بی‌سرپرست با فقه امامیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی، دانشکده حقوق، رشته حقوق. ص ۵۰

^{۱۳۹} صالحی، حمیدرضا؛ باقری مطلق، نرگس. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و فرانسه با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳. دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۱، شماره ۶۴، صص: ۸۵-۱۰۷

^{۱۴۰} مژگان، غلامرضا، (۱۳۸۹ش)، بررسی نسب فرزند خواندگی در اسلام و جهان، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور.

این گزارش‌ها شامل تحلیل تأثیرات روانی، اجتماعی، و عاطفی فسخ بر کودک است و به دادگاه کمک می‌کند تا تصمیم آگاهانه‌ای اتخاذ کند. برخلاف ایران، دوره آزمایشی اجباری وجود ندارد، اما نظارت پس از صدور حکم از طریق برنامه‌های حمایتی ادامه می‌یابد. این نظارت تضمین می‌کند که هرگونه تصمیم بر اساس شواهد عینی باشد. تعدیل رابطه فرزندخواندگی، مانند واگذاری به فرد دیگر، در انگلستان به‌عنوان گزینه‌ای نادر و تحت نظارت قضایی مطرح است.^{۱۴۱} اگر سرپرستان به دلیل مشکلات شخصی یا خانوادگی قادر به ادامه نباشند، نمی‌توانند به‌طور مستقل کودک را به شخص دیگری بسپارند. این تغییر تنها با صدور حکم جدید توسط دادگاه و پس از ارزیابی صلاحیت فرد جدید توسط نهادهای محلی ممکن است. این ارزیابی شامل بررسی شرایط روانی، اقتصادی، و خانوادگی فرد متقاضی است و هدف آن حفظ ثبات روانی کودک است. ثبت تغییرات در سیستم ثبت ملی فرزندخواندگی انجام می‌شود تا نظارت مستمر حفظ شود. در شرایط بحرانی، مانند فوت یکی از سرپرستان یا فروپاشی خانواده، اختیارات سرپرستان برای تعدیل یا فسخ وجود ندارد. قانون انگلستان این موارد را به نهادهای محلی واگذار کرده که موظف‌اند با مداخله فوری، سرپرستی را به فرد واجد شرایط منتقل کنند یا کودک را به مراکز حمایتی موقت ببرند.^{۱۴۲} این مداخله با همکاری دادگاه و بر اساس گزارش‌های مددکاران اجتماعی انجام می‌شود. برخلاف ایران که دادستان نقش فعال‌تری دارد، در انگلستان نهادهای محلی مسئولیت اصلی را بر عهده دارند و از طریق خدمات حمایتی، تلاش می‌کنند مشکلات را مدیریت کنند. اختیارات سرپرستان در انگلستان با ممنوعیت مطلق هرگونه رابطه زناشویی با کودک تحت سرپرستی همراه است. این ممنوعیت، که ریشه در اصول اخلاقی نظام عرفی دارد، از تعدیل رابطه سرپرستی به شکل غیرخانوادگی جلوگیری می‌کند. هرگونه درخواست فسخ یا تعدیل باید با ارائه مدارک قانونی به دادگاه باشد و هیچ‌گونه انعطاف شرعی یا فرهنگی، مانند آنچه در ایران دیده می‌شود، در نظر گرفته نمی‌شود. این امر نشان‌دهنده تفاوت بنیادین در رویکرد حقوقی دو کشور به اختیارات سرپرستان در مدیریت رابطه فرزندخواندگی است.^{۱۴۳}

^{۱۴۱} متولی، محمد. (۱۳۷۹) قانون حاکم بر فرزند خواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران. ص ۳۲

^{۱۴۲} Sharon detrick and paul vlaarding erbroek. Globalization of childlaw .martinus pub ، ۱۹۹۹. P. 15

^{۱۴۳} Sharon detrick and paul vlaarding erbroek. Globalization of childlaw .martinus pub ، ۱۹۹۹. P. 16

بند چهارم: امکان تغییر نام و هویت کودک در اسناد رسمی

در نظام حقوقی ایران، امکان تغییر نام و هویت کودک تحت سرپرستی در اسناد رسمی تحت چارچوب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و قانون ثبت احوال تنظیم شده و با محدودیت‌های ساختاری و قضایی همراه است. بر اساس ماده ۱۶ این قانون، پس از صدور حکم نهایی سرپرستی، نام کودک در شناسنامه به عنوان فرزند سرپرستان ثبت می‌شود، اما این ثبت صرفاً جنبه شناسایی رابطه حقوقی دارد و تغییر هویت زیستی یا نسبی کودک را به دنبال ندارد. تغییر نام یا هویت مستلزم درخواست کتبی سرپرستان به دادگاه خانواده است که باید دلایل موجهی، مانند محافظت از حریم خصوصی کودک یا اجتناب از تبعیض اجتماعی، ارائه دهد.^{۱۴۴} این فرآیند با تأیید قاضی و پس از استعلام از سازمان بهزیستی، که مسئولیت ارزیابی مصلحت کودک را بر عهده دارد، امکان‌پذیر می‌شود. فرآیند تغییر نام در ایران با رعایت اصول فقهی و قانونی انجام می‌شود و نام جدید باید با فرهنگ، آداب و رسوم، و موازین شرعی سازگار باشد. ماده ۲۰ قانون ثبت احوال، تغییر نام را منوط به عدم وجود اعتراض از سوی اشخاص ذی‌نفع، مانند خویشاوندان زیستی کودک در صورت شناخته شده بودن، می‌داند. در مواردی که هویت والدین زیستی محرمانه باشد، دادگاه می‌تواند با صدور رأی محرمانه، تغییر نام را تأیید کند تا از افشای اطلاعات حساس جلوگیری شود. این اقدام نیازمند ثبت تغییرات در اسناد سجلی و اطلاع‌رسانی به نهادهای مرتبط، مانند آموزش و پرورش، است تا یکپارچگی هویتی کودک حفظ گردد. با این حال، تغییر هویت کامل، از جمله حذف ریشه زیستی، به دلیل فقدان رابطه نسبی در سرپرستی، عملاً غیرممکن است.^{۱۴۵}

یکی از پیچیدگی‌های حقوقی در ایران، تعارض بین حفظ هویت زیستی و هویت سرپرستی است. در صورتی که کودک دارای هویت دوگانه (زیستی و سرپرستی) باشد، قانون به سرپرستان اجازه می‌دهد درخواست تغییر نام خانوادگی را مطرح کنند، اما این تغییر باید با رضایت دادگاه و بدون لطمه به ریشه هویتی کودک باشد. سازمان بهزیستی با انجام تحقیقات میدانی، تأثیر روانی و اجتماعی این تغییر را بر کودک ارزیابی می‌کند و گزارش خود را به دادگاه ارائه می‌دهد. این

^{۱۴۴} رستم‌پور، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی مسأله فرزندخواندگی در فقه و حقوق موضوع ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته فقه و حقوق اسلامی. ص ۵۹

^{۱۴۵} عزیزی، شیرین. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت حقوقی و شرعی ازدواج فرزند خوانده با سرپرست خود در حقوق ایران. کنگره بین‌المللی جامع

حقوق ایران، برگزاری بصورت وینار، موسسه نمودار توسعه داتیس. ص ۷

گزارش‌ها معمولاً شامل نظر روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی است که بر جنبه‌های عاطفی و هویتی کودک تمرکز دارند. تغییر نام خانوادگی به نام خانوادگی سرپرستان، اگرچه رایج است، نیازمند اجماع قضایی است تا از هرگونه تبعات منفی جلوگیری شود. در شرایط خاص، مانند کودکان بدسرپرست که از والدین زیستی جدا شده‌اند، امکان تغییر نام و هویت با شدت بیشتری مورد توجه قرار می‌گیرد. دادگاه می‌تواند با استناد به ماده ۸ قانون، در صورتی که حفظ هویت زیستی به ضرر کودک باشد (مانند سابقه کیفری والدین یا آزار خانوادگی)، تغییر نام را تصویب کند. این تصمیم با همکاری سازمان بهزیستی و پس از بررسی اسناد قضایی، مانند احکام طلاق یا محکومیت والدین، اتخاذ می‌شود. با این حال، این تغییر تنها به نام و شناسنامه محدود می‌ماند و هویت حقوقی کودک همچنان تحت نظارت مداوم دادگاه قرار دارد تا از تضییع حقوق او جلوگیری شود.^{۱۴۶}

در نظام حقوقی انگلستان، امکان تغییر نام و هویت کودک تحت فرزندخواندگی در اسناد رسمی تحت قانون فرزندخواندگی و کودکان ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) و قانون ثبت احوال تنظیم شده و با رویکردی جامع و یکپارچه همراه است. پس از صدور حکم فرزندخواندگی، کودک هویت جدیدی به‌عنوان عضو قانونی خانواده سرپرستان کسب می‌کند و شناسنامه‌ای جدید صادر می‌شود که نام خانوادگی سرپرستان و هویت تازه را منعکس می‌کند. این تغییر خودکار و اجباری است و رابطه حقوقی با والدین زیستی را قطع می‌کند، مگر اینکه دادگاه به دلایل خاص، مانند حفظ ارتباط عاطفی با خویشاوندان زیستی، استثنایی قائل شود.^{۱۴۷} فرآیند تغییر نام مستلزم درخواست سرپرستان به دادگاه خانواده است که باید مصلحت کودک را توجیه کند. تغییر نام در انگلستان با رعایت اصول محرمانگی و حفاظت از هویت انجام می‌شود. بر اساس قانون ثبت احوال ۱۸۳۶، سرپرستان می‌توانند نام کودک را تغییر دهند، مشروط بر اینکه این تغییر با رضایت دادگاه و بدون اعتراض نهادهای محلی باشد. در مواردی که هویت والدین زیستی محرمانه است، دادگاه می‌تواند با صدور رأی محرمانه، تغییر نام را تأیید کند تا از افشای اطلاعات حساس جلوگیری شود. این تغییر در سیستم ثبت ملی فرزندخواندگی ثبت می‌شود و به‌صورت خودکار به نهادهای دولتی، مانند

^{۱۴۶} ارستم‌پور، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی مسأله فرزندخواندگی در فقه و حقوق موضوع ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته فقه و حقوق اسلامی. ص ۶۰

^{۱۴۷} امامی، اسدالله. (۱۳۹۴). حقوق نسب در حقوق ایران و فرانسه. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، رشته حقوق قضایی.

آموزش و پرورش و خدمات درمانی، اطلاع رسانی می‌گردد. این یکپارچگی قانونی تضمین‌کننده تداوم هویت جدید کودک است.^{۱۴۸}

یکی از جنبه‌های متمایز در انگلستان، امکان بازنگری هویت زیستی در سنین بالاتر توسط کودک است. قانون فرزندخواندگی و کودکان ۱۳۸۱ اجازه می‌دهد که کودک پس از رسیدن به سن قانونی (۱۸ سال)، با مراجعه به آژانس‌های فرزندخواندگی، به اطلاعات هویتی والدین زیستی خود دسترسی یابد. این حق دسترسی، که با مشاوره روان‌شناختی همراه است، نشان‌دهنده تعادل بین حفظ هویت سرپرستی و احترام به ریشه زیستی است. سرپرستان در این فرآیند نقشی ندارند و تغییر نام یا هویت در این مرحله به تصمیم خود کودک بستگی دارد، که باید با تأیید مقامات قضایی انجام شود. این مکانیسم انعطاف‌پذیری نظام حقوقی انگلستان را در مدیریت هویت نشان می‌دهد.^{۱۴۹} در شرایط خاص، مانند فرزندخواندگی بین‌المللی، تغییر نام و هویت با پیچیدگی‌های بیشتری همراه است. کنوانسیون لاهه ۱۹۹۳، که انگلستان به آن پایبند است، الزاماتی برای حفظ هویت اولیه کودک در اسناد رسمی پیش‌بینی کرده، مگر اینکه دادگاه به دلایل قاطع، مانند خطر جانی، تغییر را ضروری بداند. این تصمیم با همکاری نهادهای محلی و پس از بررسی اسناد مهاجرتی و هویتی اتخاذ می‌شود. تغییر نام در این موارد معمولاً با هدف یکپارچگی کودک در جامعه جدید انجام می‌شود و در سیستم ثبت ملی به‌روز می‌گردد، که این امر نشان‌دهنده تعهد به مصلحت کودک در چارچوب بین‌المللی است.^{۱۵۰}

^{۱۴۸} رضائیا، نیما و فرهادی، صالح، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، هشتمین کنفرانس ملی حقوق، علوم

اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان. ص ۹

^{۱۴۹} زرگوش نسب، عبدالجبار. باقری، پرویز. (۱۳۹۸) واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا. پژوهش تطبیقی حقوق

اسلام و غرب. دوره ۶، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۹. صفحه ۵۷-۸۶

^{۱۵۰} صادقی مقدم، محمدحسن و صادق شریعتی نسب، مطالعه تطبیقی انفاق در فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، نامه ی مفید حقوق

تطبیقی، ۹۴، ج ۸، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۶۵

گفتار چهارم: تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در فرزندخواندگی

تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر فرزندخواندگی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، به دلیل تفاوت‌های بنیادین در ساختارهای اجتماعی، باورهای دینی و هنجارهای فرهنگی، از منظر حقوقی و جامعه‌شناختی دارای پیچیدگی‌های قابل توجهی است. در ایران، فرهنگ ریشه‌دار در فقه اسلامی، با تأکید بر حفظ نسب و رعایت احکام محرمیت، نهاد فرزندخواندگی را به سوی مفهوم «سرپرستی» هدایت کرده که فاقد ایجاد پیوند نسبی کامل است. این چارچوب فرهنگی، متأثر از آیات قرآنی و دیدگاه‌های فقهای امامیه، سرپرستی را عملی خیرخواهانه اما محدود به حمایت مادی و معنوی تعریف می‌کند.^{۱۰۱} هنجارهای اجتماعی نیز، با تمرکز بر حفظ ساختار سنتی خانواده و نگرانی از مسائل شرعی مانند محرمیت، پذیرش فرزندخوانده را با موانعی مواجه کرده است. برای نمونه، تابوی فرهنگی مرتبط با امکان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده (مطرح در تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲) نشان‌دهنده تنش بین ارزش‌های سنتی و نیازهای مدرن حمایت از کودکان است. این عوامل فرهنگی، همراه با نظارت دقیق سازمان بهزیستی و فرآیندهای قضایی سخت‌گیرانه، تمایل به پذیرش فرزندخوانده را در مقایسه با دیگر کشورها کاهش داده و بر اولویت حفظ پیوندهای خونی تأکید دارد.^{۱۰۲}

در انگلستان، فرهنگ سکولار و فردگرایانه، با تأکید بر حقوق کودک و اصل مصلحت برتر کودک (مندرج در قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲/۱۳۸۱)، فرزندخواندگی را به‌عنوان نهادی برای ایجاد خانواده‌های حقوقی جدید و برابر با خانواده‌های طبیعی ترویج می‌کند. فرهنگ اجتماعی این کشور، متأثر از ارزش‌های لیبرال و پذیرش تنوع خانوادگی (مانند خانواده‌های تک‌والدی یا زوج‌های هم‌جنس)، فرزندخواندگی را گزینه‌ای رایج برای تشکیل یا گسترش خانواده کرده است. این پذیرش فرهنگی با پشتیبانی نهادهای دولتی و آژانس‌های فرزندخواندگی تقویت شده و به کاهش انگ اجتماعی مرتبط با فرزندخواندگی انجامیده است.^{۱۰۳} برای مثال، برنامه‌های آموزشی و حمایت‌های روان‌شناختی برای والدین خوانده، نشان‌دهنده تلاش جامعه برای یکپارچه‌سازی فرزندخوانده در بافت اجتماعی و فرهنگی است. این رویکرد، برخلاف ایران، بر قطع کامل پیوند حقوقی با والدین طبیعی (در بیشتر موارد) و ایجاد هویت جدید خانوادگی تأکید دارد. تفاوت‌های

^{۱۰۱} شریعتی نسب، صادق. (۱۳۹۵ش)، فرزندخواندگی، انتشارات شهردانش، چاپ دوم. ص ۱۸۳

^{۱۰۲} رزاقی، رضا (۱۳۸۵). چکیده‌های درباره فرزندپذیری (فرزندخواندگی)، تهران: اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور. ص ۵

^{۱۰۳} عابدخراسانی، محمودرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر حقوق کودک، مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی، تهران: میزان. ص ۱۶۵

فرهنگی و اجتماعی همچنين در نگرش به نقش جنسيت و ساختار خانواده در فرآيند فرزندخواندگي آشکار می‌شود.^{۱۵۴} در ايران، اولويت قانونی با زوج‌های متأهل است و زنان مجرد تنها در موارد استثنایی (مانند سرپرستی دختران بالای ۳۰ سال) می‌توانند سرپرست شوند، که این امر ریشه در فرهنگ مردسالارانه و تأکید بر نقش محوری خانواده سنتی دارد. در انگلستان، برابری جنسیتی و پذیرش تنوع در تعریف خانواده، امکان فرزندخواندگی را برای افراد مجرد، زوج‌های هم‌جنس، و حتی والدین ناتنی گسترش داده است. این تفاوت‌ها، همراه با تأثیر رسانه‌ها و آموزش عمومی در انگلستان، به ترویج نگرش مثبت به فرزندخواندگی کمک کرده، در حالی که در ايران، کمبود گفتمان عمومی گسترده و محدودیت‌های فرهنگی، این نهاد را در حاشیه نگه داشته است. این عوامل، همراه با تفاوت در سطح آگاهی اجتماعی و زیرساخت‌های حمایتی، تأثیر عمیقی بر پذیرش و اجرای فرزندخواندگی در هر دو نظام دارند.^{۱۵۵}

بند اول: نگرش دینی و عرفی جامعه نسبت به فرزندخواندگی

نگرش دینی جامعه ايران به فرزندخواندگی، به دليل ریشه‌های عمیق فقهی در نظام حقوقی اسلامی، به جای ایجاد رابطه نسبی کامل، بر مفهوم سرپرستی متمرکز است. فقه امامیه، که فرزندخوانده را از نظر شرعی فرزند واقعی نمی‌داند، فرزندخواندگی به معنای غربی را نپذیرفته و به جای آن، نهاد کفالت را ترویج می‌دهد. این دیدگاه فقهی، که در آثار فقهایی چون شیخ طوسی و محقق حلی منعکس است، بر حفظ حدود شرعی، به‌ویژه در مسائل محرمیت و ارث، تأکید دارد. فقهای معاصر، مانند آیت‌الله سیستانی، سرپرستی را عملی خیرخواهانه تلقی می‌کنند، مشروط بر اینکه با رعایت ضوابط شرعی، از جمله عدم ایجاد رابطه نسبی یا محرمیت، انجام شود. این نگرش دینی، پذیرش فرزندخواندگی را در جامعه ايران به امری محدود به حمایت مادی و معنوی تبدیل کرده و مانع از شکل‌گیری هویت خانوادگی کامل برای فرزندخوانده شده است.^{۱۵۶}

^{۱۵۴} روشن، محمد، غدیری، ماهرو (۱۳۹۲). فرزندخواندگی و حق بر خانواده در پرتو مصالح عالیه کودک، ویژه نامه شماره ۱۴، مجله تحقیقات حقوقی.

^{۱۵۵} خلجانی تفرشی، سلیمه (۱۳۹۸). جایگاه فرزندخواندگی بین‌کشوری در اسناد حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی ايران، پایان نامه کارشناسی

ارشد، حقوق خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه بهشتی تهران. ص ۴۷

^{۱۵۶} قادری، سلمان (۱۳۹۶). فرزندخواندگی، چاپ دوم، تهران: آرون. ص ۹۰

از منظر عرفی، جامعه ایرانی به دلیل پیوند عمیق با ارزش‌های سنتی و خانوادگی، نسبت به فرزندخواندگی نگرشی محتاطانه دارد. ساختارهای اجتماعی مبتنی بر خویشاوندی و حفظ نسب، اغلب پذیرش فرزندخوانده را با چالش‌هایی همراه کرده است. هنجارهای عرفی، که تحت تأثیر فرهنگ جمع‌گرایانه و تأکید بر پیوندهای خونی هستند، فرزندخواندگی را به‌عنوان گزینه‌ای ثانویه در مقایسه با فرزندآوری طبیعی می‌بینند. این نگاه، به‌ویژه در جوامع سنتی‌تر، با نگرانی از انگ اجتماعی یا مشکلات شرعی مانند محرمیت تقویت می‌شود. برای مثال، تابوی فرهنگی مرتبط با تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، که امکان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده را مطرح می‌کند، نشان‌دهنده تعارض بین هنجارهای عرفی و نیازهای حقوقی مدرن است.^{۱۵۷} نگرش دینی در انگلستان به فرزندخواندگی، به دلیل ماهیت سکولار نظام حقوقی و تنوع دینی جامعه، تأثیر محدودی بر این نهاد دارد. در این کشور، فرزندخواندگی عمدتاً از منظر حقوقی و اجتماعی و نه دینی تعریف می‌شود، هرچند جوامع دینی خاص، مانند مسیحیان یا مسلمانان، ممکن است نگرش‌های متفاوتی داشته باشند. برای مثال، در میان برخی جوامع مسیحی، فرزندخواندگی به‌عنوان عملی خیرخواهانه و منطبق با ارزش‌های اخلاقی مسیحیت، مانند محبت و حمایت از نیازمندان، ترویج می‌شود. با این حال، این نگرش دینی در چارچوب قوانین سکولار، مانند قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، جایگاهی فرعی دارد و اصل مصلحت کودک بر هرگونه ملاحظه دینی اولویت دارد. این رویکرد، امکان پذیرش فرزندخواندگی را در میان گروه‌های دینی مختلف تسهیل کرده است. نگرش عرفی جامعه انگلستان به فرزندخواندگی، تحت تأثیر فرهنگ فردگرایانه و ارزش‌های لیبرال، به شدت مثبت و فراگیر است. برخلاف ایران، هنجارهای اجتماعی در انگلستان، که از تنوع خانوادگی و برابری جنسیتی حمایت می‌کنند، فرزندخواندگی را به‌عنوان گزینه‌ای برابر با فرزندآوری طبیعی ترویج می‌دهند. این نگاه عرفی با حمایت‌های نهادی، مانند آژانس‌های فرزندخواندگی و برنامه‌های آموزشی برای والدین، تقویت شده و انگ اجتماعی مرتبط با فرزندخواندگی را به حداقل رسانده است. برای نمونه، تبلیغات رسانه‌ای و کمپین‌های عمومی در انگلستان، مانند برنامه‌های سازمان‌های خیریه، به ترویج تصویر مثبت از فرزندخواندگی کمک کرده و آن را به‌عنوان راهی برای ایجاد خانواده‌های پایدار معرفی می‌کنند.^{۱۵۸}

^{۱۵۷} شریعتی نسب، صادق. (۱۳۹۵ش)، فرزندخواندگی، انتشارات شهردانش، چاپ دوم. ص ۱۸۵

^{۱۵۸} توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و آلمان، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۱. ص ۱۰

تفاوت در نگرش دینی به فرزندخواندگی در ایران و انگلستان، به تفاوت در نقش دین در قانون‌گذاری بازمی‌گردد. در ایران، فقه اسلامی به‌عنوان مبنای اصلی قانون‌گذاری، فرزندخواندگی را در چارچوبی محدود تعریف کرده که با احکام شرعی سازگار باشد. این چارچوب، با تأکید بر حفظ حدود شرعی، مانند عدم ایجاد محرمیت یا ارث، نگرش جامعه را به سمت سرپرستی موقت یا محدود سوق داده است. در انگلستان، اما، جدایی دین از قانون‌گذاری، امکان انعطاف‌پذیری بیشتری در پذیرش فرزندخواندگی فراهم کرده است. حتی در میان اقلیت‌های دینی، مانند مسلمانان بریتانیایی، فرزندخواندگی اغلب با قوانین سکولار هماهنگ شده و به جای کفالت اسلامی، به ایجاد رابطه حقوقی کامل منجر می‌شود.^{۱۵۹} از منظر عرفی، تفاوت‌های اجتماعی در ایران و انگلستان به تفاوت در سطح آگاهی عمومی و زیرساخت‌های حمایتی نیز مرتبط است. در ایران، کمبود گفت‌وگو عمومی در مورد فرزندخواندگی، همراه با محدودیت‌های فرهنگی و فقدان آموزش گسترده، به کاهش پذیرش این نهاد در میان خانواده‌ها منجر شده است. در مقابل، در انگلستان، آموزش عمومی، حمایت‌های روان‌شناختی، و دسترسی به خدمات مشاوره‌ای، نگرش مثبتی به فرزندخواندگی ایجاد کرده است. برای مثال، برنامه‌های حمایتی مانند دوره‌های آمادگی برای والدین خوانده در انگلستان، به کاهش نگرانی‌های اجتماعی و تقویت اعتماد به این نهاد کمک کرده است. نگرش دینی در ایران همچنین با تأکید بر نقش خانواده هسته‌ای سنتی، پذیرش فرزندخواندگی را به امری مشروط به رعایت هنجارهای شرعی تبدیل کرده است. این امر، به‌ویژه در مورد زنان مجرد که تنها در شرایط خاص (مانند سرپرستی دختران بالای ۳۰ سال) می‌توانند سرپرست شوند، محدودیت‌هایی ایجاد کرده است.^{۱۶۰} در انگلستان، اما، نگرش دینی، حتی در میان گروه‌های مذهبی، تحت تأثیر فرهنگ فراگیر و قوانین سکولار، کمتر مانع از پذیرش فرزندخواندگی شده است. برای نمونه، کلیسای انگلستان از برنامه‌های فرزندخواندگی حمایت می‌کند و آن را با ارزش‌های دینی خود هماهنگ می‌بیند. نگرش عرفی در ایران، به دلیل تأثیر فرهنگ مردسالارانه، اغلب فرزندخواندگی را به‌عنوان راه‌حلی برای زوج‌های بدون فرزند می‌بیند و کمتر به‌عنوان گزینه‌ای برای افراد مجرد یا خانواده‌های غیرسنتی مطرح می‌شود. در انگلستان، اما، هنجارهای عرفی، با پذیرش تنوع خانوادگی، فرزندخواندگی را برای گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله زوج‌های هم‌جنس و والدین ناتنی، به

^{۱۵۹} روشن، محمد، غنی‌زاده بافقی، مریم (۱۳۹۶). فرزندخواندگی باز و حق بر هویت در بستر مصالح عالیّه کودک: نگاهی تحلیلی به ماده ۲۲

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۵۲. ص ۶

^{۱۶۰} فدوی، سلیمان (۱۳۸۴). تعارض قوانین در فرزندخواندگی، مجله کانون، سال چهارم و هشتم، دوره دوم، شماره ۵۶. ص ۴

گزینه‌ای رایج تبدیل کرده است. این تفاوت‌ها، که ریشه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دارند، به تفاوت در میزان پذیرش و اجرای فرزندخواندگی در دو جامعه منجر شده است.^{۱۶۱}

بند دوم: نقش مذهب در فرآیند پذیرش کودک ایران

نقش مذهب در فرآیند پذیرش کودک در ایران، به دلیل جایگاه محوری فقه اسلامی در نظام حقوقی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فقه امامیه، به عنوان مبنای اصلی قانون‌گذاری در ایران، فرزندخواندگی را به معنای ایجاد رابطه نسبی کامل، به دلیل تعارض با آیات قرآنی، نپذیرفته و به جای آن، نهاد سرپرستی را جایگزین کرده است. این آیات، با تأکید بر اینکه فرزندخوانده فرزند واقعی نیست، هرگونه تلاش برای ایجاد رابطه نسبی حقوقی را محدود کرده و بر حفظ نسب طبیعی تأکید دارند. فقهای مانند شیخ طوسی و محقق حلی در آثار خود، بر لزوم رعایت این احکام شرعی تأکید کرده‌اند و سرپرستی را به عنوان عملی خیرخواهانه، مشروط به عدم نقض حدود شرعی، تأیید کرده‌اند.^{۱۶۲} محرمیت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فقهی در فرآیند پذیرش کودک در ایران است. از منظر فقهی، فرزندخوانده به دلیل فقدان رابطه نسبی، محرم سرپرست یا اعضای خانواده او نمی‌شود، مگر اینکه از طریق روش‌های شرعی مانند ازدواج یا رضاع (شیر دادن) محرمیت ایجاد شود. این محدودیت فقهی، که در آرای فقهای معاصر مانند آیت‌الله مکارم شیرازی نیز منعکس است، فرآیند پذیرش کودک را با پیچیدگی‌هایی مواجه کرده است. برای مثال، در خانواده‌هایی که دختری را به سرپرستی می‌پذیرند، رعایت حجاب و حدود شرعی در خانه الزامی است، مگر اینکه اقدامات شرعی برای ایجاد محرمیت انجام شود. این الزامات مذهبی، بر تصمیم‌گیری خانواده‌ها برای پذیرش کودک تأثیر مستقیم دارند.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، که چارچوب حقوقی سرپرستی در ایران را تعیین می‌کند، به شدت تحت تأثیر احکام فقهی است. این قانون، در ماده ۸ و تبصره‌های آن، شرایط پذیرش کودک را به گونه‌ای تنظیم کرده که با اصول فقهی همخوانی داشته باشد. برای نمونه، اولویت دادن به زوج‌های متأهل برای سرپرستی، ریشه در دیدگاه فقهی

^{۱۶۱} خلجانی تفرشی، سلیمه (۱۳۹۸). جایگاه فرزندخواندگی بین‌کشوری در اسناد حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی

ارشد، حقوق خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه بهشتی تهران. ص ۴۸

^{۱۶۲} بهنود، یوسف. احوال شخصیه از دیدگاه قوانین، انتشارات انزلی، ۱۳۶۹. ص ۱۱۳

دارد که خانواده هسته‌ای متشکل از زن و شوهر را به‌عنوان ساختار ایده‌آل برای تربیت کودک می‌بیند. این رویکرد مذهبی، امکان سرپرستی توسط افراد مجرد، به‌ویژه مردان، را به شدت محدود کرده و تنها در موارد استثنایی برای زنان مجرد (مانند سرپرستی دختران بالای ۳۰ سال) اجازه داده است.^{۱۶۳} نقش مذهب در فرآیند پذیرش کودک در نظارت سازمان بهزیستی و مراجع قضایی نمود می‌یابد. سازمان بهزیستی، به‌عنوان نهاد مسئول اجرای قانون سرپرستی، موظف است اطمینان حاصل کند که متقاضیان سرپرستی از نظر التزام به احکام شرعی و اخلاق اسلامی صلاحیت دارند. این التزام، که در ماده ۶ قانون ۱۳۹۲ به صراحت ذکر شده، شامل بررسی پابندی متقاضیان به انجام فرایض دینی و رعایت هنجارهای شرعی در زندگی خانوادگی است. این نظارت مذهبی، که ریشه در فقه اسلامی دارد، فرآیند پذیرش را به امری دقیق و گاه زمان‌بر تبدیل کرده و بر انتخاب خانواده‌های متدین به‌عنوان سرپرست اولویت می‌دهد. از منظر فقهی، مسئله ارث یکی دیگر از جنبه‌های تأثیرگذار مذهب در فرآیند پذیرش کودک است.^{۱۶۴} در فقه اسلامی، فرزندخوانده از سرپرست ارث نمی‌برد، مگر اینکه سرپرست از طریق وصیت تا یک‌سوم اموال خود را به او اختصاص دهد. این محدودیت، که در ماده ۱۷ قانون ۱۳۹۲ نیز منعکس شده، ریشه در احکام قرآنی و دیدگاه فقهایی مانند آیت‌الله سیستانی دارد که ارث را منحصر به روابط نسبی یا سببی می‌دانند. این مسئله، بر نگرش خانواده‌های ایرانی به پذیرش کودک تأثیر گذاشته و گاه به‌عنوان مانعی برای پذیرش دائمی کودک تلقی می‌شود، زیرا عدم وجود رابطه ارثی ممکن است احساس تعلق کامل خانوادگی را کاهش دهد.^{۱۶۵}

مذهب در تعیین شرایط سنی و جنسیتی کودک در فرآیند پذیرش نقش دارد. فقه اسلامی، با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی در احکام شرعی، شرایط متفاوتی را برای پذیرش دختران و پسران تعیین کرده است. برای مثال، پذیرش دختران به دلیل مسائل محرمیت و ضرورت رعایت حجاب، با محدودیت‌های بیشتری همراه است. این دیدگاه فقهی، که در رویه‌های سازمان بهزیستی نیز دیده می‌شود، خانواده‌ها را به سمت پذیرش کودکانی سوق می‌دهد که از نظر جنسیتی با ساختار خانواده سازگارتر باشند، به‌ویژه در مواردی که امکان ایجاد محرمیت وجود ندارد. نقش مذهب در

^{۱۶۳} عابدخراسانی، محمودرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر حقوق کودک، مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی، تهران: میزان. ص ۳۲

^{۱۶۴} محلاتی، شهربانو (۱۳۸۶). بررسی قوانین فقهی _حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی شبر.

^{۱۶۵} حاجی آقا بزرگی، مونا (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های فقهی حقوقی سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست با رویکردی بر قانون جدید،

پایان نامه کارشناسی ارشد، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ص ۲۶

فرهنگ‌سازی عمومی نسبت به پذیرش کودک نیز قابل توجه است.^{۱۶۶} در جامعه ایران، که دین اسلام نقش محوری در شکل‌دهی ارزش‌های اجتماعی دارد، فقدان گفتمان دینی گسترده در ترویج سرپرستی به‌عنوان عملی خیرخواهانه، پذیرش این نهاد را محدود کرده است. در حالی که فقها سرپرستی را عملی پسندیده می‌دانند، نبود برنامه‌های آموزشی مبتنی بر ارزش‌های دینی برای تشویق خانواده‌ها به پذیرش کودک، باعث شده که این نهاد در مقایسه با سایر اعمال خیر، مانند کمک به نیازمندان، کمتر مورد توجه قرار گیرد. این خلأ فرهنگی-مذهبی، پذیرش کودک را به امری حاشیه‌ای در جامعه تبدیل کرده است. تأثیر مذهب در نگرش به ازدواج سرپرست با فرزندخوانده، که در تبصره ماده ۲۶ قانون ۱۳۹۲ مطرح شده، آشکار است. این تبصره، که امکان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده را با اجازه دادگاه و رعایت مصلحت کودک مجاز دانسته، ریشه در دیدگاه‌های فقهی دارد که ازدواج را راهی برای ایجاد محرمیت می‌دانند.^{۱۶۷} با این حال، این مسئله با هنجارهای عرفی و اخلاقی جامعه ایران در تعارض است و به بحث‌های گسترده‌ای در میان فقها و حقوق‌دانان منجر شده است. برخی فقهای معاصر، مانند آیت‌الله صافی گلپایگانی، این امکان را به دلیل مغایرت با روح حمایت از کودک مورد انتقاد قرار داده‌اند. نقش مذهب در فرآیند پذیرش کودک در تأکید بر تربیت دینی کودک نمود می‌یابد. قانون ۱۳۹۲، در ماده ۱۷، سرپرست را موظف به تربیت کودک در چارچوب ارزش‌های اسلامی کرده است. این الزام، که ریشه در فقه اسلامی دارد، نشان‌دهنده تأثیر عمیق مذهب بر وظایف سرپرست است. فقهایمانند آیت‌الله خویی تأکید دارند که تربیت دینی کودک، به‌ویژه در زمینه انجام فرایض و رعایت اخلاق اسلامی، از وظایف اصلی سرپرست است. این دیدگاه، فرآیند پذیرش را به امری متمایل به حفظ هویت دینی کودک تبدیل کرده است. از منظر فقهی، نقش مذهب در تعیین رابطه حقوقی بین سرپرست و کودک نیز برجسته است.^{۱۶۸} برخلاف نظام‌های حقوقی غربی که فرزندخواندگی رابطه‌ای حقوقی مشابه نسب طبیعی ایجاد می‌کند، در ایران، فقه اسلامی این رابطه را به سطح حمایت مادی و معنوی محدود کرده است. این محدودیت، که در آثار فقهایمانند شهید ثانی دیده می‌شود، بر عدم ایجاد حقوق و تکالیف متقابل مانند حضانت دائمی یا نفقه اجباری تأکید دارد. این دیدگاه فقهی، پذیرش کودک را به امری مبتنی بر خیرخواهی داوطلبانه تبدیل کرده است. تأثیر مذهب در فرآیند ارزیابی صلاحیت متقاضیان

^{۱۶۶} عبادی، شیرین (۱۳۷۸). حقوق کودک: نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران، چاپ دوم: روشنگران. ص ۱۲۷

^{۱۶۷} محلاتی، شهربانو (۱۳۸۶). بررسی قوانین فقهی _ حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی شبر.

ص ۲۱۵

^{۱۶۸} کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی خانواده: اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان، جلد دو، چاپ ششم، تهران: برنا. ص ۱۲۰

سرپرستی توسط مراجع قضایی و بهزیستی دیده می‌شود. التزام به احکام شرعی، به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی صلاحیت، در بررسی‌های روان‌شناختی و اجتماعی متقاضیان نقش دارد. این معیار، که ریشه در فقه اسلامی دارد، خانواده‌هایی را که به ارزش‌های دینی پایبند نیستند، از فرآیند پذیرش حذف می‌کند.^{۱۶۹} برای مثال، التزام به انجام فرایض دینی، مانند نماز و روزه، به‌عنوان نشانه‌ای از صلاحیت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، که این امر فرآیند پذیرش را به شدت تحت تأثیر مذهب قرار داده است. نقش مذهب در فرآیند پذیرش کودک همچنین در تعامل با هنجارهای عرفی و اجتماعی دیده می‌شود. در ایران، دین نه تنها چارچوب حقوقی، بلکه هنجارهای اجتماعی را نیز شکل می‌دهد. برای نمونه، تأکید فقهی بر حفظ ساختار سنتی خانواده، پذیرش کودک توسط افراد مجرد یا خانواده‌های غیرسنتی را با محدودیت مواجه کرده است. این دیدگاه، که در آرای فقهای معاصر مانند آیت‌الله شبیری زنجانی نیز منعکس است، سرپرستی را به امری محدود به خانواده‌های متأهل و متدین تبدیل کرده و از پذیرش گسترده‌تر این نهاد در جامعه جلوگیری کرده است.^{۱۷۰}

بند سوم: حمایت‌های اجتماعی و جایگاه نهادهای مدنی

الف: نقش سازمان‌های دولتی در ارائه حمایت‌های اجتماعی

در ایران، سازمان بهزیستی به‌عنوان نهاد محوری مسئول اجرای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، نقش مهم در ارائه حمایت‌های اجتماعی به فرآیند سرپرستی ایفا می‌کند. این سازمان وظیفه دارد تا از طریق ارزیابی‌های دقیق روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی، صلاحیت متقاضیان سرپرستی را بررسی کند. این فرآیند شامل مصاحبه‌های جامع، بازدیدهای خانگی و بررسی پیشینه متقاضیان است تا اطمینان حاصل شود که کودک در محیطی امن و مناسب قرار می‌گیرد. با این حال، محدودیت‌های بودجه‌ای و کمبود نیروی انسانی متخصص در بهزیستی، اغلب به طولانی شدن فرآیند پذیرش و کاهش دسترسی خانواده‌ها به خدمات منجر شده است.^{۱۷۱} این محدودیت‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم، دسترسی عادلانه به خدمات حمایتی

^{۱۶۹} روشن، محمد، غدیری، ماهرو (۱۳۹۲). فرزندخواندگی و حق بر خانواده در پرتو مصالح عالیه کودک، ویژه نامه شماره ۱۴، مجله تحقیقات حقوقی. ص ۵

^{۱۷۰} عابدخراسانی، محمودرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر حقوق کودک، مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی، تهران: میزان. ص ۳۳

^{۱۷۱} روشن، محمد، غنی‌زاده بافقی، مریم (۱۳۹۶). فرزندخواندگی باز و حق بر هویت در بستر مصالح عالیه کودک: نگاهی تحلیلی به ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۵۲. ص ۷

را با چالش مواجه کرده است. حمایت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای محدود به خانواده‌های سرپرست است که بر تربیت کودک و مدیریت روابط خانوادگی تمرکز دارد. این خدمات، اگرچه با هدف تقویت مهارت‌های والدگری طراحی شده‌اند، به دلیل کمبود منابع آموزشی و نبود برنامه‌های تخصصی برای مسائل خاص مانند هویت‌یابی کودک یا مدیریت تعارضات خانوادگی، از کارایی محدودی برخوردارند. برای مثال، فقدان برنامه‌های آموزشی مدون برای آماده‌سازی والدین سرپرست در مواجهه با چالش‌های عاطفی کودک، یکی از کاستی‌های برجسته این سیستم است. این موضوع، تأثیر حمایت‌های اجتماعی را در ایجاد ثبات عاطفی برای کودکان سرپرست کاهش داده است.^{۱۷۲}

در انگلستان، مقامات محلی و آژانس‌های فرزندخواندگی تحت نظارت وزارت آموزش، مسئولیت ارائه حمایت‌های اجتماعی گسترده به فرآیند فرزندخواندگی را بر عهده دارند. این نهادها، بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، خدماتی شامل ارزیابی‌های پیش از پذیرش، مشاوره روان‌شناختی و پشتیبانی مالی ارائه می‌دهند. این خدمات با هدف تضمین مصلحت عالی‌ه کودک طراحی شده‌اند و شامل جلسات آموزشی منظم برای والدین خوانده است که بر موضوعاتی مانند مدیریت رفتارهای چالش‌برانگیز کودک و تقویت پیوند عاطفی تمرکز دارند.^{۱۷۳} این برنامه‌ها، برخلاف ایران، از تنوع و انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند و به نیازهای خاص هر خانواده توجه دارند. یکی از جنبه‌های برجسته حمایت‌های اجتماعی در انگلستان، ارائه خدمات پس از پذیرش است که شامل مشاوره مداوم، گروه‌های حمایتی و دسترسی به متخصصان روان‌شناسی کودک می‌شود. این خدمات، که توسط نهادهای دولتی و با همکاری سازمان‌های غیردولتی ارائه می‌شوند، به والدین کمک می‌کنند تا با چالش‌های بلندمدت فرزندخواندگی، مانند مسائل هویتی یا مشکلات عاطفی کودک، کنار بیایند. این رویکرد جامع، که ریشه در سیاست‌های مبتنی بر شواهد دارد، تضمین می‌کند که حمایت‌های اجتماعی به‌صورت مداوم و متناسب با نیازهای خانواده ارائه شوند.^{۱۷۴}

^{۱۷۲} نقیبی، سید مهدی، کاظمی، محمد و زارعی، غلامرضا. (۱۳۹۸). ماهیت فرزند خواندگی از منظر فقه و حقوق. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام. ص ۳

^{۱۷۳} ابدالی، مهرزاد. (۱۳۷۴). حقوق کودک در کنوانسیون بین‌المللی و تطبیق آن با حقوق اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. ص ۴۰

^{۱۷۴} دلیر نقی‌نیا، م ت (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر رفتار خانواده‌های نابارور در ارتباط با فرزندخواندگی. پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

در ایران، سازمان بهزیستی وظیفه نظارت بر وضعیت کودک پس از پذیرش را بر عهده دارد که شامل بازدیدهای دوره‌ای و ارزیابی‌های مستمر از شرایط زندگی کودک است. این نظارت، اگرچه با هدف حفاظت از حقوق کودک انجام می‌شود، به دلیل کمبود منابع و نیروی انسانی، اغلب به بررسی‌های سطحی محدود می‌شود. برای مثال، نبود سیستم‌های دیجیتال جامع برای رصد وضعیت کودکان سرپرست، باعث شده که نظارت‌ها به صورت دستی و با تأخیر انجام شوند.^{۱۷۵} این کاستی‌ها، توانایی سازمان در شناسایی زودهنگام مشکلات احتمالی در خانواده‌های سرپرست را کاهش داده است. در مقابل، در انگلستان، سیستم‌های دیجیتال و پایگاه‌های داده پیشرفته، مانند سامانه‌های مدیریت پرونده‌های فرزندخواندگی، امکان رصد دقیق و به موقع وضعیت کودکان را فراهم کرده‌اند. این سیستم‌ها، که توسط مقامات محلی و آژانس‌های فرزندخواندگی استفاده می‌شوند، اطلاعات جامعی از وضعیت کودک و خانواده را ثبت می‌کنند و امکان مداخله سریع در صورت بروز مشکلات را فراهم می‌سازند. این زیرساخت‌های پیشرفته، همراه با بودجه‌های تخصیص یافته، حمایت‌های اجتماعی در انگلستان را به سطحی کارآمد و قابل اعتماد ارتقا داده است.^{۱۷۶}

ب: جایگاه نهادهای مدنی در ترویج فرهنگ فرزندخواندگی

در ایران، نهادهای مدنی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) در حوزه فرزندخواندگی نقش محدودی دارند و عمدتاً به فعالیت‌های خیریه‌ای و حمایتی برای کودکان بی‌سرپرست متمرکز هستند. این نهادها، مانند انجمن حمایت از کودکان بی‌سرپرست، با همکاری سازمان بهزیستی، خدماتی مانند تأمین نیازهای اولیه کودکان در مراکز نگهداری یا ارائه کمک‌های مالی به خانواده‌های سرپرست ارائه می‌دهند. با این حال، به دلیل محدودیت‌های قانونی و نظارت شدید دولتی، این نهادها کمتر در سیاست‌گذاری یا ترویج فرهنگ سرپرستی دخالت دارند. این محدودیت‌ها، که ریشه در ساختار متمرکز نظام حقوقی ایران دارد، مانع از توسعه نقش نهادهای مدنی در این حوزه شده

^{۱۷۵} کار، مهر انگیز، «ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران»، نشر روشنگران و مطالعات زنان چاپ اول، ۱۳۷۸. ص ۲۱۰

^{۱۷۶} غمامی، سید محمد مهدی، فرزندخواندگی در خانواده رومی - ژرمنی با بررسی تطبیقی در حقوق آلمان و فرانسه، مجله: کانون؛ سال چهل و هفتم، دوره دوم، اسفند ۱۳۸۳ - شماره ۵۵.

است.^{۱۷۷} فعالیت‌های آموزشی نهادهای مدنی در ایران، که عمدتاً بر آگاه‌سازی عمومی درباره سرپرستی متمرکز است، به دلیل کمبود منابع مالی و فقدان هماهنگی با نهادهای دولتی، از تأثیرگذاری محدودی برخوردارند. این نهادها اغلب به برگزاری کارگاه‌های کوچک یا برنامه‌های خیریه‌ای محدود می‌شوند و کمتر به مسائل پیچیده‌ای مانند کاهش انگ اجتماعی یا تقویت هویت خانوادگی کودکان سرپرست می‌پردازند. برای مثال، نبود کمپین‌های گسترده رسانه‌ای توسط این نهادها، باعث شده که آگاهی عمومی در مورد مزایای سرپرستی در سطح پایینی باقی بماند. این کاستی، تأثیر نهادهای مدنی را در تغییر نگرش‌های اجتماعی محدود کرده است.^{۱۷۸}

در انگلستان، نهادهای مدنی، به‌ویژه سازمان‌های خیریه مانند Barnardo's و Coram، نقش برجسته‌ای در ترویج فرهنگ فرزندخواندگی و ارائه حمایت‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها، که اغلب با بودجه‌های دولتی و خصوصی حمایت می‌شوند، برنامه‌های آموزشی جامعی برای والدین خوانده و متخصصان ارائه می‌دهند که بر موضوعاتی مانند مدیریت چالش‌های عاطفی کودک و تقویت پیوند خانوادگی تمرکز دارند. این برنامه‌ها، که بر اساس تحقیقات روان‌شناختی و اجتماعی طراحی شده‌اند، به افزایش آگاهی عمومی و کاهش موانع فرهنگی در پذیرش فرزندخواندگی کمک کرده‌اند.^{۱۷۹} نهادهای مدنی در انگلستان همچنین در لابی‌گری برای بهبود قوانین و سیاست‌های فرزندخواندگی نقش دارند. برای مثال، سازمان‌هایی مانند Adoption UK با همکاری با قانون‌گذاران، در اصلاح قوانین و افزایش بودجه برای خدمات حمایتی تأثیرگذار بوده‌اند. این نهادها، از طریق انتشار گزارش‌های سالانه و تحقیقات میدانی، داده‌های ارزشمندی در مورد نیازهای خانواده‌های فرزندخوانده ارائه می‌دهند که به بهبود سیاست‌گذاری کمک می‌کند. این نقش فعال، که در ایران کمتر دیده می‌شود، نهادهای مدنی انگلستان را به بازیگران کلیدی در این حوزه تبدیل کرده است.^{۱۸۰}

^{۱۷۷} دلیر نقی نیا، م ت (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر رفتار خانواده‌های ناباور در ارتباط با فرزندخواندگی. پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. ص ۵۰

^{۱۷۸} استفتائات امام خمینی. جلد ۳: فرزندخواندگی. ص ۱۰۴

^{۱۷۹} مدیرنیا، سیدجواد. (۱۳۸۸). حقوق کودک، حضانت اطفال در حقوق مدنی ایران - اسلام و فرانسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. ص ۶۵

^{۱۸۰} Thoburn, J. (2021). Adoption from care in England: learning from experience. In *Adoption from Care* (pp. 17-32). Policy Press.

بند چهارم: میزان آگاهی عمومی و پذیرش فرهنگی نهاد فرزندخواندگی

در ایران، سطح آگاهی عمومی درباره نهاد سرپرستی کودکان به دلیل فقدان برنامه‌های آموزشی منسجم و نبود گفتمان فرهنگی فراگیر، در سطحی محدود قرار دارد. ساختارهای اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های سنتی، که بر اهمیت نسب زیستی و پیوندهای خانوادگی تأکید دارند، درک عمومی از سرپرستی را به‌عنوان گزینه‌ای حاشیه‌ای شکل داده‌اند. سازمان بهزیستی تلاش‌هایی برای اطلاع‌رسانی از طریق بروشورها و جلسات محلی انجام داده، اما این اقدامات به دلیل پراکندگی و عدم استفاده از رسانه‌های دیجیتال مدرن، تأثیر محدودی بر آگاهی عمومی داشته‌اند. برای نمونه، نبود پلتفرم‌های آنلاین تعاملی برای آموزش خانواده‌ها درباره فرآیند سرپرستی، باعث شده که اطلاعات در دسترس عموم اغلب ناقص یا غیرتخصصی باشد.^{۸۱} این کاستی‌ها، آگاهی عمومی را به سطحی ابتدایی محدود کرده است. پذیرش فرهنگی سرپرستی در ایران تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی و باورهای مذهبی است که بر حفظ ساختارهای خانوادگی سنتی تمرکز دارند. این هنجارها، سرپرستی را به‌عنوان جایگزینی برای فرزندآوری طبیعی کم‌اهمیت جلوه داده و اغلب آن را به خانواده‌های بدون فرزند محدود می‌کنند. نگرانی‌های مرتبط با مسائل شرعی، مانند عدم ایجاد رابطه نسبی یا محرمیت، پذیرش فرهنگی این نهاد را با موانع جدی مواجه کرده است.^{۸۲} برای مثال، تصورات نادرست درباره تأثیر سرپرستی بر هویت خانوادگی یا جایگاه اجتماعی کودک، در بسیاری از جوامع شهری و روستایی ایران رایج است. این باورها، که ریشه در فرهنگ جمع‌گرایانه دارند، سرپرستی را به عملی خیرخواهانه اما غیرضروری تقلیل داده‌اند. یکی از عوامل مهم در پایین بودن آگاهی عمومی در ایران، نبود برنامه‌های آموزشی در سطح ملی است که به‌طور خاص به مسائل روان‌شناختی و اجتماعی سرپرستی بپردازند. برخلاف برخی کشورها که از سیستم‌های آموزشی برای ترویج ارزش‌های فرزندخواندگی استفاده می‌کنند، در ایران، آموزش‌های عمومی در این زمینه به جلسات محدود سازمان بهزیستی یا کارگاه‌های کوچک خیریه‌ای محدود شده است. این برنامه‌ها، که اغلب برای متقاضیان سرپرستی طراحی شده‌اند، به ندرت به عموم مردم گسترش می‌یابند و کمتر به موضوعاتی مانند مدیریت هویت کودک یا مقابله با چالش‌های اجتماعی می‌پردازند.^{۸۳} این

^{۸۱} کار، مهر انگیز، «ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران»، نشر روشنگران و مطالعات زنان چاپ اول، ۱۳۷۸. ص ۲۲۸

^{۸۲} موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی، نشریه پژوهشنامه متین، بهار ۱۳۸۸، شماره ۴۲. ص ۱۶۱

^{۸۳} نگهبان پیری، مرتضی، فرزندخواندگی در فقه و قانون ایران با تأکید بر آیات قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مشهد، ۱۳۹۹. ص ۷۶

کمبود، باعث شده که آگاهی عمومی از جنبه‌های عمیق‌تر سرپرستی، مانند تأثیرات بلندمدت آن بر کودک و خانواده، در سطح پایینی باقی بماند. نقش نهادهای آموزشی در ایران در ترویج آگاهی درباره سرپرستی بسیار محدود است. در نظام آموزشی ایران، موضوع سرپرستی به‌ندرت در برنامه‌های درسی یا فعالیت‌های فوق‌برنامه مطرح می‌شود، که این امر فرصت آگاه‌سازی نسل جوان را از بین برده است. برای نمونه، نبود محتوای آموزشی در مدارس درباره تنوع خانوادگی یا ارزش‌های سرپرستی، باعث شده که کودکان و نوجوانان درک محدودی از این نهاد داشته باشند. این خلأ آموزشی، که در تضاد با تأکید فرهنگ ایرانی بر خیرخواهی است، مانع از شکل‌گیری نگرش‌های مثبت نسبت به سرپرستی در نسل‌های آینده شده است. فقدان چنین برنامه‌هایی، پذیرش فرهنگی این نهاد را به چالش کشیده است.^{۱۸۴} در ایران، نقش جوامع محلی در آگاهی‌بخشی درباره سرپرستی نیز به دلیل فقدان هماهنگی بین نهادهای محلی و سازمان‌های دولتی، کم‌رنگ است. در بسیاری از مناطق، به‌ویژه در شهرهای کوچک و روستاها، اطلاعات درباره سرپرستی از طریق گفت‌وگوهای غیررسمی یا منابع غیرتخصصی منتقل می‌شود، که اغلب به گسترش اطلاعات نادرست منجر شده است. برای مثال، باورهای نادرست درباره مشکلات رفتاری کودکان بی‌سرپرست یا تأثیرات منفی سرپرستی بر ساختار خانواده، در نبود برنامه‌های آگاه‌سازی محلی تقویت شده‌اند. این مسئله، پذیرش فرهنگی سرپرستی را در سطح جوامع محلی کاهش داده و به حاشیه‌ای ماندن این نهاد کمک کرده است.^{۱۸۵}

در انگلستان، آگاهی عمومی درباره فرزندخواندگی به دلیل وجود زیرساخت‌های آموزشی و رسانه‌ای پیشرفته، در سطحی بالا قرار دارد. نهادهای دولتی و خیریه‌ای، برنامه‌های گسترده‌ای برای اطلاع‌رسانی از طریق وب‌سایت‌های تخصصی، پادکست‌ها و کارگاه‌های عمومی اجرا می‌کنند. این برنامه‌ها، که بر اساس داده‌های پژوهشی طراحی شده‌اند، جنبه‌های حقوقی، عاطفی و اجتماعی فرزندخواندگی را به‌طور جامع پوشش می‌دهند. برای نمونه، وب‌سایت‌های دولتی اطلاعات دقیقی درباره فرآیند فرزندخواندگی ارائه می‌دهند که برای عموم مردم قابل دسترسی است.^{۱۸۶} این دسترسی گسترده، آگاهی عمومی را به سطحی تخصصی و فراگیر ارتقا داده است. پذیرش فرهنگی

^{۱۸۴} صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۶). مختصر حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران: نشر دادگستر. ص ۸۷

^{۱۸۵} پیرهادی، محمدرضا، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و آمریکا به انضمام قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، چاپ اول، مرز دانش، تهران، ۱۴۰۰. ص ۹۳

^{۱۸۶} پارسا، محمدرضا. (۱۳۹۱). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ص ۴۹

فرزندخواندگی در انگلستان، تحت تأثیر ارزش‌های لیبرال و تأکید بر تنوع خانوادگی، به‌طور قابل توجهی مثبت است. فرهنگ اجتماعی این کشور، که برابری و پذیرش تفاوت‌ها را ترویج می‌کند، فرزندخواندگی را به‌عنوان گزینه‌ای هم‌تراز با فرزندآوری طبیعی معرفی کرده است. این پذیرش فرهنگی از طریق داستان‌سرایی در رسانه‌ها، مانند مستندهای بی‌بی‌سی یا برنامه‌های رادیویی، تقویت شده که تجربیات واقعی خانواده‌های فرزندخوانده را به تصویر می‌کشند. این تلاش‌ها، با کاهش تصورات منفی و تقویت حس همدلی، فرزندخواندگی را به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ اجتماعی انگلستان تبدیل کرده‌اند.^{۱۸۷} نقش نظام آموزشی در انگلستان در افزایش آگاهی عمومی درباره فرزندخواندگی بسیار برجسته است. مدارس و دانشگاه‌ها، از طریق برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی، دانش‌آموزان و دانشجویان را با مفاهیم تنوع خانوادگی و ارزش‌های فرزندخواندگی آشنا می‌کنند. در انگلستان، جوامع محلی نقش مهمی در ترویج آگاهی و پذیرش فرزندخواندگی ایفا می‌کنند. گروه‌های حمایتی محلی، که اغلب توسط سازمان‌های خیریه یا مقامات محلی سازمان‌دهی می‌شوند، فضایی برای تبادل تجربیات بین خانواده‌های فرزندخوانده فراهم می‌کنند. این گروه‌ها، که شامل جلسات حضوری و آنلاین هستند، به والدین و کودکان کمک می‌کنند تا با چالش‌های اجتماعی و عاطفی فرزندخواندگی کنار بیایند. برای نمونه، جلسات گروهی در شهرهای بزرگ مانند لندن و منچستر، به افزایش آگاهی و کاهش احساس انزوای خانواده‌ها کمک کرده‌اند. این ابتکارات، پذیرش فرهنگی فرزندخواندگی را در سطح محلی تقویت کرده‌اند.^{۱۸۸} یکی از ویژگی‌های برجسته در انگلستان، استفاده از فناوری دیجیتال برای افزایش آگاهی عمومی است. پلتفرم‌های آنلاین، مانند اپلیکیشن‌های آموزشی یا شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات دقیقی درباره فرآیند فرزندخواندگی ارائه می‌دهند و به خانواده‌ها امکان می‌دهند تا به منابع تخصصی دسترسی پیدا کنند. برای مثال، کمپین‌های دیجیتال در شبکه‌های اجتماعی، با به اشتراک گذاشتن تجربیات واقعی، به عادی‌سازی فرزندخواندگی در فرهنگ عمومی کمک کرده‌اند. این ابزارهای دیجیتال، که در ایران کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، آگاهی عمومی و پذیرش فرهنگی فرزندخواندگی را در انگلستان به سطحی پیشرفته رسانده‌اند.^{۱۸۹}

^{۱۸۷} توسلی نایینی، منوچهر، امیر نیرومند، مرضیه، فرزندخواندگی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، مجله دادرسی، ۱۳۹۱، ش

^{۱۸۸} رحیمیان، لایلا، (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی چالش‌های حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان. کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد

^{۱۸۹} محمدی، اصغر، امتیازات حقوق کودک از دیدگاه اسلام نسبت به پیمان نامه ی حقوق کودک سازمان ملل، نشریه ابرار، ش ۱۲۵۴. ص ۶۹

گفتار پنجم: تاریخچه قوانین فرزندخواندگی در ایران و انگلستان

فرزندخواندگی به عنوان نهادی حقوقی برای حمایت از کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست، در نظام های حقوقی مختلف با تأثیر از مبانی فرهنگی، دینی و اجتماعی شکل گرفته است. در ایران، این نهاد تحت تأثیر فقه شیعه و محدودیت های شرعی توسعه یافته، در حالی که در انگلستان، رویکردی سکولار و مبتنی بر مصلحت کودک، محور قانون گذاری بوده است. این گفتار به بررسی سیر تحول قوانین فرزندخواندگی در ایران و انگلستان می پردازد و با نگاهی تطبیقی، تأثیر مبانی فقهی و سکولار را بر این تحولات تحلیل می کند.

بند اول: تاریخچه قوانین فرزندخواندگی در ایران

در حقوق ایران، مفهوم فرزندخواندگی به معنای کامل آن (ایجاد رابطه نسبی مشابه فرزند طبیعی) به دلیل مبانی فقهی پذیرفته نشده است. آیه ۵ سوره احزاب که فرزندخوانده را از نظر نسب برابر با فرزند واقعی نمی داند، مبنای فقهی این محدودیت است. در فقه شیعه، مفهوم «کفالت» جایگزین فرزندخواندگی شده و بر حمایت مادی و معنوی از کودک بدون ایجاد رابطه نسبی تأکید دارد.^{۱۹۰}

پیش از انقلاب اسلامی، قانون مدنی ایران (مصوب ۱۳۱۴) به طور مستقیم به فرزندخواندگی اشاره ای نداشت، اما مواد مرتبط با حضانت (ماده ۱۱۶۸) و کفالت (ماده ۱۱۹۹) چارچوبی برای حمایت از کودکان بی سرپرست فراهم می کرد. قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳ اولین گام رسمی برای تنظیم فرآیند فرزندخواندگی بود که شرایطی مانند سن سرپرست، وضعیت تأهل و صلاحیت اخلاقی را مشخص کرد. این قانون با هدف حمایت از کودکان بی سرپرست، فرآیند واگذاری سرپرستی به خانواده ها را تحت نظارت سازمان بهزیستی تنظیم کرد.^{۱۹۱} پس از انقلاب اسلامی، با تأکید بیشتر بر مبانی فقهی، محدودیت هایی در فرزندخواندگی اعمال شد. برای مثال، حفظ محرمیت و عدم ایجاد رابطه ارثی بین سرپرست و فرزندخوانده از الزامات شرعی بود. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تحولی مهم در این حوزه ایجاد کرد. این قانون شرایط سرپرستی را تسهیل کرد، از جمله امکان واگذاری سرپرستی به زنان

^{۱۹۰} آقا بابایی، سید حسن. (۱۳۹۷) بررسی فقهی و حقوقی فرزند خواندگی با تأکید بر قانون جدید. موسسه آموزش عالی پارسا.

^{۱۹۱} نظری، ایران دخت "حمایت از کودکان بی سرپرست" ندای صادق، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲.

مجرد بالای ۳۰ سال در موارد خاص، و همچنین تأکید بر مصلحت کودک به عنوان معیار اصلی. این تغییرات نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای هماهنگی بین مبانی فقهی و نیازهای اجتماعی مدرن بود. علاوه بر این، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که ایران در سال ۱۳۷۳ به آن پیوست، بر لزوم حمایت از کودکان بی سرپرست تأکید کرد و بر قوانین داخلی ایران تأثیر گذاشت. با این حال، محدودیت‌های فقهی همچنان مانع از پذیرش کامل فرزندخواندگی به معنای غربی آن شده است. برای مثال، ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در مواردی خاص تحت شرایط سخت‌گیرانه‌ای مجاز شمرده شده که بحث‌های فقهی و حقوقی گسترده‌ای را به دنبال داشته است.^{۱۹۲}

بند دوم: تاریخچه قوانین فرزندخواندگی در انگلستان

در انگلستان، فرزندخواندگی تا پیش از قرن بیستم به صورت غیررسمی و بدون چارچوب قانونی مشخص انجام می‌شد. در نظام حقوقی کامن‌لا، فرزندخواندگی به معنای ایجاد رابطه نسبی کامل وجود نداشت و بیشتر به شکل سرپرستی موقت یا کفالت بود. اولین قانون رسمی فرزندخواندگی در انگلستان، قانون فرزندخواندگی ۱۹۲۶ بود که برای اولین بار چارچوبی قانونی برای انتقال کامل حقوق و مسئولیت‌های والدینی به سرپرستان فراهم کرد. این قانون نتیجه تغییرات اجتماعی پس از جنگ جهانی اول بود که نیاز به حمایت از کودکان یتیم را افزایش داد. قانون فرزندخواندگی ۱۹۷۶ این چارچوب را بهبود بخشید و بر نظارت قضایی و ارزیابی دقیق صلاحیت سرپرستان تأکید کرد. قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ نقطه عطفی در قوانین فرزندخواندگی انگلستان بود. این قانون فرآیند فرزندخواندگی را ساده‌تر کرد، امکان سرپرستی را برای زوج‌های هم‌جنس و افراد مجرد فراهم نمود و معیار اصلی را مصلحت کودک قرار داد. تأثیر کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و کنوانسیون لاهه ۱۹۹۳ در این قانون مشهود است، به‌ویژه در تأکید بر حقوق کودک و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی.^{۱۹۳}

در انگلستان، نهادهای محلی و آژانس‌های فرزندخواندگی نقش مهمی در اجرای قوانین دارند. این نهادها مسئولیت ارزیابی سرپرستان، نظارت بر فرآیند واگذاری و حمایت پس از فرزندخواندگی را بر عهده دارند. همچنین، تغییرات اجتماعی مانند افزایش پذیرش تنوع خانوادگی (مانند خانواده‌های

^{۱۹۲} ظفری، مژده؛ خدایی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده. مبانی فقهی حقوق اسامی، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۷۷-۹۸.

^{۱۹۳} Sharon detrick and paul vlaarding erbroek. Globalization of childlaw. martinus pub. 1999. P. 15

تک‌والدی یا هم‌جنس‌گرا) بر تکامل قوانین تأثیر گذاشته است. برخلاف ایران، در انگلستان فرزندخواندگی کامل بـه معنای قطع کامل رابطه حقوقی کودک با والدین زیستی و ایجاد رابطه نسبی با والدین سرپرست است.^{۱۹۰}

بند سوم: مقایسه تطبیقی

سیر تحول قوانین فرزندخواندگی در ایران و انگلستان تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد که ریشه در مبانی حقوقی و فرهنگی دارد. در ایران، فقه شیعه با تأکید بر حفظ نسب و محرمیت، فرزندخواندگی را به شکل کفالت و سرپرستی محدود کرده است. این محدودیت‌ها مانع از ایجاد رابطه ارثی یا نسبی کامل بین سرپرست و کودک شده‌اند. در مقابل، انگلستان با رویکردی سکولار و مبتنی بر مصلحت کودک، فرزندخواندگی کامل را به رسمیت می‌شناسد که شامل انتقال تمامی حقوق و مسئولیت‌های والدینی است.

از نظر تاریخی، ایران با قانون ۱۳۵۳ و اصلاحات ۱۳۹۲ به سمت تسهیل شرایط سرپرستی حرکت کرده، اما همچنان تحت تأثیر محدودیت‌های فقهی است.^{۱۹۱} در انگلستان، قوانین از ۱۹۲۶ تا ۲۰۰۲ به تدریج ساده‌تر و فراگیرتر شده‌اند و با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ شده‌اند. تأثیر کنوانسیون‌های بین‌المللی در هر دو کشور دیده می‌شود، اما در ایران این تأثیر با رعایت مبانی شرعی محدود شده است. شباهت‌ها نیز قابل توجه است. هر دو نظام حقوقی بر مصلحت کودک تأکید دارند، هرچند تعریف این مصلحت در ایران تحت تأثیر فقه و در انگلستان مبتنی بر معیارهای سکولار است. همچنین، هر دو کشور فرآیندهای نظارتی برای واگذاری سرپرستی دارند، اگرچه در انگلستان این نظارت توسط آژانس‌های تخصصی و در ایران توسط سازمان بهزیستی و مراجع قضایی انجام می‌شود. تحولات قوانین فرزندخواندگی در ایران و انگلستان نشان‌دهنده تأثیر عمیق مبانی فرهنگی و حقوقی بر این نهاد است. در ایران، فقه شیعه با تأکید بر حفظ نسب و محرمیت، فرزندخواندگی را به سرپرستی محدود کرده و قوانین ۱۳۵۳ و ۱۳۹۲ تلاش کرده‌اند این محدودیت‌ها را با نیازهای اجتماعی هماهنگ کنند. در انگلستان، رویکرد سکولار و تأکید بر مصلحت کودک منجر به ایجاد نظام فرزندخواندگی کامل شده که با قوانین ۱۹۲۶، ۱۹۷۶ و ۲۰۰۲

^{۱۹۰} Full Adoption

^{۱۹۱} Francois Mignit, Jean, 2017, Full Adoption in England and Wales and France: A Comparative History of Law and Practice.

^{۱۹۲} رضوی نژاد، سیده النّا، معین، وحید، بررسی تحولات مثبت در قوانین فرزندخواندگی، مطالعات حقوق، سال ششم، ۱۴۰۱. ص ۲۰

تکامل یافته است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر عمیق مبانی فقهی در ایران و اصول لیبرال در انگلستان است. با این حال، هر دو نظام حقوقی در تلاش برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست و تأمین مصلحت آن‌ها اشتراک دارند.

گفتار ششم: تحلیل میزان حمایت قانونی از حقوق کودک در فرایند فرزندخواندگی

تحلیل میزان حمایت قانونی از حقوق کودک در فرایند فرزندخواندگی در ایران، بر پایه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ استوار است که با الهام از فقه اسلامی، چارچوبی برای سرپرستی کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست فراهم کرده است. این قانون، در ماده ۸، کودکان واجد شرایط سرپرستی را به افراد زیر ۱۶ سال محدود کرده و در ماده ۱۳، مصلحت کودک را به‌عنوان معیار اصلی تصمیم‌گیری‌های قضایی قرار داده است. با این حال، حمایت‌های قانونی از حقوق کودک در این نظام با چالش‌هایی مواجه است؛ از جمله نبود تعریف روشن و جامع از مصلحت کودک در قانون، که به تفاسیر قضایی متفاوت انجامیده است.^{۹۷} ماده ۲۶ قانون، که امکان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده را تحت شرایط خاص مجاز می‌داند، می‌تواند با اصل حمایت از سلامت روان و کرامت کودک در تعارض باشد. نظارت سازمان بهزیستی، هرچند به‌عنوان یک نهاد نظارتی پیش‌بینی شده، اما در عمل به دلیل کمبود منابع و نبود دستورالعمل‌های استاندارد برای ارزیابی بلندمدت وضعیت کودکان تحت سرپرستی، از کارایی لازم برخوردار نیست. این محدودیت‌ها، همراه با عدم پیش‌بینی حقوق مالی پایدار (مانند ارث اجباری) برای کودک، سطح حمایت قانونی را در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، مانند کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کاهش می‌دهد.^{۹۸} در نظام حقوقی انگلستان، قانون فرزندخواندگی و کودکان مصوب ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق کودک در فرایند فرزندخواندگی ارائه کرده است که مصلحت برتر کودک را به‌عنوان محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌دهد. این قانون، با الزام ارزیابی دقیق صلاحیت متقاضیان توسط آژانس‌های فرزندخواندگی و نظارت قضایی، تضمین می‌کند که حقوق کودک در زمینه‌های هویت، امنیت عاطفی، و ثبات خانوادگی حفظ شود. برای نمونه، بخش ۴۶ قانون، فرایند انتقال کامل حقوق والدینی به والدین خوانده را تنظیم می‌کند، که با

^{۹۷} نظری، ایران دخت "حمایت از کودکان بی‌سرپرست" ندای صادق، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲. ص ۱۸

^{۹۸} محسنی تبریزی، علیرضا (بی‌تا) بررسی وضعیت کودکان بی‌سرپرست در ایران، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سوم، شماره ۲۸. ص ۴

قطع رابطه حقوقی با والدین طبیعی (در صورت لزوم)، ثبات حقوقی کودک را تقویت می‌کند. علاوه بر این، نظام حقوقی انگلستان، از طریق ارائه خدمات پس از فرزندخواندگی (مانند مشاوره روان‌شناختی و حمایت مالی)، به نیازهای بلندمدت کودک توجه دارد. با این حال، چالش‌هایی مانند طولانی بودن فرآیند ارزیابی و احتمال تبعیض در دسترسی به خدمات برای گروه‌های حاشیه‌ای، همچنان حمایت قانونی از کودکان را در برخی موارد محدود می‌کند.^{۱۹۹}

تفاوت‌های ساختاری در حمایت قانونی از حقوق کودک در این دو نظام، ریشه در رویکردهای حقوقی و فلسفی متفاوت دارد. در ایران، نبود سازوکارهای قانونی برای تضمین حقوق مالی کودک (مانند ارث یا تأمین مالی اجباری پس از فوت سرپرست) و تأکید بر حفظ پیوندهای خونی، حمایت‌های حقوقی را به سمت حمایت موقت و غیرالزام‌آور سوق داده است.^{۲۰۰} در مقابل، انگلستان با ایجاد رابطه حقوقی کامل بین فرزندخوانده و والدین خوانده، حقوق کودک را در سطحی برابر با فرزندان طبیعی تضمین می‌کند. این نظام، از طریق الزامات قانونی مانند گزارش‌های دوره‌ای آژانس‌های فرزندخواندگی و امکان بازنگری قضایی، نظارت مداوم بر وضعیت کودک را ممکن می‌سازد. با این حال، هر دو نظام در اجرای یکپارچه حمایت‌های قانونی با موانعی مواجه‌اند؛ در ایران، به دلیل کمبود زیرساخت‌های نظارتی و در انگلستان، به دلیل پیچیدگی‌های بوروکراتیک و نابرابری‌های اجتماعی در دسترسی به خدمات فرزندخواندگی. این تفاوت‌ها، تحلیل میزان حمایت قانونی را به حوزه‌ای پیچیده و چندوجهی تبدیل کرده است که نیازمند بررسی دقیق‌تر در بستر تطبیقی است.^{۲۰۱}

بند اول: اصل رعایت مصلحت عالی کودک در تصمیمات قضایی

اصل رعایت مصلحت عالی کودک در تصمیمات قضایی در نظام حقوقی ایران، به عنوان یکی از مبانی اصلی در فرآیند سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۳ این قانون، مصلحت کودک را به عنوان معیار اصلی در تصمیم‌گیری‌های قضایی معرفی می‌کند، اما فقدان

^{۱۹۹} لطفی، اسدالله، ۱۳۸۹، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی. ص ۲۱۵

^{۲۰۰} موسوی بجنوردی، آیت الله سید محمد (۱۳۹۰) اندیشه های حقوقی حقوق خانواده، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم. ص ۱۰۰

^{۲۰۱} مهابادی، حمید رضا، ۱۳۸۵، پایان نامه فرزندخواندگی و مطالعه تطبیقی با حقوق آمریکا، دانشگاه آزاد اسلامی دامغان. ص ۷۷

تعریف صریح و معیارهای مشخص برای ارزیابی این مفهوم، تفسیر آن را به صلاحدید قضات واگذار کرده است. این ابهام، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با تعیین سرپرست یا سلب صلاحیت والدین طبیعی، می‌تواند به ناهماهنگی در رویه‌های قضایی منجر شود.^{۲۰۲} در عمل، دادگاه‌های خانواده در ایران، با استناد به گزارش‌های سازمان بهزیستی و ارزیابی‌های مددکاران اجتماعی، تلاش می‌کنند مصلحت کودک را از طریق بررسی شرایط مالی، اخلاقی و اجتماعی متقاضیان سرپرستی تأمین کنند. با این حال، نبود پروتکل‌های استاندارد برای سنجش مصلحت کودک، مانند معیارهای روان‌شناختی یا اجتماعی مشخص، این فرآیند را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در نظام حقوقی ایران، اصل مصلحت عالی کودک در مواردی مانند سلب حضانت از والدین بدسرپرست (ماده ۱۴ قانون ۱۳۹۲) نیز مورد توجه قرار گرفته است، اما این ماده به‌طور خاص بر شرایط والدین طبیعی تمرکز دارد و کمتر به نیازهای بلندمدت کودک در فرآیند سرپرستی می‌پردازد.^{۲۰۳} به عنوان مثال، قانونگذار الزامات محدودی برای پیگیری وضعیت کودک پس از واگذاری سرپرستی پیش‌بینی کرده است، که این امر می‌تواند نظارت قضایی بر تأمین مصلحت کودک در درازمدت را تضعیف کند. علاوه بر این، تأکید قانون بر حفظ پیوندهای خونی، به‌ویژه در مواردی که والدین طبیعی همچنان صلاحیت محدودی دارند، ممکن است با مصلحت کودک در ایجاد ثبات خانوادگی تعارض پیدا کند. این رویکرد، ریشه در مبانی فقهی دارد که حفظ نسب را بر ایجاد رابطه حقوقی جدید ترجیح می‌دهد، اما در عمل، می‌تواند مانع از تأمین کامل حقوق عاطفی و روانی کودک شود.^{۲۰۴} یکی از جنبه‌های چالش‌برانگیز در نظام حقوقی ایران، تبصره ماده ۲۶ قانون ۱۳۹۲ است که امکان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده را تحت شرایط خاص و با اجازه دادگاه مجاز می‌داند. این مقرره، که با هدف تأمین مصلحت کودک در شرایط استثنایی وضع شده، در عمل می‌تواند با اصول حمایت از کرامت و سلامت روان کودک در تعارض باشد. فقدان معیارهای روشن برای ارزیابی مصلحت کودک در چنین مواردی، تصمیم‌گیری قضایی را به حوزه‌ای پیچیده و حساس تبدیل کرده است. قضات، در این موارد، اغلب به نظرات کارشناسان بهزیستی و روان‌شناسان وابسته‌اند، اما نبود چارچوب‌های قانونی جامع برای هدایت این فرآیند، احتمال تصمیم‌گیری‌های ناسازگار را افزایش

^{۲۰۲} پارساپور، محمدباقر؛ نوربخش، سوسن، معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون‌های حقوق کودک، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۵.

^{۲۰۳} پورقهرمانی گل تپه، بابک. ۱۳۸۳ «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»، رواق اندیشه، ش ۲. ص ۱۹

^{۲۰۴} طاهری نیا، احمد ۱۳۸۳ «پژوهشی در حقوق کودک»، فقه، ش ۴۱. ص ۴۰

می‌دهد. این موضوع، ضرورت بازنگری در سازوکارهای قضایی برای تضمین اولویت مصلحت کودک را برجسته می‌کند.^{۲۰۵}

در نظام حقوقی انگلستان، اصل مصلحت عالی کودک به‌عنوان سنگ‌بنای تصمیمات قضایی در فرآیند فرزندخواندگی، در بخش ۱ قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ به‌صراحت تثبیت شده است. این اصل، که از کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ الهام گرفته شده، قضات را ملزم می‌کند که در تمامی تصمیمات مرتبط با فرزندخواندگی، از جمله واگذاری کودک، قطع رابطه با والدین طبیعی، یا تعیین صلاحیت متقاضیان، مصلحت کودک را در اولویت قرار دهند. این قانون، معیارهای مشخصی مانند سلامت جسمی و روانی کودک، نیازهای عاطفی، و ثبات خانوادگی را به‌عنوان اجزای مصلحت کودک تعریف کرده و از قضات می‌خواهد این عوامل را به‌صورت جامع ارزیابی کنند. این رویکرد، با ایجاد چارچوبی منسجم، به هماهنگی بیشتر در رویه‌های قضایی کمک کرده است.^{۲۰۶} در انگلستان، فرآیند قضایی برای تأمین مصلحت کودک با ارزیابی‌های چندمرحله‌ای توسط آژانس‌های فرزندخواندگی و مددکاران اجتماعی تقویت شده است. این آژانس‌ها، بر اساس بخش ۴۲ قانون ۲۰۰۲، گزارش‌های جامعی درباره وضعیت کودک، شرایط متقاضیان، و تأثیرات احتمالی فرزندخواندگی بر کودک ارائه می‌دهند. این گزارش‌ها، که شامل ارزیابی‌های روان‌شناختی و اجتماعی است، به قضات کمک می‌کند تا تصمیماتی آگاهانه و مبتنی بر مصلحت کودک اتخاذ کنند.^{۲۰۷} برای مثال، دیوان عالی انگلستان تأکید کرد که مصلحت کودک باید حتی در برابر اعتراض والدین طبیعی، اولویت داشته باشد، مشروط بر اینکه تصمیم با شواهد کافی پشتیبانی شود. این رویه، نشان‌دهنده تعهد نظام قضایی انگلستان به اصل مصلحت کودک است. یکی از ویژگی‌های برجسته نظام حقوقی انگلستان، پیش‌بینی خدمات پس از فرزندخواندگی برای تضمین مصلحت کودک در بلندمدت است. این خدمات، که شامل مشاوره روان‌شناختی، حمایت مالی، و پیگیری وضعیت کودک می‌شود، به قضات امکان می‌دهد تا از تداوم مصلحت کودک پس از صدور حکم فرزندخواندگی اطمینان حاصل کنند. بخش ۴ قانون ۲۰۰۲، آژانس‌های فرزندخواندگی را ملزم به

^{۲۰۵} مقدادی، محمد مهدی، جایگاه تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و

خانواده، شماره ۵۴، ص ۹

^{۲۰۶}Selwyn, J. (2023). Outcomes for children adopted from care in the UK. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 228-247). Edward Elgar Publishing. P5

^{۲۰۷}Bilson, A., & Munro, E. H. (2019). Adoption and child protection trends for children aged under five in England: Increasing investigations and hidden separation of children from their parents. Children and Youth Services Review, 96, 204-211.

ارائه برنامه‌های حمایتی می‌کند که به نیازهای خاص هر کودک پاسخ می‌دهد. این سازوکار، با ایجاد نظارت مستمر، از خطر نادیده گرفتن حقوق کودک در مراحل بعدی زندگی جلوگیری می‌کند. با این حال، پیچیدگی‌های بوروکراتیک در فرآیند فرزندخواندگی، مانند طولانی بودن ارزیابی‌ها، ممکن است دسترسی برخی کودکان به خانواده‌های مناسب را به تأخیر بیندازد.^{۲۰۸}

در ایران، نظارت قضایی بر مصلحت کودک عمدتاً در مرحله واگذاری سرپرستی متمرکز است و کمتر به نظارت پس از واگذاری توجه دارد. ماده ۱۶ قانون ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی را مسئول نظارت بر وضعیت کودک می‌داند، اما این نظارت اغلب به دلیل کمبود منابع و فقدان سازوکارهای مشخص، به صورت ناقص اجرا می‌شود. این امر، در مقایسه با انگلستان، که نظارت پس از فرزندخواندگی را به صورت نظام‌مند دنبال می‌کند، نقطه ضعفی قابل توجه است. علاوه بر این، در ایران، نبود آموزش‌های تخصصی برای قضات در زمینه روان‌شناسی کودک یا نیازهای عاطفی، می‌تواند تصمیم‌گیری‌های قضایی را از استانداردهای بین‌المللی دور کند. این تفاوت، نشان‌دهنده نیاز به تقویت زیرساخت‌های قضایی در ایران برای تمرکز بیشتر بر مصلحت کودک است.^{۲۰۹}

در انگلستان، اصل مصلحت عالی کودک حتی در مواردی که والدین طبیعی همچنان حقوقی دارند، به عنوان معیار غالب اعمال می‌شود. برای مثال، در پرونده‌های فرزندخواندگی باز، که حفظ ارتباط محدود با والدین طبیعی امکان‌پذیر است، دادگاه‌ها موظف‌اند مصلحت کودک را در تعیین میزان این ارتباط ارزیابی کنند. این انعطاف‌پذیری، با توجه به معیارهای مشخص شده در قانون، به قضات امکان می‌دهد تا تصمیماتی متناسب با شرایط خاص هر کودک اتخاذ کنند. در مقابل، در ایران، تأکید بر حفظ پیوندهای خونی، گاه به قیمت نادیده گرفتن نیازهای عاطفی کودک تمام می‌شود، به‌ویژه در مواردی که والدین طبیعی صلاحیت کامل ندارند اما قانونگذار از قطع کامل رابطه جلوگیری می‌کند. تفاوت دیگر در اجرای اصل مصلحت عالی کودک، به نقش کارشناسان غیرقضایی در فرآیند تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. در انگلستان، مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان به عنوان بخشی از فرآیند قضایی، نقش کلیدی در ارائه داده‌های عینی دارند، در حالی که در ایران، وابستگی بیش از حد به گزارش‌های بهزیستی، که ممکن است فاقد عمق علمی لازم باشد، تصمیم‌گیری قضایی را محدود می‌کند. این تفاوت، ضرورت بازنگری در سازوکارهای ارزیابی

^{۲۰۸} کفترودی، لایلا، ضابطه‌های مصلحت کودک در حقوق خانواده، فقه و روانشناسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ۱۳۹۶. ص ۲۹

^{۲۰۹} مقدادی، محمد مهدی، جایگاه تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۵۴. ص ۱۰

مصلحت کودک در ایران را نشان می‌دهد، به‌ویژه در زمینه استفاده از تخصص‌های میان‌رشته‌ای برای حمایت از تصمیمات قضایی.^{۲۱۰}

بند دوم: حمایت‌های حقوقی و روانی از کودک پس از پذیرش

الف: حمایت‌های حقوقی پس از پذیرش

- تضمین حقوق مالی و حقوقی کودک

در نظام حقوقی ایران، حمایت‌های حقوقی از کودک پس از پذیرش در چارچوب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ تعریف شده است، اما این حمایت‌ها عمدتاً بر نظارت اولیه متمرکزند و کمتر به نیازهای بلندمدت کودک توجه دارند. ماده ۱۶ قانون، سازمان بهزیستی را مسئول نظارت بر وضعیت کودک پس از واگذاری سرپرستی می‌داند، اما این نظارت به دلیل کمبود منابع انسانی و مالی، اغلب به بازدیدهای دوره‌ای محدود می‌شود که فاقد عمق لازم برای ارزیابی جامع وضعیت حقوقی کودک است. برای مثال، قانونگذار هیچ الزام قانونی برای تأمین مالی اجباری کودک پس از فوت سرپرست (مانند ارث اجباری) پیش‌بینی نکرده است، که این امر می‌تواند کودک را در معرض ناامنی مالی قرار دهد.^{۲۱۱} این خلأ حقوقی، به‌ویژه در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، نشان‌دهنده ضعف در تضمین حقوق مالی پایدار برای کودک است. قانون ایران، در ماده ۱۷، سرپرست را ملزم به تأمین مخارج نگهداری، تربیت و تحصیل کودک می‌کند، اما سازوکارهای اجرایی برای نظارت بر اجرای این تعهدات مشخص نیست. در مواردی که سرپرست از انجام وظایف خود سر باز می‌زند، قانونگذار ابزارهای قضایی محدودی برای مداخله پیش‌بینی کرده است، و این امر می‌تواند حقوق کودک به آموزش و رفاه را به خطر بیندازد. نبود یک نظام قضایی مشخص برای رسیدگی به تخلفات سرپرست، مانند سلب سرپرستی در صورت قصور، یکی از چالش‌های اصلی است.^{۲۱۲} این محدودیت‌ها، به‌ویژه در مقایسه با نظام‌های حقوقی پیشرفته‌تر، نشان‌دهنده نیاز به تقویت

^{۲۱۰}Selwyn, J. (2023). Outcomes for children adopted from care in the UK. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 228-247). Edward Elgar Publishing. P6

^{۲۱۱} دیانی، عبدالرسول، ۱۳۷۸، حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

^{۲۱۲} خاکساری، سمیرا، ۱۳۸۸، بررسی تطبیقی حقوق کودک در فقه امامیه و کنوانسیون حقوق کودک، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء عليها السلام. ص ۱۲

سازوکارهای نظارتی و حقوقی است. در عمل، نظارت سازمان بهزیستی بر وضعیت حقوقی کودک پس از پذیرش، به دلیل فقدان پروتکل‌های استاندارد و آموزش ناکافی مددکاران، اغلب به گزارش‌های کلی و غیرتخصصی محدود می‌شود. این گزارش‌ها، که باید مبنای تصمیم‌گیری‌های قضایی باشند، به ندرت شامل ارزیابی‌های عمیق حقوقی یا مالی هستند و بیشتر بر جنبه‌های ظاهری مانند وضعیت معیشتی تمرکز دارند. این موضوع، احتمال نادیده گرفتن حقوق کودک در زمینه‌هایی مانند دسترسی به آموزش عالی یا حمایت‌های حقوقی در برابر سوءاستفاده را افزایش می‌دهد. فقدان یک پایگاه داده مرکزی برای ثبت و پیگیری وضعیت کودکان تحت سرپرستی نیز این مشکل را تشدید می‌کند. از منظر تطبیقی، نظام حقوقی ایران در مقایسه با انگلستان، که از طریق آژانس‌های فرزندخواندگی و خدمات پس از فرزندخواندگی نظارت مستمر و نظام‌مندی را اعمال می‌کند، در تأمین حقوق حقوقی کودک پس از پذیرش با کاستی‌هایی مواجه است. برای نمونه، در ایران، نبود سازوکارهای مشخص برای حمایت از حقوق کودک در برابر تغییرات وضعیت سرپرست (مانند طلاق یا فوت) می‌تواند ثبات حقوقی کودک را به خطر بیندازد. این در حالی است که در انگلستان، قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، با پیش‌بینی حمایت‌های مالی و حقوقی مستمر، این خلأ را تا حد زیادی برطرف کرده است. این تفاوت، ضرورت بازنگری در قوانین ایران برای ایجاد سازوکارهای حقوقی پایدار را نشان می‌دهد.^{۲۱۳}

- حفظ هویت و ارتباط با گذشته کودک

حفظ هویت کودک در نظام حقوقی ایران، به دلیل تأکید بر حفظ پیوندهای خونی و محدودیت‌های فقهی در ایجاد رابطه نسبی کامل، با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است. قانون ۱۳۹۲، برخلاف نظام‌های حقوقی سکولار، ایجاد هویت جدید برای کودک از طریق سرپرستی را به رسمیت نمی‌شناسد و این امر می‌تواند بر حس تعلق و امنیت روانی کودک تأثیر منفی بگذارد. برای مثال، عدم امکان تغییر نام خانوادگی کودک یا ثبت او به عنوان فرزند قانونی سرپرست، ممکن است در محیط‌های اجتماعی مانند مدرسه یا جامعه، احساس تفاوت و انزوا را در کودک تقویت کند. این محدودیت، ریشه در مبانی فقهی دارد که نسب را غیرقابل تغییر می‌دانند. در ایران، قانون هیچ الزامی

^{۲۱۳} امیراسمعیلی زاده، ابوالفضل و مسلمی مهنی، مهلا و نقیب، آسیه، ۱۴۰۳، تحلیل و بررسی حقوقی فرزند خواندگی و حقوق کودکان بی سرپرست، نوزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان. ص ۳

برای حفظ ارتباط کودک با والدین طبیعی (در صورت وجود) یا ارائه اطلاعات درباره گذشته او پیش‌بینی نکرده است، که این موضوع می‌تواند به سردرگمی هویتی کودک منجر شود.^{۲۱۴} در مواردی که والدین طبیعی همچنان حقوقی محدود دارند، قانونگذار به جای تنظیم این ارتباط بر اساس مصلحت کودک، اغلب به حفظ پیوندهای خونی اولویت می‌دهد، حتی اگر این امر به ضرر سلامت روانی کودک باشد. نبود برنامه‌های آموزشی یا مشاوره‌ای برای کمک به کودک در فهم گذشته‌اش، این چالش را تشدید می‌کند. این در حالی است که در نظام‌های حقوقی پیشرفته‌تر، مانند انگلستان، حفظ هویت کودک از طریق دسترسی کنترل‌شده به اطلاعات گذشته‌اش مورد توجه قرار گرفته است. نظارت قضایی بر حفظ هویت کودک در ایران، به دلیل فقدان دستورالعمل‌های مشخص، به صلاحدید قضات و مددکاران بهزیستی وابسته است.^{۲۱۵} این وابستگی، به‌ویژه در نبود تخصص‌های میان‌رشته‌ای مانند روان‌شناسی کودک در فرآیند نظارت، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های ناسازگار منجر شود. برای مثال، در برخی موارد، قضات ممکن است بدون در نظر گرفتن نیازهای عاطفی کودک، تصمیماتی بگیرند که صرفاً بر اساس ملاحظات فقهی یا اجتماعی اتخاذ شده‌اند. این موضوع، در مقایسه با انگلستان که از پروتکل‌های مشخص برای حفظ هویت کودک استفاده می‌کند، نقطه ضعف قابل توجهی است. از منظر تطبیقی، انگلستان با پیش‌بینی امکان فرزندخواندگی باز و ارائه اطلاعات گذشته کودک به صورت کنترل‌شده، به حفظ هویت کودک کمک می‌کند. در ایران، اما، فقدان چنین سازوکاری، همراه با محدودیت‌های فرهنگی و حقوقی، می‌تواند کودک را از دسترسی به اطلاعات هویتی خود محروم کند. این تفاوت، ضرورت ایجاد چارچوب‌های حقوقی در ایران را برای حمایت از هویت کودک، به‌ویژه از طریق مشاوره‌های تخصصی و تنظیم ارتباط با گذشته او، برجسته می‌کند.^{۲۱۶}

ب: حمایت‌های روانی پس از پذیرش

- مشاوره روان‌شناختی و حمایت عاطفی

^{۲۱۴} ارسطویی، مرتضی و کریمی، قوام، ۱۳۹۷، بررسی و تحلیل شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران، سومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم انسانی، چالش‌ها و راه حل‌ها، تهران. ص ۴

^{۲۱۵} امیراسمعیلی زاده، ابوالفضل و مسلمی مهنی، مهلا و نقیب، آسیه، ۱۴۰۳، تحلیل و بررسی حقوقی فرزند خواندگی و حقوق کودکان بی سرپرست، نوزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان. ص ۴

^{۲۱۶} امامی، اسدالله، ۱۳۷۶، حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه تهران. ص ۱۷۷

در نظام حقوقی ایران، حمایت‌های روانی از کودک پس از پذیرش در قانون ۱۳۹۲ به صورت صریح پیش‌بینی نشده و عمدتاً به ابتکارات سازمان بهزیستی یا سرپرستان وابسته است. این سازمان، در برخی موارد، خدمات مشاوره‌ای محدودی ارائه می‌دهد، اما این خدمات به دلیل کمبود متخصصان روان‌شناسی کودک و نبود بودجه کافی، اغلب غیرمستمر و ناکافی هستند. کودکان تحت سرپرستی، که ممکن است تجربه‌های آسیب‌زای پیشین مانند فقدان والدین یا سوءاستفاده را داشته باشند، نیازمند حمایت‌های روانی مداوم هستند، اما قانونگذار هیچ الزامی برای ارائه این خدمات به صورت اجباری تعیین نکرده است.^{۱۷} این خلأ، می‌تواند سلامت روان کودک را در بلندمدت به خطر بیندازد. در عمل، مددکاران بهزیستی در ایران، که مسئولیت نظارت بر وضعیت کودک را بر عهده دارند، معمولاً فاقد آموزش تخصصی در زمینه روان‌شناسی کودک هستند و بیشتر بر جنبه‌های مادی مانند تأمین معیشت تمرکز دارند.^{۱۸} این تمرکز محدود، می‌تواند نیازهای عاطفی و روانی کودک، مانند حس تعلق یا اعتماد به محیط جدید، را نادیده بگیرد. برای مثال، کودکانی که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی یا اجتماعی در خانواده سرپرست احساس انزوا می‌کنند، بدون حمایت روانی مناسب، ممکن است با مشکلات عاطفی مانند افسردگی یا اضطراب مواجه شوند. این موضوع، در مقایسه با نظام‌های حقوقی پیشرفته‌تر، نقطه ضعف قابل توجهی است. نبود برنامه‌های آموزشی برای سرپرستان در زمینه نیازهای روانی کودکان تحت سرپرستی، یکی دیگر از چالش‌های نظام حقوقی ایران است. سرپرستان، به‌ویژه در مواردی که با کودکان دارای آسیب‌های روانی پیشین سروکار دارند، نیازمند آموزش‌هایی هستند که به آن‌ها در مدیریت رفتارهای کودک و تقویت پیوند عاطفی کمک کند. فقدان این آموزش‌ها، همراه با نبود مراکز تخصصی مشاوره برای کودکان تحت سرپرستی، حمایت‌های روانی را به سطحی غیرسیستماتیک و ناکارآمد کاهش داده است.^{۱۹} این در حالی است که در انگلستان، برنامه‌های آموزشی اجباری برای والدین خوانده و دسترسی به خدمات روان‌شناختی، این خلأ را تا حد زیادی برطرف کرده است. از منظر تطبیقی، انگلستان با پیش‌بینی خدمات روان‌شناختی مستمر تحت بخش ۴ قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، حمایت‌های روانی جامعی برای کودکان ارائه می‌دهد. این خدمات، که شامل مشاوره‌های فردی و خانوادگی است، به کودکان کمک می‌کند تا با چالش‌های عاطفی ناشی از تغییر خانواده یا گذشته آسیب‌زا

^{۱۷} جهانگیر، منصور، ۱۳۸۶، قانون حمایت از خانواده، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، تدوین، تهران، نشر دوران. ص ۱۵۳

^{۱۸} دیانی، عبدالرسول، ۱۳۷۸، حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان. ص ۱۷۲

^{۱۹} دانشور، سهراب، ۱۴۰۳، مروری بر تحولات احکام فرزندخواندگی در حقوق ایران، بیست و هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری، کرمان. ص ۴

کنار بیایند. در ایران، اما، فقدان چنین سازوکارهایی، همراه با محدودیت‌های مالی و سازمانی، حمایت‌های روانی از کودک را به حداقل رسانده است. این تفاوت، ضرورت ایجاد مراکز تخصصی و برنامه‌های آموزشی در ایران را برجسته می‌کند.^{۲۲۰}

- یکپارچگی اجتماعی و حمایت‌های محیطی

یکپارچگی اجتماعی کودک پس از پذیرش در ایران، به دلیل نبود حمایت‌های روانی و اجتماعی کافی، با موانع متعددی مواجه است. قانون ۱۳۹۲ هیچ الزامی برای ارائه برنامه‌های اجتماعی یا آموزشی به منظور تسهیل یکپارچگی کودک در محیط جدید، مانند مدرسه یا جامعه، پیش‌بینی نکرده است. این موضوع، به‌ویژه برای کودکانی که تجربه‌های آسیب‌زای پیشین دارند، می‌تواند به انزوای اجتماعی یا مشکلات رفتاری منجر شود. برای مثال، تفاوت‌های ظاهری یا فرهنگی بین کودک و خانواده سرپرست، در نبود حمایت‌های اجتماعی، ممکن است حس تفاوت و طردشدگی را در کودک تقویت کند. نظارت سازمان بهزیستی بر یکپارچگی اجتماعی کودک، به دلیل تمرکز بر جنبه‌های مادی مانند تأمین معیشت، اغلب به ارزیابی‌های سطحی محدود می‌شود. این نظارت، به‌ندرت شامل بررسی وضعیت اجتماعی کودک در محیط‌هایی مانند مدرسه یا تعاملات همسالان است، که این امر می‌تواند به نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و اجتماعی کودک منجر شود. علاوه بر این، فقدان برنامه‌های اجتماعی برای افزایش آگاهی عمومی درباره سرپرستی، انگ اجتماعی مرتبط با کودکان تحت سرپرستی را در ایران تشدید کرده است. این انگ، می‌تواند مانع از پذیرش کامل کودک در جامعه شود.^{۲۲۱}

در انگلستان، حمایت‌های محیطی برای یکپارچگی اجتماعی کودک از طریق برنامه‌های آموزشی و اجتماعی ارائه شده توسط آژانس‌های فرزندخواندگی تقویت می‌شود. این برنامه‌ها، که شامل کارگاه‌های آموزشی برای معلمان و والدین خوانده است، به کودک کمک می‌کند تا با محیط جدید سازگار شود. برای مثال، بخش ۴ قانون ۲۰۰۲، آژانس‌ها را ملزم به ارائه خدماتی می‌کند که یکپارچگی اجتماعی کودک را در مدرسه و جامعه تسهیل می‌کند. این خدمات، با تمرکز بر نیازهای خاص هر کودک، از بروز مشکلات اجتماعی مانند تبعیض یا انزوا جلوگیری می‌کند. از منظر

^{۲۲۰} واحدی، مصطفی، ۱۳۸۷، حقوق خانواده در سوئد، چاپ اول، تهران: گنج دانش. ص ۱۶۰

^{۲۲۱} جهانگیر، منصور، ۱۳۸۶، قانون حمایت از خانواده، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، تدوین، تهران، نشر دوران.

تطبیقی، ایران در مقایسه با انگلستان، که از شبکه‌ای گسترده از خدمات اجتماعی و روانی برای حمایت از یکپارچگی کودک استفاده می‌کند، با کمبودهای جدی مواجه است. فقدان برنامه‌های آموزشی برای معلمان یا والدین سرپرست در ایران، همراه با نبود مراکز اجتماعی برای حمایت از کودکان تحت سرپرستی، این خلأ را تشدید می‌کند. این تفاوت، ضرورت ایجاد سازوکارهای اجتماعی و آموزشی در ایران را برای تسهیل یکپارچگی کودکان تحت سرپرستی و کاهش انگ اجتماعی برجسته می‌کند.^{۲۲۲}

بند سوم: نقش نهادهای نظارتی و حمایتی در تضمین حقوق کودک

در نظام حقوقی ایران، نهادهای نظارتی و حمایتی، به‌ویژه سازمان بهزیستی، نقش کلیدی در تضمین حقوق کودک در فرآیند سرپرستی ایفا می‌کنند، اما این نقش با محدودیت‌های ساختاری و اجرایی مواجه است. بر اساس آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۴، بهزیستی موظف است از طریق بازرسی‌های دوره‌ای، از رعایت حقوق کودک به مسکن، تغذیه و آموزش اطمینان حاصل کند. با این حال، فقدان سازوکارهای پیشگیرانه برای شناسایی زودهنگام مشکلات، مانند سوءرفتار یا غفلت سرپرست، این نظارت را به فرآیندهای واکنشی محدود کرده است. برای مثال، نبود سامانه‌های هشداردهنده یا پروتکل‌های مشخص برای مداخله در موارد اضطراری، می‌تواند حقوق کودک به امنیت جسمی و روانی را در معرض خطر قرار دهد.^{۲۲۳} آیین محدودیت، به‌ویژه در مقایسه با نظام‌هایی که از رویکردهای پیشگیرانه بهره می‌برند، ضرورت بازنگری در ابزارهای نظارتی ایران را برجسته می‌کند.^{۲۲۴} نقش نهادهای قضایی در ایران، به‌ویژه دادگاه‌های ویژه خانواده، در نظارت بر حقوق کودک عمدتاً به بررسی پرونده‌های سرپرستی در مرحله واگذاری محدود شده است. ماده ۲۲ قانون ۱۳۹۲، دادگاه‌ها را ملزم به بررسی صلاحیت متقاضیان با توجه به گزارش‌های بهزیستی می‌کند، اما این قانون هیچ چارچوبی برای نظارت فعال پس از واگذاری ارائه نمی‌دهد. این خلأ، امکان رصد مستمر وضعیت حقوقی کودک،

^{۲۲۲} مدیرنیا، جواد، ۱۳۸۹، حقوق کودک، حضانت اطفال در حقوق مدنی ایران، اسلام و فرانسه. ص ۲۶

^{۲۲۳} حسن زاده، محمدامین، ۱۴۰۲، نظارت بر کار کودک در جمهوری اسلامی ایران در پرتو کنوانسیون حقوق کودک، دومین کنفرانس ملی مطالعات بنیادین فقهی، حقوقی: نظریه‌ها، رویکردها و چالش‌ها، مشهد. ص ۴

^{۲۲۴} کیافر، سهراب و غفوری، پژمان، ۱۴۰۴، بررسی روند فرزندخواندگی در حقوق ایران و کاستی‌های قوانین مربوطه، بیستمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران. ص ۱۰

مانند دسترسی به حقوق مدنی یا حمایت در برابر تغییرات ناگهانی در وضعیت سرپرست (مانند طلاق یا ورشکستگی)، را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، وابستگی دادگاه‌ها به گزارش‌های بهزیستی، که اغلب فاقد تحلیل‌های عمیق حقوقی یا اجتماعی هستند، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های قضایی غیرجامع منجر شود. این موضوع، نیاز به ایجاد واحدهای تخصصی قضایی با تمرکز بر حقوق کودک را در ایران مطرح می‌کند. در حوزه حمایت، سازمان بهزیستی در ایران تلاش‌هایی برای ارائه خدمات اجتماعی به کودکان تحت سرپرستی انجام داده است، اما این خدمات به دلیل فقدان تمرکز بر نیازهای خاص گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند کودکان با پیشینه مهاجرت یا معلولیت، محدود هستند. برای نمونه، برنامه‌های حمایتی موجود، اغلب به کمک‌های مالی مقطعی محدود می‌شوند و کمتر به توانمندسازی اجتماعی کودک در محیط‌های چندفرهنگی یا محروم توجه دارند. این کمبود، به‌ویژه در مناطق روستایی یا حاشیه‌ای که دسترسی به خدمات اجتماعی محدود است، حقوق کودک به یکپارچگی اجتماعی را تضعیف می‌کند. تقویت همکاری بین بهزیستی و سازمان‌های محلی، مانند شوراهای روستایی، می‌تواند این شکاف را تا حدی جبران کند، اما چنین سازوکاری هنوز توسعه نیافته است.^{۲۲۵}

در نظام حقوقی انگلستان، آژانس‌های فرزندخواندگی تحت نظارت مقامات محلی، نقش محوری در تضمین حقوق کودک از طریق نظارت فعال و پیشگیرانه ایفا می‌کنند. بر اساس بخش ۹ قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، این آژانس‌ها موظف‌اند برنامه‌های نظارتی جامعی طراحی کنند که شامل ارزیابی‌های دوره‌ای از وضعیت کودک در خانواده جدید و محیط اجتماعی او باشد. استفاده از فناوری‌های نوین، مانند سامانه‌های دیجیتال برای ثبت و تحلیل داده‌های مربوط به وضعیت کودک، به این نهادها امکان می‌دهد تا مشکلات احتمالی را به سرعت شناسایی و به آن‌ها واکنش نشان دهند. این رویکرد، با کاهش خطاهای انسانی و افزایش سرعت مداخله، حقوق کودک به امنیت و ثبات را به‌طور مؤثری تأمین می‌کند.^{۲۲۶} نقش حمایتی آژانس‌های فرزندخواندگی در انگلستان، با تأکید بر تعامل با جوامع محلی، از دیگر جنبه‌های برجسته این نظام است. این آژانس‌ها، از طریق همکاری با سازمان‌های غیردولتی و مدارس، برنامه‌هایی برای کاهش انگ اجتماعی مرتبط با فرزندخواندگی طراحی کرده‌اند که به کودکان کمک می‌کند تا در محیط‌های اجتماعی بهتر

^{۲۲۵} اکبری، سمیه و خردمندی، سعید، ۱۳۹۴، حقوق فرزندخوانده در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست سال ۱۳۹۱، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز. ص ۷

^{۲۲۶} صوف باف، سیدمرتضی و حجتی نسب، مرتضی و خانی، امیر، ۱۴۰۱، شرایط و آثار فرزندخواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، اولین همایش ملی تحولات قانونگذاری در زمینه استحکام خانواده و مدیریت اختلافات، دامغان. ص ۲

پذیرفته شوند. برای مثال، کارگاه‌های آموزشی برای جوامع محلی، با هدف افزایش آگاهی درباره نیازهای کودکان تحت فرزندخواندگی، به کاهش تبعیض و تقویت حس تعلق کودک کمک می‌کند. این رویکرد، در مقایسه با ایران که فاقد برنامه‌های مشابه است، نشان‌دهنده اهمیت تعامل نهادهای حمایتی با جامعه در تضمین حقوق اجتماعی کودک است.^{۲۲۷}

یکی از ویژگی‌های متمایز نظام انگلستان، استفاده از تیم‌های تخصصی برای نظارت بر حقوق کودک در برابر چالش‌های خاص، مانند سوءاستفاده یا تغییرات خانوادگی، است. این تیم‌ها، که شامل متخصصان حقوق، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی هستند، گزارش‌هایی چندوجهی ارائه می‌دهند که به دادگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌های دقیق کمک می‌کند. برای نمونه، در پرونده‌های پیچیده مانند فرزندخواندگی کودکان با نیازهای ویژه، این تیم‌ها برنامه‌های حمایتی متناسب با شرایط کودک طراحی می‌کنند که شامل خدمات پزشکی، آموزشی و روانی است. این سطح از تخصص، در مقایسه با ایران که فاقد چنین تیم‌های تخصصی است، تفاوت قابل توجهی در کیفیت نظارت و حمایت ایجاد می‌کند.^{۲۲۸} در ایران، یکی از جنبه‌های کمتر توجه‌شده، نقش بالقوه نهادهای غیردولتی در تقویت نظارت و حمایت از کودکان تحت سرپرستی است. این نهادها، به دلیل محدودیت‌های قانونی و نبود حمایت‌های دولتی، کمتر در فرآیند سرپرستی مشارکت دارند. در مقابل، در انگلستان، سازمان‌های غیردولتی با ارائه خدمات مشاوره‌ای و برنامه‌های آموزشی، نقش مکمل مهمی در کنار آژانس‌های دولتی ایفا می‌کنند. این همکاری، با ایجاد شبکه‌ای گسترده از خدمات، حقوق کودک به حمایت‌های روانی، اجتماعی و آموزشی را تقویت می‌کند. این تفاوت، ضرورت بازنگری در سیاست‌های ایران برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های غیردولتی در تضمین حقوق کودک را نشان می‌دهد.^{۲۲۹}

^{۲۲۷} دلمی، حسین، ۱۴۰۰، بررسی تحلیلی فرزندخواندگی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن با سایر کشورها، ماهنامه پایا شهر، دوره: ۳، شماره: ۳۴، ص ۴

^{۲۲۸} حسینی، عزت السادات و قاسمی، محسن، ۱۳۹۶، بررسی فرزندخواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، میبد، ص ۵

^{۲۲۹} حسینی، عزت السادات و قاسمی، محسن، ۱۳۹۶، بررسی فرزندخواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، میبد، ص ۶

بند چهارم: چالش‌های عملی در اجرای حقوق کودک در دو نظام

الف: محدودیت‌های اجرایی در نظارت و پیگیری وضعیت کودک

در نظام حقوقی ایران، یکی از چالش‌های اصلی در اجرای حقوق کودک در فرآیند سرپرستی، ناکارآمدی نظام نظارتی پس از واگذاری است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی را مسئول نظارت بر وضعیت کودکان تحت سرپرستی می‌داند (ماده ۱۶)، اما فقدان منابع انسانی کافی و ابزارهای تخصصی برای رصد مستمر، این نظارت را به بازرسی‌های گاه‌به‌گاه و غیرجامع محدود کرده است. این بازرسی‌ها اغلب به بررسی شرایط ظاهری مانند وضعیت معیشتی کودک اکتفا می‌کنند و کمتر به جنبه‌های پیچیده‌تر مانند سلامت روانی یا تعاملات اجتماعی او توجه دارند. این محدودیت، خطر نقض حقوق کودک به محیط خانوادگی امن و پایدار را افزایش می‌دهد، به‌ویژه در مواردی که سرپرستان به تعهدات خود عمل نمی‌کنند.^{۳۰} نبود سامانه‌های دیجیتال یکپارچه برای ثبت و پیگیری وضعیت کودکان تحت سرپرستی، چالش دیگری در ایران است. در غیاب یک پایگاه داده مرکزی، اطلاعات مربوط به وضعیت حقوقی، آموزشی یا سلامت کودک به‌صورت پراکنده و غیرسیستماتیک ثبت می‌شود، که هماهنگی بین نهادهای نظارتی مانند بهزیستی و دادگاه‌های خانواده را دشوار می‌کند. این پراکندگی، امکان شناسایی به‌موقع مشکلات، مانند تغییر شرایط سرپرست یا نقض حقوق کودک، را کاهش می‌دهد. در مقایسه با نظام‌هایی که از فناوری‌های نوین برای نظارت استفاده می‌کنند، این ضعف ساختاری در ایران، اجرای حقوق کودک را با موانع جدی مواجه کرده است.^{۳۱} یکی دیگر از مشکلات عملی در ایران، کمبود تخصص‌های میان‌رشته‌ای در میان مددکاران بهزیستی است که مسئول ارزیابی وضعیت کودکان هستند. این مددکاران، که اغلب فاقد آموزش‌های پیشرفته در زمینه روان‌شناسی کودک یا حقوق مدنی هستند، نمی‌توانند تحلیل‌های عمیقی از نیازهای کودک ارائه دهند. برای مثال، در مواردی که کودک با چالش‌های عاطفی یا رفتاری مواجه است، گزارش‌های مددکاران ممکن است فاقد داده‌های لازم برای مداخله قضایی مؤثر باشد. این کمبود تخصص، در

^{۳۰} آفرینش، علی اصغر و عسکری، فرزاد، ۱۴۰۳، حقوق کودک در قوانین ایران و کنوانسیون‌های جهانی، اولین همایش ملی تاثیر متقابل حقوق بین الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، گرگان. ص ۴

^{۳۱} عینی پور، بهرام و جوادنیا ریک، محمد، ۱۴۰۳، بررسی حق و حقوق کودکان در نظام حقوقی ایران، سیزدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان. ص ۳

مقایسه با نظام‌های حقوقی پیشرفته‌تر که از تیم‌های تخصصی بهره می‌برند، اجرای حقوق کودک به حمایت‌های روانی و اجتماعی را تضعیف می‌کند.^{۳۳۲}

در نظام حقوقی انگلستان، هرچند نظارت بر وضعیت کودکان تحت فرزندخواندگی از طریق آژانس‌های فرزندخواندگی تحت بخش ۴ قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ به خوبی سازمان‌دهی شده است، اما چالش‌های عملی همچنان وجود دارند. یکی از این چالش‌ها، تأخیرهای بوروکراتیک در فرآیند نظارت است که می‌تواند دسترسی کودکان به خدمات حمایتی را به تأخیر بیندازد. برای نمونه، ارزیابی‌های دوره‌ای که توسط آژانس‌ها انجام می‌شود، به دلیل حجم بالای پرونده‌ها و پیچیدگی‌های اداری، گاه با تأخیر مواجه می‌شود، که این امر می‌تواند حقوق کودک به دریافت حمایت‌های به موقع را تحت تأثیر قرار دهد. در انگلستان، نابرابری در دسترسی به خدمات نظارتی و حمایتی بین مناطق مختلف، چالش دیگری است.^{۳۳۳} مناطق محروم یا روستایی ممکن است به آژانس‌های فرزندخواندگی با منابع محدود دسترسی داشته باشند، که این امر کیفیت نظارت بر کودکان را کاهش می‌دهد. برای مثال، در برخی مناطق، کمبود مددکاران اجتماعی متخصص می‌تواند به نظارت ناکافی بر وضعیت کودکان منجر شود، به ویژه در مواردی که کودکان با نیازهای خاص، مانند معلولیت یا پیشینه مهاجرت، مواجه هستند. این نابرابری، اجرای یکنواخت حقوق کودک را در سراسر کشور با مشکل مواجه کرده است.^{۳۳۴} از دیگر چالش‌های عملی در انگلستان، هماهنگی بین آژانس‌های فرزندخواندگی و سایر نهادهای اجتماعی، مانند مدارس یا مراکز درمانی، است. هرچند پایگاه داده‌های ملی برای ثبت اطلاعات کودکان وجود دارد، اما انتقال اطلاعات بین این نهادها گاه با موانع فنی یا قانونی مواجه می‌شود. این موضوع می‌تواند به ناهماهنگی در ارائه خدمات، مانند عدم اطلاع‌رسانی به موقع درباره مشکلات آموزشی یا سلامت کودک، منجر شود. این

^{۳۳۲} لرجوری، عاطفه و عباسی، مصطفی، ۱۳۹۸، بررسی حقوق کودک از منظر قوانین داخلی و بین المللی، کنفرانس ملی ایده های نوین و پژوهش های کاربردی در علوم انسانی، رشت.

^{۳۳۳} انصاری، الهه، ۱۳۹۸، مطالعه ی تطبیقی حقوق کودک در نظام حقوقی ایران و انگلستان، هجدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم و فناوری. ص ۳

^{۳۳۴} رضائیا، نیما و فرهادی، صالح، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، هشتمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان.

چالش، در مقایسه با ایران که فاقد چنین پایگاه داده‌ای است، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های متفاوت اما قابل توجه در اجرای حقوق کودک است.^{۲۳۵}

ب: کمبود برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای سرپرستان و والدین خواننده

در ایران، یکی از چالش‌های عملی برجسته در اجرای حقوق کودک، نبود برنامه‌های آموزشی جامع برای سرپرستان است. قانون ۱۳۹۲ هیچ الزامی برای آموزش اجباری سرپرستان در زمینه نیازهای روانی، اجتماعی یا حقوقی کودکان پیش‌بینی نکرده است، که این امر می‌تواند توانایی سرپرستان در مدیریت چالش‌های فرزندخواندگی را کاهش دهد. برای نمونه، سرپرستان ممکن است با مسائلی مانند مشکلات رفتاری کودک یا نیازهای خاص او در مواجهه با گذشته آسیب‌زا مواجه شوند، اما بدون آموزش مناسب، قادر به پاسخگویی مؤثر به این نیازها نباشند. این کمبود، حقوق کودک به محیط خانوادگی حمایت‌گر را به خطر می‌اندازد. فقدان مراکز تخصصی برای ارائه آموزش‌های مستمر به سرپرستان در ایران، این چالش را تشدید می‌کند. سازمان بهزیستی، به‌عنوان نهاد اصلی مسئول حمایت از کودکان تحت سرپرستی، منابع محدودی برای طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی دارد.^{۲۳۶} این محدودیت، به‌ویژه در مناطق محروم که دسترسی به خدمات آموزشی کمتر است، توانایی سرپرستان را در تأمین نیازهای پیچیده کودک کاهش می‌دهد. برای مثال، کودکان با تجربه‌های آسیب‌زا نیازمند رویکردهای خاصی هستند که سرپرستان بدون آموزش تخصصی نمی‌توانند آن‌ها را به‌کار گیرند. این موضوع، در مقایسه با نظام‌های حقوقی با برنامه‌های آموزشی پیشرفته، نقطه ضعف قابل توجهی است.^{۲۳۷} نبود شبکه‌های حمایتی محلی برای سرپرستان در ایران، چالش دیگری است که اجرای حقوق کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بسیاری از موارد، سرپرستان به دلیل فقدان دسترسی به گروه‌های حمایتی یا مشاوران متخصص، احساس انزوا می‌کنند و نمی‌توانند با چالش‌های فرزندخواندگی به‌درستی مقابله کنند. این انزوا می‌تواند به کاهش کیفیت

^{۲۳۵} حیدری، مرضیه و بذری، حمید و قدیری، علیرضا و محمدی قلعه‌نی، علی اکبر، ۱۴۰۴، مطالعه تطبیقی حقوق و تکالیف والد-فرزندی در تکنیک‌های مختلف کمک باروری (Assisted Reproductive Technology) در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس، چهارمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، تهران، ص ۷

^{۲۳۶} عینی پور، بهرام و جوادنیا ریک، محمد، ۱۴۰۳، بررسی حق و حقوق کودکان در نظام حقوقی ایران، سیزدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان، ص ۴

^{۲۳۷} لرجوری، عاطفه و عباسی، مصطفی، ۱۳۹۸، بررسی حقوق کودک از منظر قوانین داخلی و بین‌المللی، کنفرانس ملی ایده‌های نوین و پژوهش‌های کاربردی در علوم انسانی، رشت، ص ۵

مراقبت از کودک و نقض حقوق او به حمایت عاطفی منجر شود. در مقایسه، نظام‌هایی که شبکه‌های اجتماعی و آموزشی قوی برای والدین فراهم می‌کنند، از این نظر عملکرد بهتری دارند. این تفاوت، ضرورت ایجاد چنین شبکه‌هایی در ایران را برجسته می‌کند.^{۲۳۸}

در انگلستان، هرچند برنامه‌های آموزشی برای والدین خوانده تحت بخش ۴ قانون ۲۰۰۲ الزامی است، اما چالش‌هایی در اجرای مؤثر این برنامه‌ها وجود دارد. یکی از این چالش‌ها، تنوع در کیفیت برنامه‌های آموزشی بین آژانس‌های مختلف فرزندخواندگی است. برخی آژانس‌ها ممکن است برنامه‌های جامعی ارائه دهند که شامل آموزش‌های روان‌شناختی و اجتماعی باشد، در حالی که دیگران به دلیل کمبود منابع، تنها به آموزش‌های ابتدایی اکتفا می‌کنند. این ناهم‌آهنگی، می‌تواند توانایی والدین خوانده را در تأمین حقوق کودک به محیط خانوادگی امن تحت تأثیر قرار دهد.^{۲۳۹} چالش دیگر در انگلستان، دسترسی محدود برخی والدین خوانده به برنامه‌های آموزشی پیشرفته است، به‌ویژه در مواردی که کودکان دارای نیازهای خاص مانند معلولیت یا پیشینه مهاجرت هستند. این کودکان نیازمند آموزش‌های تخصصی برای والدین هستند که به مدیریت نیازهای خاص آن‌ها کمک کند، اما کمبود متخصصان در برخی مناطق می‌تواند این دسترسی را محدود کند. برای نمونه، والدینی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند، ممکن است به برنامه‌های آموزشی آنلاین یا حضوری باکیفیت دسترسی نداشته باشند، که این امر حقوق کودک به مراقبت تخصصی را به خطر می‌اندازد.^{۲۴۰} در انگلستان، نبود برنامه‌های آموزشی مداوم برای والدین خوانده پس از فرزندخواندگی، چالش دیگری است. بسیاری از والدین در مراحل اولیه آموزش‌هایی دریافت می‌کنند، اما با گذشت زمان و مواجهه با چالش‌های جدید، مانند مشکلات رفتاری کودک در سنین بالاتر، نیاز به آموزش‌های تکمیلی دارند. فقدان این آموزش‌های مستمر، به‌ویژه در مواردی که کودکان با مسائل پیچیده روانی مواجه هستند، می‌تواند حقوق کودک به حمایت‌های عاطفی و

^{۲۳۸} اسفندیار، کمیل، ۱۴۰۲، بررسی حقوق کودک در اسلام با استناد بر آیات و روایات، ششمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روانشناسی و

علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، تهران. ص ۳

^{۲۳۹} مقدم، محمدجواد و ضیاءالدینی، حسین و قره‌جلو، بیت‌الله، ۱۴۰۴، بررسی تطبیقی حمایت کیفری از کودکان در برابر تبعیض در نظام‌های

حقوقی ایران و انگلستان، سومین کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک، رشت. ص ۶

^{۲۴۰} رضائیا، نیما و فرهادی، صالح، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، هشتمین کنفرانس ملی حقوق، علوم

اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان.

اجتماعی را تضعیف کند. این موضوع، در مقایسه با ایران که حتی آموزش‌های اولیه نیز به صورت محدود ارائه می‌شود، نشان‌دهنده نیاز به بهبود برنامه‌های آموزشی در هر دو نظام است.^{۲۴۱}

گفتار هفتم: پیشنهاد‌های اصلاحی برای تقویت نظام فرزندخواندگی در ایران

اصلاح نظام آموزشی و حمایتی برای سرپرستان نیز از پیشنهاد‌های اساسی برای تقویت فرزندخواندگی در ایران است. ایجاد برنامه‌های آموزشی اجباری و تخصصی برای سرپرستان، با تمرکز بر مهارت‌های مدیریت نیازهای روانی و اجتماعی کودکان با پیشینه‌های آسیب‌زا، می‌تواند کیفیت مراقبت را بهبود بخشد. این برنامه‌ها، که می‌توانند توسط سازمان بهزیستی و با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز روان‌شناسی طراحی شوند، باید شامل آموزش‌هایی در زمینه‌های فرزندپروری، مدیریت استرس، و تقویت پیوند عاطفی با کودک باشند. همچنین، تشکیل شبکه‌های حمایتی محلی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی و جوامع محلی می‌تواند به سرپرستان در مواجهه با چالش‌های فرزندخواندگی کمک کند. این شبکه‌ها، با ارائه خدمات مشاوره‌ای و گروه‌های همیاری، می‌توانند از انزوای سرپرستان جلوگیری کرده و حقوق کودک به محیط خانوادگی حمایت‌گر را تقویت کنند.^{۲۴۲}

بند اول: اصلاح قوانین با هدف تقویت حقوق کودک فرزندخوانده

اصلاح قوانین فرزندخواندگی در ایران برای تقویت حقوق کودک نیازمند بازنگری جامع در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ است، به‌ویژه در زمینه تعریف دقیق و الزام‌آور مصلحت کودک. این قانون، هرچند در ماده ۱۳ مصلحت کودک را معیار اصلی تصمیم‌گیری‌های قضایی قرار داده، اما فقدان معیارهای مشخص و قابل‌سنجش برای ارزیابی این مفهوم، تفسیر آن را به صلاح‌دید قضات واگذار کرده است. پیشنهاد می‌شود که قانون با افزودن ضوابط عینی، مانند شاخص‌های روان‌شناختی، آموزشی و اجتماعی برای سنجش مصلحت، اصلاح

^{۲۴۱} انصاری، الهه، ۱۳۹۸، مطالعه‌ی تطبیقی حقوق کودک در نظام حقوقی ایران و انگلستان، هجدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری. ص ۷

^{۲۴۲} تقی‌زاد، سحر و الهامی، پریسا، ۱۴۰۳، فرزندخواندگی در حقوق ایران، هفتمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در حقوق، علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران.

شود. این شاخص‌ها می‌توانند با الهام از استانداردهای بین‌المللی، مانند ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، طراحی شوند تا اطمینان حاصل شود که تصمیمات قضایی به‌طور کامل نیازهای کودک را پوشش می‌دهند.^{۲۳} یکی از جنبه‌های مهم اصلاح قوانین، ایجاد سازوکارهای حقوقی برای تضمین حقوق مدنی کودک فرزندخوانده، به‌ویژه در زمینه هویت حقوقی است. قانون کنونی ایران، به دلیل محدودیت‌های فقهی، امکان ایجاد رابطه نسبی کامل بین کودک و سرپرست را فراهم نمی‌کند، که این امر می‌تواند به محرومیت کودک از حقوقی مانند تغییر نام خانوادگی یا ثبت به‌عنوان فرزند قانونی منجر شود. پیشنهاد می‌شود که قانون با پیش‌بینی امکان ثبت حقوقی کودک به‌عنوان عضوی از خانواده سرپرست، بدون نقض اصول فقهی، اصلاح شود. این اصلاح می‌تواند از طریق ایجاد یک وضعیت حقوقی جدید، مانند «فرزندخواندگی محدود»، انجام شود که حقوق مدنی کودک، مانند دسترسی به اسناد هویتی هماهنگ با خانواده سرپرست، را تضمین کند. برای تقویت حقوق مالی کودک، اصلاح قانون در جهت الزام سرپرستان به تأمین مالی پایدار ضروری است.^{۲۴} قانون ۱۳۹۲، در ماده ۱۷، سرپرستان را به تأمین مخارج کودک ملزم کرده، اما هیچ سازوکاری برای تضمین این تعهد در بلندمدت، به‌ویژه پس از فوت یا ناتوانی سرپرست، پیش‌بینی نکرده است. پیشنهاد می‌شود که قانون با الزام سرپرستان به ایجاد صندوق مالی یا بیمه‌ای خاص برای کودک اصلاح شود، که تحت نظارت سازمان بهزیستی و تأیید قضایی مدیریت شود. این صندوق می‌تواند حقوق کودک به آموزش، سلامت و رفاه را در شرایط بحرانی تضمین کند و از وابستگی صرف به وصیت سرپرست (تا سقف یک‌سوم اموال) جلوگیری نماید. اصلاح قوانین برای تقویت نظارت قضایی پس از واگذاری سرپرستی نیز از اولویت‌های اساسی است. قانون کنونی، نظارت پس از واگذاری را عمدتاً به سازمان بهزیستی واگذار کرده، اما فقدان چارچوب‌های قضایی مشخص برای مداخله در موارد نقض حقوق کودک، این نظارت را ناکارآمد کرده است.^{۲۵} پیشنهاد می‌شود که قانون با پیش‌بینی تشکیل شعب تخصصی قضایی برای رسیدگی به پرونده‌های سرپرستی اصلاح شود. این شعب می‌توانند با بهره‌گیری از کارشناسان حقوقی و روان‌شناسان، گزارش‌های دوره‌ای بهزیستی را بررسی کرده و در صورت لزوم، احکام اصلاحی مانند سلب سرپرستی یا تعیین

^{۲۳} عرب زاده جعفری، معصومه، ۱۳۹۹، بررسی تطبیقی فرزند خواندگی از منظر حقوق ایران و انگلیس، ششمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی. ص ۴

^{۲۴} تقی زاد، سحر و الهامی، پریسا، ۱۴۰۳، فرزندخواندگی در حقوق ایران، هفتمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در حقوق، علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران. ص ۳

^{۲۵} صوف باف، سیدمرتضی و حجتی نسب، مرتضی و خانی، امیر، ۱۴۰۱، شرایط و آثار فرزند خواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، اولین همایش ملی تحولات قانونگذاری در زمینه استحکام خانواده و مدیریت اختلافات، دامغان.

سرپرست جدید صادر کنند. این سازوکار، حقوق کودک به محیط خانوادگی امن را تقویت می‌کند. یکی دیگر از حوزه‌های نیازمند اصلاح، تنظیم ارتباط کودک با والدین طبیعی در مواردی است که قطع کامل ارتباط به مصلحت او نیست. قانون ۱۳۹۲ هیچ مقرره‌ای برای مدیریت این ارتباط پیش‌بینی نکرده و این امر می‌تواند به سردرگمی هویتی یا مشکلات عاطفی کودک منجر شود.^{۲۴۶} پیشنهاد می‌شود که قانون با الهام از مدل فرزندخواندگی باز در نظام‌های حقوقی مانند انگلستان، امکان ارتباط کنترل‌شده با والدین طبیعی را تحت نظارت قضایی و با توجه به مصلحت کودک فراهم کند. این ارتباط می‌تواند از طریق جلسات محدود یا تبادل اطلاعات با نظارت مددکاران اجتماعی تنظیم شود تا حقوق کودک به حفظ هویت و پیوندهای عاطفی تأمین گردد. اصلاح قوانین برای تقویت حقوق آموزشی کودک نیز ضروری است. قانون کنونی، هرچند سرپرستان را به تأمین آموزش کودک ملزم کرده، اما هیچ سازوکاری برای نظارت بر اجرای این تعهد یا حمایت از کودکان با نیازهای آموزشی خاص، مانند کودکان دارای معلولیت، ارائه نکرده است. پیشنهاد می‌شود که قانون با الزام سازمان بهزیستی به همکاری با وزارت آموزش و پرورش برای ارائه برنامه‌های آموزشی ویژه اصلاح شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل دسترسی به معلمان متخصص یا امکانات آموزشی مناسب برای کودکان با نیازهای خاص باشند تا حقوق آن‌ها به آموزش برابر تضمین شود. همچنین، پیش‌بینی کمک‌هزینه‌های آموزشی برای خانواده‌های کم‌درآمد می‌تواند این هدف را تقویت کند.^{۲۴۷} اصلاح قانون برای تقویت مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرآیند سرپرستی می‌تواند حقوق کودک را بهبود بخشد. در حال حاضر، نقش این سازمان‌ها در ایران محدود است و قانون هیچ مشوقی برای مشارکت آن‌ها پیش‌بینی نکرده است. پیشنهاد می‌شود که قانون با ایجاد چارچوب‌های حقوقی برای همکاری سازمان‌های غیردولتی با بهزیستی اصلاح شود. این سازمان‌ها می‌توانند خدمات مکملی مانند مشاوره تخصصی، برنامه‌های آموزشی برای سرپرستان، یا حمایت‌های اجتماعی برای کودکان ارائه دهند. این اصلاح، با افزایش منابع حمایتی، می‌تواند

^{۲۴۶} روحانی، سیده روشنا، ۱۴۰۲، ارزیابی حقوقی موضوع فرزند خواندگی در قانون حمایت از کودکان در ایران، سومین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، تهران. ص ۸

^{۲۴۷} اکبری، سمیه و خردمندی، سعید، ۱۳۹۴، حقوق فرزندخوانده در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست سال ۱۳۹۱، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز. ص ۹

حقوق کودک به محیط اجتماعی و عاطفی مناسب را تقویت کند و فشار بر نهادهای دولتی را کاهش دهد.^{۲۴۸}

بند دوم: به کارگیری الگوهای موفق اجرایی از نظام انگلستان

به کارگیری الگوهای موفق اجرایی از نظام فرزندخواندگی انگلستان در ایران می‌تواند با بهره‌گیری از سازوکارهای نظارتی مبتنی بر فناوری دیجیتال، حقوق کودک را در فرآیند سرپرستی تقویت کند. قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ انگلستان، آژانس‌های فرزندخواندگی را ملزم به استفاده از سامانه‌های دیجیتال یکپارچه برای ثبت و رصد وضعیت کودکان کرده است. این سامانه‌ها، با ذخیره اطلاعات حقوقی، آموزشی و سلامت کودک، امکان نظارت مستمر و شناسایی زودهنگام مشکلات را فراهم می‌کنند. در ایران، فقدان چنین سامانه‌ای، هماهنگی بین سازمان بهزیستی و سایر نهادها را مختل کرده است.^{۲۴۹} پیشنهاد می‌شود که با الگوبرداری از این مدل، یک پایگاه داده ملی برای کودکان تحت سرپرستی ایجاد شود که اطلاعات آن به صورت امن و با دسترسی محدود برای نهادهای نظارتی مانند بهزیستی و دادگاه‌های خانواده قابل استفاده باشد. این پایگاه می‌تواند شامل داده‌های به روز در مورد وضعیت تحصیلی، سلامت روان و شرایط خانوادگی کودک باشد تا از نقض حقوق او جلوگیری شود. از دیگر الگوهای موفق انگلستان، استفاده از تیم‌های میان‌رشته‌ای در فرآیند نظارت و حمایت از کودکان تحت فرزندخواندگی است. این تیم‌ها، متشکل از حقوق‌دانان، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی، گزارش‌های جامعی ارائه می‌دهند که مبنای تصمیم‌گیری‌های قضایی قرار می‌گیرند (بخش ۹ قانون ۲۰۰۲)^{۲۵۰} در ایران، گزارش‌های نظارتی بهزیستی اغلب فاقد تحلیل‌های تخصصی هستند و به جنبه‌های مادی محدود می‌شوند. الگوبرداری از این مدل می‌تواند با تشکیل تیم‌های تخصصی در سازمان بهزیستی، که شامل کارشناسان با آموزش‌های پیشرفته در زمینه حقوق کودک و روان‌شناسی باشند، اجرایی شود. این تیم‌ها می‌توانند ارزیابی‌های دقیق‌تری از وضعیت کودک ارائه دهند و به قضات در اتخاذ تصمیمات مبتنی بر مصلحت کودک کمک کنند.

^{۲۴۸} عرب زاده جعفری، معصومه، ۱۳۹۹، بررسی تطبیقی فرزند خواندگی از منظر حقوق ایران و انگلیس، ششمین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی. ص ۵

^{۲۴۹} Sharon detrick and paul vlaarding erbroek. Globalization of childlaw. martinus pub ، ۱۹۹۹. P. 16

^{۲۵۰} Fisher, P. A. (2015). Adoption, fostering, and the needs of looked-after and adopted children. Child and Adolescent Mental Health, 20(1), 5-12.

این رویکرد، دقت و اثربخشی نظارت بر حقوق کودک را در ایران بهبود می‌بخشد.^{۵۱} نظام انگلستان از طریق برنامه‌های آموزشی اجباری برای والدین خوانده، که تحت نظارت آژانس‌های فرزندخواندگی اجرا می‌شود، توانمندسازی والدین را تضمین می‌کند. این برنامه‌ها، که شامل آموزش‌های روان‌شناختی و مهارت‌های فرزندپروری است، به والدین کمک می‌کند تا نیازهای خاص کودکان، مانند مدیریت تروما یا مشکلات رفتاری، را برآورده کنند. در ایران، قانون ۱۳۹۲ هیچ الزامی برای آموزش سرپرستان پیش‌بینی نکرده است. پیشنهاد می‌شود که با الگوبرداری از این مدل، دوره‌های آموزشی اجباری برای سرپرستان طراحی شود که توسط سازمان بهزیستی و با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز روان‌شناسی اجرا گردد. این دوره‌ها می‌توانند موضوعاتی مانند مدیریت استرس کودک، تقویت پیوند عاطفی و آگاهی از حقوق قانونی کودک را پوشش دهند تا کیفیت مراقبت از کودک افزایش یابد.^{۵۲}

یکی دیگر از الگوهای موفق انگلستان، پیش‌بینی خدمات پس از فرزندخواندگی است که شامل مشاوره‌های روان‌شناختی و حمایت‌های مالی برای کودکان با نیازهای خاص می‌شود (بخش ۴ قانون ۲۰۰۲). این خدمات، که به صورت بلندمدت ارائه می‌شوند، به کودکان کمک می‌کنند تا با چالش‌های عاطفی و اجتماعی ناشی از تغییر خانواده کنار بیایند. در ایران، خدمات پس از سرپرستی به دلیل کمبود منابع و فقدان چارچوب قانونی، محدود و غیرمستمر هستند. الگوبرداری از این مدل می‌تواند با ایجاد مراکز تخصصی مشاوره در بهزیستی و تخصیص بودجه‌های هدفمند برای حمایت از کودکان با پیشینه‌های آسیب‌زا اجرایی شود. این مراکز می‌توانند خدمات روان‌شناختی، آموزشی و اجتماعی را به صورت مستمر ارائه دهند تا حقوق کودک به سلامت روان و یکپارچگی اجتماعی تأمین شود.^{۵۳} مدل فرزندخواندگی باز در انگلستان، که امکان ارتباط کنترل‌شده کودک با والدین طبیعی را تحت نظارت قضایی فراهم می‌کند، الگوی دیگری است که می‌تواند در ایران اجرا شود. این مدل، با حفظ هویت کودک و تأمین نیازهای عاطفی او، حقوق کودک به آگاهی از گذشته‌اش را تضمین می‌کند. در ایران، قانون ۱۳۹۲ هیچ سازوکاری برای مدیریت این ارتباط پیش‌بینی نکرده و

^{۵۱} صغیری، نسیم، ۱۴۰۲، مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان در فقه و حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی،

دوره: ۱۶، شماره: ۳، ص ۵

^{۵۲} Bramlett, M. D., Radcliff, L. F., & Blumberg, S. J. (2007). The health and well-being of adopted children. *Pediatrics*, 119(Supplement_1), S54-S60.

^{۵۳} Meakings, S., Ottaway, H., Coffey, A., Palmer, C., Doughty, J., & Shelton, K. (2018). The support needs and experiences of newly formed adoptive families: Findings from the Wales Adoption Study. *Adoption & Fostering*, 42(1), 58-75.

اغلب به قطع کامل ارتباط با والدین طبیعی منجر می‌شود. پیشنهاد می‌شود که با الگوبرداری از این مدل، قانون ایران اصلاح شود تا امکان ارتباط محدود و نظارت‌شده با والدین طبیعی، با توجه به مصلحت کودک و تحت نظارت مددکاران اجتماعی، فراهم گردد. این رویکرد می‌تواند از سردرگمی هویتی کودک جلوگیری کرده و حقوق او به حفظ پیوندهای عاطفی را تقویت کند.^{۲۵۴}

بند سوم: تقویت نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های حمایتی

تقویت نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های حمایتی در نظام فرزندخواندگی ایران نیازمند بازنگری در چارچوب‌های حقوقی و اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ است، که در حال حاضر مشارکت این نهادها را به حداقل رسانده است. پیشنهاد می‌شود که قانون با ایجاد سازوکارهای حقوقی مشخص، مانند اعطای مجوزهای فعالیت به سازمان‌های مدنی و تخصیص مشوق‌های مالیاتی، زمینه مشارکت فعال آن‌ها را در فرآیند سرپرستی فراهم کند. این سازمان‌ها می‌توانند با طراحی برنامه‌های آموزشی تخصصی برای سرپرستان، مانند کارگاه‌های مهارت‌افزایی در زمینه فرزندپروری کودکان با پیشینه‌های آسیب‌زا، نقش مکملی در کنار سازمان بهزیستی ایفا کنند.^{۲۵۵} این برنامه‌ها، با بهره‌گیری از متخصصان روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی، می‌توانند به ارتقای کیفیت مراقبت و تضمین حقوق کودک به محیط خانوادگی حمایت‌گر کمک کنند. یکی دیگر از راه‌های تقویت نقش نهادهای مدنی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی محلی برای حمایت از کودکان تحت سرپرستی و خانواده‌های آن‌ها است. در حال حاضر، فقدان چنین شبکه‌هایی در ایران، سرپرستان را از دسترسی به گروه‌های همیاری یا منابع اجتماعی محروم کرده است.^{۲۵۶} سازمان‌های حمایتی می‌توانند با تشکیل گروه‌های پشتیبانی محلی، فضایی برای تبادل تجربیات و مشاوره‌های غیررسمی بین سرپرستان ایجاد کنند. این شبکه‌ها، با همکاری شوراهای محلی و مساجد، می‌توانند به کاهش انگ اجتماعی مرتبط با سرپرستی کمک کرده و حقوق کودک به پذیرش اجتماعی و حس تعلق را تقویت کنند. این رویکرد، با الهام از مدل‌های موفق بین‌المللی،

^{۲۵۴} صغیری، نسیم، ۱۴۰۲، مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان در فقه و حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره:

۱۶، شماره: ۳، ص ۴

^{۲۵۵} محمدیان نصرآبادی، سیدابراهیم، ۱۴۰۱، حمایت از کودکان بزه دیده در حقوق ایران و انگلستان، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات

حقوقی و قضایی، ص ۴

^{۲۵۶} Carrabine, E. (2010). Youth justice in the United Kingdom. Essex Human Rights Review, 7(1), 12-24.

می‌تواند در ایران بومی‌سازی شود. نهادهای مدنی می‌توانند در افزایش آگاهی عمومی درباره فرزندخواندگی نقش مؤثری ایفا کنند. در ایران، نگرش‌های فرهنگی و کمبود اطلاعات عمومی، پذیرش اجتماعی کودکان تحت سرپرستی را محدود کرده است. سازمان‌های حمایتی، از طریق کمپین‌های رسانه‌ای و برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، می‌توانند با هدف تغییر نگرش‌های منفی و ترویج فرهنگ سرپرستی فعالیت کنند. این برنامه‌ها می‌توانند با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انسانی، مانند حمایت از ایتم، به جلب حمایت جامعه کمک کنند. چنین ابتکاراتی، با تقویت جایگاه اجتماعی کودکان تحت سرپرستی، حقوق آن‌ها به کرامت و برابری اجتماعی را تأمین می‌کنند.^{۲۵۷} برای تقویت نظارت غیررسمی بر حقوق کودک، نهادهای مدنی می‌توانند به‌عنوان ناظران مستقل در کنار سازمان بهزیستی عمل کنند. در حال حاضر، نظارت بر وضعیت کودکان تحت سرپرستی در ایران عمدتاً به بهزیستی محدود است که با کمبود منابع مواجه است. سازمان‌های حمایتی، با ایجاد تیم‌های داوطلبانه آموزش‌دیده، می‌توانند بازدیدهای دوره‌ای از خانواده‌های سرپرست انجام دهند و گزارش‌های مستقل به نهادهای قضایی ارائه کنند. این نظارت، که می‌تواند شامل ارزیابی‌های غیررسمی از وضعیت عاطفی و اجتماعی کودک باشد، به شناسایی مشکلات پنهان کمک کرده و حقوق کودک به امنیت و سلامت روان را تقویت می‌کند. این مدل، با الهام از همکاری سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی پیشرفته، می‌تواند در ایران اجرا شود.^{۲۵۸}

بند چهارم: ارتقاء آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی در حوزه فرزندخواندگی

ارتقاء آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی در حوزه فرزندخواندگی در ایران نیازمند طراحی برنامه‌های هدفمند برای تغییر نگرش‌های اجتماعی و رفع سوءتفاهمات فرهنگی است که اغلب ریشه در فقدان آگاهی عمومی و محدودیت‌های فقهی دارند. پیشنهاد می‌شود که سازمان بهزیستی، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمپین‌های رسانه‌ای چندوجهی راه‌اندازی کند که با استفاده از رسانه‌های جمعی و پلتفرم‌های دیجیتال، ارزش‌های انسانی و اسلامی مرتبط با حمایت از کودکان بی‌سرپرست را ترویج دهند. این کمپین‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از روایت‌های واقعی و مثبت از

^{۲۵۷} هیات پژوهشگران کاواندیش. ۱۳۸۷. نظام حقوقی انگلستان. ترجمه نسرين مهرا. تهران. انتشارات میزان. ص ۱۶۹

^{۲۵۸} محمدیان نصرآبادی، سیدابراهیم، ۱۴۰۱، حمایت از کودکان بزه دیده در حقوق ایران و انگلستان، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی. ص ۵

تجربه‌های سرپرستی، به کاهش انگ اجتماعی مرتبط با فرزندخواندگی کمک کنند.^{۲۵۹} چنین برنامه‌هایی، با تأکید بر مفاهیم قرآنی مانند حمایت از ایتم (سوره نساء، آیه ۳۶)، می‌توانند پذیرش اجتماعی این نهاد را تقویت کرده و حقوق کودک به کرامت و برابری اجتماعی را تأمین کنند. یکی دیگر از راهکارهای ارتقاء آموزش عمومی، توسعه برنامه‌های آموزشی در نظام آموزش و پرورش است که می‌تواند از طریق گنجاندن مفاهیم مرتبط با فرزندخواندگی در کتب درسی یا برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و معلمان اجرا شود. این برنامه‌ها، که باید با همکاری متخصصان روان‌شناسی و حقوق طراحی شوند، می‌توانند با هدف آگاهی‌بخشی درباره نیازهای عاطفی و اجتماعی کودکان تحت سرپرستی، به کاهش تبعیض در محیط‌های آموزشی کمک کنند.^{۲۶۰}

برای مثال، آموزش معلمان در زمینه مدیریت تعاملات همسالان با کودکان تحت سرپرستی می‌تواند از انزوای اجتماعی این کودکان جلوگیری کند. این رویکرد، با ایجاد فضایی فراگیر در مدارس، حقوق کودک به آموزش برابر و پذیرش اجتماعی را تقویت می‌کند. ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال آموزشی برای عموم مردم نیز می‌تواند نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی ایفا کند. این پلتفرم‌ها، که می‌توانند تحت نظارت سازمان بهزیستی و با مشارکت سازمان‌های مدنی توسعه یابند، باید محتوای تخصصی در قالب ویدئوهای آموزشی، مقالات و پادکست‌ها ارائه دهند که به موضوعاتی مانند فرآیند حقوقی سرپرستی، نیازهای روانی کودکان، و فواید اجتماعی فرزندخواندگی بپردازند. این پلتفرم‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مانند یادگیری تعاملی و واقعیت مجازی، تجربه‌های واقعی سرپرستی را شبیه‌سازی کنند تا آگاهی عمومی را به صورت ملموس افزایش دهند.^{۲۶۱} این ابزارها، با دسترسی گسترده به اقشار مختلف جامعه، حقوق کودک به پذیرش در محیط‌های اجتماعی را بهبود می‌بخشند. مشارکت فعال جوامع محلی در فرهنگ‌سازی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیشنهاد می‌شود که با همکاری نهادهای دینی، مانند مساجد و مراکز خیریه، برنامه‌های ترویجی برگزار شود که با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، فرزندخواندگی را به عنوان عملی خیرخواهانه معرفی کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل سخنرانی‌های علما، جلسات گفت‌وگو با سرپرستان موفق، و فعالیت‌های اجتماعی مانند جشنواره‌های فرهنگی باشند که به

^{۲۵۹} صادقی مقدم، محمدحسن و صادق شریعتی نسب، مطالعه تطبیقی اتفاق در فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، نامه ی مفید حقوق تطبیقی، ۹۴، ج ۸، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۷۳

^{۲۶۰} لیوینگستن، کارول، (۱۳۸۱)، حمایت آن لاین از کودکان، ترجمه: دزیانی، محمد حسن، خبرنامه انفورماتیک، شماره ۸۸، ص ۱۷

^{۲۶۱} متولی، محمد. (۱۳۷۹). قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران. مجله تحقیقات حقوقی، ۱۷۰.

افزایش آگاهی و کاهش پیش‌داوری‌های اجتماعی کمک کنند. این ابتکارات، با تقویت حس مسئولیت اجتماعی، حقوق کودک به محیطی حمایت‌گر و عاری از تبعیض را تأمین می‌کنند.^{۳۶۲}

جمع‌بندی و خلاصه‌ی فصل دوم

فصل دوم به تحلیل تطبیقی احکام و آثار حقوقی فرزندخواندگی در ایران و انگلستان می‌پردازد. این فصل در هفت گفتار سازماندهی شده و بر تفاوت‌های ناشی از مبانی فقهی در ایران و رویکرد لیبرال کودک‌محور در انگلستان تمرکز دارد. گفتار اول شرایط عمومی و اختصاصی فرزندخواندگی را بررسی می‌کند. در ایران، بر اساس قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست ۱۳۹۲، شرایط سنی (حداقل ۳۰ سال برای یکی از زوجین)، تأهل (اولویت زوجین بدون فرزند)، صلاحیت اخلاقی - دینی (التزام به اسلام) و ثبات مالی الزامی است. در انگلستان، قانون فرزندخواندگی ۲۰۰۲ حداقل سن ۲۱ سال، امکان درخواست برای زوجین همجنس/غیرهمجنس یا مجردها، و ارزیابی‌های چندمرحله‌ای (سلامت روانی، پیشینه کیفری، سازگاری فرهنگی) را پیش‌بینی کرده است. فرآیند انتخاب کودک در ایران توسط بهزیستی با تأکید بر تطابق دینی انجام می‌شود، در حالی که در انگلستان آژانس‌ها بر ارزیابی داده‌محور و نظارت میدانی تمرکز دارند. گفتار دوم حقوق و مسئولیت‌های والدین و فرزندان را توصیف می‌کند. در ایران، کودک حق نگهداری، تربیت و تأمین هزینه دارد اما ارث نمی‌برد؛ سرپرستان مسئول حفاظت، آموزش و تربیت دینی هستند. در انگلستان، رابطه حقوقی کامل شامل ارث، حمایت مالی و مشارکت کودک در تصمیم‌گیری‌ها است. الزامات حضانت، نفقه و آموزش در ایران بر اساس فقه شیعه و قانون مدنی است، در حالی که در انگلستان بر عدالت و حمایت دولتی تأکید دارد. نظارت پس از حکم در ایران توسط بهزیستی و در انگلستان توسط آژانس‌ها انجام می‌شود. گفتار سوم تفاوت‌های ساختاری را برجسته می‌کند. در ایران، فرزندخواندگی فاقد آثار نسبی/ارثی کامل است و ثبت سرپرستی محدود است؛ اختیارات فسخ تحت نظارت قضایی و تغییر نام محدود است. در انگلستان، رابطه کامل نسبی/ارثی ایجاد می‌شود، ثبت جامع و انعطاف‌پذیر است، و فسخ نادر. گفتار چهارم تأثیر عوامل فرهنگی-اجتماعی را تحلیل می‌کند. در ایران، نگرش دینی بر کفالت و حفظ محرمیت تمرکز دارد؛ نقش مذهب در پذیرش قوی

^{۳۶۲} صادقی مقدم، محمدحسن و صادق شریعتی نسب، مطالعه تطبیقی انفاق در فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، نامه‌ی مفید حقوق

تطبیقی، ۹۴، ج ۸، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۷۴

است و حمایت‌های اجتماعی محدود. در انگلستان، فرهنگ سکولار تنوع خانوادگی را می‌پذیرد و نهادهای مدنی فعال هستند. آگاهی عمومی در ایران پایین است. گفتار پنجم تاریخچه قوانین را مرور می‌کند. در ایران، از قانون ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۲ با تأکید فقهی تحول یافته؛ در انگلستان، از ۱۹۲۶ تا ۲۰۰۲ با تمرکز بر مصلحت کودک. مقایسه نشان‌دهنده محدودیت‌های فقهی در ایران و انعطاف سکولار در انگلستان است. گفتار ششم حمایت قانونی از حقوق کودک را ارزیابی می‌کند. در ایران، مصلحت کودک معیار است اما نظارت ضعیف؛ حمایت‌های روانی محدود. در انگلستان، حمایت جامع با نظارت مستمر. چالش‌ها شامل محدودیت‌های اجرایی و کمبود آموزش در هر دو نظام است. گفتار هفتم پیشنهادهای اصلاحی ارائه می‌دهد: اصلاح قوانین برای تعریف مصلحت، تضمین حقوق مالی/هویتی، الگوبرداری از انگلستان در نظارت دیجیتال و آموزش والدین، تقویت نهادهای مدنی برای حمایت اجتماعی، و فرهنگ‌سازی از طریق رسانه و آموزش عمومی برای افزایش پذیرش اجتماعی.

فصل سوم

آثار ناشی از فرزندخواندگی در ایران و انگلستان

فرزندخواندگی به عنوان یکی از نهادهای مهم حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف، آثار و پیامدهای گوناگونی در روابط حقوقی، خانوادگی و کیفری به همراه دارد. این آثار در نظام‌های حقوقی مختلف با توجه به مبانی فقهی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور، تفاوت‌های اساسی دارند. در حقوق ایران که بر مبانی فقه اسلامی استوار است، فرزندخواندگی آثار محدودی دارد و به ایجاد نسب حقیقی منجر نمی‌شود، در حالی که در حقوق انگلستان، این نهاد آثار گسترده‌تری دارد و فرزندخوانده تقریباً در همه جهات در حکم فرزند واقعی محسوب می‌شود. در این فصل، به بررسی تطبیقی آثار ناشی از فرزندخواندگی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان خواهیم پرداخت. این آثار را می‌توان در دو دسته کلی آثار مدنی و آثار کیفری تقسیم‌بندی کرد. آثار مدنی شامل مسائلی چون محرمیت، حضانت، ولایت، نفقه و توارث است، و آثار کیفری نیز به موضوعاتی مانند قصاص، دیات، حدود و سایر جرایم مرتبط با روابط خانوادگی می‌پردازد. بررسی تطبیقی این آثار نه تنها از منظر آکادمیک اهمیت دارد، بلکه می‌تواند در تکمیل و بهبود قوانین موجود و حل تعارضات حقوقی ناشی از فرزندخواندگی‌های بین‌المللی نیز مؤثر باشد. همچنین شناخت این تفاوت‌ها برای قضات، وکلا، سازمان‌های حمایتی از کودکان و خانواده‌های متقاضی فرزندخواندگی ضروری است.

گفتار اول: آثار فرزندخواندگی در روابط خانوادگی

بند اول: محرمیت و آثار آن

الف) مفهوم محرمیت در فرزندخواندگی

محرمیت یکی از مهم‌ترین آثار ناشی از روابط خانوادگی است که در فقه اسلامی و حقوق ایران دارای اهمیت ویژه‌ای است. در مورد فرزندخواندگی، بحث محرمیت از دو جنبه قابل بررسی است: محرمیت ناشی از رضاع و محرمیت ناشی از نسب. در حقوق ایران، فرزندخوانده با خانواده سرپرست نسب ندارد و بنابراین محرمیت نسبی بین آنها برقرار نمی‌شود. با این حال، در صورتی که کودک توسط مادر سرپرست شیر داده شود و شرایط رضاع تحقق یابد، محرمیت رضاعی بین طرفین ایجاد خواهد شد.^{۲۶۳}

^{۲۶۳} ظفری، مزده؛ خدایی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده. مبانی فقهی حقوق اسامی، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۷۷-۹۸.

در حقوق انگلستان، موضوع محرمیت به صورتی که در فقه اسلامی مطرح است وجود ندارد، اما قوانین مربوط به ازدواج^{۲۶۷} . محدودیت‌هایی برای ازدواج بین اعضای خانواده وضع کرده است. پس از تصویب قانون فرزندخواندگی ۱۹۷۶ و اصلاحیه‌های بعدی، فرزندخوانده در برخی موارد در حکم فرزند بیولوژیک قرار گرفت و ازدواج با والدین فرزندخوانده ممنوع شد.

ب) محرمیت رضاعی در حقوق ایران

در فقه امامیه و حقوق ایران، رضاع به معنای شیر دادن زن مسلمان به طفل در مدت معین و با شرایط خاص است که موجب محرمیت می‌شود. ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی ایران شرایط رضاع را بیان می‌کند. بر اساس این ماده، برای تحقق محرمیت رضاعی باید شرایطی از جمله تعداد مشخصی شیرخواری، مدت مشخص و... تحقق یابد.

در خصوص فرزندخواندگی، اگر مادر سرپرست به کودک شیر بدهد و شرایط قانونی رضاع تحقق یابد، محرمیت بین کودک و خانواده سرپرست برقرار می‌شود. این محرمیت شامل خود مادر، شوهر او (پدر سرپرست)، فرزندان آنها و برخی دیگر از اقوام می‌شود. این موضوع در عمل می‌تواند تأثیر مهمی در آینده روابط خانوادگی داشته باشد، به‌ویژه در مورد امکان ازدواج فرزندخوانده با اعضای خانواده سرپرست.^{۲۶۸}

پ) ازدواج فرزندخوانده با اعضای خانواده سرپرست

یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در حقوق ایران، امکان ازدواج فرزندخوانده با اعضای خانواده سرپرست است. از آنجا که در حقوق ایران فرزندخواندگی موجب ایجاد نسب نمی‌شود، از نظر فقهی و قانونی مانعی برای ازدواج فرزندخوانده با پدر یا مادر سرپرست یا فرزندان آنها وجود ندارد، مگر اینکه محرمیت رضاعی یا مصاهره‌ای ایجاد شده باشد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه ۱۳۹۲، ساکت در مورد ازدواج فرزندخوانده با سرپرست است. این سکوت قانونگذار موجب ابهام و اختلاف نظر شده است. برخی

^{۲۶۷}Marriage Act

^{۲۶۸} دارایی، محمدهادی، ناصر، مهدی، رضایی، مجید، باز پژوهشی در تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج با فرزندخوانده با رویکردی بر نظرات امام خمینی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۸.

از حقوقدانان معتقدند که با توجه به مصلحت کودک و اصول اخلاقی، باید محدودیت‌هایی برای چنین ازدواج‌هایی وضع شود.^{۲۶۶}

در حقوق انگلستان، موضوع متفاوت است. بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان^{۲۶۷} و قانون ازدواج و اصلاحیه‌های بعدی، فرزندخوانده نمی‌تواند با والدین فرزندخوانده خود ازدواج کند، زیرا پس از فرزندخواندگی، او در حکم فرزند واقعی آنها قرار می‌گیرد.^{۲۶۸}

ت) آثار محرمیت در دیگر روابط خانوادگی

محرمیت در حقوق اسلام و ایران تنها محدود به ازدواج نیست، بلکه آثار دیگری نیز دارد. برای مثال، احکام مربوط به حجاب، خلوت و نگاه کردن بین محارم متفاوت است. در صورت تحقق محرمیت رضاعی، این احکام در مورد فرزندخوانده و خانواده سرپرست نیز جاری می‌شود. همچنین در مسائل مربوط به شهادت، قسامه و برخی احکام کیفری، محرمیت می‌تواند تأثیرگذار باشد. در حقوق انگلستان، این مفاهیم به صورت خاص وجود ندارد، اما قوانین مربوط به حریم خصوصی، حمایت از کودکان و روابط خانوادگی، چارچوب‌هایی برای روابط بین فرزندخوانده و خانواده تعیین می‌کنند.^{۲۶۹}

بند دوم: نسب و آثار آن

الف) عدم ایجاد نسب در حقوق ایران

یکی از اصول بنیادین در فقه شیعه و حقوق ایران این است که فرزندخواندگی هیچ‌گونه نسب حقیقی ایجاد نمی‌کند. نسب تنها از طریق تولد طبیعی، رحم جایگزین (با شرایط خاص) یا در برخی موارد استثنایی حاصل می‌شود. قرآن کریم در آیات ۴ و ۵ سوره احزاب صراحتاً اعلام می‌کند که فرزندخواندگی موجب ایجاد نسب نمی‌شود و این حکم در فقه اسلامی پذیرفته شده است. این عدم نسب، آثار گسترده‌ای در حقوق خانواده دارد. فرزندخوانده از والدین سرپرست ارث نمی‌برد (مگر

^{۲۶۶} عباسی، ساره. (۱۴۰۲) فرزند خواندگی در دین اسلام، یهود و مسیحیت. دانشگاه پیام نور استان بوشهر، مرکز پیام نور بوشهر.

^{۲۶۷} Adoption and Children Act 2002

^{۲۶۸} غدیری، ماهرو. فریدزاده، غزاله. (۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی قوانین ایران، انگلستان و آلمان درباره ازدواج با فرزندخوانده. دوره ۱۱، شماره ۲.

پاییز و زمستان. صفحه ۶۵۹-۶۸۵

^{۲۶۹} جوادیری، سید علی. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی پایان سرپرستی و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه، انگلستان و ایران. حقوق تطبیقی، جلد

۱۹، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۲۰-۱۳۰.

از طریق وصیت یا هبه) و آنها نیز از فرزندخوانده ارث نمی‌برند. همچنین تکالیف قانونی ناشی از نسب مانند نفقه، نسبت به فرزندخوانده برقرار نمی‌شود.^{۲۷۰}

پ) ایجاد نسب در حقوق انگلستان

برخلاف حقوق ایران، در حقوق انگلستان فرزندخواندگی به طور کامل نسب حقوقی ایجاد می‌کند. پس از صدور حکم فرزندخواندگی^{۲۷۱}، فرزندخوانده در همه جهات در حکم فرزند بیولوژیک والدین فرزندخوانده قرار می‌گیرد و تمام روابط حقوقی با والدین بیولوژیک قطع می‌شود.^{۲۷۲} قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ انگلستان به صراحت اعلام می‌کند که فرزندخوانده تمام حقوق و تکالیف یک فرزند واقعی را خواهد داشت. این شامل حق ارث، نفقه، حضانت و سایر حقوق خانوادگی می‌شود.^{۲۷۳}

ت) تأثیر نسب بر شناسنامه و هویت

در حقوق ایران، در شناسنامه فرزندخوانده، نام والدین واقعی او ثبت می‌شود و اشاره‌ای به والدین سرپرست نمی‌شود. این موضوع هرچند ممکن است از نظر حقوقی منطقی باشد، اما می‌تواند آثار روانی و اجتماعی منفی برای کودک داشته باشد. در حقوق انگلستان، پس از صدور حکم فرزندخواندگی، شناسنامه جدیدی برای کودک صادر می‌شود که در آن نام والدین فرزندخوانده به عنوان والدین قانونی ثبت می‌شود. شناسنامه قبلی ابطال می‌شود یا مهر محرمانه می‌خورد.^{۲۷۴} این رویکرد با هدف حفظ منافع کودک و ایجاد یکپارچگی در هویت خانوادگی او صورت می‌گیرد.

^{۲۷۰} امامی، اسدالله، (۱۳۸۱)، «حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، جلد دوم.

^{۲۷۱} Adoption Order

^{۲۷۲} Bromley, P. (1992) Family Law, London, Butterworths.

^{۲۷۳} بهرامی، ستار و ره انجام، حمیده، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا،

شماره ۴

^{۲۷۴} Lowe, Nigel and Douglas, Gillian (2014), Bromley's Family Law; Eleventh Edition, Oxford University Press.

بند سوم: نام خانوادگی و هویت اجتماعی

الف) نام خانوادگی در حقوق ایران

در حقوق ایران، با توجه به اینکه فرزندخواندگی نسب ایجاد نمی‌کند، فرزندخوانده نمی‌تواند نام خانوادگی والدین سرپرست را به طور رسمی و قانونی اخذ کند. این موضوع یکی از محدودیت‌های مهم و چالش‌برانگیز در نظام حقوقی ایران است. فرزندخوانده باید همچنان نام خانوادگی والدین بیولوژیک خود را حفظ کند، حتی اگر هیچ ارتباطی با آنها نداشته باشد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۲۹ اجازه می‌دهد که در مواردی که نام خانوادگی کودک شناخته نیست، با پیشنهاد سازمان بهزیستی و تأیید دادگاه، نام خانوادگی مناسبی برای کودک انتخاب شود. اما این حکم محدود به موارد خاص است و امکان تغییر نام خانوادگی به نام خانوادگی والدین سرپرست را فراهم نمی‌کند.^{۲۷۵}

ب) نام خانوادگی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، با صدور حکم فرزندخواندگی، نام خانوادگی فرزندخوانده به نام خانوادگی والدین فرزندخوانده تغییر می‌یابد. این تغییر به صورت رسمی در شناسنامه جدید ثبت می‌شود. این امر باعث می‌شود که فرزندخوانده به طور کامل در خانواده جدید ادغام شود و از نظر هویت اجتماعی نیز به عنوان عضو کامل این خانواده شناخته شود. قانون فرزندخواندگی ۲۰۰۲ انگلستان مقررات دقیقی در مورد تغییر نام و صدور شناسنامه جدید دارد. والدین فرزندخوانده می‌توانند نام کوچک کودک را نیز (با رعایت مصلحت کودک و با اجازه دادگاه در صورت لزوم) تغییر دهند.^{۲۷۶}

ج) آثار روانی و اجتماعی تفاوت در نظام‌ها

تفاوت در رویکرد به نام خانوادگی و هویت، آثار روانی و اجتماعی متفاوتی برای کودکان فرزندخوانده در دو نظام حقوقی دارد. در حقوق ایران، نگهداری نام خانوادگی اصلی ممکن است منجر به احساس جدایی و عدم تعلق کامل کودک به خانواده سرپرست شود، به‌ویژه در محیط‌های

^{۲۷۵} آبرون تن، منیژه (۱۳۹۳). فرزندخواندگی با عنایت به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، پایان نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

^{۲۷۶} Keating, J. (2023). Adoption in England and Wales: a brief history. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 14-36). Edward Elgar Publishing.

اجتماعی و مدرسه. از سوی دیگر، برخی معتقدند که حفظ نام خانوادگی اصلی حق کودک برای شناخت هویت واقعی خود را حفظ می‌کند و با اصل حق بر هویت در کنوانسیون حقوق کودک سازگار است. در حقوق انگلستان، تغییر کامل نام و هویت می‌تواند به یکپارچگی خانوادگی کمک کند، اما در مواردی ممکن است منجر به قطع کامل ارتباط کودک با ریشه‌های خود شود.^{۲۷۷}

گفتار دوم: حضانت و سرپرستی

بند اول: مفهوم و ماهیت حضانت

الف) حضانت در حقوق ایران

حضانت در حقوق ایران به معنای نگهداری و سرپرستی کودک است که شامل مراقبت از نیازهای جسمی، عاطفی و تربیتی او می‌شود. در فقه امامیه و قانون مدنی ایران، حضانت اطفال دارای احکام خاصی است که به تفکیک برای پدر و مادر تعریف شده است. بر اساس ماده ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت طفل در دوران شیرخوارگی (دو سال اول برای پسر و هفت سال اول برای دختر) با مادر است، و پس از آن با پدر. البته این احکام مربوط به کودکانی است که در چارچوب ازدواج متولد شده‌اند و والدین آنها از هم جدا شده باشند. در مورد فرزندخواندگی، از آنجا که رابطه نسبی وجود ندارد، احکام عادی حضانت به طور مستقیم اعمال نمی‌شود. حضانت فرزندخوانده بر اساس قرارداد سرپرستی و تحت نظارت سازمان بهزیستی انجام می‌شود.^{۲۷۸}

ب) حضانت در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، مفهوم حضانت^{۲۷۹} به تدریج با مفهوم جدیدتر "مسئولیت والدینی"^{۲۸۰} جایگزین شده است. قانون کودکان ۱۹۸۹ و قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ چارچوب‌های جدیدی برای حقوق و تکالیف والدین تعریف کرده‌اند. پس از صدور حکم فرزندخواندگی در انگلستان،

^{۲۷۷}Bilson, A., & Munro, E. H. (2019). Adoption and child protection trends for children aged under five in England: Increasing investigations and hidden separation of children from their parents. Children and Youth Services Review, 96, 204-211.

^{۲۷۸}آبرون تن، منیژه (۱۳۹۳). فرزندخواندگی با عنایت به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

^{۲۷۹}Custody

^{۲۸۰}Parental Responsibility

^{۲۸۱}Adoption and Children Act 2002

والدین فرزندخوانده به طور کامل مسئولیت والدینی را کسب می‌کنند و تمام حقوق و تکالیف مربوط به نگهداری، تربیت و تصمیم‌گیری در مورد کودک به آنها منتقل می‌شود. مسئولیت والدینی والدین بیولوژیک نیز به طور کامل قطع می‌شود.^{۲۸۲}

بند دوم: انتقال و انقضای حضانت

الف) شرایط تحویل کودک در حقوق ایران

در حقوق ایران، تحویل کودک به خانواده سرپرست تابع شرایط و مقررات خاصی است که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست تعیین شده است. سازمان بهزیستی مسئول ارزیابی صلاحیت خانواده‌های متقاضی و تطبیق آنها با کودکان است. بر اساس مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مذکور، متقاضیان سرپرستی باید شرایطی از جمله داشتن شرایط مالی مناسب، سلامت جسمی و روانی، عدم سابقه کیفری و... را داشته باشند. همچنین دادگاه باید تحویل کودک را تأیید کند. پس از تحویل کودک، سازمان بهزیستی مسئول نظارت بر وضعیت کودک و خانواده سرپرست است. این نظارت تا زمانی که کودک به سن قانونی برسد ادامه می‌یابد. در صورت عدم رعایت شرایط یا بروز مشکلات، سازمان می‌تواند کودک را از خانواده سرپرست بازگرداند.^{۲۸۳}

ب) پروسه فرزندخواندگی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، پروسه فرزندخواندگی بسیار دقیق و چندمرحله‌ای است. ابتدا خانواده‌های متقاضی باید تحت ارزیابی‌های جامعی قرار گیرند که توسط آژانس‌های فرزندخواندگی انجام می‌شود. این ارزیابی‌ها شامل بررسی سوابق، مصاحبه‌های روانشناختی، بازدید از منزل و دوره‌های آموزشی است. پس از ارزیابی و تأیید صلاحیت، کودک به صورت آزمایشی^{۲۸۴} با خانواده قرار می‌گیرد. این دوره آزمایشی معمولاً حداقل ۱۰ هفته (در مورد کودکان زیر یک سال) یا ۶ ماه (در مورد کودکان بالاتر) طول می‌کشد. در این مدت، خدمات اجتماعی به طور مرتب وضعیت کودک و خانواده را بررسی می‌کنند. در نهایت، دادگاه با بررسی همه جوانب و با تأکید بر مصلحت کودک،

^{۲۸۲}Douglas, Gillian (2016), "The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Family Law in England and Wales", in: European Family Law, by Jens M. Scherpe (ed), Vol: II, UK: Edward Elgar Publishing.

^{۲۸۳} ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی

در حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۸)، ص ۱۱۱-۱۴۵.

^{۲۸۴} Placement

حکم فرزندخواندگی را صادر می‌کند. این حکم قطعی و غیرقابل بازگشت است (مگر در موارد استثنایی بسیار محدود) و تمام حقوق قانونی کودک به والدین فرزندخوانده منتقل می‌شود^{۲۸۵}.

(ت) پایان حضانت و اقدامات بعدی

در حقوق ایران، سرپرستی فرزندخوانده تا زمان رسیدن کودک به سن بلوغ شرعی ادامه می‌یابد. پس از آن، کودک (که اکنون بالغ است) می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا همچنان با خانواده سرپرست زندگی کند یا نه. تکالیف قانونی سرپرست نیز پس از بلوغ کودک به پایان می‌رسد، مگر اینکه داوطلبانه ادامه یابد. در حقوق انگلستان، فرزندخواندگی یک رابطه دائمی و مادام‌العمر ایجاد می‌کند. بر خلاف حقوق ایران، رابطه والد-فرزندی حتی پس از رسیدن فرزندخوانده به سن قانونی (۱۸ سالگی) نیز ادامه دارد و تمام حقوق و تکالیف خانوادگی همچنان برقرار است.^{۲۸۶}

بند سوم: نظارت بر حضانت و حمایت از کودک

الف) نقش سازمان بهزیستی در ایران

سازمان بهزیستی در ایران نقش کلیدی در حمایت از کودکان بی‌سرپرست و نظارت بر فرزندخواندگی دارد. این سازمان مسئول شناسایی خانواده‌های واجد شرایط، ارزیابی آنها، تطبیق کودک با خانواده، نظارت مستمر و ارائه خدمات حمایتی است. بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، سازمان بهزیستی موظف است به طور منظم از وضعیت کودکان تحت سرپرستی بازدید کند و گزارش‌های لازم را تهیه نماید. در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا مشکل، سازمان باید اقدامات لازم از جمله اخطار به خانواده یا در موارد شدید، بازگرداندن کودک را انجام دهد. همچنین سازمان بهزیستی مسئول ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایتی به خانواده‌های سرپرست است تا بتوانند به بهترین نحو از کودک مراقبت کنند. این خدمات شامل مشاوره روانشناختی، آموزش‌های تربیتی و حمایت‌های مالی در صورت نیاز است.^{۲۸۷}

^{۲۸۵}Selwyn, J. (2023). Outcomes for children adopted from care in the UK. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 228-247). Edward Elgar Publishing.

^{۲۸۶}Reating, J. (2023). Adoption in England and Wales: a brief history. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 14-36). Edward Elgar Publishing.

^{۲۸۷}محسنی تبریزی، علیرضا (بی تا) بررسی وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران، فصلنامه تامین اجتماعی، سال سوم، شماره ۲۸.

ب) نظارت اجتماعی در انگلستان

در انگلستان، نظام نظارت بر فرزندخواندگی بسیار پیچیده و چندلایه است. آژانس‌های فرزندخواندگی و خدمات اجتماعی محلی^{۲۸} مسئولیت‌های مختلفی در این زمینه دارند. در دوره قبل از صدور حکم فرزندخواندگی دوره، خدمات اجتماعی به طور منظم با خانواده در تماس هستند و وضعیت کودک را ارزیابی می‌کنند. حتی پس از صدور حکم فرزندخواندگی، خدمات حمایتی به خانواده‌ها ارائه می‌شود تا از موفقیت فرزندخواندگی اطمینان حاصل شود. قانون فرزندخواندگی ۲۰۰۲ انگلستان تأکید ویژه‌ای بر ارائه خدمات حمایتی پس از فرزندخواندگی^{۲۸} دارد. این خدمات شامل مشاوره، گروه‌های حمایتی، خدمات درمانی برای کودکانی که آسیب‌های روانی دارند و کمک‌های مالی است^{۲۹}.

ت) مقایسه نظام‌های نظارتی

مقایسه نظام‌های نظارتی در دو کشور نشان می‌دهد که هر دو نظام بر اهمیت نظارت و حمایت تأکید دارند، اما رویکردها متفاوت است. در ایران، نظارت بیشتر جنبه قانونی و اداری دارد و تا زمان بلوغ کودک ادامه می‌یابد. در انگلستان، رویکرد جامع‌تر است و علاوه بر نظارت، بر ارائه خدمات حمایتی مستمر تأکید می‌شود و این خدمات حتی پس از صدور حکم فرزندخواندگی نیز در دسترس خانواده‌ها قرار دارد. یکی از چالش‌های مهم در ایران، محدودیت منابع و امکانات سازمان بهزیستی برای نظارت مؤثر و ارائه خدمات کافی است. در انگلستان نیز با وجود نظام پیشرفته‌تر، همچنان چالش‌هایی در زمینه تأمین منابع کافی برای خدمات حمایتی وجود دارد.^{۲۹}

^{۲۸}Local Authority Social Services

^{۲۹}Post-adoption Support Services

^{۳۰}Selwyn, J. (2023). Outcomes for children adopted from care in the UK. In Research Handbook on Adoption Law (pp. 228-247). Edward Elgar Publishing.

^{۳۱}Thoburn, J. (2021). Adoption from care in England: learning from experience. In Adoption from Care (pp. 17-32). Policy Press.

گفتار سوم: ولایت و قیمومیت

بند اول: مفهوم ولایت در فرزندخواندگی

الف) ولایت در فقه و حقوق ایران

ولایت در اصطلاح فقهی و حقوقی به معنای سرپرستی و تصمیم‌گیری در امور کودک است. در فقه امامیه، ولایت بر طفل با پدر و جد پدری است و پس از آن با وصی پدر یا حاکم شرع. ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی ایران بیان می‌کند: "پدر و جد پدری مادام که کودک قاصر است ولایت دارند".

در مورد فرزندخواندگی، از آنجا که نسب ایجاد نمی‌شود، والدین سرپرست ولایت طبیعی و ذاتی بر فرزندخوانده ندارند. به عبارت دیگر، آنها نمی‌توانند مانند والدین واقعی در تمام امور کودک تصمیم‌گیری کنند.^{۲۹۲} این موضوع یکی از محدودیت‌های مهم در نظام حقوقی ایران است که می‌تواند در عمل مشکلات زیادی ایجاد کند.

ب) ولایت در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، مفهوم "مسئولیت والدینی"^{۲۹۳} جایگزین مفهوم سنتی ولایت شده است. بر اساس قانون کودکان ۱۹۸۹ و قانون فرزندخواندگی ۲۰۰۲، مسئولیت والدینی شامل تمام حقوق، وظایف، اختیارات، مسئولیت‌ها و اقتدار قانونی است که والدین نسبت به فرزند و دارایی‌های او دارند. پس از صدور حکم فرزندخواندگی، والدین فرزندخوانده به طور کامل مسئولیت والدینی را کسب می‌کنند و مسئولیت والدینی والدین بیولوژیک به طور کامل منتها می‌شود. این بدان معناست که والدین فرزندخوانده در همه امور مربوط به کودک از جمله تحصیل، بهداشت، سفر، مسائل مالی و غیره می‌توانند تصمیم‌گیری کنند.^{۲۹۴}

^{۲۹۲} امامی، اسدالله، (۱۳۸۱)، «حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، جلد دوم.

^{۲۹۳} Parental Responsibility

^{۲۹۴} Eboe, Nigel and Douglas, Gillian (2014), Bromley's Family Law; Eleventh Edition, Oxford University Press.

بند دوم: محدودیت‌های ولایت در ایران

الف) تصمیم‌گیری‌های پزشکی و تحصیلی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که محدودیت ولایت در آن مشهود است، مربوط به تصمیم‌گیری‌های پزشکی و تحصیلی است. در حقوق ایران، والدین سرپرست ممکن است در مواقع اضطراری برای درمان فرزندخوانده تصمیم بگیرند، اما در تصمیمات مهم پزشکی مانند عمل‌های جراحی خطرناک، ممکن است نیاز به اخذ مجوز از دادگاه یا سازمان بهزیستی باشد.

همچنین در مسائل تحصیلی، هرچند در عمل والدین سرپرست تصمیم‌گیری می‌کنند، اما از نظر قانونی ولایت کامل ندارند. این موضوع می‌تواند در مواردی که نیاز به رضایت قانونی والدین است (مثلاً برای سفرهای تحصیلی به خارج از کشور) مشکل‌ساز شود.^{۲۹۵}

ب) امور مالی و معاملات

در امور مالی و معاملات، محدودیت ولایت بیشتر مشهود است. والدین سرپرست نمی‌توانند به نمایندگی از فرزندخوانده در معاملات مهم شرکت کنند یا اموال او را اداره کنند، مگر اینکه به عنوان قیم قانونی از سوی دادگاه منصوب شوند.^{۲۹۶} قانون مدنی ایران مقررات دقیقی در مورد قیمومیت و اداره اموال قاصرین دارد (مواد ۱۱۸۴ به بعد). بر اساس این مقررات، چنانچه کودک فاقد ولی باشد، دادگاه می‌تواند قیم برای او تعیین کند. در مورد کودکان فرزندخوانده، والدین سرپرست می‌توانند درخواست قیمومیت دهند و معمولاً دادگاه آنها را به عنوان قیم منصوب می‌کند.

پ) راه‌حل‌های قانونی برای رفع محدودیت

برای رفع این محدودیت‌ها، چند راه‌حل قانونی در نظام حقوقی ایران وجود دارد:

^{۲۹۵} شاهرخ مامی، ۱۳۹۳، بررسی حقوقی فرزندخواندگی با تکیه بر قوانین حمایت از کودکان در ایران، استاد راهنما: دکتر طیب افشارنیا،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

^{۲۹۶} کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی خانواده: اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان، جلد دو، چاپ ششم، تهران: برنا.

۱. وکالت نامه و قیمومیت: والدین سرپرست می‌توانند از والدین واقعی (در صورت امکان) وکالت‌نامه بگیرند یا از دادگاه درخواست قیمومیت کنند.^{۲۹۷}

۲. تصویب قوانین تکمیلی: برخی حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که قانونگذار باید مقررات خاصی برای اعطای اختیارات بیشتر به والدین سرپرست (بدون ایجاد نسب) وضع کند.^{۲۹۸}

۳. وصیت و هبه: والدین واقعی می‌توانند از طریق وصیت یا هبه، ولایت خود را به والدین سرپرست واگذار کنند.^{۲۹۹}

بند سوم: اختیارات والدین فرزندخوانده در انگلستان

الف) دامنه مسئولیت والدینی

در حقوق انگلستان، مسئولیت والدینی دامنه وسیعی دارد و شامل موارد زیر می‌شود:

۱. تصمیم‌گیری در امور پزشکی: از جمله رضایت برای درمان‌های پزشکی، عمل‌های جراحی و واکسیناسیون.

۲. تعیین محل سکونت: والدین فرزندخوانده می‌توانند محل سکونت کودک را تعیین کنند و حتی با او به کشور دیگری مهاجرت کنند.

۳. تصمیم‌گیری در امور تحصیلی: شامل انتخاب مدرسه، رشته تحصیلی و تصمیم‌گیری در مورد ادامه تحصیل.

۴. اداره اموال: والدین فرزندخوانده می‌توانند اموال کودک را اداره کنند و در معاملات به نمایندگی از او عمل کنند (البته با رعایت مصلحت کودک).

^{۲۹۷} کرد زاده، زهره، ۱۴۰۱، فرزندخواندگی و ولایت پذیری او از والدین در فقه و حقوق، دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و علوم قضایی.

^{۲۹۸} آبرون تن، منیژه (۱۳۹۳). فرزندخواندگی با عنایت به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

^{۲۹۹} افشارقوچانی، زهره (۱۴۰۰). «مسئله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، ۴ (۱۰)، ص ۳۷-۷.

۵. تعیین دین و فرهنگ: والدین فرزندخوانده می‌توانند در مورد تربیت مذهبی و فرهنگی کودک تصمیم بگیرند.^{۳۰}

ب) محدودیت‌های مسئولیت والدینی

با وجود گستردگی مسئولیت والدینی، برخی محدودیت‌ها نیز وجود دارد:

۱. مصلحت کودک: تمام تصمیمات باید بر اساس مصلحت عالی کودک باشد.
۲. نظارت دادگاه: در برخی موارد مهم، دادگاه ممکن است دخالت کند و تصمیمات والدین را بررسی کند.
۳. حقوق خود کودک: با افزایش سن کودک، نظرات و خواسته‌های او باید در تصمیم‌گیری‌ها در نظر گرفته شود.
۴. قوانین حمایت از کودک: قوانین حمایت از کودک در انگلستان بسیار قوی هستند و هرگونه سوء استفاده از مسئولیت والدینی می‌تواند منجر به مداخله قانونی و حتی لغو فرزندخواندگی شود (در موارد بسیار استثنایی).^{۳۱}

گفتار چهارم: آثار مالی فرزندخواندگی

بند اول: نفقه و انفاق

الف) نفقه در حقوق ایران

در فقه اسلامی و حقوق ایران، نفقه یکی از تکالیف مهم والدین نسبت به فرزندان است. بر اساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، "نفقه زوجه و اقارب بر عهده کسی است که نسبت به آنها واجب النفقه است." نفقه شامل تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و تحصیل است.

Douglas, Gillian (2016), "The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Family Law in England and Wales", in: European Family Law, by Jens M. Scherpe (ed), Vol: II, UK: Edward Elgar Publishing.
Douglas, Gillian (2016), "The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Family Law in England and Wales", in: European Family Law, by Jens M. Scherpe (ed), Vol: II, UK: Edward Elgar Publishing.

در مورد فرزندخواندگی، از آنجا که نسب ایجاد نمی‌شود، والدین سرپرست از نظر شرعی و قانونی تکلیف نفقه ندارند. به عبارت دیگر، پرداخت نفقه به فرزندخوانده یک تکلیف قانونی نیست، بلکه یک التزام داوطلبانه ناشی از قرارداد سرپرستی است^{۳۲}.

این موضوع می‌تواند در عمل مشکلاتی ایجاد کند. در صورتی که والدین سرپرست تمایل به ادامه سرپرستی نداشته باشند یا توانایی مالی خود را از دست بدهند، نمی‌توان آنها را قانوناً ملزم به پرداخت نفقه کرد (به جز در چارچوب قرارداد با سازمان بهزیستی).

ب) مقایسه با حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، پس از صدور حکم فرزندخواندگی، والدین فرزندخوانده تکلیف کامل نفقه و تأمین نیازهای مالی کودک را دارند، دقیقاً مانند والدین بیولوژیک. این تکلیف تا زمانی که کودک به سن قانونی (۱۸ سالگی) برسد ادامه دارد و در برخی موارد (مثلاً در صورت ادامه تحصیل) می‌تواند بیشتر نیز باشد. قانون کودکان ۱۹۸۹ و قانون فرزندخواندگی ۲۰۰۲ مقررات دقیقی در مورد تکالیف مالی والدین فرزندخوانده دارند. در صورت طلاق والدین فرزندخوانده، دادگاه می‌تواند دستور پرداخت نفقه کودک^{۳۴} را صادر کند، دقیقاً مانند کودکان بیولوژیک^{۳۴}.

پ) کمک‌های دولتی و حمایت‌های مالی

در ایران، سازمان بهزیستی در برخی موارد کمک‌های مالی به خانواده‌های سرپرست پرداخت می‌کند، به‌ویژه اگر کودک نیازهای خاصی داشته باشد یا خانواده توان مالی محدودی داشته باشد. همچنین بیمه درمانی کودکان تحت سرپرستی معمولاً توسط سازمان تأمین می‌شود.

^{۳۲} امامی، اسدالله، (۱۳۸۱)، «حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، جلد دوم.

^{۳۳} Child Maintenance

^{۳۴} صادقی مقدم، م.ح. شریعتی نسب، ص. (۱۳۹۱) "مطالعه تطبیقی انفاق در فرزند خواندگی در حقوق ایران و فرانسه"، نشریه نامه مفید، سال ۹، شماره ۹۴، صص ۱۳۹-۱۶۰.

در انگلستان نیز، دولت کمک‌های مالی و مزایای مختلفی به خانواده‌های فرزندخوانده ارائه می‌دهد. این کمک‌ها شامل Adoption Allowance، Child Benefit، Tax Credits و سایر مزایای رفاهی است. همچنین خدمات درمانی و آموزشی برای کودکان فرزندخوانده رایگان است.^{۳۰۵}

بند دوم: توارث

الف) عدم توارث در حقوق ایران

یکی از مهم‌ترین آثار عدم ایجاد نسب در فرزندخواندگی، عدم توارث است. در فقه امامیه و بر اساس مواد ۸۶۱ به بعد قانون مدنی ایران، توارث بر اساس نسب، سببیت (ازدواج) و ولأء (آزاد کردن برده) است. از آنجا که فرزندخواندگی هیچ یک از این موارد را ایجاد نمی‌کند، فرزندخوانده از والدین سرپرست ارث نمی‌برد و آنها نیز از فرزندخوانده ارث نمی‌برند.

این موضوع یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوقی ایران است. بسیاری از خانواده‌های سرپرست تمایل دارند که فرزندخوانده خود را در ارث سهیم کنند، اما قانون این امکان را فراهم نمی‌کند (به جز از طریق وصیت یا هبه با محدودیت‌های خاص).^{۳۰۶}

ب) راه‌حل‌های قانونی برای انتقال اموال

برای جبران عدم توارث، چند راه‌حل قانونی در حقوق ایران وجود دارد:

۱. وصیت: بر اساس ماده ۸۲۶ قانون مدنی، هر کس می‌تواند برای غیر وارث تا یک سوم اموال خود وصیت کند. بنابراین والدین سرپرست می‌توانند حداکثر یک سوم اموال خود را به فرزندخوانده وصیت کنند.

۲. هبه: والدین سرپرست می‌توانند در زمان حیات خود، اموالی را به فرزندخوانده هبه کنند. این هبه باید به صورت رسمی و قانونی انجام شود.

^{۳۰۵}Forrester, D., Goodman, K., Cocker, C., Binnie, C., & Jensch, G. (2009). What is the impact of public care on children's welfare? A review of research findings from England and Wales and their policy implications. *Journal of Social Policy*, 38(3), 439-456.

^{۳۰۶} افشارقوچانی، زهره (۱۴۰۰). « مسئله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران ». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه های حقوقی، ۴ (۱۰)، ص ۳۷-۷.

۳. بیمه عمر: یکی از راه‌های جدید که در عمل استفاده می‌شود، خریداری بیمه عمر و معرفی فرزندخوانده به عنوان ذینفع است. در این صورت، پس از فوت بیمه‌گذار، مبلغ بیمه به فرزندخوانده پرداخت می‌شود (این موضوع در منابع مستقیماً ذکر نشده اما از اصول حقوقی قابل استنباط است).

۴. تأسیس شرکت یا بنیاد: برخی خانواده‌ها با تأسیس شرکت و دادن سهام به فرزندخوانده یا تأسیس بنیاد خیریه، اموال خود را به او منتقل می‌کنند.

پ) توارث کامل در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، فرزندخوانده به طور کامل از والدین فرزندخوانده ارث می‌برد، دقیقاً مانند فرزندان بیولوژیک. پس از صدور حکم فرزندخواندگی، تمام حقوق ارث فرزندخوانده از والدین بیولوژیک قطع می‌شود و به والدین فرزندخوانده منتقل می‌شود.

قانون وراثت ۱۹۷۵ انگلستان و قانون فرزندخواندگی ۲۰۰۲ به صراحت این موضوع را تأیید می‌کرده‌اند. بر این اساس، فرزندخوانده در صورت فوت بدون وصیت‌نامه^{۳۰۸} والدین فرزندخوانده، دقیقاً مانند فرزندان بیولوژیک سهم ارث می‌برد.

همچنین فرزندخوانده می‌تواند از سایر اعضای خانواده فرزندخوانده (مانند پدربزرگ، مادربزرگ و غیره) نیز ارث ببرد. در مقابل، فرزندخوانده از خانواده بیولوژیک خود (به جز در موارد بسیار استثنایی) حق ارث ندارد.^{۳۰۸}

بند سوم: سایر آثار مالی

الف) بیمه و مزایای اجتماعی

در حقوق ایران، فرزندخوانده می‌تواند از بیمه درمانی والدین سرپرست استفاده کند، چرا که در عمل به عنوان فرد تحت تکفل آنها شناخته می‌شود. سازمان بهزیستی نیز معمولاً بیمه تکمیلی برای کودکان تحت سرپرستی فراهم می‌کند.

^{۳۰۸} Thtestacy

^{۳۰۸} افشارقوچانی، زهره (۱۴۰۰). «مسئله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، ۴ (۱۰)، ص ۳۷-۷.

در انگلستان، فرزندخوانده در تمام مزایای اجتماعی، بیمه‌ها و سایر حقوق مالی در حکم فرزند بیولوژیک است. این شامل بیمه درمانی، بیمه زندگی، صندوق‌های بازنشستگی و سایر مزایا می‌شود

۳۰۹

ب) تحصیل و هزینه‌های آموزشی

در هر دو نظام حقوقی، والدین سرپرست یا فرزندخوانده مسئول تأمین هزینه‌های تحصیلی کودک هستند. در ایران، سازمان بهزیستی در برخی موارد کمک‌های آموزشی به کودکان تحت سرپرستی ارائه می‌دهد. همچنین برخی دانشگاه‌ها سهمیه ویژه‌ای برای کودکان بی‌سرپرست در نظر می‌گیرند.

در انگلستان نیز، کودکان فرزندخوانده به تمام خدمات آموزشی رایگان دسترسی دارند و در برخی موارد، خدمات حمایتی ویژه‌ای برای کودکانی که از نظر تحصیلی عقب هستند، ارائه می‌شود.

گفتار پنجم: آثار کیفری فرزندخواندگی

بند اول: قصاص و دیات

الف) قصاص در فقه و حقوق ایران

قصاص یکی از مجازات‌های اساسی در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران است که در مورد قتل عمد و جنایات عمدی اعمال می‌شود. بر اساس کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قصاص در مواردی که بین مرتکب و مقتول یا مجنی‌علیه رابطه خاصی وجود داشته باشد، ممنوع یا محدود است.

از جمله این موارد، قصاص والد در قتل فرزند است. بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی: "پدر یا مادر یا اجداد پدری در صورت قتل عمد فرزند یا نوه، قصاص نمی‌شوند." این حکم بر اساس مبانی فقهی و احترام به رابطه نسبی والد و فرزند است.

در مورد فرزندخواندگی، از آنجا که نسب وجود ندارد، والدین سرپرست در صورت قتل عمد فرزندخوانده، قصاص می‌شوند. همچنین فرزندخوانده نیز در صورت قتل عمد والدین سرپرست، قصاص می‌شود. این یکی از آثار مهم عدم نسب در روابط کیفری است.^{۳۱}

ب) دیات و ارش

دیه مجازاتی است که در قتل غیرعمد یا جنایات غیرعمدی پرداخت می‌شود. میزان دیه بر اساس نوع جنایت و رابطه بین مرتکب و مجنی‌علیه تعیین می‌شود. در برخی موارد، وجود رابطه نسبی می‌تواند بر میزان دیه تأثیر بگذارد.

در مورد فرزندخواندگی، از آنجا که نسب وجود ندارد، احکام خاص مربوط به دیه بین اقوام اعمال نمی‌شود. به عنوان مثال، در صورت قتل غیرعمد فرزندخوانده توسط والدین سرپرست، دیه کامل باید پرداخت شود و تخفیفی که ممکن است در مورد قتل فرزند اعمال شود، در اینجا اعمال نمی‌شود.^{۳۱}

پ) قصاص در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، مجازات قصاص وجود ندارد و مجازات قتل، حبس ابد^{۳۲} است. تفاوتی بین قتل فرزند توسط والدین یا قتل فرزندخوانده توسط والدین فرزندخوانده وجود ندارد، اگرچه در تعیین میزان مجازات، رابطه بین مرتکب و قربانی می‌تواند به عنوان یک عامل تشدید یا تخفیف در نظر گرفته شود.

قانون قتل ۱۹۵۷^{۳۳} و قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳^{۳۴} چارچوب‌های مجازات قتل را تعیین می‌کنند. در مورد قتل کودک توسط والدین (چه بیولوژیک و چه فرزندخوانده)، جرم *infanticide* یا *child homicide* مطرح می‌شود که ممکن است مجازات‌های سنگین‌تری داشته باشد.^{۳۴}

^{۳۱} عبداللهی، محمد، ۱۴۰۱، بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزند خواندگی در حقوق ایران. فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، دوره: ۷، شماره: ۲۵.

^{۳۲} صغیری، نسیم، ۱۴۰۲، مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان در فقه و حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره: ۱۶، شماره: ۳، ص ۴.

^{۳۳} Life Imprisonment

^{۳۴} Homicide Act 1957

^{۳۵} Carrabine, E. (2010). Youth justice in the United Kingdom. Essex Human Rights Review, 7(1), 12-24.

بند دوم: سایر جرایم علیه اشخاص

الف) ضرب و جرح و آزار

در حقوق کیفری ایران، ضرب و جرح و آزار کودکان جرم است و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مقررات ویژه‌ای برای حمایت از کودکان در برابر خشونت دارد. این قانون شامل کودکان فرزندخوانده نیز می‌شود و والدین سرپرستی که مرتکب خشونت علیه فرزندخوانده شوند، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند.

جالب اینجاست که در برخی موارد، قانون به والدین حق تأدیب فرزندان را می‌دهد (در چارچوب محدود و بدون آسیب جدی). اما از آنجا که والدین سرپرست ولایت کامل بر فرزندخوانده ندارند، ممکن است این حق تأدیب نسبت به آنها محدودتر باشد یا اصلاً وجود نداشته باشد. این موضوع در رویه قضایی ایران چالش‌برانگیز بوده است.^{۳۱۵}

ب) سوء استفاده جنسی و جرایم جنسی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حمایت کیفری از کودکان، مربوط به جرایم جنسی است. در حقوق کیفری ایران، زنا با محارم (از جمله فرزندان) جرم بسیار شدیدی است و مجازات حد دارد. همچنین هرگونه سوء استفاده جنسی از کودکان جرم است و مجازات‌های شدیدی دارد.

در مورد فرزندخواندگی، از آنجا که محرمیت نسبی وجود ندارد (مگر با رضاع)، رابطه جنسی بین والد سرپرست و فرزندخوانده هرچند در حد زنا با محرم نیست، اما همچنان جرم شدیدی محسوب می‌شود، زیرا فرزندخوانده کودک است و تحت سرپرستی آن فرد قرار دارد. این موضوع می‌تواند تحت عناوینی مانند "سوء استفاده از موقعیت"، "آزار جنسی کودک" و سایر جرایم مشابه تعقیب شود.

^{۳۱۵} صغیری، نسیم، ۱۴۰۲، مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان در فقه و حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره:

۱۶، شماره: ۳، ص ۴

در حقوق انگلستان، قوانین حمایت از کودکان در برابر سوء استفاده جنسی بسیار قوی و جامع است. قانون جرایم جنسی ۲۰۰۳ مقررات دقیقی در این زمینه دارد. بر اساس این قانون، هرگونه فعالیت جنسی با کودک زیر ۱۶ سال جرم است و مجازات‌های شدیدی دارد.

در مورد فرزندخوانده، قانون جرایم جنسی ۲۰۰۳ به صراحت "Familial child sex offences" را تعریف می‌کند که شامل رابطه جنسی بین والدین (از جمله والدین فرزندخوانده) و کودکان می‌شود. این جرایم مجازات‌های بسیار سنگینی دارند و عامل تشدیدکننده محسوب می‌شوند.^{۳۱۷}

پ) غفلت و بی‌توجهی به کودک

در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، غفلت و بی‌توجهی به نیازهای کودک جرم است. در ایران، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مقررات دقیقی در این زمینه دارد. والدین یا سرپرستانی که از کودک مراقبت نکنند و نیازهای اساسی او را تأمین ننمایند، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند.

در مورد فرزندخواندگی، والدین سرپرست تعهد قراردادی با سازمان بهزیستی دارند و در صورت غفلت، علاوه بر مسئولیت کیفری، کودک می‌تواند از آنها گرفته شود.

در حقوق انگلستان، قانون کودکان و نوجوانان ۱۹۳۳ و قانون کودکان ۲۰۰۴، جرم غفلت از کودک را تعریف می‌کنند. والدین فرزندخوانده دقیقاً مانند والدین بیولوژیک مسئول مراقبت از کودک هستند و در صورت غفلت، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند.

بند سوم: جرایم مربوط به نقض قوانین فرزندخواندگی

الف) فرزندفروشی و قاچاق کودک

یکی از جرایم مهم در حوزه فرزندخواندگی، فرزندفروشی و قاچاق کودک است. در حقوق ایران، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، این جرایم را تعریف کرده و مجازات‌های شدیدی برای آنها در نظر گرفته‌اند.

^{۳۱۷}Sexual Offences Act 2003

Bilson, A., & Munro, E. H. (2019). Adoption and child protection trends for children aged under five in England: Increasing investigations and hidden separation of children from their parents. Children and Youth Services Review, 96, 204-211.

هرگونه تحویل کودک به دیگری خارج از چارچوب قانونی و بدون تأیید سازمان بهزیستی و دادگاه، جرم است. همچنین دریافت وجه یا منفعت برای تحویل کودک، می‌تواند تحت عنوان فرزندفروشی تعقیب شود.

در حقوق انگلستان، قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲ به صراحت جرایم مربوط به فرزندخواندگی غیرقانونی را تعریف می‌کند. دریافت وجه برای تحویل کودک (به جز در چارچوب قانونی و از طریق آژانس‌های مجاز)، تبلیغ برای فرزندخواندگی، و هرگونه ترتیب فرزندخواندگی خارج از چارچوب قانونی، جرایمی هستند که مجازات‌های سنگینی دارند.^{۳۱۸}

ب) نقض تعهدات سرپرستی

در حقوق ایران، والدین سرپرست با سازمان بهزیستی قرارداد می‌بندند و متعهد می‌شوند که از کودک مراقبت کنند و شرایط خاصی را رعایت کنند. نقض این تعهدات می‌تواند پیامدهای مدنی (مانند بازگرداندن کودک) و در موارد شدید، پیامدهای کیفری داشته باشد.

مثلاً اگر والدین سرپرست بدون اجازه سازمان بهزیستی، کودک را به شخص دیگری تحویل دهند، یا از او برای کار غیرقانونی استفاده کنند، یا او را ترک کنند، این اعمال می‌توانند تحت عناوین مختلف کیفری تعقیب شوند.^{۳۱۹}

پ) ربودن و بازگرداندن غیرقانونی کودک

در برخی موارد، والدین بیولوژیک ممکن است سعی کنند کودک را از خانواده سرپرست بازگردانند. این عمل می‌تواند تحت عنوان ربودن کودک جرم محسوب شود. قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از کودکان، مقررات دقیقی در این زمینه دارند.

در حقوق انگلستان نیز، پس از صدور حکم فرزندخواندگی، هرگونه تلاش برای بازگرداندن کودک به والدین بیولوژیک بدون اجازه دادگاه، جرم محسوب می‌شود. قانون ربودن کودک ۱۹۸۴ این جرم را تعریف می‌کند.^{۳۲۰}

^{۳۱۸}Lowe, Nigel and Douglas, Gillian (2014), Bromley's Family Law; Eleventh Edition, Oxford University Press.

^{۳۱۹}ابول تختی، سیمین دخت و سوادکوهی ماهفروجکی، صالح، ۱۴۰۲، قوانین فرزند خواندگی در ایران و راهکار برای کاهش جرم آن‌ها در آینده، دومین کنفرانس ملی آسیب‌های اجتماعی و روانی با تأکید بر علوم رفتاری، شیراز.

جمع بندی و خلاصه ی فصل سوم

فرزندخواندگی به عنوان نهادی حقوقی، آثار متعددی در روابط خانوادگی، مدنی و کیفری در نظام های حقوقی ایران و انگلستان دارد که به دلیل تفاوت های فقهی، فرهنگی و قانونی، در این دو نظام حقوقی تفاوت های چشمگیری مشاهده می شود. این فصل به بررسی تطبیقی این آثار در پنج گفتار اصلی پرداخته است: آثار در روابط خانوادگی، حضانت و سرپرستی، ولایت و قیمومیت، آثار

"Douglas, Gillian (2016), "The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Family Law in England and Wales", in: European Family Law, by Jens M. Scherpe (ed), Vol: II, UK: Edward Elgar Publishing.

مالی و آثار کیفری. در حقوق ایران، فرزندخواندگی نسب حقوقی ایجاد نمی‌کند و محرمیت تنها از طریق رضاع (با شرایط خاص ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی) برقرار می‌شود. این امر امکان ازدواج فرزندخوانده با والدین سرپرست یا فرزندان آنها را، در صورت نبود محرمیت رضاعی، مجاز می‌سازد که خلأ قانونی و چالش‌های اخلاقی را به همراه دارد. در مقابل، در حقوق انگلستان، فرزندخواندگی بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، فرزندخوانده را در حکم فرزند بیولوژیک قرار می‌دهد و ازدواج با والدین فرزندخوانده ممنوع است. محرمیت در انگلستان مفهومی مشابه فقه اسلامی ندارد، اما قوانین ازدواج محدودیت‌هایی برای روابط خانوادگی ایجاد می‌کنند. همچنین، در ایران، عدم تغییر نام خانوادگی فرزندخوانده به نام والدین سرپرست، هویت اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است احساس جدایی از خانواده را تقویت کند. در انگلستان، تغییر رسمی نام خانوادگی و صدور شناسنامه جدید، یکپارچگی خانوادگی را تقویت می‌کند، اما ممکن است ارتباط کودک با ریشه‌هایش را قطع کند. در ایران، حضانت فرزندخوانده بر اساس قرارداد سرپرستی و تحت نظارت سازمان بهزیستی انجام می‌شود. این نظارت تا بلوغ شرعی ادامه دارد و در صورت تخلف، امکان بازگرداندن کودک وجود دارد. در انگلستان، پس از صدور حکم فرزندخواندگی، والدین مسئولیت والدینی کامل کسب می‌کنند و رابطه حقوقی با والدین بیولوژیک قطع می‌شود. پروسه فرزندخواندگی در انگلستان چندمرحله‌ای و دقیق است، شامل ارزیابی‌های جامع و دوره آزمایشی. خدمات حمایتی پس از فرزندخواندگی نیز در انگلستان گسترده‌تر از ایران است، هرچند هر دو نظام با چالش‌هایی مانند محدودیت منابع مواجه‌اند. در ایران، والدین سرپرست ولایت طبیعی ندارند و برای تصمیم‌گیری‌های مهم (مانند امور پزشکی یا مالی) نیاز به قیمومیت قانونی یا مجوز دادگاه دارند. این محدودیت‌ها مشکلاتی در عمل ایجاد می‌کند. در انگلستان، والدین فرزندخوانده با کسب مسئولیت والدینی، اختیارات گسترده‌ای در تمام امور کودک دارند، مشروط به رعایت مصلحت کودک و نظارت محدود دادگاه. در ایران، نفقه فرزندخوانده تکلیف قانونی نیست و به قرارداد سرپرستی وابسته است، در حالی که در انگلستان، والدین فرزندخوانده ملزم به تأمین نیازهای مالی کودک هستند. در مورد توارث، در ایران به دلیل نبود نسب، ارث منتقل نمی‌شود، اما راه‌حل‌هایی مانند وصیت (تا یک سوم اموال) یا هبه وجود دارد. در انگلستان، فرزندخوانده مانند فرزند بیولوژیک از والدین ارث می‌برد. هر دو نظام حمایت‌های مالی و بیمه‌ای برای کودکان ارائه می‌دهند، اما انگلستان نظام جامع‌تری دارد. در ایران، به دلیل نبود نسب، قصاص بین والدین سرپرست و فرزندخوانده اعمال می‌شود، برخلاف رابطه والد-فرزند بیولوژیک که قصاص ممنوع است. جرایم علیه کودکان مانند آزار یا سوءاستفاده جنسی در هر دو نظام

جرم‌انگاری شده، اما در انگلستان قوانین جامع‌تر و مجازات‌ها سنگین‌تر است. فرزندفروشی و نقض تعهدات سرپرستی نیز در هر دو نظام جرم است. تفاوت‌های بنیادین در آثار فرزندخواندگی در ایران و انگلستان ناشی از مبانی فقهی در ایران و رویکرد سکولار در انگلستان است. ایران با تأکید بر عدم ایجاد نسب، محدودیت‌هایی در محرمیت، ولایت، نفقه و توارث دارد که گاه چالش‌های عملی و اخلاقی ایجاد می‌کند. انگلستان با ایجاد نسب حقوقی، یکپارچگی خانوادگی را تقویت می‌کند، اما ممکن است هویت اصلی کودک را تحت تأثیر قرار دهد. اصلاح قوانین ایران در جهت اعطای اختیارات بیشتر به والدین سرپرست و رفع ابهامات، و در انگلستان توجه بیشتر به حفظ ریشه‌های کودک، می‌تواند به بهبود این نهاد کمک کند. این بررسی تطبیقی برای قضات، وکلا و سیاست‌گذاران در راستای حمایت از کودکان و خانواده‌ها اهمیت دارد.

نتیجه گیری

فرزندخواندگی به عنوان نهادی حقوقی و اجتماعی با هدف حمایت از کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست، در نظام های حقوقی ایران و انگلستان جایگاه ویژه ای دارد. این نهاد، با ریشه های عمیق تاریخی و فرهنگی، در هر نظام حقوقی تحت تأثیر ارزش ها، اصول دینی و ساختارهای اجتماعی آن جامعه شکل گرفته است. در ایران، فرزندخواندگی عمدتاً تحت عنوان "سرپرستی" و با محدودیت های فقهی تعریف می شود، در حالی که در انگلستان، این نهاد به صورت کامل و با انتقال تمامی حقوق و تکالیف والدینی به رسمیت شناخته شده است. در نظام حقوقی ایران، فرزندخواندگی بر پایه فقه شیعه و قوانین مدنی، به ویژه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، شکل گرفته است. این قانون، با تأکید بر حفظ نسب و رعایت قواعد شرعی، بیشتر بر سرپرستی موقت یا دائم تمرکز دارد تا ایجاد رابطه نسبی کامل. این رویکرد، محدودیت هایی در زمینه حقوق ارث، محرمیت و هویت حقوقی کودک ایجاد کرده است که می تواند بر تأمین کامل حقوق کودک تأثیر منفی بگذارد. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان، بر اساس قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲، فرزندخواندگی را به عنوان رابطه ای حقوقی کامل تعریف می کند که در آن کودک به طور کامل به خانواده جدید ملحق شده و از تمامی حقوق والدینی برخوردار می شود. این نظام، با تأکید بر مصلحت کودک و انعطاف پذیری در پذیرش متقاضیان، امکان فرزندخواندگی را برای گروه های متنوعی از جمله زوج های همجنس و افراد مجرد فراهم کرده است.

یکی از تفاوت های کلیدی بین این دو نظام، در تعریف مصلحت کودک نهفته است. در ایران، مفهوم مصلحت کودک در قانون ۱۳۹۲ به صورت کلی و بدون معیارهای مشخص تعریف شده، که این امر تفسیر آن را به صلاح دید قضات واگذار کرده است. در انگلستان، قانون ۲۰۰۲ معیارهای عینی و دقیقی برای ارزیابی مصلحت کودک ارائه می دهد، که شامل سلامت روان، آموزش و ثبات خانوادگی است، و این معیارها در تصمیم گیری های قضایی به طور نظام مند اعمال می شوند. نظارت پس از واگذاری سرپرستی در ایران، عمدتاً بر عهده سازمان بهزیستی است، اما فقدان پروتکل های استاندارد و منابع کافی، این نظارت را ناکارآمد کرده است. در انگلستان، آژانس های فرزندخواندگی و تیم های میان رشته ای، نظارت مستمر و تخصصی را تضمین می کنند، که شامل ارزیابی های دوره ای از وضعیت کودک و ارائه خدمات حمایتی است. این تفاوت، نشان دهنده نیاز ایران به تقویت زیرساخت های نظارتی است.

حقوق مدنی و هویتی کودک در نظام انگلستان به طور کامل تأمین می‌شود، از جمله امکان تغییر نام خانوادگی و ثبت به عنوان فرزند قانونی خانواده جدید. در ایران، به دلیل محدودیت‌های فقهی، این حقوق به صورت محدود اعطا می‌شود، که می‌تواند به سردرگمی هویتی کودک یا محرومیت او از برخی حقوق اجتماعی منجر شود. این چالش، ضرورت بازنگری در قوانین ایران را برجسته می‌کند. در زمینه حقوق مالی کودک، قانون ایران سرپرستان را به تأمین مخارج کودک ملزم کرده، اما سازوکارهای تضمین بلندمدت، مانند صندوق مالی یا بیمه، پیش‌بینی نشده است. در انگلستان، قانون ۲۰۰۲ با پیش‌بینی حمایت‌های مالی و خدمات پس از فرزندخواندگی، حقوق مالی کودک را در بلندمدت تضمین می‌کند. این تفاوت، نشان‌دهنده نیاز ایران به ایجاد سازوکارهای مالی پایدار است. یکی از نقاط ضعف نظام فرزندخواندگی در ایران، فقدان برنامه‌های آموزشی اجباری برای سرپرستان است. در انگلستان، آموزش‌های تخصصی روان‌شناختی و فرزندپروری برای والدین خوانده الزامی است، که به مدیریت نیازهای پیچیده کودکان کمک می‌کند. نبود چنین برنامه‌هایی در ایران، توانایی سرپرستان در تأمین نیازهای عاطفی و اجتماعی کودک را کاهش می‌دهد. فرزندخواندگی باز، که در انگلستان امکان ارتباط کنترل‌شده کودک با والدین طبیعی را فراهم می‌کند، در ایران به دلیل فقدان چارچوب قانونی وجود ندارد. این مدل می‌تواند با حفظ هویت کودک و تأمین نیازهای عاطفی او، به کاهش مشکلات روان‌شناختی کمک کند. پیشنهاد می‌شود که ایران با الگوبرداری از این مدل، سازوکارهایی برای ارتباط محدود با والدین طبیعی ایجاد کند.

نقش نهادهای مدنی در ایران در فرآیند فرزندخواندگی محدود است، در حالی که در انگلستان، سازمان‌های غیردولتی نقش مکملی در ارائه خدمات آموزشی و نظارتی دارند. تقویت مشارکت این نهادها در ایران می‌تواند با ارائه خدمات مشاوره‌ای و گروه‌های همیاری، حقوق کودک به محیط خانوادگی حمایت‌گر را بهبود بخشد. فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در ایران به دلیل نگرش‌های سنتی و کمبود اطلاعات، با چالش‌هایی مواجه است. در انگلستان، برنامه‌های رسانه‌ای و آموزشی، پذیرش اجتماعی فرزندخواندگی را تقویت کرده‌اند. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از رسانه‌ها و نظام آموزشی، نگرش‌های منفی را تغییر داده و حقوق کودک به کرامت و برابری اجتماعی را تأمین کند. فرزندخواندگی بین‌المللی در ایران به دلیل سکوت قانون‌گذار و محدودیت‌های فقهی، با موانع جدی مواجه است. در انگلستان، این نوع فرزندخواندگی تحت چارچوب‌های حقوقی مشخص و با رعایت کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ انجام می‌شود. هماهنگی بین‌المللی در این زمینه، می‌تواند دسترسی کودکان به خانواده‌های مناسب را افزایش دهد. یکی از چالش‌های مشترک در هر دو نظام،

ناهماهنگی در اجرای قوانین است. در ایران، موانع بوروکراتیک و کمبود منابع، فرآیند سرپرستی را کند می‌کنند، در حالی که در انگلستان، تأخیرهای ناشی از نظارت‌های گسترده گاه به طولانی شدن فرآیندها منجر می‌شود. این چالش‌ها، نیازمند اصلاحات هدفمند در هر دو نظام است.

اصلاح قوانین ایران با الهام از استانداردهای بین‌المللی، مانند کنوانسیون حقوق کودک، می‌تواند با تعریف دقیق مصلحت کودک و ایجاد سازوکارهای نظارتی قوی‌تر، حقوق کودک را تقویت کند. این اصلاحات باید با رعایت اصول فقهی، به‌گونه‌ای طراحی شوند که تعادل بین ارزش‌های دینی و نیازهای مدرن جامعه برقرار شود. استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مانند پایگاه ملی برای رصد وضعیت کودکان تحت سرپرستی، می‌تواند نظارت و هماهنگی را در ایران بهبود بخشد. انگلستان با بهره‌گیری از سامانه‌های دیجیتال یکپارچه، الگویی موفق در این زمینه ارائه داده که ایران می‌تواند از آن بهره‌برداری کند. ایجاد تیم‌های میان‌رشته‌ای، شامل حقوق‌دانان، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی، در ایران می‌تواند نظارت بر وضعیت کودکان را تخصصی‌تر کند. این تیم‌ها، با ارائه گزارش‌های جامع، به تصمیم‌گیری‌های قضایی مبتنی بر مصلحت کودک کمک می‌کنند و از نقض حقوق او جلوگیری می‌نمایند. تقویت خدمات پس از سرپرستی در ایران، مانند مشاوره‌های روان‌شناختی و حمایت‌های مالی، می‌تواند به کودکان در سازگاری با خانواده جدید کمک کند. انگلستان با ارائه این خدمات به‌صورت بلندمدت، الگویی موفق برای تأمین حقوق عاطفی و اجتماعی کودک ارائه داده است. تفاوت‌های فرهنگی در پذیرش فرزندخواندگی، به‌ویژه در ایران، نیازمند برنامه‌های آموزشی گسترده‌تر است. همکاری با نهادهای دینی و جوامع محلی می‌تواند با تأکید بر ارزش‌های اسلامی، مانند حمایت از ایتم، پذیرش اجتماعی این نهاد را افزایش دهد. در نهایت، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در ایران و انگلستان نشان می‌دهد که هر دو نظام، با وجود تفاوت‌های بنیادین، هدفی مشترک را دنبال می‌کنند: تأمین امنیت، رفاه و آینده‌ای بهتر برای کودکان. با این حال، ایران می‌تواند با الگوبرداری از برخی جنبه‌های نظام انگلستان، مانند نظارت تخصصی و خدمات آموزشی، نظام سرپرستی خود را تقویت کند.

✓ ایجاد پایگاه داده ملی برای رصد کودکان تحت سرپرستی: با الگوبرداری از نظام انگلستان (قانون فرزندخواندگی و کودکان ۲۰۰۲)، پیشنهاد می‌شود سازمان بهزیستی ایران یک سامانه دیجیتال یکپارچه برای ثبت و نظارت بر وضعیت کودکان تحت سرپرستی ایجاد کند. این پایگاه داده باید شامل اطلاعات حقوقی، آموزشی، سلامت روان و شرایط خانوادگی کودک باشد و با دسترسی محدود برای نهادهای نظارتی (مانند بهزیستی و دادگاه‌های خانواده) طراحی شود. این سامانه می‌تواند هماهنگی بین نهادها را بهبود بخشد، نظارت مستمر را تسهیل کند و از نقض حقوق کودک جلوگیری نماید.

✓ طراحی برنامه‌های آموزشی اجباری برای سرپرستان: قانون ایران (۱۳۹۲) هیچ الزامی برای آموزش سرپرستان پیش‌بینی نکرده است. پیشنهاد می‌شود که سازمان بهزیستی با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز روان‌شناسی، دوره‌های آموزشی اجباری برای سرپرستان طراحی کند. این دوره‌ها باید موضوعاتی مانند مدیریت نیازهای روانی کودکان با پیشینه‌های آسیب‌زا، مهارت‌های فرزندپروری و آگاهی از حقوق قانونی کودک را پوشش دهند. این برنامه‌ها می‌توانند کیفیت مراقبت از کودکان را افزایش داده و حقوق آن‌ها به محیط خانوادگی امن را تضمین کنند.

✓ اصلاح قانون برای تضمین حقوق مالی پایدار کودک: قانون ۱۳۹۲ سرپرستان را به تأمین مخارج کودک ملزم کرده، اما سازوکارهای بلندمدت برای تضمین این تعهد وجود ندارد. پیشنهاد می‌شود که قانون با الزام سرپرستان به ایجاد صندوق مالی یا بیمه‌ای خاص برای کودک اصلاح شود، که تحت نظارت سازمان بهزیستی و تأیید قضایی مدیریت گردد. این صندوق می‌تواند حقوق کودک به آموزش، سلامت و رفاه را در شرایط بحرانی (مانند فوت سرپرست) تضمین کند.

✓ تقویت مشارکت نهادهای مدنی در فرآیند سرپرستی: قانون کنونی ایران نقش محدودی برای سازمان‌های غیردولتی قائل شده است. پیشنهاد می‌شود که با اصلاح قانون و ایجاد مشوق‌های مالیاتی، زمینه مشارکت فعال این نهادها در ارائه خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و نظارتی فراهم شود. این سازمان‌ها می‌توانند گروه‌های همیاری برای سرپرستان تشکیل دهند

و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، به کاهش انزوای سرپرستان و تقویت حقوق کودک به پذیرش اجتماعی کمک کنند.

✓ ترویج فرزندخواندگی باز با نظارت قضایی: با الهام از مدل فرزندخواندگی باز در انگلستان، پیشنهاد می‌شود که قانون ایران امکان ارتباط کنترل‌شده کودک با والدین طبیعی را تحت نظارت مددکاران اجتماعی و با توجه به مصلحت کودک فراهم کند. این ارتباط می‌تواند از طریق جلسات محدود یا تبادل اطلاعات تنظیم شود تا حقوق کودک به حفظ هویت و پیوندهای عاطفی تأمین گردد، در حالی که با اصول فقهی نیز سازگار باشد.

پیشنهادهای پژوهشی

✓ بررسی تأثیر آموزش‌های تخصصی سرپرستان بر کیفیت مراقبت از کودکان: پژوهشی میدانی برای ارزیابی تأثیر برنامه‌های آموزشی تخصصی (مانند مدیریت تروما و مهارت‌های فرزندپروری) بر عملکرد سرپرستان در ایران پیشنهاد می‌شود. این مطالعه می‌تواند با مقایسه گروه‌های آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده، اثربخشی این برنامه‌ها را در بهبود حقوق کودک به محیط خانوادگی امن بررسی کند و الگویی برای سیاست‌گذاری ارائه دهد.

✓ تحلیل تطبیقی فرزندخواندگی بین‌المللی در ایران و کشورهای اسلامی دیگر: با توجه به سکوت قانون‌گذار ایران در زمینه فرزندخواندگی بین‌المللی، پژوهشی تطبیقی پیشنهاد می‌شود که رویکرد کشورهای اسلامی دیگر (مانند ترکیه یا مالزی) را در این حوزه بررسی کند. این مطالعه می‌تواند راهکارهایی برای تدوین چارچوب‌های حقوقی هماهنگ با موازین اسلامی در ایران پیشنهاد دهد.

✓ مطالعه تأثیر فرهنگ‌سازی رسانه‌ای بر پذیرش اجتماعی فرزندخواندگی: پژوهشی پیشنهادی برای بررسی تأثیر کمپین‌های رسانه‌ای و برنامه‌های آموزشی در تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به فرزندخواندگی در ایران. این مطالعه می‌تواند با تحلیل داده‌های نظرسنجی و مصاحبه‌های کیفی، راهکارهایی برای کاهش انگ اجتماعی و تقویت حقوق کودک به کرامت اجتماعی ارائه کند.

✓ ارزیابی تأثیر نظارت قضایی پس از سرپرستی بر حقوق کودک: پژوهشی برای بررسی کارآمدی نظارت قضایی پس از واگذاری سرپرستی در ایران پیشنهاد می‌شود. این مطالعه

می‌تواند با تحلیل پرونده‌های قضایی و گزارش‌های بهزیستی، نقاط ضعف نظارت کنونی را شناسایی کرده و پیشنهادهایی برای ایجاد شعب تخصصی قضایی ارائه دهد.

✓ بررسی تأثیر شبکه‌های حمایتی محلی بر کاهش انزوای سرپرستان: پژوهشی میدانی برای ارزیابی تأثیر تشکیل شبکه‌های حمایتی محلی (مانند گروه‌های همیاری) بر کاهش انزوای سرپرستان و بهبود کیفیت مراقبت از کودکان پیشنهاد می‌شود. این مطالعه می‌تواند با تمرکز بر مناطق محروم، راهکارهایی برای تقویت مشارکت جوامع محلی ارائه دهد.

✓ تحلیل تطبیقی آثار حقوقی فرزندخواندگی باز در نظام‌های حقوقی مختلف: پژوهشی پیشنهاد می‌شود که آثار حقوقی و اجتماعی فرزندخواندگی باز (ارتباط کنترل‌شده با والدین طبیعی) را در انگلستان و سایر نظام‌های حقوقی (مانند کانادا یا استرالیا) بررسی کرده و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران با رعایت اصول فقهی را تحلیل کند. این مطالعه می‌تواند به تدوین چارچوب‌های حقوقی برای حفظ هویت کودک کمک کند.

فهرست منابع

منابع داخلی

- ابدالی، مهرزاد. (۱۳۷۴). حقوق کودک در کنوانسیون بین‌المللی و تطبیق آن با حقوق اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ابول‌تختی، سیمین دخت و سوادکوهی ماهفروجکی، صالح، ۱۴۰۲، قوانین فرزندخواندگی در ایران و راهکار برای کاهش جرم آن‌ها در آینده، دومین کنفرانس ملی آسیب‌های اجتماعی و روانی با تأکید بر علوم رفتاری، شیراز.
- ارسطویی مرجان. ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان. فصلنامه حقوق کودک. ۱۳۹۹؛ ۲ (۶): ۱۰۹-۱۴۳.
- ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۶)، ص ۱۰۹ -

- ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲ (۸)، ص ۱۱۱-۱۴۵.
- ارفع نیا، بهشید، جرفی، هادی، وضعیت حقوقی فرزند خواندگی در حقوق ایران، مقررات بین‌المللی و تعارض قوانین، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، مقاله ۱، دوره ۸، شماره ۲۸، ۱۳۹۴.
- افشارقوچانی، زهره (۱۴۰۰). «مسئله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه های حقوقی، ۴ (۱۰)، ص ۳۷-۷.
- امامی، ا. (۱۳۷۸) "وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران"، پژوهش های فلسفی - کلامی، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۲۲-۳۳.
- امامی، اسد الله. (۱۳۷۸). وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران، پژوهش های فلسفی - کلامی، شماره ۲.
- امامی، اسدالله، (۱۳۴۹)، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، تهران.
- امامی، اسدالله، (۱۳۸۱)، «حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، جلد دوم.
- امامی، اسدالله، وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- امیراسمعیلی زاده، ابوالفضل و مسلمی مهنی، مهلا و نقیب، آسیه، ۱۴۰۳، تحلیل و بررسی حقوقی فرزند خواندگی و حقوق کودکان بی سرپرست، نوزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان.
- امیری، اسفندیار. (۱۳۷۲). مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- امینی ع. (۱۳۷۶). فرزندخواندگی در حقوق ایران. روزنامه رسمی اطلاعات. شماره ۲۱۲۸۶: ۱۴-۱۲/
- انصاری، الهه، ۱۳۹۸، مطالعه ی تطبیقی حقوق کودک در نظام حقوقی ایران و انگلستان، هجدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش های نوین در علوم و فناوری.

- آبرون تن، منیژه (۱۳۹۳). فرزندخواندگی با عنایت به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- آفرینش، علی اصغر و عسکری، فرزاد، ۱۴۰۳، حقوق کودک در قوانین ایران و کنوانسیون های جهانی، اولین همایش ملی تاثیر متقابل حقوق بین الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، گرگان
- آقا بابایی، سید حسن. (۱۳۹۷) بررسی فقهی و حقوقی فرزند خواندگی با تاکید بر قانون جدید. موسسه آموزش عالی پارسا.
- بروجردی عبده، م. (۱۳۳۹) "کلیات حقوق اسلامی" (چاپ دوم)، انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیرتاش، شیرین؛ افتخارجهرمی، گودرز؛ صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۹، فرزندخواندگی در پرتو قوانین داخلی و رویه قضایی محاکم انگلستان، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۳.
- بهرامی، ستار و ره انجام، حمیده، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۴
- بهنام پور، ماهرخ. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی ازدواج با فرزند خوانده در قانون جدید کودکان بی سرپرست با فقه امامیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی، دانشکده حقوق، رشته حقوق.
- بهنود، یوسف. احوال شخصیه از دیدگاه قوانین، انتشارات انزلی، ۱۳۶۹.
- پارسا، محمدرضا. (۱۳۹۱). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- پارساپور، محمدباقر؛ نوربخش، سوسن، معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون های حقوق کودک، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۵،
- پاکزاد، مهرداد؛ عالم زاده، محمد؛ مهدی پور، محمد، ۱۴۰۱، تعارض فرزندخواندگی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۷۱.
- پورقهرمانی گل تپه، بابک. ۱۳۸۳ «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»، رواق اندیشه، ش ۲. ص ۱۹
- پیداورد، لیلا رضییان ده مومیان. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی چالش های حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان. کارشناسی ارشد، حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.

- پیرهادی، محمدرضا، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و آمریکا به انضمام قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، چاپ اول، مرز دانش، تهران، ۱۴۰۰
- ترازوی، سکینه، بررسی فرزند خواندگی در حقوق ایران و انگلستان، سوئد، پیام آموزش، شماره ۳۸.
- تقی زاد، سحر و الهامی، پریسا، ۱۴۰۳، فرزندخواندگی در حقوق ایران، هفتمین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در حقوق، علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران.
- تقی زاد، سحر و الهامی، پریسا، ۱۴۰۳، فرزندخواندگی در حقوق ایران، هفتمین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در حقوق، علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران.
- توریان، علی. (۱۳۸۱). بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی و تحویل اطفال به دیگری. نشریه پیام آموزش، شماره ۳۵ و ۳۶.
- توسلی نائینی، منوچهر و امیرنیرومند، مرضیه، ۱۳۹۱، فرزندخواندگی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، ماهنامه دادرسی، شماره ۹۱.
- توسلی نائینی، منوچهر، فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و مقایسه آن با حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴، صص ۸۹-۱۱۰
- جعفری، یعقوب، فرزندخواندگی از دیدگاه اسلام، نشریه درسهای از مکتب اسلام، ۱۴۰۱، ۷۳۹.
- جوادیری، سید علی. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی پایان سرپرستی و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه، انگلستان و ایران. حقوق تطبیقی، جلد ۱۹، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۲۰-۱۳۰.
- جهانگیر، منصور، ۱۳۸۶، قانون حمایت از خانواده، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، تدوین، تهران، نشر دوران.
- چنگیزی راد، داود. (۱۳۹۸) ماهیت حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران. دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکده علوم انسانی.
- حاجی آقا بزرگی، مونا (۱۳۹۳). بررسی چالشهای فقهی حقوقی سرپرستی کودکان بی سرپرست و بد سرپرست با رویکردی بر قانون جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- حسن زاده، محمدامین، ۱۴۰۲، نظارت بر کار کودک در جمهوری اسلامی ایران در پرتو کنوانسیون حقوق کودک، دومین کنفرانس ملی مطالعات بنیادین فقهی، حقوقی: نظریه ها، رویکردها و چالش ها، مشهد.
- حسینی، عزت السادات و قاسمی، محسن، ۱۳۹۶، بررسی فرزندخواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، مشهد.
- حیدری، مرضیه و بذر باج، حمید و قدیری، علیرضا و محمدی قلعه نی، علی اکبر، ۱۴۰۴، مطالعه تطبیقی حقوق و تکالیف والد-فرزندی در تکنیکهای مختلف کمک باروری (Assisted Reproductive Technology) در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس، چهارمین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، تهران.
- خاکزاد رستمی، سارا، ۱۴۰۳، روابط غیرمالی فرزندخواندگی از منظر فقه و حقوق، نخستین کنگره ملی توسعه پایدار و مسئولیت های اجتماعی: چالش ها و راهکار ها، شیراز.
- خاکساری، سمیرا، ۱۳۸۸، بررسی تطبیقی حقوق کودک در فقه امامیه و کنوانسیون حقوق کودک، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء علیها السلام.
- خانلری بهنمیری، حسین، حقوق مدنی والدین در حقوق کنونی، فصلنامه دبدگاه های حقوقی، پائیز ۱۳۹۰، شماره ۵۵، ص ۶۴-۲۷.
- خلجانی تفرشی، سلیمه (۱۳۹۸). جایگاه فرزندخواندگی بین کشوری در اسناد حقوقی بین المللی و نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه بهشتی تهران.
- خنجری علی آبادی، امین؛ سیفی علمی، یعقوب. (۱۳۹۶). بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران. فصلنامه علمی - حقوقی قانونی، دوره ۱، صص: ۳۳-۱۱.
- دارایی، محمدهادی، ناصر، مهدی، رضایی، مجید، باز پژوهشی در تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج با فرزندخوانده با رویکردی بر نظرات امام خمینی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۸.
- دانشور، سهراب، ۱۴۰۳، مروری بر تحولات احکام فرزندخواندگی در حقوق ایران، بیست و هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم و فناوری، کرمان.
- دلمی، حسین، ۱۴۰۰، بررسی تحلیلی فرزندخواندگی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن با سایر کشورها، ماهنامه پایش شهر، دوره: ۳، شماره: ۳۴.

- دلیر نقی نیا، م ت (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر رفتار خانواده‌های نابارور در ارتباط با فرزندخواندگی. پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- دیانی، عبدالرسول، ۱۳۷۸، حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- رزاقی، رضا (۱۳۸۵). چکیده‌های درباره فرزندپذیری (فرزندخواندگی)، تهران: اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
- رستم‌پور، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی مسأله فرزندخواندگی در فقه و حقوق موضوع ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته فقه و حقوق اسلامی.
- رضانیا، نیما و فرهادی، صالح، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، هشتمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان.
- رضوانی مفرد، احمد و ظفری، مزده، ۱۳۹۴، تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۲.
- رضوانی مفرد، احمد؛ ظفری، مزده، تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست، مجله دانش حقوق مدنی، پاییز و زمستان ۹۴، شماره ۸.
- رضوی نژاد، سیده الن، معین، وحید، بررسی تحولات مثبت در قوانین فرزندخواندگی، مطالعات حقوق، سال ششم، ۱۴۰۱. ص ۲۰
- روحانی، سیده روشنا، ۱۴۰۲، ارزیابی حقوقی موضوع فرزند خواندگی در قانون حمایت از کودکان در ایران، سومین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، تهران.
- روشن، محمد، غدیری، ماهرو (۱۳۹۲). فرزندخواندگی و حق بر خانواده در پرتو مصالح عالیله کودک، ویژه نامه شماره ۱۴، مجله تحقیقات حقوقی.
- روشن، محمد، غدیری، ماهرو (۱۳۹۲). فرزندخواندگی و حق بر خانواده در پرتو مصالح عالیله کودک، ویژه نامه شماره ۱۴، مجله تحقیقات حقوقی.

- زرگوش نسب، عبدالجبار. باقری، پرویز. (۱۳۹۸) واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. دوره ۶، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۹. صفحه ۵۷-۸۶
- سلطان نیا، آفاق (۱۳۹۵). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران. ص ۴۴.
- سلطان نیا، آفاق، ۱۳۹۸، مقایسه، بررسی و تحلیل شرایط و احکام فرزند خواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان، فصلنامه مطالعات حقوق، دوره: ۳، شماره: ۳۱
- شاهرخ مامی، ۱۳۹۳، بررسی حقوقی فرزندخواندگی با تکیه بر قوانین حمایت از کودکان در ایران، استاد راهنما: دکتر طیب افشارنیا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- شریعتی نسب، صادق. (۱۳۹۵ش)، فرزندخواندگی، انتشارات شهردانش، چاپ دوم.
- صادقی مقدم، م.ح. شریعتی نسب، ص. (۱۳۹۱) "مطالعه تطبیقی انفاق در فرزند خواندگی در حقوق ایران و فرانسه"، نشریه نامه مفید، سال ۹، شماره ۹۴، صص ۱۳۹-۱۶۰.
- صادقی مقدم، محمدحسن و صادق شریعتی نسب، مطالعه تطبیقی انفاق در فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان، نامه ی مفید حقوق تطبیقی، ۹۴، ج ۸، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- صالحی، حمیدرضا؛ باقری مطلق، نرگس. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و فرانسه با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳. دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۱، شماره ۶۴، صص: ۸۵-۱۰۷.
- صبحی، ع.ا. (۱۳۴۹) "سیری در جامعه شناسی ایران"، کتابفروشی دهخدا.
- صدری، سیدمحمد؛ ارشدی، محمدیار؛ بادینی، حسن؛ عباسی، ثمین (۱۳۹۳) «حضانت طفل در فقه و حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق انگلستان». دو فصلنامه دانش حقوق مد ن ی، ۳ (۱)، صص ۳۵-۴۷
- صغیری، نسیم، ۱۴۰۲، مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان در فقه و حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره: ۱۶، شماره: ۳. ص ۴
- صفایی، حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۸۲. حقوق خانواده قرابت و نسب و آثار آن، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران.

- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسد الله، (۱۳۸۵ش)، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر دادگستر.
- صوف باف، سیدمرتضی و حجتی نسب، مرتضی و خانی، امیر، ۱۴۰۱، شرایط و آثار فرزند خواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، اولین همایش ملی تحولات قانونگذاری در زمینه استحکام خانواده و مدیریت اختلافات، دامغان.
- صوف باف، سیدمرتضی و حجتی نسب، مرتضی و خانی، امیر، ۱۴۰۱، شرایط و آثار فرزند خواندگی در حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، اولین همایش ملی تحولات قانونگذاری در زمینه استحکام خانواده و مدیریت اختلافات، دامغان.
- طاهری نیا، احمد ۱۳۸۳ «پژوهشی در حقوق کودک»، فقه، ش ۴۱. ص ۴۰
- ظفری، مزده؛ خدایی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده. مبانی فقهی حقوق اسامی، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۹۸-۷۷.
- عابدخراسانی، محمودرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر حقوق کودک، مطالعه تطبیقی در نظامهای ملی و بین‌المللی، تهران: میزان.
- عابدخراسانی، محمودرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر حقوق کودک، مطالعه تطبیقی در نظامهای ملی و بین‌المللی، تهران: میزان.
- عالمی طامه، حسن، (۱۳۹۱)، فرزند خواندگی در اسلام، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عاملی، ب. (۱۳۵۰) "حقوق خانواده"، مدرسه عالی دختران ایران.
- عباسی، ساره. (۱۴۰۲) فرزند خواندگی در دین اسلام، یهود و مسیحیت. دانشگاه پیام نور استان بوشهر، مرکز پیام نور بوشهر.
- عبداللهی، محمد، ۱۴۰۱، بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزند خواندگی در حقوق ایران. فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، دوره: ۷، شماره: ۲۵.
- عزیزی، شیرین. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت حقوقی و شرعی ازدواج فرزند خوانده با سرپرست خود در حقوق ایران. کنگره بین‌المللی جامع حقوق ایران، برگزاری بصورت و بینار، موسسه نمودار توسعه داتیس.
- علمی، امید، حقوق و تکالیف متقابل فرزندخوانده و ناپدری و نامادری در حقوق ایران و فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ۱۳۹۶.

- غدیری، ماهر. فریدزاده، غزاله. (۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی قوانین ایران، انگلستان و آلمان درباره ازدواج با فرزندخوانده. دوره ۱۱، شماره ۲. پاییز و زمستان. صفحه ۶۵۹-۶۸۵
- غمامی، سید محمد مهدی، فرزند خواندگی در خانواده رومی - ژرمنی با بررسی تطبیقی در حقوق آلمان و فرانسه، ماهنامه کانون، ۱۳۸۹.
- فاضل لنکرانی، قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران، معاونت حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۹، ۱۲.
- الفت، نعمت اله و جواهری، سیدعلی، ۱۴۰۲، مطالعه تطبیقی پایان سرپرستی و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۲۰.
- فدوی، سلیمان، تعارض قوانین در فرزند خواندگی، ماهنامه کانون، ش ۵۶، ۱۳۸۴.
- فوجتانی، زهرا. (۱۴۰۰). مسأله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلستان و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۴، شماره ۱۰، صفحات ۷-۳۸.
- فهیمی، زهره. (۱۴۰۲) بررسی احکام مربوط به فرزند خواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران. دانشگاه پیام نور استان بوشهر، مرکز پیام نور بوشهر.
- قادری، سلمان (۱۳۹۶). فرزندخواندگی، چاپ دوم، تهران: آرون.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی خانواده: اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان، جلد دو، چاپ ششم، تهران: برنا.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، چاپ نهم، میزان، تهران، ۱۳۹۶.
- کار، مهر انگیز، «ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران»، نشر روشنگران و مطالعات زنان چاپ اول، ۱۳۷۸.
- کارتوزیان، ناصر، ۱۴۰۲، حقوق مدنی خانواده، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- کرد زاده، زهرا، ۱۴۰۱، فرزندخواندگی و ولایت پذیری او از والدین در فقه و حقوق، دوازدهمین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و علوم قضایی.
- کفترودی، لایلا، ضابطه های مصلحت کودک در حقوق خانواده، فقه و روانشناسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ۱۳۹۶
- کیافر، سهراب و غفوری، پژمان، ۱۴۰۴، بررسی روند فرزندخواندگی در حقوق ایران و کاستی های قوانین مربوطه، بیستمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

- کیافر، سهراب و غفوری، پژمان، ۱۴۰۴، بررسی روند فرزندخواندگی در حقوق ایران و کاستی های قوانین مربوطه، بیستمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
- لرجوری، عاطفه و عباسی، مصطفی، ۱۳۹۸، بررسی حقوق کودک از منظر قوانین داخلی و بین المللی، کنفرانس ملی ایده های نوین و پژوهش های کاربردی در علوم انسانی، رشت.
- لطفی، اسدالله، ۱۳۸۹، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی حقوقی حقوق خانواده، جلد دوم، چاپ اول، خرسندی، تهران، ۱۳۸۹.
- لیوینگستن، کارول، (۱۳۸۱)، حمایت آن لاین از کودکان، ترجمه: دزیانی، محمد حسن، خبرنامه انفورماتیک، شماره ۸۸.
- مبین، حجت، تحولات فرزندخواندگی در اسلام، حقوق ایران و انگلستان، نشریه حقوقی گواه، شماره ۴-۵، ۱۳۸۵.
- متولی، محمد. (۱۳۷۹) قانون حاکم بر فرزند خواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران. ص ۳۲.
- متولی، محمد. (۱۳۷۹). قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران. مجله تحقیقات حقوقی، ۱۷۰.
- متولی، محمد، ۱۳۷۹، «قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران»، سایت قوانین، شماره صد و هفتاد.
- محسنی تبریزی، علیرضا (بی تا) بررسی وضعیت کودکان بی سرپرست در ایران، فصلنامه تامین اجتماعی، سال سوم، شماره ۲۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، ۱۳۸۶، ۱۳.
- محلاتی، شهربانو (۱۳۸۶). بررسی قوانین فقهی _حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی شبر.
- محمدی، اصغر، امتیازات حقوق کودک از دیدگاه اسلام نسبت به پیمان نامه ی حقوق کودک سازمان ملل، نشریه ابرار، ش ۱۲۵۴.
- محمدی قوام، مریم، فرزندخواندگی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کرمان، ۱۳۹۴.

- محمدیان نصرآبادی، سیدابراهیم، ۱۴۰۱، حمایت از کودکان بزه دیده در حقوق ایران و انگلستان، یازدهمین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی
- مدیرنیا، سیدجواد. (۱۳۸۸). حقوق کودک، حضانت اطفال در حقوق مدنی ایران- اسلام و فرانسه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مژگان، غلامرضا، (۱۳۸۹ش)، بررسی نسب فرزند خواندگی در اسلام و جهان، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور.
- مقدسی، یوسف و نورمحمدی، حبیب، ۱۴۰۳، بررسی احکام فرزند خواندگی در فقه امامیه، اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی، ساری.
- مکی، زهرا السادات و کشکولیان، اسماعیل و مکی، اکرم السادات، ۱۴۰۲، آثار فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه قضاوت، دوره: ۲۳، شماره: ۱۱۴.
- ملاحی، نجمه. (۱۴۰۱) بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزند خواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم انسانی.
- ملایی، فهیمه، بررسی فقهی حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، ۱۳۹۰، پایان نامه، دانشگاه پیام نور ساری، ص ۹۱-۱۰۳.
- ملک، هادی و فقیه حبیبی، علی و معصومی، محمد مهدی، ۱۴۰۲، فرزندخواندگی در ایران: چارچوب قانونی، نگرش ها و عملکردهای فرهنگی، ششمین کنگره ملی آنالیز داده ها در علوم انسانی، تهران.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸) «بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات فقهی- حقوقی و اجتماعی، ج ۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهابادی، حمید رضا، ۱۳۸۵، پایان نامه فرزندخواندگی و مطالعه تطبیقی با حقوق آمریکا، دانشگاه آزاد اسلامی دامغان.
- نبی زاده، سیدزهره (۱۳۹۰). بررسی فرزندخواندگی در فقه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان.
- نظری، ایران دخت "حمایت از کودکان بی سرپرست" ندای صادق، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲.

- نقیبه، سید مهدی، کاظمی، محمد و زارعی، غلامرضا. (۱۳۹۸). ماهیت فرزند خواندگی از منظر فقه و حقوق. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام.
- نگهبان پیری، مرتضی. (۱۳۹۸) فرزند خواندگی در فقه و قانون ایران با تاکید بر آیات قرآن. دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی.
- نگهبان پیری، مرتضی، فرزندخواندگی در فقه و قانون ایران با تاکید بر آیات قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مشهد، ۱۳۹۹
- نوریان، علی، ۱۳۹۲، بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی، هفته نامه تخصصی پیک، منتشر در پیام آموزش شماره ۳۵ و ۳۶،
- واحدی، مصطفی. (۱۳۷۹). حقوق خانواده در سوئد. چ ۱، تهران: گنج دانش. مقالات: امامی، اسدالله. (۱۳۷۸). وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۲(۲)، ۴۳-۶۹.
- وارسته، ح. (۱۳۹۰) "فرهنگ جامع حقوقی" (چاپ دوم)، انتشارات امیرکبیر.
- همانلو، لیلا (۱۳۹۳). احکام و آثار فرزند خواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- هیات پژوهشگران کاو اندیش. ۱۳۸۷. نظام حقوقی انگلستان. ترجمه نسرين مهرا. تهران. انتشارات میزان

منابع لاتین

- Bilson, A., & Munro, E. H. (2019). Adoption and child protection trends for children aged under five in England: Increasing investigations and hidden separation of children from their parents. *Children and Youth Services Review*, 96, 204-211.
- Bramlett, M. D., Radcliff, L. F., & Blumberg, S. J. (2007). The health and well-being of adopted children. *Pediatrics*, 119(Supplement_1), S54-S60.
- Brodzinsky, D., Gunnar, M., & Palacios, J. (2022). Adoption and trauma: Risks, recovery, and the lived experience of adoption. *Child abuse & neglect*, 130, 105309.
- Bromley, P. (1992) *Family Law*, London, Butterworths.
- Brown, W.J (2005) *GCSE Law* (9th edn), London, Sweet and maxwelman.
- Carrabine, E. (2010). Youth justice in the United Kingdom. *Essex Human Rights Review*, 7(1), 12-24.

- Douglas, Gillian (2016), "The Changing Concept of 'Family' and Challenges for Family Law in England and Wales", in: *European Family Law*, by Jens M. Scherpe (ed), Vol: II, UK: Edward Elgar Publishing.
- Forrester, D., Goodman, K., Cocker, C., Binnie, C., & Jensch, G. (2009). What is the impact of public care on children's welfare? A review of research findings from England and Wales and their policy implications. *Journal of Social Policy*, 38(3), 439-456.
- Francois Mignit, Jean, 2017, *Full Adoption in England and Wales and France: A Comparative History of Law and Practice*.
- Johnston, D. (2004) *Roman Law in Context*, London, Cambridge University Press.
- Keating, J. (2023). *Adoption in England and Wales: a brief history*. In *Research Handbook on Adoption Law* (pp. 14-36). Edward Elgar Publishing.
- Keating, J. (2023). *Adoption in England and Wales: a brief history*. In *Research Handbook on Adoption Law* (pp. 14-36). Edward Elgar Publishing.
- Lowe, Nigel and Douglas, Gillian (2014), *Bromley's Family Law*; Eleventh Edition, Oxford University Press.
- Lyttle, E., McCafferty, P., & Taylor, B. J. (2024). Experiences of adoption disruption: Parents' perspectives. *Child care in practice*, 30(3), 333-352.
- Meakings, S., Ottaway, H., Coffey, A., Palmer, C., Doughty, J., & Shelton, K. (2018). The support needs and experiences of newly formed adoptive families: Findings from the Wales Adoption Study. *Adoption & Fostering*, 42(1), 58-75.
- Probert, R. (2011) *Family Law in England and Wales*, London, Wolters Kluwer.
- Selwyn, J. (2023). Outcomes for children adopted from care in the UK. In *Research Handbook on Adoption Law* (pp. 228-247). Edward Elgar Publishing.
- Sharon detrick and paul vlaarding erbroek .Globalization of childlaw .martinus pub , 1999.P. 15
- Thoburn, J. (2021). *Adoption from care in England: learning from experience*. In *Adoption from Care* (pp. 17-32). Policy Press.
- Welbourne, P. (2002). Adoption and the rights of children in the UK. *Int'l J. Child. Rts.*, 10, 269.

Abstract

Adoption, as one of the legal institutions with deep historical and social roots, holds a prominent position in various legal systems around the world. This institution, which has long been proposed as a solution for protecting orphaned or care-needing children, has developed its own specific characteristics and rules in each legal system according to the cultural, religious, and social structures of that society. A comparative study of adoption in Iranian and English law provides a unique opportunity to analyze and compare two legal systems with completely distinct backgrounds. The purpose of this research is to conduct a comparative study of adoption in Iranian and English law. The method of this research is descriptive-analytical. In this study, a comparative method has been used to compare the legal systems of Iran and England. Data analysis has been conducted with reference to jurisprudential sources, civil laws, and international documents to examine the differences and similarities of adoption. The comparative study of adoption in Iranian and English law demonstrates profound differences in legal and cultural foundations. In Iran, jurisprudential limitations have led to an emphasis on temporary guardianship, while England, with complete adoption, comprehensively ensures children's rights. Iran's challenges include the lack of effective supervision, guardian training, and sustainable financial support. Legal reforms, strengthening supervision, and cultural development can improve children's rights in Iran.

Keywords: Adoption, Children's Rights, Iran, England



Islamic Azad University

Department

Thesis for a Master's Degree

in

Discipline

Title:

"A Comparative Study of Adoption in Iranian and English Law"

Supervisor:

Author:

.....

2025